

# اسرار موعود

بررسی و تحلیل برهان معجزه بر امامت ولی عصر علیه السلام / علی ربی گلپایگانی

شناختنامه زیارت آل یاسین / روح الله شاعدی، میداسحاق حسینی کوهساری

ویژگی‌های شخصی حضرت مهدی علیه السلام در ادعیه و زیارات / میدمجیب معنوی

کاوشی در دعای فرج / زهرا بنویدی

مقایسه گونه‌شناسی موعود مسیحیت با موعود شیعه / موسی جوانشیر

بررسی نشانیات کار ویژه‌های حکومت موعود در اندیشه شیعه و یهود / سعیده معین نجف‌آبادی

بررسی جریان جدید مدعی یمنی (احمد الحسن) / محسن حیدری آل کثیری، حجت حیدری چرانی



صاحب امتیاز:  
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود  
مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

مدیر مسئول: حجت الاسلام و المسلمین محسن قرآتی  
سرمدییر: حجت الاسلام دکتر روح‌الله شاکری زواردهی



#### هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

بهروز لک، غلامرضا (استادیار دانشگاه باقر العلوم علیه السلام) / جباری، محمدرضا (دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام) / خسروپناه، عبدالحسین (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / رضائزاد، عزالدین (استادیار جامعه المصطفی العالمیه) / رضایی اصفهانی، محمدعلی (دانشیار جامعه المصطفی العالمیه) / زارعی متین، حسن (استاد دانشگاه تهران) / شاکری زواردهی، روح‌الله (استادیار دانشگاه تهران) / عیوضی، محمدرحیم (دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی علیه السلام) / کرمی، رضا علی (استادیار دانشگاه پیام نور) / کلباسی، حسین (دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی) / کلباسی، مجتبی (استاد حوزه و دانشگاه) / محمدرضایی، محمد (دانشیار دانشگاه تهران)

#### همکاران پژوهشی:

نصرت‌الله آیتی - محمداصابر جعفری - رحیم کارگر - سیدرضی موسوی گیلانی - محمدرضا نصوری

مدیر داخلی: احمد مسعودیان

همکاران این شماره: عباس بیات، عبدالحمید قجر

ویراستار: محمدرضا مجیری؛ صفحه‌آرا: رضا فریدی

مترجم انگلیسی: اکبر فرجام فرد

مترجم عربی: فاضل سعدی

تلفن: ۰۲۵۱۷۷۳۳۷۸۰۱ - شماره: ۰۲۵۱۷۷۳۳۷۱۶۰

آدرس سایت: [www.entizar.ir](http://www.entizar.ir)

ایمیل: [entizarmag@gmail.com](mailto:entizarmag@gmail.com)

[Type.markaz@yahoo.com](mailto:Type.markaz@yahoo.com)

قیمت: ۲۰/۰۰۰ ریال

نشانی: قم، خیابان شهداء (صفائیه)، کوچه آمار، مرکز تخصصی مهدویت، دفتر فصلنامه انتظار موعود علیه السلام

#### فصلنامه «انتظار موعود علیه السلام»:

فصلنامه‌ای ویژه فرهنگ مهدویت بوده و از مقاله‌های علمی استقبال می‌نماید. مقاله‌های رسیده پس از ارزیابی علمی چاپ خواهد شد. فصلنامه در ویرایش مطالب آزاد است.

رعایت شیوه‌نامه مندرج در صفحه بعد الزامی است.

نظرات مندرج لزوماً نشانه دیدگاه فصلنامه نیست. نقل و اقتباس با ذکر نام فصلنامه آزاد است.

## راهنمای ارسال مقالات به فصلنامه انتظار موعود ﷺ

- «فصلنامه انتظار موعود ﷺ» نشریه‌ای علمی تخصصی است که به صورت تخصصی در حوزه معارف مهدوی به منظور ارتقای علمی معارف مهدوی و ایجاد فضای نقد و بررسی بین محققان و اندیشمندان حوزه مهدویت به نشر مقالات علمی - پژوهشی می‌پردازد. مخاطبان اصلی نشریه متخصصان و صاحب نظران معارف مهدوی بوده و فصلنامه تلاش می‌کند آخرین دست آوردهای علمی را در این زمینه به جامعه دینی عرضه نماید. مقالاتی در این نشریه منتشر خواهد شد که به تأیید ارزیابان علمی مجله رسیده و دارای شرایط زیر باشد:
۱. مسأله محور بوده و بر یک موضوع خاص تمرکز نموده باشد؛
  ۲. دارای قدرت استدلال بوده و تبیینی باشد؛
  ۳. مستند به منابع معتبر اسلامی و به ویژه معارف اهل بیت علیهم السلام باشد؛
  ۴. دارای نوآوری و ابتکار در تبیین آموزه‌های مهدوی بوده و تبیینها و استدلالهای جدیدی در عرصه مهدویت عرضه نماید؛
  ۵. به شبهات و مسائل علمی پیشروی جامعه اسلامی پاسخ دهد.

### مقاله باید از نظر ساختاری دارای شرایط ذیل باشد

- الف. مشخصات مقاله: در صفحه نخست باید عنوان دقیق مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان، رتبه علمی، تلفن و ایمیل درج شود؛
- ب. چکیده: حداکثر در ۱۵۰ کلمه که حاوی مسأله مقاله و مهمترین نتایج مقاله باشد؛
- ج. کلید واژه: (کلمات اصلی و کلیدی مقاله جهت نمایه)؛
- د. تیتراهای اصلی و فرعی مقاله مشخص شود؛
- ه. نتیجه گیری مطالب در انتهای مقاله، در ۱۰ الی ۱۵ سطر ذکر شود؛
- و. شیوه ارجاع به منابع داخل متن و طبق الگوی زیر باشد: (عباسی، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۱۵)؛ در صورت تکراری بودن عنوان در یک سال: (حسینی، ۱۳۸۴ الف: ص ۱۲۴)؛
- ز. در پایان مقاله فهرست کامل منابع به شیوه زیر ذکر شود: نام خانوادگی، نام، **عنوان** (پررنگ)، مترجم، محقق یا مصحح، مکان نشر، ناشر، تعداد جلد (مثل: ج ۳)، نوبت چاپ، سال نشر؛
- ح. برگرداندن لاتین اسامی و مفاهیم مهم و هم چنین توضیحات ضروری در پاورقی بیاید.

## تذکرات

۱. مقالات، کمتر از ۱۶ صفحه (حدود ۴۸۰۰ کلمه) و بیش از ۲۵ صفحه (حدود ۷۵۰۰ کلمه) نباشد.
۲. دو نسخه از مقاله تایپ شده (در قالب WORD در صفحات A۴) به همراه لوح فشرده آن به دفتر فصلنامه ارسال شود.
۳. نتیجه ارزیابی مقالات حداکثر تا ۳ ماه به نویسنده اعلام خواهد شد.
۴. مقالات ترجمه‌ای پذیرفته نمی‌شود.
۵. هر مقاله باید دارای موضوع مستقل باشد (مقالات مسلسل پذیرفته نمی‌شود).
۶. مقاله قبلاً در هیچ جای دیگر نباید چاپ شده باشد (از ارسال هم زمان مقاله به مجله دیگر جدا خودداری شود).
۷. مقالات ارسالی بازگردانده نمی‌شود.
۸. فصلنامه هیچ تعهدی در چاپ مقاله ندارد و تنها مقالاتی که امتیاز لازم از نظر ارزیابان مجله دریافت دارند چاپ می‌شود.
۹. فصلنامه در ویرایش مقالات (به شرطی که به اصل مطلب صدمه نزنند) آزاد است.
۱۰. مطالب مندرج در فصلنامه صرفاً دیدگاه نویسنده بوده و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست.
۱۱. نقل و اقتباس از مطالب فصلنامه به شرط ذکر دقیق و کامل منبع بلا مانع است.

## دفتر فصلنامه

## فهرست مقالات

سرمقاله / ۵

بررسی و تحلیل برهان معجزه بر امامت ولی عصر علیه السلام / علی ربانی گلپایگانی / ۱۱

شناختنامه زیارت آل یاسین / روح الله شاهی، سیداسحاق حسینی کوهساری / ۳۳

ویژگی‌های شخصی حضرت مهدی علیه السلام در ادعیه و زیارات / سیدمجتبی معنوی / ۵۵

کاوشی در دعای فرج / زهرا بنویدی / ۹۵

مقایسه گونه‌شناسی موعود مسیحیت با موعود شیعه / موسی جوانشیر / ۱۱۹

بررسی تشابهات کار ویژه‌های حکومت موعود در اندیشه شیعه و یهود / سعیده معین نجف‌آبادی / ۱۴۵

بررسی جریان جدید مدعی یمانی... / محسن حیدری آل‌کثیری، حجت حیدری چراتی / ۱۷۵

\*\*\*\*\*

ترجمه خلاصه مقالات به عربی و انگلیسی / ۲۱۰

## سرمقاله

### مهدویت، جهاد فرهنگی و راهبردی ما

مهدویت، باورداشت دینی است که همه زوایای زندگی ما را در برمی‌گیرد و بر رویکرد و رفتارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ما اثر می‌گذارد. شاید کمتر اندیشه دینی را بتوان سراغ گرفت که همانند مهدویت با ابعاد مختلف زندگی ما در هم تنیده شده و در ارتباط مستقیم بوده است. زوایای این بحث در مقالات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما این مسئله مطرح است که آیا جامعه منتظر، جایگاه محوری و راهبردی مهدویت را دقیقاً شناسایی کرده و برنامه‌ها و سیاست‌های خود را در این زمینه تعیین کرده است؟!

آنچه مشخص است اینکه ما نتوانسته‌ایم آن‌گونه که شایسته و بایسته است، مهدویت را نقطه کانون و محوری برنامه و فعالیت‌های خود قرار دهیم و راهبردهای مشخصی در رابطه با آن اتخاذ کنیم. علت آن نیز نبودن برنامه جامع در «سیاست‌گذاری فرهنگی» است؛ یعنی، نه تنها راهبردها و استراتژی‌های خاص نسبت به مهدویت نداریم، بلکه سیاست‌ها و خط‌مشی‌های روشنی نیز در این زمینه نداریم. از این‌رو باید تغییر و دگرگونی اساسی در نوع نگاه ما نسبت به مهدویت صورت گیرد و جایگاه محوری و بنیادی آن نه تنها در سیاست‌ها و «یافته‌های کلان ما مشخص گردد؛ بلکه در راستای تبیین، ترویج و تبلیغ آن نیز «یافته‌ها و راهبردهای مشخصی ارائه و اجرا شود.

این امر نیازمند این است که نوع نگاه و رویکرد ما نسبت به مهدویت و بهره‌مندی از گنجینه‌های ارزشمند معارفی آن (روایات، ادعیه، زیارات و...) تغییر یابد و در مسیر درست آن قرار گیرد؛ تا در این زمینه بتوان نظریه‌پردازی کرد.

تغییر و اصلاح و بازسازی امور مهم و بنیادین، به راحتی قابل تحقق نیست و فرجام بهینه‌ای برای آن تصوّر نمی‌شود. در این‌گونه موارد دو رویکرد باید اتخاذ شود:

۱. جهاد و کوشش مداوم

۲. «یفئذ لریزی راهبردی (استراتژیک)

در کنار تلاش و کوشش همه جانبه، مهم‌ترین برنامه، داشتن استراتژی (راهبرد) درست و مناسب است.

راهبرد، الگویی از اهداف نهایی، سیاست‌ها «یفئذ لئلا اقدامات، تصمیم‌ها یا تخصیص منابع است که سازمان، کار سازمان و چرایی انجام دادن آن را تعریف می‌کند».

«یفئذ لریزی راهبردی نیز به شیوه نظام یافته بر مطالعه و بررسی اهداف و راه‌های رسیدن به آنها تکیه دارد تا از این راه آمادگی رویارویی با تغییرات آینده ایجاد شود.

به طور کلی چهار استراتژی اصلی (راهبرد) تمّ ° آا کگویی به مسائل عمومی وجود دارد:

#### الف. استراتژی انفعالی

در این استراتژی، سازمان به مسائل عمومی و اجتماعی تحت قلمرو خود توجهی نمی‌کند و در مقابل خط‌مشی‌های وضع شده نیز از خود مقاومت به خرج نمی‌دهد.

#### ب. استراتژی انطباقی

در اینجا، سازمان؛ سهل‌ترین روش خود را با تغییرات پیش آمده در محیط و خط‌مشی‌های عمومی، منطبق کرده و تلاش می‌کند به سرعت خود را در مسیر اصلی کارها قرار دهد.

### ج. استراتژی اثرگذار

در این استراتژی، سازمان سازوکارهایی را برای پیش‌بینی مسائل عمومی توسعه می‌دهد و به جای جنگ با تغییر یا انطباق با آن، استراتژی تأثیرگذاری بر تغییر را پیش می‌گیرد.

### د. استراتژی تعاملی

سازمان مشروعیت خط‌مشی‌های عمومی را به عنوان فرآیندی که نشأت گرفته از انتظارات عمومی است، تشخیص داده و به این واقعیت که سازمان و جامعه، دارای روابطی متعامل هستند، رسیده است. در پاره‌ای اوقات بر افکار عمومی تأثیر گذاشته و در شرایطی دیگر، رفتار خود را تغییر می‌دهد.

برای پیشبرد بهینه امور و تحقق سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و پاسخ‌گویی به مسائل عمومی، باید بتوان استراتژی مناسبی انتخاب کرد و بر اساس آن، تاکتیک‌ها و شیوه‌های اجرایی بهتر و کارآمدی را به کار بست.

در اینجا مسئله این است که راهبرد فرهنگی ما نسبت به آموزه مهدویت، باید **بَلِّغُوا لَئِي كَلِمَةٍ** در واقع مناسب‌ترین استراتژی فرهنگی در قبال مسائل و موضوعات **غیبه** "ذ" آموزه مهدویت چیست؟

در یک نگاه کلان، ابتدا باید بدانیم به عنوان جامعه منتظر، چه وظایف و مسئولیت‌هایی نسبت به «مهدویت» داریم و بهترین راه‌ها برای عمل به این مسئولیت‌ها چیست؟

در اینجا چند مسئولیت اصلی متوجه جامعه است که بیشتر عامل ثبات، بالندگی، تعالی و حرکت هستند:

۱. بصیرت آرمانی؛ یعنی دانایی و فهم ایمان که ناظر به آرمان قدسی و معطوف به جامعه مطلوب قرآنی است و منجر به بالا رفتن قدرت تمییز و تشخیص می‌شود.

۲. انتظار هویت‌ساز؛ یعنی بازسازی هویت جمعی و جهانی شیعه و قرار گرفتن



آنها در یک تشکل وصف واحد که به صورت مؤثر جهان را به سمت جامعه موعود سوق دهد.

۳. آینده‌نگری پیش‌برنده؛ یعنی، توجه عینی و عملی به آینده و انجام اقدامات سنجیده و کارآمد که موجب پیشتازی و حرکت سریع در تحولات جهانی می‌شود.

۴. روابط صالحانه؛ یعنی تشکیل جامعه مؤمن و منسجم برای تحقق وعده‌های الهی مهم دانسته و بر پاکی و طهارت اخلاقی و ایمانی اجتماع پافشاری می‌کند (وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم..)

۵. پایداری آرام؛ یعنی صبر و بردباری و استقامت در دوران سخت غیبت کبری، همراه با انضباط و حفظ اسرار و مسائل کلی مربوط به ظهور.

۶. روحیه مجاهدانه؛ یعنی شکل‌گیری جامعه‌ای معین و ناصر که قدرت و نیروی مضاعف و مجاهدانه خود را برای یاری و همراهی با منجی موعود آماده کرده و مهبیای قیام و جهاد است.

برای تحقق موارد یاد شده و عمل به مسئولیت‌ها و وظایف جامعه منتظر، نیاز به خط‌مشی‌ها و سیاست‌های فرهنگی در سطوح کلان و خرد است و به همین جهت باید راهبردهای خاص و روشنی نیز برای تحقق این سیاست‌ها در نظر طیس °. به نظر می‌رسد در این راستا، اتخاذ استراتژی مؤثر (اثرگذار) برای اجرای سیاست‌های کلان فرهنگی در عرصه مهدویت و انتظار، ضروری و کارساز است؛ یعنی، در عین حال که دارای سیاست‌های مطرح، مدون و روشنی در این زمینه هستیم، راهبردهای اثرگذار نیز - به خصوص در حوزه فرهنگ - داشته باشیم. در استراتژی اثرگذار، تغییر و اصلاح و یا انطباق اهمیت بسزایی دارد؛ یعنی باید آثار دگرگونی و تغییر را بتوان در آن مورد مشاهده کرد.

“ لفرح می‌رسد در این راستا راهبردهای زیر در عرصه مهدویت باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. مهم‌ترین راهبرد فرهنگی ما در عرصه فرهنگ، خروج مهدویت از حاشیه

به متن و از فرعی بودن به اصلی بودن و از غیر قابل دسترس بودن به امری دست یافتنی و عینی است.

۲. چشم انداز ۲۰ لتع ل تمهوری اسلامی ایران و سایر چشم انداز های احتمالی، باید ناظر و متوجه چشم انداز آموزه مهدویت باشد؛ یعنی این چشم انداز آرمانی دین، باید همچون ستاره ای پرفروغ، راهنما و جهت دهنده ما در همه سیاست‌ها و برنامه‌ها باشد و سمت و سوی کارها و فعالیت های فرهنگی ما را غشخص سازد.

۳. الگوها و مدل های فرهنگی ( آموزشی، تربیتی، اخلاقی و...) از آموزه مهدویت استخراج گردد و در اختیار سازمان های فرهنگی، آموزش و پرورش، دانشگاهها، کارشناسان و دست اندر کاران فرهنگی کشور و... قرار داده شود تا در فهم بهتر آینده و استفاده از آنها در برنامه های خود، به این مدل‌ها مراجعه شود.

۴. ایجاد قرارگاه " دیده بانی فرهنگی " در یکی از مراکز مهم مهدوی و رصد کردن تحولات و تغییرات ملی، منطقه ای و جهانی و ارایه یافته‌ها و تجزیه تحلیل های خود به مراکز تصمیم گیری کشور.

۵. شکل گیری " هنر مهدوی " در عرصه سینما، تلویزیون، نقاشی و تصویر سازی، شعر و داستان و... باید مهم ترین راهبرد ما در جهان امروز باشد. مقتی مهدوی، ضمن اینکه توجه خاصی به مقوله آینده و آینده نگری دارد، ارزش های متعالی مطرح در اندیشه مهدویت را دست مایه فعالیت های خود ساخته و به بازسازی و ارایه هنر مندانه آنها می پردازد. هنر مهدوی با سرمایه گذاری بر روی مباحث اصیلی چون فطرت گرایی، آرمان خواهی، کمال خواهی، آرامش و امنیت فردی و جمعی، قسط و عدل، سعادت و لذت واقعی، عبادت و معنویت گرایی، تنعم و آسایش همگانی و... می‌تواند حرف‌ها و پیام های فاخر و استواری را در جهان ارایه دهد.

۶. خانواده مهدوی، محله مهدوی، مدرسه مهدوی، دانشگاه مهدوی، اداره

مهدوی، شهر مهدوی، نظام مهدوی و... الگوها و نمادهایی هستند که توان بالای تبلیغی و فرهنگ سازی در اصلاح و بهبود امور و تشکیل جامعه صالح و ایمانی قبل از ظهور را دارند. در واقع شبیه سازی جامعه منتظر به جامعه مطلوب و آرمانی و بیان انتظارات و خواسته های مهدی موعود علیه السلام از آن جامعه و حرکت به سمت وضع مطلوب و آرمانی، می تواند کمک شایانی به مهندسی فرهنگی جامعه بر اساس معارف قرآنی و رویکرد مهدوی داشته باشد و فضای معنوی اجتماع منتظران را دگرگون سازد.

۷. ...

روشن است که باورداشت مهدویت می تواند موجب نزدیکی و وحدت مسلمانان دنیا و احیای روحیه اخوت و برادری در میان کشورهای اسلامی "اُتْبَبْجَ منتهای شکل و نحوه طرح این موضوع از مباحث مهمی است که نیاز به کار دقیق پژوهشی دارد و باید از آسیب‌ها و آفات نظیر مباحث سیاسی و اختلافی و سطحی نگری نسبت به آموزه‌های مهدوی به دور باشد.



## بررسی و تحلیل برهان معجزه بر امامت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه

علی ربانی گلپایگانی \*

### چکیده

معجزه، همان گونه که صدق مدعی نبوت را اثبات می‌کند، صدق مدعی امامت را نیز اثبات می‌کند و به نبوت اختصاص ندارد. در بسیاری از تعاریف، متکلمان اسلامی کلمه «دعوی» به صورت مطلق ذکر شده و به دعوی نبوت، مقید نشده است. شاید برخی نیز که آن را به دعوی نبوت مقید کرده اند، مورد غالب و مشهور آن را در نظر داشته‌اند. متکلمان امامیه معجزه را یکی از راه‌های شناخت امام دانسته و توانایی بر انجام معجزه را از صفات لازم امام شمرده‌اند. آنان در اثبات امامت امامان اهل بیت علیهم السلام عموماً و امام عصر علیه السلام خصوصاً علاوه بر نصوص امامت، از برهان معجزه نیز بهره گرفته‌اند. معجزات حضرت ولی عصر علیه السلام بسیار است که برخی به دوران قبل از امامت آن حضرت و برخی به دوران امامت ایشان در دو دوره غیبت صغرا و کبرا مربوط است. در تواتر معنوی این معجزات، تردیدی راه ندارد؛ بنابراین برهان قاطع بر امامت ایشان خواهد بود. کلید واژه‌ها: امام عصر علیه السلام، امامت، معجزه، خارق العاده، معجزه اراهی، معجزه تصدیقی، علم غیب.

### مقدمه

از دیدگاه امامیه یکی از راه‌های شناخت امام معجزه است.<sup>۲</sup> بر این اساس ا

\*. استاد حوزه علمیه قم.

۲. رک: حلبی، ابوالصلاح، تقریب المعارف، ص ۱۰۱؛ حلی، جعفر بن حسن، المسلك، ص ۲۱۲؛ حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق، ص ۱۶۸؛ حلی، حسن بن یوسف، الألفین، ص ۲۷؛

توانایی بر انجام معجزه را یکی از صفات لازم برای امام دانسته‌اند. (بحرانی ۱۴۰۶: ص ۱۸۲؛ طوسی ۱۴۰۵: ص ۹؛ فاضل مقدادا ۱۴۲۲: ص ۳۳۴).

معجزه کار خارق العاده‌ای است که به مشیت و عنایت خاص خداوند از فردی صادر می‌شود تا دلیل بر حقانیت مدعی الهی او باشد. متکلمان اسلامی معجزه را به خارق العاده‌ای تعریف کرده‌اند که با ادعای آورنده‌اش مطابقت دارد و با ثبوتی همراه و معارضه ناپذیر است. (شیخ مفید ۱۴۱۳: ص ۴۸) روشن است که تعریف مزبور به ادعای فقت اختصاص ندارد و دعوی امامت را نیز شامل می‌شود؛ بنابراین مقرون بودن معجزه با ادعای نبوت که در کلمات برخی از متکلمان آمده (بحرانی ۱۴۰۶: ص ۱۲۷؛ جرجانی ۱۴۱۲: ج ۱۸ ص ۲۲۳ تا ۲۲۵) از باب مثال یا قید غالب است؛ زیرا معجزه در باب نبوت نسبت به باب امامت نقش تعیین کننده‌ایی دارد. در باب امامت نقش اساسی مربوط به نص (مطابق دیدگاه شیعه) یا بیعت (مطابق دیدگاه اهل سنت) است. در هر حال فرضیه اختصاص معجزه به باب نبوت یا دلیل عقلی یا نقلی معتبری ندارد.

دلالت معجزه بر صدق ادعای نبوت یا امامت عقلی و قطعی است؛ زیرا ادعای نبوت یا امامت ادعای مقام و منصبی الهی است. در این صورت اگر مدعی آن دروغ‌گفته‌ای خداوند به او عنایت ویژه نخواهد کرد و چنان قدرت خارق العاده‌ای به وی نخواهد بخشید؛ زیرا این کار با رحمت و حکمت خداوند سازگاری ندارد و از نظر عقل انجام کاری که با حکمت و رحمت سازگاری ندارد از خداوند محال است. فهم عقلی و فطری بشر این است که خداوند حکیم کسی را که به دروغ نبوت یا امامت را ادعا کندا مورد عنایت ویژه خود قرار نمی‌دهد و او را به انجام

....→

حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقليد، ج ۲، ص ۲۹۶.

۱. ر.ک: شیخ مفید، النکت الاعتقادیة، ص ۴۸؛ سید مرتضی، الرسائل، ج ۲، ص ۲۸۳؛ فخرالدین رازی، المحصل، ص ۳۰۱؛ تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۱۱؛ سدید الدین حمصی، المنقذ من التقليد، ج ۱، ص ۳۸۴؛ فاضل قوشجی، شرح التجرید، ص ۳۶۰.

کاری خارق العاده مجهز نمی‌سازد؛ کفاهه کار خارق العاده قبل از ادعای نبوت یا امامت از وی صادر شود یا پس از ادعای نبوت یا امامت بدین سبب است که برخی از متکلمان اسلامی آنجا که از معجزات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مگ فظی<sup>۱</sup> لاند هم خوارق عادات قبل از ادعای نبوت را نام برده‌اند و هم کوارق عادات پس از آن را. گونه نخست را «ارهاصی» و گونه دوم را «تصدیقی» نامیده‌اند (تفتازانی ۱۴۰۹: ج ۱۵ ص ۳۷).

ارهاصی یا تصدیقی بودن معجزات از جنبه مقایسه آن‌ها با خداوند متعال است که اعطا کننده معجزات به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است؛ اما از جنبه دلالت بر صدق ادعای نبوت آن شخص از نظر عقل و فطرت بشرا تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا از نظر خصضا اعطای ه ه ه از سوی خداوند حکیم به انسان دروغطفا قبیح بوده صدور فعل قبیح از خداوند سبحان محال است؛ خواه آن معجزه قبل از ادعای نبوت یا امامت باشد یا پس از ادعای نبوت یا امامت.

### اقسام معجزه و کیفیت استدلال

الف. معجزه‌ای که از جنس کلام استب مانند قرآن کریم  
ب. معجزه‌ای که از جنس خبرهای غیبی از گذشته یا آینده یا زمان حال است؛  
ج. معجزه‌ای که کار خارق العاده‌ای است که از کسی صادر می‌شود یا به دعای او رخ می‌دهد و یا به خاطر وی و درباره او تحقق می‌یابد.  
بسیاری از معجزات حضرت ولی صلی الله علیه و آله از گونه دوم و برخی از آن‌ها از گونه آوم هستند.

برهان معجزه امامت همه امامان علیهم السلام را اثبات می‌کند؛ زیرا آن بزرگواران غدعی امامت بودند و معجزات بسیاری نیز توسط آنان واقع شده است؛ از این رو «یکی از متکلمان امامیه اثبات امامت امامان اهل بیت علیهم السلام را یکجا مطرح

کرده‌اند؛ مانند ابوالصلاح حلبی در تقریب المعارف<sup>۱</sup> و علی بن یونس عاملی بیاضی در الصراط المستقیم<sup>۲</sup> و فاضل مقداد در اللوامع الإلهیة<sup>۳</sup> و محقق حلی در کتاب المسلك<sup>۴</sup>.

برخی از متکلمان نیز معجزات هر یک از امامان علیهم‌السلام را در باب مخصوص به امامت آن اماما به عنوان یکی از دلایل امامت او بیان کرده‌اند؛ مانند شیخ مفید در کتاب ارشاد. وی برای اثبات امامت امام زمان علیه‌السلام از دلایل عقلی و نقلی بهره طیب<sup>۵</sup> ل و بابی را به نقل معجزات و کرامات آن حضرت اختصاص داده است.

نمونه کامل‌تر و دقیق‌تر استدلال بر امامت ولی خ بی علیه‌السلام بر اساس معجزات آن حضرت ا روشی است که شیخ الطائفة در کتاب الغیبة به کار برده است. وی امامت حضرت ولی عصر علیه‌السلام را از سه راه اثبات کرده است:

الف. از راه ضرورت وجود امام معصوم در هر زمانی به حکم عقل و ابطال دیدگاه‌های مذاهب اسلامی دیگر در باب امامت و تعیین مصداق امام غیر از دیدگاه شیعه امامیه (طوسی ا بی<sup>۶</sup>؛ ص ۵۷هـ)

ب. از راه نصوص متواتری که از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان اهل بیت علیهم‌السلام به امامت ولی عصر علیه‌السلام نقل شده است (لمغف ص ۱۶۸هـ)

ج. از راه خوارق عادات و معجزاتی که توسط حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام واقع شده است (لمغف ص ۱۷۰هـ تا ۱۹۹هـ).

شیخ الطائفة حدود سی نمونه از معجزات امام عصر علیه‌السلام را نقل کرده

۱. تقریب المعارف، ص ۱۱۹ - ۱۲۳.

۲. الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۷۷ - ۲۱۴.

۳. اللوامع الإلهیة، ص ۳۴۶، ابن میثم بحرانی نیز گفته است: «راه شناخت مشخص هر یک از امامان دوازدهگانه، معجزات و کراماتی است که به دست هر یک از آنان ظاهر شده و به صورت متواتر نقل شده است» (القواعد الکلامیه، ص ۱۹۰).

۴. المسلك، ص ۲۷۳.

و در پایان گفته است:

این اخبار را بیان گر خبرهای غیبی و گزارشی از حوادث آینده به روش خارق العاده است که کسی نمی تواند از آنها آگاه شود مگر اینکه خداوند از طریق پیامبر ﷺ او را آگاه کرده باشد و چون خداوند معجزات را به دروغ گوینان نمی دهد این معجزات را راست گویی امامان علیهم السلام را در ادعای امامت اثبات می کند.

### نمونه هایی از معجزات حضرت ولی عصر علیهم السلام

معجزاتی که از امام عصر علیهم السلام آیه زده بسیار است. برخی از آن تلصّط ظ از فرا رسیدن زمان امامت آن حضرت (۵۵ هـ / ۲۶۰ ق) واقع شده است و برخی دیگر در دوران غیبت صغرا (۶۰ هـ / ۳۲۹ م) و برخی دیگر در دوران غیبت کبری رخ داده است. معجزات بخش نخست از آن رو که زمان امامت ولی خ بییه فرا نرسیده و ادعای امامت از سوی وی مطرح نشده بودا جنبه ا رهاصی « دارد؛ یعنی پایه و شالوده امامت او را استوار می سازدا و از آن جهت که امامت او توسط پدر بزرگوار و نیاکان گرامی اش مطرح شده بودا «رهان امامت به شمار می رود. همچنین معجزاتی که در دوران غیبت صغرا و کبرا واقع شده است از آن جا که ادعای امامت از جانب آن حضرت مطرح شده بودا برهان امامت او به شمار می رود. از آن جا که نقل همه این معجزات از گنجایش این مقال بیرون است ا لفتظ فغلق لهایی از معجزات ولی خ بییه در زمان غیبت صغرا بسنده می کنیم<sup>۱</sup>.

۱. محمد بن ابراهیم بن مهزیار گفته است:

هنگامی که امام عسکری علیهم السلام از دنیا رفت ا غ ف [درباره امام پس از او] دچار تردید شدم و از سویی نزد پدرم اموال بسیاری [از وجوهات] بود. پدرم بیمار شد و یقین کرد که از دنیا خواهد رفت؛ لذا سفارش آن اموال را به من کرد و پس از

۱. برای آگاهی بیشتر از معجزات و کرامات امام عصر علیهم السلام ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹۳ -

۲۴۳؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۸۴ - ۳۴۱.



سه روز از دنیا رفت. من آن اموال را به عراق بردم و منزلی اجاره کردم. تصمیم گرفتم که چند روزی منتظر بمانم و هرگاه حقیقت امر بر من روشن شد آن اموال را به امام تحویل دهم و در غیر این صورت آن را صدقه بدهم.

پس از گذشت چند روزا فردی نامه‌ای برایم آورد که خطاب به من نوشته شده بود و در آن مقدار و خصوصیات اموال دقیقاً بیان شده بود؛ حتی جزئیاتی توضیح داده شده بود که من از آن لماً آگاه نبودم. اموال را به فرستاده تحویل دادم و چند روز از شک و تردیدی که به من دست داده بودایم‌منده و سرافکننده بودم تا این که ناغ‌لای به دستم رسید که در آن آمده بود: «تو را جانشین پدرت کردی پس خدای را سپاس‌گزار باش.» (کلینی ۱۳۸۸: ج ۱۱ ص ۳۴؛ ۴۳۵؛ مجلسی ۱۳۹۰: ج ۱۵۱ ص ۳۱۰ تا ۳۱۱)

۲. از شیخ عم‌ری نایب خاص امام عصر علیه السلام نقل شده که فردی اموالی را که «لحقان وجوهات شرعی بدهکار بودا به من داد [تا به امام عصر علیه السلام «یا آفغ. اموال را به امام دادم] اموال به وی باز پس داده شد و به او گفته شد: چهارصد درهم از این اموال حق عموزادگان تو است؛ حق آنان را از آن جدا کن.» آن مردا متحیر و شگفت زده شد و به بررسی اموال خود پرداخت. در دست او مالی بود که به فرزندان عمویش تعلق داشت؛ برخی را به آنان داده بودا و برخی را نپرداخته بود که مقدار آن چهارصد درهم بود. آن را از مال خویش جدا کرد و به صاحبانش دادا و بقیه اموال از او پذیرفته شد (کلینی ۱۳۸۸: ج ۱۱ ص ۴۳۵؛ صدوق ۱۴۱۶: ج ۱۲ ص ۸۶؛ مفید ۱۴۱۳ (اول): ج ۱۲ ص ۳۵۶).

۳. محمد بن یوسف شاشی گفته است: به بیماری ناعلاجی مبتلا شدم و مال بسیاری را برای معالجه آن مصرف کردم؛ ولی فایده نبخشید. فلئ‌لای به ولی علیه السلام نوشتم و از او خواستم برایم دعا کند. امام علیه السلام در پاسخ نامه‌ام نوشت: «ألبسک الله العافیة و جعلک معنا فی الدنيا و الآخرة؛ خدا به تو لباس عافیت بپوشاند و در دنیا و آخرت تو را با ما قرار دهد.» در کمتر از یک هفته‌ا بیماریم

برطرف شد. جریان را با یکی از پزشکان در میان گذاشتم؛ او گفت: 'برای این دردا دارویی نمی‌شناسیم و سلامتی تو بدون شک از سوی خدا [و بدون اسباب طبیعی] بوده است» (کلینی ۱۳۸۸: ص ۴۳۶؛ حدیث ۱۱؛ مفید ۱۴۱۳ (اول): ج ۱۲ ص ۳۵۷ تا ۳۵۸)

۴. علی بن حسین یمانی گفته است: به منطقه عسکر (سامرا) رفتم تا امام علیه السلام را زیارت کنم. خود را به کسی معرفی نکردم و کسی را از قصدم آگاه نرفتم. ناگهان فردی نزد من آمد و گفت: 'برخیز' هلت غ: 'به کجا برویم؟' هلی: 'ل سوی منزل' هلی غ: 'شاید مرا با کسی اشتباه گرفته‌ای. نام من چیست؟' هلی: 'مبدا اشتباه قطید' لام؛ تو علی بن الحسین ا فرستاده جعفر بن ابراهیم هستی'. پس مرا به منزل حسین بن احمد برد و به او چیزی گفت که من از آن آگاه نشدم؛ ولی همه خواسته‌هایم را برآورد. سه روز نزد او بودم و اذن زیارت امام علیه السلام را طلب کردم که به من اذن داده شد و در شبی امام علیه السلام را زیارت کردم (کلینی ۱۳۸۸: ج ۱۱ ص ۴۳۶؛ مفید ۱۴۱۳ (اول): ج ۱۲ ص ۳۵۸؛ صدوق ۱۴۱۶: ج ۱۲ ص ۴۹۱).

۵. علی بن حسین یمانی گفته است: به بغداد رفته بودم و لای از یمن عازم حرکت به سوی یمن بودا من نیز خواستم با آن قافله رهسپار یمن شوم. فلف لای نوشتیم و از امام علیه السلام اذن رفتن خواستم. پاسخ آمد: 'با آنان بیرون مرو که برای تو خیری ندارد. در کوفه بمان'. غ ف نیز چنین کردم. قافله بیرون رفت. فلف لای 'یه آنان یورش بردند و آنان را هلاک کردند. در نامه‌ای دیگر طلب اذن کردم که از طریق دریا سفر کنم؛ به من اذن داده نشد. از کاروان‌هایی که از طریق دریا رفته بودند جويا شدم؛ معلوم شد که قومی از هند بر آنان یورش برده و آنان را نابود کرده‌اند (لمغف).

۶. حسن بن فضل یمانی گفته است: تدرم دو بار با خط خود به ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام نامه نوشت و پاسخ او داده شد؛ ولی یکی از فقهای اصحاب ما به امام

خ بیِّنَ لِلَّهِ لَآئِ نُوْشْتِ و پاسخ او داده ف نَّگ در جست و جوی علت آن برآمدیم؛ معلوم شد که او تغییر عقیده داده و به قرامطه پیوسته است (کلینی ۱۳۸۸: ج ۱۱ ص ۳۶ تفسیری پیدا ۱۴۱۳ (اول): ج ۱۲ ص ۳۳۵۹).

۷. همو گفته است: به عراق سفر کردم و تصمیم گرفتم که <sup>۱</sup> آنیازهایم بر آورده ف نَّقدا آنجا بمانم. مدتی گذشت؛ دلتنگ شدم و ترسیدم از رفتن به حج باز بمانم. روزی نزد محمد بن احمد که از سفیران [مع الواسطه] امام <sup>۲</sup> بود رفتم و از او خواستم مرا راهنمایی کند. او گفت: <sup>۳</sup> به فلان مسجد برو آن جا مردی نزد تو خواهد آمد». من به آن مسجد رفتم. مردی بر من وارد شد. وقتی نظرش به من افتاد خندید و گفت: <sup>۴</sup> غمگین مباش. در همین سال به حج خواهی رفت و به سلامتی نزد خانوادهات باز خواهی گشت». من آرامش یافتم و گفتم: <sup>۵</sup> این ا مصداق همان است [= ف نَّ لَآئِ است از حل مشکلات و رفع نیازهایم].

سپس وارد عسکر [سامرا] شدم. در آن جا کیسه‌ای که در آن پیراهن و مقداری دینار بودا به من داده شد. از این بابت غمگین شدم و پیش خود گفتم: <sup>۶</sup> بهره من نزد این قوما همین است» [آن را کم شمردم] و در اقدامی جاهلانانه آن را برگرداندم. سپس از این کار خود پشیمان شدم و پیش خود گفتم: <sup>۷</sup> با رد عطای مولایم کافر شدم». ف نَّ لَآئِ نوشتم و از کار خود عذر خواستم و استغفار کردم.

در حالی که تطهیر کرده و برای اقامه نماز آماده شده بقدما با خود فکر می‌کردم و می‌پُغ: <sup>۸</sup> اگر دینارها به من بازگردانده شودا در آن‌ها تصرف نخواهم کرد و آن‌ها را به پدرم تحویل خواهم داب زیرا او در مصرف آن‌ها از من آگاه ی است». در این هنگام همان فردی که کیسه دینارها و لباس را به من داده بودا بیرون آمد و گفت: <sup>۹</sup> به من گفته شده است که تو اشتباه کردی که آن مرد را از راز دادن دینارها به او آگاه نکردی. ما گاهی برای تبرک ا مبلغی به دوستانمان می‌دهیم ا بدون آن که آنان درخواست کرده باشندا و گاهی پس از درخواست آنان ا چیزی به عنوان تبرک به آن‌ها می‌دهیم». اَ لَ لَهِ ف نَّ لَآئِ به من داده شد که در آن

نوشته شده بود: «تو اشتباه کردی که احسان ما رد کردی و چون از خدا طلب آمرزش کرده‌ای خدا تو را می‌آمرزد و از آن جا که تصمیم گرفته‌ای در دینارها تصرف نکنی و از آن‌ها بهره نبری آن‌ها را به تو باز نمی‌گردانیم؛ ولی لباس را بگیر که برای احرام» لآن نیاز داری.» (لمغقه).

۸. حسن بن عبدالحمید گفته است: در [وکالت] چأ<sup>۱</sup> «ن یزید [که وکیل امام خ بی<sup>۲</sup> بود] شک کردم. اموالی را جمع کردم و به عسکر [سامرا] رفتم. در آن<sup>۳</sup> فائذ لای به دستم رسید که در آن نوشته شده بود: «در مورد ما و کسی که<sup>۴</sup> هشین ما در کارهای ماستا شکی نیست. آنچه را با خود آورده‌ای» لچأ<sup>۵</sup> «ت ف یزید تحویل بده» (کلینی ۱۳۸۸: کافی ج ۱۱ ص ۴۳۷؛ مفید ۱۴۱۳ (اول): ج ۱۲ ص ۳۶۱).

۹. پدر غلام احمد بن حسن گفته است: وارد سرزمین جبل [بجعت لای بین بغداد و آذربایجان] شدم؛ در حالی که به امامت معتقد نبودم و همگی [اهل بیت علی<sup>۶</sup> و خلفا] را دوست می‌داشتم. تا این که یزید بن عبدالله از دنیا رفت. او به من وصیت کرده بود که شهری سمند [نام اسب او] و شمشیر و کمر بندش را به مولایش [ولی عصر<sup>۷</sup>] تحویل دهم. من ترسیدم که اگر اسب او را به اذ کوتکین» [فرمانده سپاه عباسی] فگلمغ از جانب او تحقیر و اذیت شوم؛ لذا آن<sup>۸</sup> را نزد خود به هفتصد دینار قیمت کردم و بدون اینکه کسی را از این مطلب آگاه کنم اسب را به اذ کوتکین دادم. در این هنگام از عراق نامه‌ای به دستم رسید که در آن آمده بود: «هفتصد دیناری را که از بهای شهری و شمشیر و کمر بند از ما نزد تو استا برای ما بفرست.» (کلینی ۱۳۸۸: ص ۱۴۳۸ مفید ۱۴۱۳ (اول): ج ۱۲ ص ۳۶۲).

۱۰. حسن بن عیسی عریضی گفته است: هنگامی که امام حسن عسکری علی<sup>۹</sup> از دنیا رفتا مردی از مصر با اموالی به مکه آمد تا آن اموال را به صاحب امر امامت برساند. در آن حال با نظرات گوناگونی مواجه شد؛ برخی می‌هلی<sup>۱۰</sup> که امام

حسن عسکری علیه السلام کسی را جانشین خود معرفی نکرده است. «برخی دیگر می‌هَلِّقُکَ: جانشین او جعفر [برادر امام عسکری علیه السلام جعفر کذاب] است و برخی دیگر می‌هَلِّقُکَ: جانشین او فرزندش می‌آید.»

وی نامه‌ای نوشت و با فردی که کنیه‌اش ابوطالب بود به عسکر [سامرا] فرستاد تا از حقیقت امرا أُوُجُو وجود کند. آن مردافزد جعفر رفت و از او برهان طلبید. تَحْتِ يَهْلُكُ: «اکنون آمادگی ندارم». وی به سوی باب [خانه امام عسکری علیه السلام] رفت و نامه‌اش را به کسانی که به عنوان سفیر امام علیه السلام موسوم بودند سپرد. در پاسخ او نامه‌ای صادر شد که در آن نوشته شده بود: «خدا به تو در عزای صاحبیت [کسی که او را فرستاده بود] اجر بدهد. او از دنیا رفت و وصیت کرده است که مالی که با او بود به فرد ثقه‌ای داده شود تا مطابق آنچه در نامه‌ای که برای او نوشته خواهد شد عمل کند. آن واقعه همان گونه که در نامه نوشته شده بود اتفاق افتاده بود.» (کلینی ۱: ۱۳۸۸؛ ص ۱۴۳۹ ح ۱۹؛ مفید ۱۴۱۳ (اول): ج ۱۲ ص ۳۶۴)

۱۱. محمد بن شاذان بن نعیم نیشابوری گفته است: چهار صد و هشتاد درهم غل متعلق به امام عصر علیه السلام نزد من بود. خوش نداشتم که کمتر از پانصد درهم شش یا هفتی لذا بیست درهم از خودم به آن افزودم و به محمد بن جعفر اسدی [که از ابواب امام عصر علیه السلام بود] دادم اما او را از آن مطلب آگاه نساختم. وقتی قبض رسید آن اموال به دستم رسید در آن نوشته شده بود: «پانصد درهم رسید و بیست درهم از آن متعلق به تو بود (صدوق ۱: ۱۴۱۶؛ ج ۱۲ ص ۴۸۵-۴۸۶؛ مفید ۱۴۱۳ (اول): ج ۱۲ ص ۳۶۵)

۱۲. علی بن زیاد صیمری طی فله لای از حضرت ولی عصر علیه السلام کفن درخواست کرد. در جواب او نوشته شده بود: «تو در سال هشتاد [هشتاد سالگی یا در سال ۲۸۰ ق] به آن نیاز خواهی داشت.» او در سال هشتاد از دنیا رفت و پیش از



مشرف خواهی شب ان شاءالله». سال بعد اذنت لای نوشتم و اذن خواستم و اذن داده شد (کلینی ۱۳۸۸: ج ۱۱ ص ۴۳۸؛ مفید ۱۴۱۳ (اول): ج ۱۲ ص ۳۶۴)

۱۷. محمد بن شاذان بن نعیم نقل کرده است: مردی از بلخ مالی را فرستاد و فلان لای را با آن همراه کرد که چیزی در آن نوشته نشده بود؛ ولی انگشتان خود را بدون آن که خطی بر جای بماند در آن حرکت داده و چرخانده بود. وی آن مال و نامه را به فرستاده خود داد و به او گفت: «این مال را به کسی بده که تو را از این جریان آگاه کند» وی عازم سامرا شد و نزد جعفر [کذاب] رفت و از او خواست که از آن واقعه خبر دهد. او گفت: «آیا به بداعتقاد داری؟» فرستاده هلی: «آری». هلی بی‌اطمینان: «برای مولای تو بداعتقاد شده و به من گفته است که مال را به من بدهی». فرستاده گفت: «این پاسخ مرا قانع نمی‌کند» و از نزد او بیرون رفت و در بین اصحاب ما می‌پیکید تا اینکه نامه‌ای به دست او رسید که در آن نوشته شده بود: «این مال را بیرون صندوقی گذاشته شده بود. دزد به خانه صاحبش وارد شد و آن پول را در صندوق بودا برد؛ ولی این مال باقی ماند (صدوق ۱۴۱۶: ج ۱۲ ص ۱۴۸۸ ح ۱۱).

۱۸. ابو رجاء مصری گفته است: «پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام برای دیدن امام پس از او از مصر بیرون رفتم. دو سال تحقیق کردم و به نتیجه‌ای نرسیدم. در سال سوم در مدینه بودم و در این باره فکر می‌کردم و با خود می‌فکرم: «اگر امام علیه السلام جانشین می‌داشت پس از دو سال برایم روشن می‌گردد [و او را می‌دیدم]. در این هنگام ندایی آمد که گوینده‌اش را نمی‌دیدم و مرا خطاب کرد و گفت: «ای نصر بن عبدالله! به اهظ غ بی‌اطمینان: آیا شما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را دیده‌اید که به او ایمان آورده اید؟» ف بیهوش می‌گویم: «من نام پدرم را نمی‌دانستم؛ زیرا در مدائن به دنیا آمده بودم و پدرم مرده بود و نوفلی مرا بزرگ کرده بود.» [شنیدن آن صدا بی‌درنگ بر خاستم و رهسپار مصر شدم (صدوق ۱۴۱۶: ج ۱۲ ص ۴۹۱-۴۹۲)

۱۹. محمد بن محمد اشعری از غانم ابی سعید هندی نقل کرده که هُتُّ ل است: من و چهل نفر دیگر از ملازمان پادشاه هند در کشمیر بودیم. غاب به تورات انجیل و زبور آگاهی داشتیم و در مسایل دینی به ما رجوع می‌گردد روزی سخن از غرغگه علیه السلام به میان آمد؛ به یکدیگر گفتیم: در کتاب‌های ما درباره او سخن گفته شده است». قرار گذاشتیم که من درباره او به جست و جو پردازم. من از کشمیر به کابل و از آن جا به بلخ رفتم. فرمانروای بلخ ابن ابی شور بوب نزد وی رفتم و او را از قصد خود آگاه کردم.

وی عالمان و فقیهان را جمع کرد تا با من مناظره کنند. من از آنان درباره غرغگه علیه السلام پرسیدم. هُتُّتْ گ: او پیامبر ماست و از دنیا رفته است». هُتُّتْ غ: جانشین او کیست؟ هُتُّتْ گ: ابوبکر است». هُتُّتْ غ: هُأ ' او را بیان کنید». آنان نسب او را شرح دادند. هُتُّتْ غ: این محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر نیست زیرا جانشین پیامبری که ما در کتاب‌های خود یافته ایم 'أی خغقا همسر دختر و پدر فرزندان اوست». آن عالمان به فرمانروا گفتند: این فردا از شرک به کفر گرایید. دستور بده او را بکشند». من به آنان گفتم: غ ف جز با بیان کافی از دین خود بر نمی‌گردم». فرمانروا حسین بن اسکیب را فراخواند و به او گفت: با این مرد مناظره کن». حسین به فرمانروا گفت: علما و فقها اطراف تو هستند؛ به آنان بگو با وی مناظره کنند». فرمانروا گفت: تو با او مناظره کن. او را به جای خلوتی ببر و با او مهربان باش». وی به دستور فرمانروا عمل کرد. من از او پرسیدم: غرغگه علیه السلام کیست؟ وی گفت: او پیامبر ماست که از دنیا رفته و جانشین وی ا پسر عمویش علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب است که همسر دختر پیاغ' یعنی ساطمه و پدر دو پسرش حسن و حسین علیهما السلام است».

هُتُّتْ غ: شهادت غی‌دهم که جز الله خدایی نیست و محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خداست». نزد فرمانروا رفتم و اسلام خود را اظهار کردم. وی "ل حسین دستور داد که احکام اسلامی به من بیاموزد. من به حسین گفتم: در کتاب‌های ما آمده





بارداری ام نوشته بودم دروغ بوده است» (صدوق ۱۴۱۶: ج ۱۲ ص ۴۹۷-۴۹۸).  
 ۲۱. ابوالحسن بن جعفر بن احمد نقل کرده است: ابراهیم بن محمد بن فرج رنجی درباره مسایل مختلفی به امام عصر علیه السلام نامه نوشت و نیز درباره نام فرزندی که برای او متولد شده بود. در پاسخ نامه جواب سوالاتش داده شده بوی ولی درباره نام فرزندش مطلبی نیامده بود. آن فرزند از دنیا رفت.  
 نیز در میان عده‌ای از اصحاب ما در جلسه‌ای درباره مطلبی اختلافی رخ داده بود. امام علیه السلام در نامه‌ای به یکی از آنان شرح آنچه را که در آن مجلس گذشته بود. فقی رحمته الله (همان).

۲۲. اسحاق بن احمد کاتب گفته است: در قم مرد پارچه فروشی بود که یک شریک مرجئی داشت. پارچه گرانبهایی به دست آنان رسید. فرد مومن به شریکش گفت: «این پارچه برای مولایم مناسب است». شریکش گفت: «ف و مولایت را نمی‌توانی ولی تو این پارچه را هرگونه که می‌خواهی مصرف کن».  
 هنگامی که پارچه به دست ولی عصر علیه السلام رسید آن را دونیم کرب نصفش را نگاه داشت و نصف دیگر آن را برگرداند و فرمود: «ما را به مال مرجئی نیازی نیست». (صدوق ۱۴۱۶: ج ۱۲ ص ۵۱۰)

۲۳. ابوالادیان که از خدمت‌گزاران امام حسن عسکری علیه السلام بود و نامه‌های آن حضرت را به شهرهای مکه می‌برد می‌گوید: پس از شهادت امام عسکری علیه السلام جمعی از مردم قم وارد سامرا شدند و از حال امام عسکری علیه السلام پرسیدند و دانستند که امام علیه السلام از دنیا رفته است. هل قُتِلَ؟ به چه کسی باید تعزیت بگوییم؟ «مردم جعفر بن علی [جعفر کذاب] را غیسی کردند. آنان نزد او رفتند و سلام کردند و به او تعزیت گفتند سپس به وی گفتند: «لمغراه ما نامه ما و اموالی است. آیا می‌گویی که آن نامه ما از چه کسانی است و آن اغوال چقدر نه؟» جعفر از جای برخاست و با ناراحتی گفت: «آیا از ما می‌خواهید که غیب بدانیم؟» در این هنگام خادم ولی عصر علیه السلام بیرون آمد و به آنان گفت: مُتَّفِقٌ لَهَا که با

عُغَاآَ . از فلانی و فلانی است و مالی که در همیان استا هزار دینار است و ده دینار آن‌ها زرانود است».

آنان نامه لآ و مال را به او سپردند و گفتند: کسی که تو را نزد ما فرستاده امام است» (صدوق ۱۴۱۶: ج ۱۲ ص ۴۷۵-۷۶۶ حر عاملی ۱۴۲۵: ج ۱۵ ص ۲۹۹) ۲۴. علی بن سنان موصلی از پدرش نقل کرده که گفته است: کاروانی از قم و جبال بر اساس رسم و عادت‌ی که داشتند اموالی را با خود به ساغرا بردند تا به امام حسن عسکری علیه السلام "گفت بگ" اما وقتی به سامرا رسیدند از شهادت امام عسکری علیه السلام آگاه شدند. پرسیدند: "وارث امام کیست؟" هَلْ قُتِبَ: برادرش جعفر بن علی. آنان نزد او رفتند و او را از مقصود خود آگاه کردند. جعفر از آنان خواست تا اموال را به او تحویل دهند. آنان شَقُّتْ گ: ما هرگاه نزد امام عسکری علیه السلام می‌رسیدیم او نام صاحبان اموال و مقدار مال آنان را به طور مشخص بیان می‌کرد و حتی نقش مهری را که بر کیسه‌ها زده بودند می‌هَلَّتْ . اگر تو جانشین او هستی باید مانند او عمل کنی تا اموال را به تو بسپاریم». هَلَّتْ یا سخن آنان را تکذیب کرد و گفت: این کارا آگاهی از غیب است و علم غیب مخصوص خداوند است. مَآ لَهِ نَزْدَ خَلِيفَةِ وَتِ رَفْتِ و از آنان بدگویی کرد. خلیفه آنان را احضار کرد و از آن‌ها خواست که اموال را به هَلَّتْ ی "گفتی گ" آنان گفتند: ما وکیل و اجیر مردم هستیم و باید اموال را به کسی بدهیم که مانند امام حسن عسکری علیه السلام خَغْظْ کند و حق خیانت در امانت مردم را نداریم. خلیفه سخن آنان را تصدیق کرد. آن‌ها از خلیفه خواستند که مأموری بفرستد آنان را تا بیرون شهر بدرقه کند و آنان اموال را به صاحبانشان باز گردانند. خلیفه پذیرفت و آنان از شهر سامرا بیرون رفتند.

هنگامی که به بیرون شهر رسیدند ناگاه جوانی دیدند که آنان را به نام صدا می‌زد و می‌هَلَّتْ . عُغْلَايِ خُودِ رَا اِجَابَتِ كُنَيْدُ. هَلْ قُتِبَ گ: آیا تو مولای ما هستی؟» هَلَّتْ . پناه به خدا! غ ف ك ك ن ك گ زار مولای شمایم. با من بیایید تا مولایتان را به

شما نشان دهم». به دنبال او رفتیم تا داخل خانه امام حسن عسکری علیه السلام شدیم. در آن جا فرزندش قائم علیه السلام را دیدیم که مانند پاره ماه بر تختی نشسته بود و لباس سبزی بر تن داشت.

به او سلام کردیم جواب سلام ما را داد. آله الله اموالی را که با خود داشتیم به صورت مفصل و دقیقاً معرفی کرد. حتی خصوصیات توشه‌ای که همراه داشتیم و مرکب هایمان را نیز بیان نمود. غایب این دلیل که خداوند مولایمان را کشف و شناسانده بودا سجده شکر به جا آوردیم. آله الله اموالی که داشتیم از او پرسیدیم و او به آن ما تسخ داد. پس اموال را به او سپردیم.

حضرت قائم علیه السلام به ما دستور داد که از آن پس مالی را به سامرا نیاوریم زیرا او مردی را در بغداد منصوب خواهد کرد و نامه‌های امام علیه السلام از آن جا صادر خواهد شد. ما از نزد امام علیه السلام به دیار خود باز گشتیم.

آن حضرت به محمد بن عفر قمی حمیری مقداری حنوط و کفن داد و فرمود: خدا به تو درباره مرگ خودت اجر بدهد. به همدان که رسیدیم او درگذشت (صدوق ۱۴۱۶: ج ۱۲ ص ۴۷۶-۴۷۸).

۲۵. سعید بن هبة الله راوندی مؤلف کتاب الخرائج و الجرائح از عده‌ای منتظر کرده است که گفته اند: جماعتی را در همدان یافتیم که همگی شیعه بودند که آن را از آنان پرسیدیم هلی گشت: یک سال اجد ما به حج رفت و بسیار زودتر از قافله بازگشت. علت آن این بود که در یک شب خواب می‌ماند و قافله حرکت می‌کند و او تنها می‌غفگ در حالی که به تنهایی سیر می‌کند صاحب الزمان علیه السلام را ملاقات می‌کند و آن حضرت به او می‌گوید: آیا می‌خواهی به خانه‌ات برسی؟ او می‌گوید: آری. جدمان گفت: امام علیه السلام به یکی از خدمت‌گزارانش فرمود دست مرا بگیرد و من با امام علیه السلام حرکت کردم. فغان دیدم زمین زیر پای ما درهم پیچیده می‌شد. هنگام فجر به همدان رسیدیم و او بازگشت. این واقعه سبب شد که ما همگی مستبصر شویم (عاملی ۱۴۲۵: ج ۱۵ ص ۳۲۵).

۲۶. نویسنده کتاب مناقب فاطمه و ولدها با سند خود از احمد بن محمد بن دینوری نقل کرده که وی رهسپار حج شد و شیعیان اموالی را به او سپردند تا به ناحیه مقدسه تحویل دهد. وقتی داخل سامرا شد ائمه لای به دستش رسید که در آن پس از «أغ الله الرحمن الرحيم» نوشته شده بود: «احمد بن محمد دینوری لخمگ خود وفا کرد». و خصوصیات کیسه‌های پول و مقدار دیناری که در آنک بودا با ویژگی‌های پارچه‌ها شرح داده شده بود. به او دستور داده شده بود که آن اموال را به هر کس که عمری [نایب خاص امام عصر علیه السلام] می‌گوید تحویل دهد (عاملی ۱۴۲۵: ج ۱۵ ص ۳۲۹)

۲۷. همو به سند خود از قاسم بن علا نقل کرده است که او به صاحب الزمان علیه السلام فئه لای فقیئت و درخواست کرد برایش دعا کند که خدا به او فرزندی «گلمگ در نامه امام علیه السلام در پاسخ او آمده بود: «خدایا! به او پسری عطا کن که روشنی چشم او باشد و همین حملی را که با او همراه استا وارث وی قرار بده». قاسم بن علا گوید: تامه را دریافت کردم و من نمی‌دانستم که حملی (زن بارداری) با من همراه است».

وقتی بررسی کردم یافتم که کنیزم که با من همراه استاگ ردار است و او پسری به دنیا آورد (لمغقه).

۲۸. از حسن بن جعفر قزوینی نقل شده است که گفت: یکی از برادران ما بدون وصیت از دنیا رفت. وارثان او می‌دانستند او مالی را پنهان کرده است و ولی جای آن را نمی‌دانستند. به ناحیه مقدسه نامه‌ای نوشتند و راهنمایی خواستند. در جواب آن لائفه لای صادر شد که طی آن ائمه لای آن اموال دقیقاً بیان شده بود. آنان آن مکان را کردند و مال را پیدا کردند (لمغقه ص ۳۲۷-۳۲۸)

آنچه نقل شد مشتت از خروار است که همگی به عصر غیبت صغرا مربوط است و در تواتر معنوی آن لای جای کمترین تردیدی وجود ندارد. اگر در تواتر معنا و مفاد این گزارش لای تردید شودا همه مواردی که تواتر معنا و مفاد آنک اغلغع

شناخته شده است مانند شجاعت امیرالمومنین علیه السلام و سخاوت حاتم مورد تردید قرار خواهد گرفت. معجزات مزبوراً بعثاً از نوع اخبار از غیب است که یکی از معجزات شاخص پیامبران الهی نیز بوده است. آگاهی از غیب اولاً وبالذات مخصوص خداوند است؛ ولی خداوند بندگان برگزیده خود را نیز از آن بهره مند می‌کند؛ چنان که فرموده است:

عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه أحداً إلا من ارتضى من رسول. (ف ۲۶-۲۷)

[خداوند] عالم به غیب است و هیچ کس را از غیب خود آگاه نمی‌کند مگر آن

کسی را که خدا پسندیده بلی‌گد یعنی رسول

از این جا روشن می‌شود که در آیاتی که علم غیب را مخصوص خدا می‌دانند<sup>۱</sup> مقصود علم غیب بالذات است اما علم غیب بالغیرا مخصوص خداوند نیست زیرا به نص آیه سوره جن و آیات دیگر خداوند بخشی از علم غیب خود را به برخی از آفریده‌های خود مانند پیامبران الهی تعلیم کرده است.

نکته دیگر اینکه از آیه سوره جن اصر استفاده نمی‌شود. مفاد آیه کریمه لاین است که رسول الهی مورد رضایت خداوند و از علم غیب بهره مند است؛ اما این را نفی نمی‌کند که غیر پیامبران نیز مورد رضایت خدا باشند و در نتیجه آنان نیز از علم غیب بهره فی‌لحق گد.

بدین سبب است که در احادیث اسلامی که از طریق شیعه و اهل سنت روایت شده آمده است که اولیای خدا از الهام و تحدیث بهره مندند یعنی چه بسا حقایقی به آنان الهام می‌شود یا فرشته‌ای با آنان سخن می‌گوید. (کلینی ۱۳۸۸: ج ۱۱ ص ۲۶۸؛ بخاری بی‌ج ۱۲ ص ۲۹۵)

از سوی دیگر امامان اهل بیت علیهم السلام وارثان علم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده‌اند

۱. مانند این آیه شریفه: «قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ» نمل/ ۶۵ - «لِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» نحل/ ۷۷ - «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ» (انعام: ۵۹).

بنابراین وقتی پیامبر اکرم ﷺ از علم غیب الهی برخوردار است امامان علیهم السلام نیز آن علوم را از پیامبر اکرم ﷺ به ارث برده‌اند. غزّ غگّ“ فس تظ هاشمی روایت کرده است که امام رضا علیه السلام به ابن هذاب فرمود: «آیا اگر به تو خبر دهم که تو در روزهای آینده به خون یکی از خویشاوندانت مبتلا خواهی شد سخن مرا تصدیق می‌کنی؟»

هظی ° نهب زیرا کسی غیر از خدا از غیب آگاه نیست». امام علیه السلام به او فرمود: «آیا خداوند نفرموده است: عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احدا الا من ارتضى من رسول؟ بنابر این آید لا رسول خدا ﷺ نفّ د خدا مرتضی بوده [و از علم غیب برخوردار بوده] است. ما وارثان همان پیامبری هستیم که خدا او را از غیب خود آگاه کرده است (عروسی ۱۳۸۴: ج ۱۵ ص ۴۴۴).

#### نتیجه

امامت ولی عصر ﷺ از سوی پیامبر اکرم ﷺ و امامان اهل بیت علیهم السلام پیش از تولد آن حضرت مطرح شده است. از سوی دیگر معجزات بسیاری از آن حضرت صادر شده است؛ بنابر این امامت امام عصر ﷺ علاوه بر آن که منصوص است اثبات برهان عقلی معجزه نیز اثبات می‌شود.

## منابع

١. بحراني، ابن ميثم، قواعد المرام، قم، مكتبة المرعشي، ١٤٠٦ق.
٢. بخارى، ابو عبدالله، صحيح البخارى، بحاشية السندی، بيروت، دارالمعرفة، بی تا.
٣. تفتازانى، سعدالدين، شرح المقاصد، قم، منشورات الرضى، ١٤٠٩ق.
٤. جرجاني، مير سيد شريف، شرح المواقف، قم، ١٤١٢ق.
٥. حر عاملی، محمد بن الحسن، اثبات الهداة، بيروت، مؤسسة الاعلمی، ١٤٢٥ق.
٦. حلبي، ابوالصلاح، تقريب المعارف، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤٠٤ق.
٧. حلی، جعفر بن الحسن، المسلك فى اصول الدين، مشهد مقدس، مجمع البحوث الاسلامیة، ١٤١٤ق.
٨. حلی، حسن بن يوسف، الالفین، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٨ق.
٩. حلی، حسن بن يوسف، نهج الحق و كشف الصدق، قم، دارالهجرة، ١٤١٤ق.
١٠. حمصی رازی، سديد الدين، المنقذ من التقليد، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١٢ق.
١١. رازی، فخرالدين، المحصل، بيروت، دارالكتاب العربي، ١٤٠٤ق.
١٢. سيورى، مقداد بن عبدالله، ارشاد الطالبين، قم، مكتبة المرعشي، ١٤٠٥ق.
١٣. سيورى، مقداد بن عبدالله، اللوامع الالهية، قم، مكتب الاعلام الاسلامی، ١٤٢٢ق.
١٤. صدوق، محمد بن على بن الحسين، كمال الدين، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١٦ق.
١٥. طوسى، محمد بن الحسن، الغيبة، تهران، مكتبة نينوى الحديثية، بی تا.
١٦. طوسى، نصير الدين، تلخيص المحصل، بيروت، دارالأضواء، ١٤٠٥ق.
١٧. \_\_\_\_\_ رسالة الأمامة، بيروت، دارالأضواء، ١٤٠٥ق.
١٨. عروسى حويزى، عبد على، نورالثقلين، قم، انتشارات دارالتفسير، ١٣٨٤ش.
١٩. علم الهدى، على بن الحسين، رسائل الشريف المرتضى، بيروت، مؤسسه النور، بی تا.
٢٠. قوشجى، ملا على، شرح التجريد، قم، منشورات الرضى، بی تا.
٢١. كلينى، محمد بن يعقوب، اصول كافي، تهران، المكتبة الاسلامیة، ١٣٨٨ق.
٢٢. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، المكتبة الاسلامیة، ١٣٩٠ق.
٢٣. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، قم، المؤتمر العاملى لالفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ق.
٢٤. \_\_\_\_\_، النكت الاعتقادية، المجمع العالمى لأهل البيت، ١٤١٣ق.





## شناختنامه زیارت آل یاسین

روح الله شاهی\*، دکتر سید اسحاق حسینی کوهساری\*\*

### چکیده

زیارت آل یاسین از زیارت‌های حضرت ولی عصر علیه السلام است که طبری آن را به نقل از توفیق حمیری در کتاب خود (احتجاج) آورده است. این زیارت به درخواست شیعیان از ناحیه مقدسه صادر شده است و علما و بزرگان به آن عنایت داشته‌اند. در این نوشتار به دنبال شناخت بیشتر زیارت و اثبات اعتبار و آل یاسین بودن اهل بیت علیهم السلام هستیم. کلیدواژه‌ها: آل یاسین، اهل بیت علیهم السلام، طبری، حمیری، کادح (قادح).

### طرح بحث

اطمینان به صحت و حتمی بودن امورا انسان را در بردارند. کارگیری آن‌ها در زندگی خویش با طمأنینه و آرامش همراه می‌کند. این مهم در امور اعتقادی و باورهای دینی از جمله ادعیه و زیارات از دقت و ظرافت بیشتری برخوردار است؛ زیرا از یک سو اوصاف خداوند را خارج از وصف است و هرگونه سخن در شناخت اوصاف و ویژگی‌های حضرتش مگر از عباد مخلصش غیرقابل قبول است:

<سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ\* إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ> (صافات: ۱۵۹ و ۱۶۰)

از سوی دیگر شناخت معصوم مگر از جانب خدا و معصومان ممکن نیست:

«يَا عَلِيُّ! مَا عَرَفَ اللَّهُ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ، وَ مَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْتَ، وَ مَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ»

\*. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.

\*\* استادیار دانشگاه تهران (پردیس قم).

وَأَنَا<sup>۱</sup>

همچنین عارض شدن مشکلاتی همچون حذف سند تصحیفاً تحریف و... در تاریخ پر فراز و نشیب اسلام به خصوص تاریخ تشیع راه معرفت و رسیدن به سعادت بسی دشوار می‌نماید؛ ولی اثبات اعتبار و نیز مطابقت این اخبار با آموزه های قرآن اطمینان از به کارگیری تعالیم آن را فراهم می‌آورد. در این مقاله به بررسی اعتبار زیارت آل یاسین<sup>۲</sup> خواهیم پرداخت.

### گونه های زیارت آل یاسین

کتب ادعیه و زیارات دو زیارت را گزارش کرده‌اند که با عبارت «سلام آل یاسین» شروع می‌شود؛ هر دو زیارت محمد بن عبدالله حمیری است. او<sup>۳</sup> دو تن از نایبان خاص حضرت ولی عصر علیه السلام هم عصر بود و گرایش شدیدی به حضرت ولی عصر علیه السلام داشت. در این راستا بود که به واسطه سفیران حضرت ائمه<sup>۴</sup> امام مهدی علیه السلام رابطه برقرار کرد. وی خدمت آن عزیزا نامه هایی ارسال می‌کرد و مسائل شرعی و نیازهای دینی خود را از آن بزرگوار می‌پرسید و پاسخ می‌طیبت<sup>۵</sup>. برای وی از سوی حضرت ولی عصر علیه السلام دو بار زیارت صادر شده است. که دو زیارت شباهت زیادی به یکدیگر دارند و در واقع نسبت میان آن‌ها عموم و خصوص من وجه است.

علامه مجلسی رحمته الله زیارت اول را که در زمان محمد بن عثمان نایب دوم امام زمان علیه السلام صادر شده است در کتاب دعای بحار الانوار از خط شیخ محمد بن علی جبّعی جد شیخ بهایی<sup>۶</sup> و در کتاب مزار از سید بن طاووس که آن را زیارت ندبه نامیده و در سرداب مقدس خوانده می‌شود نقل کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۶، ص ۹۲). سپس همین زیارت را از قول مع سه المزار الكبير نقل کرده است<sup>۷</sup>.

۱. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۱۴۵ و ۲۲۷؛ روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، ج ۵، ص ۴۹۲.

علاوه دوازده رکعت نماز. غُغ می گوید: أحمد بن ابراهیم گفت: «لَا تُرْفَعُكَ» ف عثمان که از نواب امام زمان علیه السلام بود گلایه کردم که بسیار مشتاق دیدن مولای خود هستم. هُلی : «با اشتیاق خواهش دیدار آن حضرت را داری»

هُلی غُغ: «لَا» هُلی : خدا تو را به سبب اشتیاق ثواب دهد و روی مبارک آن حضرت را به آسانی و با عافیت «ل تو بنماید». «لله هُلی : دیدار آن حضرت را در این ایام غیبت آرزو مکن که باید مشتاق خدمت آن حضرت باشی [نه دیدار او] و نباید درخواست اجتماع با آن حضرت را داشته باشی که این [عدم امکان اجتماع با حضرت] از امور حتمی خداست و تسلیم و انقیاد در برابر خداوند لازم است؛ لیکن توجه کن به سوی آن حضرت به وسیله زیارت کردن بعد از دوازده رکعت نماز که در هر رکعت سوره «قل هو الله أحد» بخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام بگویی و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستی؛ «لله طلقه سلام علی آل یاسین ذلک هو الفضل المبین من عند الله و الله ذو الفضل العظیم» (ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۵۸۶)

۱. این زیارت را، علامه مجلسی تحت عنوان «زیارت امام غایب از نظر»، چند بار نقل کرده است که در ج ۹۹، ص ۹۲ به نقل از حمیری «زیارة آخری له صلوات الله علیه و هی المعروفة بالندبة خرجت من الناحية المحفوفة بالقدس إلى أبي جعفر محمد بن عبد الله الحمیری رحمه الله و أمر أن تتلى فی السرداب المقدس و هی بسم الله الرحمن الرحیم...» — همان جلد ص ۹۶ به نقل از حمیری بدون ذکر سرداب مقدس و در ص ۹۷ به نقل از احمد بن ابراهیم که به نایب دوم امام محمد بن عثمان اشتیاق خود را برای زیارت امام زمان مطرح می کند. محمد بن عثمان نیز ضمن اشاره به اینکه امکان چنین دیداری فراهم نیست، او را به این زیارت مذکور رهنمون می شود و می گوید: «زیارت را از نزد محمد بن علی استنساخ کنید» و بعد از دوازده رکعت نماز، زیارت را بخوانید. چنان که مؤلف المزار الکبیر نقل کرده است و نامی از حمیری نمی برد. راوی هردو زیارت، محمد بن عبدالله حمیری است، اما به نظر می رسد زیارت اول را فقط حمیری روایت کرده و زیارت دوم در توقیع شریف حضرت برای او صادر شده است. (ر.ک: جرعه ای از زلال سرداب مقدس، سید فرید موسوی، ص ۲۵).

اما زیارت دوم را که همان زیارت آل یس مشهور است اولین بار ابو منصور احمد بن علی بن ابی ثعلب<sup>۱</sup> طبرسی (م ۵۸۸) در کتاب ارزشمند خویش احتجاج نقل نموده (طبرسی ۱۴۰۳: ج ۱۲ ص ۴۹۲) و سپس علامه مجلسی در مجلدات پنجاه و سوم (ص ۱۷۱) نود و یکم (ص ۲) و نود و نهم (ص ۸۱) بحار الانوار زیارت را نقل کرده است. بر همین اساس طبق نقل سید بن طاووس که از بزرگان و فحول در شناسایی و نقل ادعیه و زیارات است ما زیارت دوم را زیارت آل یاسین می‌دانیم و به بررسی آن می‌پردازیم.

### سند زیارت آل یاسین

#### احمد بن علی طبرسی صاحب کتاب احتجاج

نخستین مصدر ناقل زیارت آل یس «کتاب احتجاج اثر مرحوم احمد بن علی طبرسی (م ۵۸۸ق) است که زیارت را به نقل از محمد بن عبدالله حمیری در مگ<sup>۲</sup> بمقداری از فرمایشات امام زمان علیه السلام در مورد مسائل فقهی و غیر آن در توفیعاتی که توسط نواب چهارگانه و غیر ایشان از او صادر شده» (طبرسی ۱۳۸۱: ترجمه جعفری ج ۱۲ ص ۶۰۴) آورده است.

بزرگان و علمای متقدم و متأخر طبرسی را ستوده و به کتابش اعتماد کرده‌اند. شیخ آقا بزرگ طهرانی رحمته الله علیه در ذیل عنوان کتاب می‌نویسد:

الاحتجاج علی أهل اللجاج تألیف شیخ جلیل ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی استاد رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب السروی است که او در سنه ۵۸۸ وفات یافته... تمام مرسلات در کتاب از احادیث مستفیض مشهور و اجماعی از مخالف و موافق می‌آید کتاب فوق الذکرا از جمله کتب غزیره‌ای است که معتمد تمام علمای اعلام همچون علامه مجلسی رحمته الله علیه و محدث چپ‌خاندان رحمته الله علیه و مانند آن دو بزرگوار می‌آید (طهرانی ابی<sup>۳</sup> ج ۱۱ ص ۲۸۲).

شیخ حر عاملی می‌گوید:

احمد بن علی بن ابی طالب ث «یا لایا دانشمند فاضل و فقیه پرهیزگار و مؤلف کتاب احتجاج بر اهل لجاج که کتاب خوب و کثیر الفوائدی می‌باشد که مرحوم مؤلف روایت غلا کند از سید عالم و عابد ابوجعفر مهدی بن ابی حرب حسینی غیث‌الایا و او از شیخ بزرگوار ابو عبد الله جعفر بن محمد بن احمد دوریستی او از پدرش محمد بن احمد دوریستی او از شیخ صدوق محمد بن علی بن حسین بن بابویه القملا و برای مؤلف در نقل حدیث‌ها هم طرق دیگر و هم تألیفات دیگری نیز ل ا ل «(حر عاملی، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۷)

ابن شهر آشوب نیز صحت انتساب کتاب به استادش طبرسی را تایید کرده‌ا علاوه بر احتجاج برخی دیگر از آثار او را نام می‌برد. (مازندرانی ص ۱۶۱ رقم ۱۲۵). سید بزرگوار ابن طاووس در فصل ۵۴ کتاب کشف المحججه مطالعه آن را به پسرش توصیه می‌کند و می‌گوید: «و کتاب الاحتجاج لأبی منصور أحمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی». (ابن طاووس، ۱۳۳۰: ص ۳۵) علامه مجلسی نیز احتجاج را از منابع بحارالانوار قرار داده و فرموده است: «سید بن طاووس او و کتابش را ستوده اس ل و سپس می‌گوید: «اکثر متأخران از کتاب احتجاج روایت کرده‌اند». (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۲۸)

این توثیقات در حالی است که طبرسی انگیزه خود را از نوشتن کتاب اثبات شرعی بودن بحث وهلی و گف و جدل به حقا و ترغیب شیعیان به این کار بیان کرده و از آوردن سلسله روایات احادیث با اعتقاد به اجماع عقل و تواتر روایات در کتب فریقین چشم پوشیده است. (طبرسی ۱۴۰۳: ج ۱۱ ص ۱). بر همین اساس با توجه توثیقات مذکور کتاب احتجاج و مؤلف آن احمد بن علی طبرسی رحمه الله مورد اعتمادند؛ هر چند هیچ نگاره و اثر بشری او سوی معصوم خالی از انتقاد و احیاناً اشتباه نیست؛ از همین رو به همین مقدار از نقل توثیقات طبرسی بسنده کردا در ادامه به بررسی شخصیت راوی زیارت محمد بن عبدالله حمیری می‌پردازیم.

### شخصیت شناسی محمد بن عبدالله حمیری (راوی زیارت)

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری راوی زیارت آل یاسین است. وی از سوی علمای رجال توثیق شده و مورد اعتماد آنها قرار گرفته است. نجاشی درباره اش می‌گوید:

غزّی بن عبدالله حمیری از محدّثان مورد اعتماد و در میان دانشمندان قم از «یثأ» لها و نمونه هاست. او چنان شخصیّتی است که باب مکاتبه اش با حضرت ولیّ خ بی‌الله باز بود و با آن بزرگوارا ارتباط داشت و مسائل گوناگونی را در زمینه های دینی از آن حضرت سؤال کرد. استاد من احمد بن حسین غضائری برایم می‌نویسد: «من اصل سؤال ما و جواب های حضرت را که در بین سطرها نوشته بودند دیده ام.» (نجاشی ۱۳۶۵: ص ۳۵۵)

شیخ طوسی در سه جا از کتاب رجال از وی نام برده است. (طوسی ۱۳۷۳: ص ۱۴۳۹، ۱۴۴۵، ۱۴۴۸). علامه حلی هم درباره اش می‌گوید: «او محدّثی است فرزانه که با حضرت ولیّ خ بی‌الله مکاتبه و ارتباط داشت.» (حلی ۱۴۱۱: ص ۱۵۷). فام او غزّی کنیه اش ابو جعفر و معروف به حمیری قمی است. (نجاشی ۱۳۶۵: ص ۵۵، ثقیّی ۱۴۲۰: ص ۴۴۲). او اهل قم و منسوب به قبیله‌ای در یمن به نام حمیر است. ب لچ 'لسان العرب می‌گوید: حمیر بزرگ خاندان شلی حمیر بود و او حمیر بن سبأ است.» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۲۱۵). تاریخ ولادت این عالم بزرگوارا مبهم است و حتی نام چندانی از استادان این محدث بزرگوار در تذکره‌ها و تراجم رجال ذکر نشده و گویی بیش از دو یا سه استاد روایت نداشته است. این اساتید عبارتند از:

پدر بزرگوارش عبدالله بن جعفر حمیری قمی (ب لچ 'قرب الاسناد).  
احمد بن محمد بن خالد برقی ص فی (دانشمند برجسته و مؤلف کتاب معروف غزّی آ ف).

از شاگردان محمد بن عبدالله الحمیری می‌توان علی بن حسین بن شاذویه

(صدوق ۱۴۰۰: ص ۱۹۹ ح ۷). و احمد بن هارون (همان ۱۴۰۰: ص ۱۳۹ ح ۷) از استادان مرحوم صدوق ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی بت لچ 'کامل الزیارات' (ابن قولویه ۱۳۵۶: ص ۲۴) حسن بن حمزه علوی حسینی طبری (مفیدا ۱۴۱۳: ص ۱۲) از اساتید برجسته جناب شیخ مفید را نام برد. از توثیق حمیری ثقیلاً ثعلمای رجال شیعه نجاشی و شیخ طوسی به دست می آید که زیارت آل یاسین از نظر سندی از غایت و کتاب ناقل زیارت و راوی آن مورد اعتمادند.

### واژه شناسی «آل یس»

در نام گذاری لام فی آ" ° ک ل ص ی در نظر گرفته نمی شود و به طور قطع در ادعیه و زیارات نیز گاهی این چنین عمل شده است. درباره زیارت ° آل یس نیز چنین احتمالی مطرح است که با توجه به اینکه این زیارت با جمله سلام علی آل یس آغاز می شود زیارت به این نام مشهور شده باشد. از آنجا که در تفسیر آیة اول سوره یس گفته شده است که یس یعنی محمد ﷺ و ° آل یاسین یعنی اهل بیت علیهم السلام باید در یافتن معنای لغوی دقت بیشتری مبذول کرد. برخی ° آل یاسین را یک کلمه دانسته اند (الیاسین) و معتقدند قرائت آن به فتح و مد همزه و کسر لام (آل) و اعتقاد به اینکه نام پدر الیاس علیهما السلام یاسین بوده است ° به دلیل شکل کتابت به صورت منفصله است (آل یس) چنان که منشأ قرائت به ° آل یس را نیز تفسیر یاسین به رسول الله دانسته اند و معتقدند اصل شدن ° ین به آخر کلمه الیاس به منظور حفظ نظم اواخر آیات و همچنین تعظیم و بزرگداشت با زیاد شدن مبانی بوده است. (مصطفوی ۱۳۶۰: ج ۱۱ ص ۱۳۰).

برخی نیز ° آل یاسین را ترکیبی اضافی دانسته اند به معنای ° الیاس و اهل او. (طریحی ۱۳۷۵: ج ۱۴ ص: ۱۲۶). اما در این باره که ° آل یاسین را در لغت به

۱. تفسیر فرات الکوفی، ص: ۳۵۶؛ تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۸، ص، ۲۰؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۲، ص ۱۳.



غنی لى پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام بدانیم ابتدا باید به تحلیل واژه «آل» بپردازیم. واژه «آل» را لغت شناسان مشتق از «اهل»<sup>۱</sup> لغت‌ای پیروان و افراد هم عقیده یک شخص دانسته‌اند و معتقدند در اثر گسترش استعمال لغت بج «اهل» به افراد درون خانه یک مرد (اهل بیت) نیز اطلاق شده است. اهل هر پیغمبر نیز همان امت اویند. (طریحی ۱: ۱۳۷۵؛ ج ۱۵ ص ۳۱۴؛ ابن فی حورا ۱: ۱۴۱۴؛ ج ۱۱۱ ص ۳۸).

ب لچ ' قاموس نیز معتقد است؛ با توجه به کاربرد قرآنی آل موسی آل هرون آل ابراهیم آل عمران ... و اینکه خداوند می‌فرماید: «فَأَسْرِبَا هَلِكًا بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ» (هود: ۸۱). و در جای دیگر می‌فرماید: «إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ لَّيْلِيَّةٍ» (۳۴). آل به معنای اهل است.

عده‌ای نیز قدر مسلم معنای «آل» را همان اهل خانه مرد می‌دانند؛ اما اشتقاق «آل» را از اهل نپذیرفته و آن را از ریشه «اول»<sup>۲</sup> لغت‌ای تقدم و ترتب بر دیگری دانسته‌اند؛ بر این اساس «آل» به افرادی اطلاق می‌شود که عنوان ا روش و دین آن‌ها به شخصی بر می‌گردد. این اطلاق با توجه به قراین مفهومی گسترده می‌یابد؛ اما با این گسترش مفهوم تنها به مطلق اتباع از یک شخص معنا می‌شود. این نکته نیز قابل یادآوری است که قید مفهومی در «آل» رجوع و اتکاست. برخلاف «اهل» که قید مفهومی آن انس و همدلی است.<sup>۳</sup>

«یاسین» نیز با توجه به سخن گروهی که «یاسین» را الیاس و اهل او معنا کرده‌اند مساوی است با الیاس. (طریحی ۱: ۱۳۷۵؛ ج ۱۴ ص ۱۲۶). این نظر با در فحیطیة ف آل و «یاسین» به صورت مجزا قابل دفاع نیست؛ زیرا اهل لغت با در فحیطیة ف آل «در کنار یاسین» آن را به مق لى الیاس گرفته‌اند؛ و گرنه یاسین به صورت مجزا لغت‌ای خاصی به جز آنچه به عنوان حروف مقطعه خوانده شده است ندارد که در اینجا با توجه به رسم الخط قرآن مطرح نیست مگر اینکه

۱. ر.ک: التحقیق.

بگوئیم تعبیر «لِیَاسِین» ل جای الیاس «یا» ل آ «این است که الیاسین عزّوجلّ در واژه الیاس» بودا و لمی دو به یک غنق استا و یا اشاره ل الیاس و پیروان او است که «ل صورت شغخ آمده است. شگ آ الیاس» منسوب طث ل و الیاسی» شده ل الله «ل صورت شغخ در آمده و الیاسیین» گردیده و «شغخ گشور» شده و الیاسیین» شده است (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۱۱۹ ص ۱۴۳). بنابراین از نظر لغوی آل یاسین» مساوی است با الیاسا و اقوال دیگر اکتتبع به ظاهر آیات قرآن است (مصطفوی ۱۳۶۰: ج ۱۱ ص ۱۲۹).

اما روایات زیادی وارد شده مبنی بر اینکه یس» نام پیامبر ﷺ است و اهل بیت ایشان آل یاسین هستند. امام صادق ﷺ از اجدادش از امام علی ﷺ می فرماید: یاسینا محمد است و ما آل یاسین هستیم (فیض کاشانی ۱۴۱۵: ج ۱۴ ص: ۲۸۲).

فرات کوفی نیز معنعناً از ابن عباس نقل می کند که می گوید: آل یاسین همان آل محمدند. (فرات کوفی ۱۴۱۰: ص ۳۵۶)

نیز نقل شده است که مأمون از حضرت امام رضا ﷺ می یآگد: آیا غیر از آنچه مشهور است در اینکه شما اهل بیتا همان آل پیغمبر هستیدا آیه ای در قرآن وجود دارد؟» امام پس از تلاوت آیات اولیه سوره یس >یس و القرآن الحکیم انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم < (یس: ۲ و ۱). و نقل اینکه یس نام پیامبر ﷺ است و کسی در آن شک ندارد فرمود: خداوند از این رهگذرا چنان فضلی به اهل بیت پیامبر ﷺ عطا کرده که هیچ کس به کنه وصف آن پی نمی بردا مگر اینکه بیندیشد. آنجا که خداوند به احدی مگر انبیا درود نفرستاده و می فرماید: >سلام علی نوح فی العالمین < (صافات: ۷۹). و می فرماید: >سلام علی ابراهیم < (همان: ۱۰۹). و می فرماید: >سلام علی موسی و هارون <، (همان: ۱۲۰). اما نفرموده سلام بر آل نوح و آل ابراهیم و آل موسی و هارون و فرموده است: >سلام علی الیاسین < (همان: ۱۳۰). و آل یاسینا آل محمدند. (بحرانی ۱۴۱۶: ج ۱۴ ص ۶۲۶).

از دوازده روای<sup>۱</sup> همض شده در تفسیر برهان که آل یاسین را آل غزوث<sup>۲</sup> می‌داند. روایت از امامان<sup>۳</sup> همض شده دو روایت از امیرالمؤمنین<sup>۴</sup> دو روایت از امام صادق و یکی از امام رضا<sup>۵</sup>. بقیه روایات از ابن عباس و ابو مالک و ابو خ<sup>۶</sup> الراحمین می<sup>۷</sup> آید آنچه از حضرت رضا<sup>۸</sup> روایت شده<sup>۹</sup> لحاظ سنداً صحیح است و سایر روایات<sup>۱۰</sup> آنکه<sup>۱۱</sup> «غزوثک<sup>۱۲</sup> فمسرور» که مورد<sup>۱۳</sup> ت<sup>۱۴</sup>ی<sup>۱۵</sup> گ<sup>۱۶</sup> مرحوم صدوق است<sup>۱۷</sup> ل<sup>۱۸</sup> «ت<sup>۱۹</sup> گ<sup>۲۰</sup> صحیح هستند. (قرشی ۱۳۷۱: ج ۱۱ ص ۱۰۷).

غ<sup>۲۱</sup> لف تفسیر نمونه با اظهار اینکه تنها یکی از روایات منقول در معانی الاخبار [که<sup>۲۲</sup> «روایات البرهان یکسان است»] ل<sup>۲۳</sup> اهل بیت منتهی می<sup>۲۴</sup> شودا به علت مجهول بودن<sup>۲۵</sup> «کادح» یا «قادح» که در سلسله راویان قرار دارد سکوت و عدم بیان نظر را<sup>۲۶</sup> می<sup>۲۷</sup> دانند (مکارم شیرازی ج ۱۹ ص: ۱۴۶). از همین رو به بررسی این شخصیت می<sup>۲۸</sup> پردازیم.

### شخصیت شناسی «کادح»

همان طور که اشاره شد در سلسله روایاتی که آل یاسین را آل محمد<sup>۲۹</sup> معرفی می<sup>۳۰</sup> کندا شخصی به نام «کادح» وجود دارد که او را مجهول می<sup>۳۱</sup> دانند. معانی الاخبار و البرهان چنی<sup>۳۲</sup> ف می<sup>۳۳</sup> نویسند:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَيْسَى الْجَلُودِي الْبَصْرِي قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَهْلٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْخَضِرُ بْنُ أَبِي فَاطِمَةَ الْبَلْخِي قَالَ حَدَّثَنَا وَهْبُ بْنُ نَافِعٍ قَالَ حَدَّثَنِي كَادِحٌ [قادح] عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ قَالَ يَاسِينَ مُحَمَّدٌ ص وَنَحْنُ آلُ يَاسِينَ (صدوق، ۱۴۰۰: ص ۱۲۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ص ۶۲۴).

کتب رجال نام سه تن از راویان را «کادح» ذکر کرده اند؛ «کادح بن جعفر»<sup>۳۴</sup>



عنوان «صدوق» و «کان من العباد» ستوده‌اند و ابن‌سینا هین او را از ثقات بر شمرده است؛ هرچند برخی مانند الازدی او را جرح کرده و ضعیف و زائغ دانسته‌اند؛ از همین رو با توجه به اینکه کادح بن جعفر از یاران امام صادق علیه السلام است برخلاف جرح شیخ طوسی - قابل اعتماد بوده و روایتش در باب اینکه آل غزنگ علیهم السلام همان آل یاسین هستند پذیرفتنی است. این احتمال نیز مطرح است که تضعیف کادح بن جعفر توسط شیخ طوسی در اثر اشتباه با کادح بن رحمة الزالمگ صورت پذیرفته باشد.

### آل یاسین از نظر علم قرائات

قرائت همان تلاوت و خواندن قرآن کریم است. اصطلاحاً هرگاه تلاوت قرآن «ل طق‌لای باشد که از نص وحی الهی حکایت کند و بر حسب اجتهاد یکی از قراء معروف استوار باشد قرائت قرآن تحقق یافته است. شرط صحت قرائت بر اساس علم قرائت عبارت است از: ۱. صحت سند قرائت ب ۲. موافقت با رسم الخط غ بژ ب ۳. موافقت با رسم الخط عربی. هرگاه قرائتی یکی از این شروط را نداشته «لی‌گ‌ا غیر صحیح و مردود است.

پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله تلاش مسلمین برای جمع و تألیف صحیح قرآن باعث بروز اختلاف در قرائت شگ‌ا که به اقدام عثمان در توحید مصاحف انجامید؛ اما توحید مصاحف نیز به دلایلی مانند ابتدایی بودن خط و نگارش بی نقطه بودن حروف و... مشکل را برطرف نکرد و همچنان قرائت‌های متفاوتی میان مسلمین وجود داشت تا سرانجام مجاهد بن جبر مکی هفت قرائت را به عنوان قرائت «یگزیده معرفی کرد و مورد اقبال عمومی قرار طیب ب لمی قی‌گ‌علمای علم قرائت بر مجاهد به دلیل حصر قرائت در هفت قرائت خرده گرفته و به او اعتراض کردند. (غخیس ۱۰: ۱۳۸۵ ص ۲۰۲ ات ۲۱۲).

حجیت قرائت سبعة را بیشتر فقها و علما پذیرفته‌اند و قائل به جواز قرائت آن

در نماز هستنگ (همان ا ص ۲۲۲). از میان قرآء سبعة نافع و ابن عامر لفظ آل یاسین را به فصل (آل یاسین) و بقیه به وصل (الیاسین) قرائت کرده‌اند. (طوسی، ج ۸، ص ۵۲۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۱، ص ۱۷۵). در قرائت‌های دهگانه نیز یعقوب آل یاسین را به فصل قرائت کرده است. (طباطبایی ۱۳۷۴: ج ۱۱۷ ص ۲۴۱). همچنین مؤلف کتاب آل یاسین قرائة قرآنیة اصیلة نام شش نفر دیگر را به عنوان قاریان معروفی که قرائات بعضی از آن‌ها را از صحیح‌ترین قرائات نزد علمای سنی مثل احمد بن حنبل معرفی می‌کند در زمره کسانی می‌آورد که آل یاسین را به فصل قرائت می‌کنند.<sup>۱</sup>

شایان ذکر است که قرائت به آل یاسین با توجه به موافقت با رسم الخطا بلاغت زبان عربی و مصحف عثمانی و اینکه تفاوت لغوی قرائت را از شذوذ قرار نمی‌دهد قرائتی شاذ نیست.<sup>۲</sup> همچنین باید توجه داشت که تمسک انحصاری به قرائات سبعة مطلبی نیست که بتوان درباره آن اثر و خبر و سنتی را جست‌وجو کرد؛ یعنی هیچ شاهی از طریق خبر و سنت برای انحصار تمسک به قرائات قرآء سبعة وجود ندارد؛ بنابراین قرائتی جز قرائات سبعة نیز وجود دارند که مانند آن‌ها از تواتر برخوردارند.<sup>۳</sup> سرزنش و خرده‌گیری علمای فن قرائت با مجاهد در انحصار قرائات نیز به همین دلیل است؛ بنابراین قائل شدن به صحت قرائت آل یاسین به فصل بر اساس دیگر قرائات نیز ممکن است.

صحت قول به آل یاسین بودن اهل بیت پیامبر ﷺ از منظر روایی و علم قرائت با قرائت آل یس به صورت منفصل با توجه به مقدمه فوق مشخص می‌شود و روایت شیعه و سنی نیز به آن اشاره دارند؛<sup>۴</sup> اما می‌توان با دقتی

۱. ر.ک: آل یاسین قرائة قرآنیة اصیلة، ص ۵۱ و ۱۵۴.

۲. همان، ص ۹۰ و ۹۴ و ۱۵۴.

۳. مقدمه ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، ص ۶۵ و ۹۸.

۴. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۲۸۲؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۳۵۶؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۳۲؛ شواهد

مضاعف در لفظ «الیاسین» به صورت متصل نیز آل یاسین بودن اهل بیت علیهم السلام را اثبات کرد. در آیه «إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا لَا ذِمَّةَ» و «لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَا لَا ذِمَّةَ» (نساء: ۸ و ۱۰) هیچ جایی «آل» به کار رفته است. یکی از معانی مطروحه ذیل این لفظاً قرابت است که با قرائت مرسوم آل یاسین «ف» به صورت «الیاسین» هماهنگ می‌آید. مفسران در معنای لفظ «آل» لغات زیر را آورده‌اند: قرابت (نزدیکی) اخمگ (پیمان و تعهد) جوار (همسایگی و نزدیک بودن) اچف سه (آفتابگ) و یمین صل (آغ). کتب لغت نیز «آل» را به همین معنا آورده‌اند.<sup>۱</sup> در این صورت معنای آیه «سَلَامٌ عَلٰی اٰلِ يٰسِیْنَ» (صافات: ۱۳۰). سلام بر اقربا و رحم و همجواران یاسین است که همان اهل بیت علیهم السلام است. با این فهم جدید از آیه ا مصداق قرائت به فصل و به وصل آل یاسین «اهل بیت علیهم السلام لَمْ تُلَقُّوْا» (لشکری بغدادی ۱۴۲۹: ص ۱۶۰).

### زمان و سبب صدور زیارت

چنان‌که بیان شده مصداق آل یاسین «اهل بیت پیامبر علیهم السلام لَمْ تُلَقُّوْا» اما سبب صدور زیارت از سوی امام عصر علیه السلام چیست؟ همان‌طور که در فهم و تفسیر آیات و سور قرآن کریم از آیه «لَمْ تُلَقُّوْا» نزول مطرح است در فهم و تبیین روایات و احادیث نقل شده از اهل بیت علیهم السلام نیز سبب صدور مطرح می‌شود. آشنایی با این اسباب فهم و تفسیر مقاصد اهل بیت از بیاناتشان را روشن می‌کند. در صدور زیارت آل یاسین سبب خاصی مشخص نیست. محدثان چنین نقل کرده‌اند: از محمد بن عبد

→

التنزیل، ج ۲، ص ۱۶۵؛ روح المعانی، ج ۱۲، ص ۱۳۵؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۸۶.  
 ۱. رک: ترجمه مجمع البیان، ج ۱۱، ص ۲۶؛ ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۲۰۹؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۲، ص ۱۵۸؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۹؛ معالم التنزیل، ج ۲، ص ۳۱۹.  
 ۲. رک: کتاب العین، ج ۸، ص ۳۶۱؛ مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۱؛ قاموس قرآن، ج ۱، ص ۹۴.

الله بن جعفر الحمیری رضی اللہ عنہ منقول و مروی است:

توقیع دیگر سوای آن توقیع از ناحیه همدگاً ل - که خدا آن را حراست کند - بعد از توقیع مسائل مذکوراً بدین وجه بیرون آمد که: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَنَا لِأَمْرِهِ تَعْقُلُونَ حِكْمَةً بِالْغَةِ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ... عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ السَّلَامَ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَإِنَّا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى سَلَامٌ عَلَى آلِ يَس». (طبرسی ۱: ۱۳۶۰: ج ۱۲ ص ۳۴۳)

“اتوجه به آنچه که در سبب صدور روایات از اهل بیت علیهم السلام به عنوان سبب عام یا همان عمومات هدایتی تربیتی و آموزشی مطرح می‌شود (سلیمانی ۱۳۸۵: ص ۱۵۶). احتمالاً می‌توان سبب صدور این زیارت را سببی عام دانست. البته ممکن است سببی خاص موجب صدور این زیارت شده باشد؛ توضیح آنکه شیایط و فضای حاکم در عصر غیبت صغرا موجب شد شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام تحت فشار و نظر قرار گیرند. شرایط سیاسی و خفقانی را که دستگاه عباسی برای امامان نهم و یازدهم علیهم السلام ایجاد کرده بود و شک و سرگردانی‌ای که برای شیعیان در شناخت امام زمانشان پیش می‌آمد درباره امام دوازدهم با غیبت آن حضرت دوچندان شده بود. از طرف دیگر امام حسن عسکری علیه السلام نیز طبق مآخذ قرون اولیه نتوانست آشکارا پسر خود را معرفی نموده و جانشین خود را به طور علنی نصب کند. (غفارزاده ۱۳۸۳: ص ۷۸). افزون بر این در چنین شرایطی خگه‌ای از خواص و افراد سرشناس نیز “لحق نخسدایمان ا شغخث ل اموالی که از بلاد اسلامی به سوی نواب سرازیر می‌شد و رسیدن به شهرت و ریاست در جامعه دچار لغزش شده بابت امام را ادعا کردند. (همان ص ۸۸)

۱. لازم به توضیح است که مقدمه توقیع شریف علاوه بر تفاوت با مقدمه زیارت غیر معروفه (زیارت ندبه) در نسخه‌های موجود زیارت معروفه نیز دارای اندک تفاوتی با یکدیگرند، گویا دچار تصحیف شده است. رک: احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱ و ج ۹۱، ص ۲ و ج ۹۹، ص ۸۱.





یکی بودن حقیقت نوری و وجود ملکوتی اهل بیت علیهم السلام در مرحله ثبوتی و کثرت ایشان در مرحله اثباتی (ویس کرمی ۱۳۸۲: ص ۲۵). و همسانی و هماهنگی کلام اولین و آخرین ایشان<sup>۱</sup> زیارت آل یاسین با دیگر زیارات صادره از معصومان علیهم السلام اشتراکاتی دارد. بر همین اساس اگر فقرات زیارت آل یس را در تقسیم بندی زیر جای دهیم مشابهت های زیارت با سایر زیارات مشخص می شود:

الف. سلام: زیارت ا تخاطب میان زائر و مزور است و براساس تعالیم اهل بیت علیهم السلام و تادیب رسول الله صلی الله علیه و آله جایگاه سلام در ابتدای سخن است. «قَدْ أَدْبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَوْلِهِ السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ»<sup>۲</sup> (راوندی ۱۴۰۷: ص ۲۳: مجلسی ۱۴۰۳: ج ۱۹۰ ص ۳۱۳؛ نوری ۱۴۰۸: ج ۱۵ ص ۲۱۴). زیارت نیز که مدرسه آموختن و تخلق به اخلاق الهی است با این ادب آغاز می شود. سلام علی آل یس».

ب. باب الله: از صفات حضرت ولی عصر علیه السلام در زیارت ا باب الله است. در دیگر زیارات نیز این وصف برای سایر معصومان ذکر شده است؛ از جمله:  
زیارت امیر المؤمنین علیه السلام: «أشهد أنك جنب الله و أنك باب الله». (ابن قولویه ۱۳۵۶: ص ۱۴۴ صدوق ۱۴۰۰: ج ۱۳ ص ۵۰۸)  
زیارت امام حسین علیه السلام: «... یا امین الله و حجة الله و باب الله». (کفعمی ۱۴۰۵: ص ۵۰۱).

زیارت حضرت ولی عصی علیه السلام در شب نیمه شعبان: «السلام عليك يا باب الله الذي لا يؤتى إلا منه»<sup>۳</sup>. (کفعمی ۱۴۱۸: ص ۴۹۵؛ شهید اول ۱۴۱۰: ص ۲۰۴)

۱. نک: رجال کشی، ص ۲۲۵؛ نوادر الأخبار، ص ۶۱. «إِنَّ كَلَامَ آخِرِنَا مِثْلُ كَلَامِ أَوْلِنَا وَ كَلَامَ أَوْلِنَا مُصَادِقٌ [مِصْدَاقٌ] لِكَلَامِ آخِرِنَا».

۲. همانا رسول الله با این کلام خود که «سلام قبل از سخن گفتن است» ما را ادب آموخت.

۳. البلد الأمين و الدرع الحصین، النص، ص ۲۸۵؛ المصباح للکفعمی (جنة الأمان الواقیة و جنة...

- ج. دیان: از دیگر خطابها در زیارت امام زمان «دیان» است. در دیگر زیارات می‌گوییم:
- زیارت امیر المومنین علی علیه السلام: «السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ... وَ دِيَانَ الدِّينِ بَعْدَكَ» (ابن قولویه ۱۳۵۶: ص ۲۰۱)
- زیارت امام رضا علیه السلام: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ [سَيِّدِ الْعَابِدِينَ] عَبْدِكَ... وَ دِيَانَ الدِّينِ بَعْدَكَ.» (همو: ص ۳۱۱).
- د. بقیة الله؛ در آل یاسین و سایر زیارات اهل بیت علیهم السلام خید تلامی داریم:
- زیارت امیر المومنین علیه السلام: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا بَقِيَةَ اللَّهِ وَ خَيْرَتَهُ.» (ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۲۴۸).
- زیارت جامعه ائمه علیهم السلام: «وَأَهْلَ الذِّكْرِ... وَ بَقِيَةَ اللَّهِ وَ خَيْرَتَهُ.» (همو: ص ۵۲۶)
- زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُتَنَجِّبِينَ» (همو: ص ۵۸۶)
- ه. اقامه نماز: سلام به امام زمان علیه السلام در حال نماز از فرازهایی است که با شهادت به اقامه نماز در دیگر زیارات ابلغ خوانی دارد:
- زیارت امیر المومنین علیه السلام: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ» (صدوق، ۱۴۰۰: ج ۳، ص ۵۰۵).
- زیارت امام حسین علیه السلام: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ...» (ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۴۶۳).
- زیارت جامعه ائمه علیهم السلام: «أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ... أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ.» (ابن قولویه ۱۳۵۶: ص ۳۱۷).

دیگر فرازهای زیارت از جمله «تالی کتاب الله» اعتقاد به رجعت اقرار به حجت الهی بودن امامان علیهم السلام نیز از سایر متون زیارات قابل دستیابی است که از

پرداختن به آن‌ها خودداری می‌کنیم.<sup>۱</sup> همچنین اعتبار زیارت با عرضه مفاد آن به قرآن کریم قابل اثبات است که در مجالی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

### نتیجه

زیارت آل یاسین از زیارات مأثور است که راوی و مصدر اولیه آن مورد اعتماد و توثیق علما قرار گرفته‌اند. «آل یاسین» لغان اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام لم‌تقی‌گ و علاوه بر روایات منقول از اهل بیت علیهم‌السلام از نظر لغوی با توجه به قرائت مشهور به صورت «إِلِیَّاسِین» نیز این مهم قابل اثبات است. این زیارت به درخواست شیعیان درباره شیوه ملاقات حضرت ولی عصر علیه‌السلام از سوی آن حضرت در توفیق «لا غرغگ بن عبد الله حمیری صادر شده است. مضامین زیارت از نظر شکل ظاهری و همچنین محتوا با سایر زیارات اهل بیت علیهم‌السلام قرابت دارد و همین نکته به اعتبار آن می‌افزاید.

۱. ر.ک: کامل‌الزیارت، البلد الامین، المزار الکبیر، المزار الصغیر و....

## کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، قم، جمال الأسبوع، دار الرضی، ۱۳۳۰ق.
۳. ——— کشف المحجّة، ج ۲، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف، دارالمرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
۵. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، قم، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۹ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۷. احتجاج (ترجمه جعفری)، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۸. ——— احتجاج، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۹. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. آلوسی، سید محمود، روح المعانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۱. بحرانی، سید هاشم، البرهان، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۱۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد، محاسن، ج ۲، قم، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۱۳. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۴. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
۱۵. تمیمی بستی، محمد بن حبان، کتاب المجروحین، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۱۶. جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، اسرا، ۱۳۸۱ش.
۱۸. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۱۹. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، سیمای امام علی علیه السلام در قرآن (ترجمه شواهد التنزیل)، قم، اسوه، ۱۳۸۱ش.
۲۰. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۲۱. حلی، حسن بن یوسف، رجال علامه حلی، ج ۲، نجف اشرف، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۲۲. حنظلی رازی، عبد الرحمن بن ابی حاتم محمد بن ادريس، الجرح والتعديل، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۲۳. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بی جا، نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
۲۴. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان امام مهدی، ج ۲، قم، انتشارات امیر المومنین علیّه، ۱۳۸۶ش.
۲۵. دوانی علی، نواب اربعه، قم، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی علیّه، ۱۳۸۵ش.

۲۶. ذهبی، محمد بن احمد، *میزان الاعتدال*، دمشق، دار الرساله العالمیه، ۱۴۳۰ق.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات*، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۲۸. سلیمانی، داود، *فقه الحدیث و تقد الحدیث*، تهران، فرهنگ و دانش، ۱۳۸۵ش.
۲۹. سیوطی، جلال الدین، *الدر المنثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ۱۴۰۴ق.
۳۰. شهید اول، محمد بن مکی، *المزار*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۱۰ق.
۳۱. صدوق، محمد بن علی، *امالی*، ج ۵، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ق.
۳۲. ——— توحید، قم، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۸ق.
۳۳. ——— *معانی الأخبار*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۳۴. ——— *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۳۵. طاهری، حبیب الله، *سیمای آفتاب*، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی مشهور، ۱۳۷۸ش.
۳۶. طباطبایی، سید محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج ۵، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۳۷. طبرسی، احمد بن علی، *ترجمه مجمع البیان*، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ش.
۳۸. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۳۹. طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، ج ۳، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۱. ——— *رجال طوسی*، ج ۳، قم، مؤسسه النشر اسلامی، ۱۳۷۳ش.
۴۲. ——— *فهرست کتب الشیعته*، قم، ستاره، ۱۴۲۰ق.
۴۳. طهرانی، آقا بزرگ، *الذریعه*، بیروت، دار الاضواء، بی تا.
۴۴. عاملی، *امل الامل*، قم، دار الكتاب الاسلامی، بی تا، بی تا.
۴۵. عسقلانی، ابن حجر احمد بن علی، *لسان المیزان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
۴۶. غفار زاده، علی، *زندگی نواب خاص امام زمان علیه السلام*، ج ۵، قم، نبوغ، ۱۳۸۳ش.
۴۷. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات کوفی*، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، ج ۲، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق.
۴۹. فضلی، عبدالهادی، *مقدمه ای بر تاریخ قرائت*، ج ۴، قم، اسوه، ۱۳۸۸ش.
۵۰. فیض کاشانی، ملامحسن، *تفسیر صافی*، ج ۲، تهران، الصدر، ۱۴۱۵ق.
۵۱. ——— *نوادر الأخبار*، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱ش.
۵۲. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۵۳. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، *سلوة الحزین*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۷ق.

۵۴. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، *کنز الدقائق*، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۵۵. کاشانی، ملا فتح الله، *منهج الصادقين*، تهران، علمی، ۱۳۳۶ش.
۵۶. کشی، محمد بن عمر، *إختیار معرفة الرجال*، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۵۷. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، *البلد الامین*، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۸ق.
۵۸. \_\_\_\_\_، *المصباح (جنة الأمان الواقية و جنة الإیمان الباقية)*، چ ۲، قم، دار الرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ق.
۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *کافی*، چ ۴، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۶۰. لشکری بغدادی، علی، *آل یاسین قرائة قرآنية اصيلة*، قم، الغدير، ۱۴۲۹ق.
۶۱. مازندرانی، ابو عبدالله محمد علی، *معالم العلماء*، قم، بی نا، بی تا.
۶۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، چ ۲، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶۳. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، *روضة المتقين*، چ ۲، قم، مؤسسه فرهنگي اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
۶۴. مفید، محمد بن محمد، *امالی*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۶۵. مصطفوی، حسن، *التحقیق*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۶۶. معرفت، محمد هادی، *علوم قرآنی*، چ ۷، قم، مؤسسه فرهنگي تمهید، ۱۳۸۵ش.
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش.
۶۸. موسوی، سید فرید، *جرعه‌ای از زلال سرداب مقدس*، چ ۶، قم، یاقوت، ۱۳۸۵ش.
۶۹. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، چ ۶، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۳۶۵ش.
۷۰. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۷۱. ویس کرمی، مهرداد، *سلوک سبز*، اصفهان، انتظار سبز، ۱۳۸۲ش.

## ویژگی‌های شخصی حضرت مهدی علیه السلام در ادعیه و زیارات

سیدمجتبی معنوی \*

### چکیده

موعود در اندیشه اسلامی - به ویژه در دیدگاه شیعه - ماهیتی مشخص دارد و مصداق معینی را به خود اختصاص داده است. ولادت او در منابع معتبر به اثبات رسیده است. آن حضرت که همانام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و غیبتی طولانی دارد ظهورش منوط به اراده خداوند متعال و تحقق شرایط ظهور است. موضوع این مقاله، بررسی ویژگی‌های شخصی حضرت مهدی علیه السلام در ادعیه و زیارات است. در این مقاله، تحلیل خواهد شد ادعیه و زیارات ویژگی‌های شخصی حضرت مهدی علیه السلام را به صورت جزئی و هماهنگ با تاریخ و مطابق با کتاب و سنت ترسیم می‌کنند. پس از آن، درمی‌یابیم ماهیت امام دوازدهم علیه السلام و ابعاد و شئون آن حضرت چگونه در دعا و زیارات مربوط به مهدویت مورد اشاره قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: امامت، مهدویت، دعا، زیارت، ویژگی‌های شخصی، حضرت مهدی علیه السلام.

### پیش درآمد

مهدویت در اندیشه اسلامی آموزه‌ای بنیادین و اندیشه‌ای راهبردی و کاربردی است. از این رو در مجموع معارف اسلامی تلاش شده است تبیین مناسبی از این آموزه صورت گیرد. واکاوی م‌أله مهدویت نشان می‌دهد تعداد قابل توجهی دعا و زیارت در باب مهدویت وارد شده است. چرا که آن‌ها در بین سایر معارف تأثیر «سزایی در تبیین این آموزه داشته‌اند؛ به ویژه هنگامی که سیاست شوم عباسیان

\*. دانش‌آموخته سطح ۳ مهدویت حوزه علمیه قم



مبنی بر قطع رابطه امام با مردم تشدید شده دعا و زیارت بیشتر مورد توجه قرار  
طیید<sup>۱۰</sup> چرا که ساختار دعا و زیارت می‌تواند در دوران تقیه اخفاظ انتقال و غث یی  
و ترویج معارف مهدویت قرار گیرد. این مقاله در صدد پاسخ‌گویی به این مسأله  
است که سیمای وجودی حضرت مهدی علیه السلام در ادعیه و زیارات چگونه و با چه  
ساختاری وارد شده است. این مقاله به شیوه طبقه‌بندی آماری تدوین شده است  
و در صدد ارزیابی سندی و دلالتی دعا و زیارات مهدوی نیست.

### مفهوم شناسی دعا و زیارت

ادعیه و زیارات حجم قابل توجهی از معارف اسلامی را به خود اختصاص داده  
اند. کاوش‌ها بیانگر صدور قریب به صد مورد دعا و زیارت در مسأله مهدویت  
است. مؤلف<sup>۱۱</sup> مرحوم ابن فهد حلی در تعریف دعا فرموده است:

الدعاء طلب الدانی للفعل من الأعلى على جهة الخضوع والاستكانة؛ (حلی)  
بی<sup>۱۲</sup> ص ۹)

دعا درخواست کاری از مقام عالی در حال خشوع و خضوع است.

دعا از ماده «دعو»<sup>۱۳</sup> لاین معنا نیز آمده است:

الرغبة إلى الله تعالى فيما عنده من الخير و الابتهاال إليه بالسؤال (واسطی  
زبیری | ۱۴۱۴: ج ۱۱۹ ص ۴۰۵)

دعا درخواست متواضعانه از خداوند متعال برای رسیدن به خیر و نیکی است.

طبق این تعریف دعا در لغت به معنای خواندن فراخوان و دعوت است.

زیارت نیز زمزمه فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام در هنگام توسل و توجه به آن است  
اما<sup>۱۴</sup>: زیارت در لغت از ماده «زار»<sup>۱۵</sup> «لغغای صوت الأسد فی صدره» و از ماده  
«زور»<sup>۱۶</sup> «لغغای زعیم القوم» بوده و از ماده «زیر»<sup>۱۷</sup> «لغغای الدن و الحب»  
آمده است.

زیارت در فارسی به معنای دیدار و زیارت اهل قبور شهرت یافته است. بررسی

آیات و روایات و اهتمام امامان علیهم‌السلام به ادعیه و زیارات در اندیشه اسلامی نشان می‌دهد دعا و زیارت لمغالی ط آیات و روایات و متمایل با سیاق آنک ا انتقال معارف اهل بیت علیهم‌السلام و ارتباط با خدا را عملی می‌سازند.

### نقش دعا و زیارت در عرصه مهدویت

اهتمام به دعا و زیارت در اندیشه اسلامی نشان می‌دهد دعا و زیارت در معرفت زایی و پرورش بصیرت جامعه نقش بسیار زیادی دارد. از دیگر نکات مهدویت از معدود آموزه‌هایی است که مورد عنایت همه اهل بیت علیهم‌السلام مطرح بوده و انس و الفت و اهتمام به ادعیه و زیارات در اندیشه اسلامی موجب تعجیل ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام شناخته شده است. میراث حدیثی عظیم شیعه انبوهی از دانش و معارف مهدویت را در بر گرفته است و می‌تواند مکمل معارف آیات و روایات باشد و از جمله ویژگی‌های شخصی حضرت مهدی علیه‌السلام را تبیین کند آنچه در این میان جلب توجه می‌کند صدور ادعیه و زیارات متعدد مهدوی از سوی ائمه علیهم‌السلام استب به همین لحاظ درمی‌یابیم ادعیه و زیارات با ادبیات متناسب و هماهنگ با سایر معارف اسلامی مانند آیات و روایات به آموزه مهدویت می‌پردازند. بررسی ساختار و مرور ادعیه و زیارات نشان می‌دهد ساختار ادبی دعا و زیارت قابلیت ویژه‌ای در برقراری رابطه انسان با خدا دارد به همین لحاظ در روایتی از امام صادق علیه‌السلام در اشاره به این مطلب آمده است:

علیکم بالدعاء فانکم لا تقربون بمثله (کلینی ۱۳۶۵: ج ۱۲ ص ۴۶۷) حتی آیت امام سجاد علیه‌السلام به این ساختار و صدور ادعیه و زیارات متعدد در دوران تقیه نیز گواه این غمخداست. از دیگر سوا این ساختار در طول دوران اختناق و سفت لا زبان انتقال معارف اسلامی و اصول اعتقادی شیعه قرار گرفته و موجب معرفت زایی جامعه در حیطة آموزه‌های اسلامی و مسأله مهدویت شده است. این دعاها نت ف برقراری ارتباط با خدا فرستاده‌ای الهی و انسانی کامل در جایگاه واسطه فیض و

منجی موعود را مورد توجه قرار می‌دهد و نیاز به او از سوی جامعه احساس می‌گردد و موجب در خواست حضور و ظهور او از خداوند متعال می‌شود. همچنین بستر پذیرش ولایت و توجه به امامت به صورت شخصی و مصداقی حقیقی از آن را فراهم می‌آورد و خاستگاه این آرمان قرار می‌گیرد چرا که دعا و زیارت به شور و احساس و عواطف مخاطب در این حوزه توجه می‌کند و جهت ل وصل جامعه و امام خویش قرار می‌گیرد.

گفتنی است پیوند جامعه با امامش آن‌گاه نمود می‌یابد که در دوران منع حدیث و تقیه بصیرتش را در دانش تکمیلی دعا و زیارت و ادبیات دقیق و ظریف آن پویا کند؛ چرا که این ساختار با لسانی ملموس برای مردم از زبان معصوم علیه السلام صادر می‌شود و به معرفی مصداق بارز امامت می‌پردازد و با توصیف امام دوازدهم علیه السلام به بزرگداشت و نکوداشت این آموزه می‌پردازد.

ملی کوتاه در ساختار دعا و زیارت نشان می‌دهد زبان انتقال معارف در آن لاء در قالبی ویژه به بیان جزئیات بیشتری از مسأله مهدویت می‌پردازند. از آنجا که ویژگی‌های شخصی حضرت مهدی علیه السلام در این معارف فراوان است اکنیه‌ها و صفت‌ها و صفاتی که هر یک به نوعی بیانگر شخصیت امام دوازدهم علیه السلام لاء ائقی دگت ل صورت گذرا مرور و تحلیل خواهی‌گئی‌بگ زیرا به رغم وجوه مشترکی که بین آن‌ها وجود دارد در پاره‌ای از موارد تفاوت‌هایی بین آن‌ها دیده می‌شود.

### بررسی مفهوم کنایه، لقب، صفت، شأن

جستار در کتب لغت و منابعی که به تفاوت واژه‌ها در لسان عرب می‌پردازد چنین می‌نماید که کنایه اگاه برای تحقیر و در اغلب موارد برای تعریف یا برای تعظیم است. به نظر می‌آید با توجه به فضای مهدی ستیزی زمان امام دوازدهم علیه السلام کنایه اگزینه مناسبی برای معرفی مسأله امامت و مهدویت بلئبگت ل

خصوص که می‌تواند در قالبی متعارف و مرسوم عظمت آن حضرت را نیز برای اهلس بیان کند

محمد صلی الله علیه و آله نیز بر مسمای مشهور و فراگیر اطلاق می‌شود. گویی القاب حضرت مهدی علیه السلام از تحقق کامل اهداف خلقت و کارکرد امامت به دست امام دوازدهم علیه السلام خبر می‌دهند چرا که با اقدامات آن حضرت همه ارزش‌ها در جامعه نهادینه و فراگیر خواهی‌گئی‌گ

صفت نیز در مقام تمجید و نکوداشت و بزرگداشت استفاده می‌شود. در حقیقت صفات بیانگر حالات نیکوی امام هستند بقیه صفات نمی‌توانند همانند القاب به اقدامات فراگیر حضرت بپردازند. از کنایه نمی‌توان انتظار داشت به مثابه صفات تصویر روشنی از امام ترسیم نمایند هر چند در تمام آن کت و بزرگی از آن امام همام یاد می‌شود. (ابو هلال ۱۴۱۲: ص ۵۲ و ۳۴۵ و ۴۵۸)

### شان و مقام

امام جایگاه ویژه‌ای در نظام آفرینش دارد، لطف لای که هیچ کس نمی‌تواند در این مرتبه و مقام جایگزین امام شود. در حدیثی از امام هشتم علیه السلام در اشاره به این مطلب آمده است:

إن الامامة أجل قدراً وأعظم شأناً وأعلى مكاناً وأمنع جانباً وأبعد غوراً من أن يبلغها الناس بعقولهم؛

جلالت امامت و خجسته ع او و خلو مرتبه و سعه وجودی آن فراتر از آن است که عقول مردم قادر به درک آن باشند (کلینی ۱۳۶۳: ج ۱۱ ص ۱۹۹).

مراد از مقام امام جایگاه معنوی رفیع امام علیه السلام نزد خداوند ع تعالی است و رابطه امام معصوم علیه السلام با خدا و قرآن کریم و انبیای الهی را مطرح می‌کند، لطف لای که هیچ گزینه دیگری غیر از امام را بر نمی‌آید برای اشاره به این مطلب در زیارت جامعه کبیره آمده است:

ولکم المودة الواجبة... والشأن الكبير و الجاه العظيم؛ (صدوق، بی تا: ج ۲، ص ۶۱۶)  
تحقیقات نشان می‌دهد تفاوت صفات با شأن و مقام امام در این است که شأن ا  
به بیان علو مرتبه امام در مقایسه او با همتایی چون پیامبر می‌پردازد و ت  
جایگاهی ممتاز و ویژه برای امام تاکید می‌کند مانند امامت حضرت ابراهیم علیه السلام  
که خداوند متعال این مقام را برای او اختصاص داد؛ ولی بهش ت لا غیة لای  
می‌پردازد که افراد دیگر می‌توانند در آن ا همتای امام قرار گیرند مانند منصور  
بودن از سوی خداوند متعال که در آن امام و پیامبر با یکدیگر برابرند و نصرت  
الهی شامل هر دو می‌آید به همین لحاظ در این نوشتار تلاش خواهد شد  
ویژگی‌های شخصی حضرت مهدی علیه السلام به صورت جزئی مورد پژوهش قرار گیرد.  
بنابراین ابتدا به بررسی نام امام خ بی علیه السلام در دعا و زیارت پرداخته می‌شود.

#### ۱-۱. نام حضرت مهدی علیه السلام

نام امام دوازدهم علیه السلام در ادعیه و زیارات همان نام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم است. در  
ادعیه و زیارات وارد شده است:  
اللهم فأظهر لی ولیک و ابن بنت نبیک المسمی باسم نبیک؛ (ابن مشهدی، ۱۴۱۹:  
ص ۶۶۵)

در بعضی از ادعیه نیز این مضمون وارد شده است:

فأظهر اللهم ولیک و ابن ولیک و ابن بنت نبیک المسمی باسم رسولک صلی الله علیه و آله و سلم  
(مجلسی ۱۴۰۳: ج ۱۸۳ ص ۲۸۵) بنابر این آن حضرت هم نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.  
برای اشاره به ای فغج <sup>۲</sup> در دعای شب بیست سوم ماه مبارک رمضان آمده است:  
اللهم کن لولیک القائم بامرک الحجة، محمد بن الحسن المهدی (ابن طاوس ا  
۱۴۱۴: ج ۱ ص ۱۹۱)

بنابراین دعا نام وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام «غژغگ» است.

## ۱-۲. نسب حضرت مهدی عجل الله فرجه

حضرت مهدی عجل الله فرجه به عنوان آخرین امام در بیت امام چک ف عسکری عجل الله فرجه غنچه‌گی‌گ طبق آنچه در روایات وارد شده و در تاریخ مورد تأیید قرار گرفته‌ا حضرت مهدی عجل الله فرجه از نسل پیامبر صلى الله عليه وآله است؛ همان گونه که در ادعیه و زیارات مهمی همانند زیارت آل یس و دعای ندبه آمده است: «سلام علی آل یس» (طبرسی ۱۳۸۶: ج ۱۲ ص ۳۱۶) به نظر همه کارشناسان و صاحب نظران تفسیرا مراد از «یس» پیامبر خاتم صلى الله عليه وآله است. همان گونه که از این زیارات استفاده می‌شودا نسب امام دوازدهم عجل الله فرجه به پیامبر صلى الله عليه وآله می‌رسد.

در دعای بعداز ظهر روز جمعه‌ا نیزاز امام باقر عجل الله فرجه در خصوص نسب حضرت آمده است:

اللهم اشتر منی نفسی الموقوفة علیک المحبوبة لأمرک بالجنة مع معصوم من عترة نبیک صلى الله عليه وآله (طوسی ۱۴۱۱: ص ۳۷۵)

طبق این دعا نیز امام عصر عجل الله فرجه از عترت پیامبر اعظم صلى الله عليه وآله است. عترت از ماده «خئی» «لغی لی حلقه اتصال جدایی ناپذیر است. این فرازا گویای این واقعیت است که تصور مهدویت بدون توجه به خاندان وحی و بیت امامت لغت نخواهد داشت! پرا که مهدویت بدون ایشان به نوعی گرایش به انحراف و مدعیان دروغین است.

در دعای ندبه درباره نسب امام دوازدهم عجل الله فرجه آمده است:

این ابن النبی المصطفی و ابن علی المرتضی و ابن خدیجة الغراء و ابن فاطمة الكبرى؛

در ادامه به صورت شفاف می‌فرماید:

و صل علی محمد جده و رسولک السید الأكبر و علی أبیه السید الأصغر و جدته الصدیقة الكبرى فاطمة بنت محمد؛ (ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۵۷۹)

بنابر این همان گونه که در ادعیه و زیارات آمده استا حضرت مهدی عجل الله فرجه از

نسل پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. آن حضرت فرزند امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و از نسل سید الشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ است؛ همان گونه که در دعای شب سوم شعبان در اشاره به این حقیقت آمده است:

اللهم انى اسئلك بحق المولود فى هذا اليوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته، بكته السماء و من فيها و الأرض و من عليها و لمّا يظأ لا بتيها، قتيل العبرة و سيد الأسرة الممدود بالنصرة يوم الكرة، المعوض من قتله أن الائمة من نسله و الشفاء فى تربته؛ (طوسى ۱۴۱۱: ص ۸۲۶).

بررسی ادعیه و زیارات نشان می‌دهد امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرزند امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ است. همان گونه که در ادعیه و زیارات به منظور اشاره به این مطلب آمده است: سلام الله و برکاته و تحياته على مولاي صاحب الزمان... و خلف الحسن الامام المومنين و القائم المعتمد (ابن طوسى ۱۴۱۶: ص ۴۱۹)

بنابراین در خصوص نسب حضرت در ادعیه و زیارات می‌توان چنین نتیجه گرفت که امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرزند امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ است و این سلسله به سید الشهداء امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ منتهی می‌شود. بنابراین حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ از سادات بنی هاشم و حسینی و فرزند امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌گردد. بررسی آموزه مهدویت نشان می‌دهد تواتر لفظی و معنوی روایات مهدویت به ویژه آنچه از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و صحابه او صادر شده است، به اصالت این آموزه در اسلام دلالت می‌کند و جای هیچ گونه شک و تردیدی در این باره باقی نمی‌گذارد. صدور این روایات در صدر اسلام و ولادت امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَامُ در قرن سوم طرح مهدویت نوعی را از سوی دشمنان اسلام بقلم می‌کنند و قیله‌چه نظریه مهدویت نوعی مورد قبول جامعه واقع شود دشمن می‌تواند در سایه این تفکر خود را یکی از مصداق‌های این آموزه معرفی کند و به اهداف خویش دست یابد. ذکر نام و نسب امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَامُ در دعا و زیارت معرفت جامعه را درباره آن حضرت گسترش داده است. پرداختن به هویت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ

مصدق واقعی آن را غگ ا می نماید.

## ۲. کنیه‌های امام دوازدهم علیه السلام

سیاست شوم عباسیان مبنی بر قطع رابطه امام علیه السلام با مردم ا غقت ' یگ بخشی از زندگی امام دوازدهم علیه السلام به دوران اختفا و پنهان زیستی اختصاص یابد؛ به همین لحاظا بیت امامت ناگزیر به اتخاذ روشی غیر مستقیم برای معرفی چهره موعود بر آمد که از مزایای آن ا عدم جلب توجه دستگاه خلافت عباسی به تبیین ویژگی‌های شخصی امام دوازدهم علیه السلام می یگ " ساختار کنیه نزد عرب شامل کلماتی می شود که در ابتدای آن‌ها واژه "ابا ام ابن ا" " قرار می گیرد (زبیدی ۱۴۱۴: ج ۱۲۰ ص ۱۳۴)

بنابراین معیارا کنیه‌های امام دوازدهم علیه السلام در ادعیه و زیاراتا در این قالب شناخته شده اند. مرور ساختار ادبیات عرب نشان می دهد کنیه راهکارمناسبی برای شناسایی معارف این آموزه به شمار می آید و می تواند تبیینی مناسب از این مسأله را بر عهده گیرد. بررسی کنایه نشان می دهد استفاده از این واژه برای تعریف و تبیین مکنی است وهمان هدفی را نشانه می رود که اسم آن را نسبت " ل مسمی اثبات می کندا با این تفاوت که کنایه برای تعظیم و گاه نیز برای تحقیر به کار می رود.

تحقیقات نشان می دهد کنایه همیشه مأثور نیست و در پاره‌ای از موارد غیرمأثور استا برای نمونه می توان به کنیه "ابا صالح" برای امام دوازدهم علیه السلام اشاره کرد که در منابع روایی وارد نشده است و این امرا موجب اختلال در بیان سیمای مکنی نمی شود؛ هر چند کنیه وارده در احادیث و ادعیه و زیاراتا در تبیین ویژگی‌های شخصی مکنی بسیار تأثیر دارند؛ چرا که از زاویه‌ای دقیق وعمیق به آموزه مورد نظر پرداخته اند. به منظور اشاره به آن‌ها در مسأله مهدویت در ادعیه و زیاراتا فرازهایی آمده است که به آن‌ها اشاره خواهد شد.



کاوش فضای سیاسی حاکم بر آموزه امامت و مهدویت نشان می‌دهد دشمنان هرگز قادر به مبارزه صریح و آشکار با این مسأله نشدند و جامعه اسلامی نیز چنین ستیزشی را تحت هیچ شرایطی تحمل نمی‌کردا از این رو دشمنان در پی تخریب این مسأله بر آمدند و در پی تخریب و ستیزش با امامت و مهدویت اسسّوْت ل ها بر افروختند تا بتوانند در سایه آن از عظمت و ابهت مهدویت بکاهند. ت منظور اشاره به این مطلب در حدیثی نبوی آمده است: بابی ابن خیره الإماء ابن النوبیة الطیبة الفم المنتجة الرحم. ویلهم لعن الله الاعییس و ذریته صاحب الفتنة ب (کلینی ۱۳۶۳: ج ۱۱ ص ۳۲۳)

ساختار کنایی موجود در دعا و زیارت می‌تواند به خوبی با سیاه نمایی مهدی ستیزان از این آموزه مبارزه کند؛ چرا که ادبیات آن از سوی عرب ا گاه برای تحقیر به کار برده می‌شود؛ ولی کنایه همواره در مقام تعظیم شخص مورد استفاده قرار گرفته است و می‌تواند در مسأله مهدویت بر شکوه هر چه بیشتر آموزه مهدویت و اهمیت آن در اندیشه اسلامی به عنوان اندیشه راهبردی تأکید کند. ساختار آن ل ا موجب می‌شود به عنوان یک مسأله اساسی و بنیادین از سوی جامعه مورد استقبال قرار گیرد.

بررسی کنیه‌های امام دوازدهم علیه السلام چنین می‌نماید استفاده از کنایه در ادعیه و زیارات به هدف یاد آوری ابهت و شکوه هر چه بیشتر مهدویت و جایگاه رفیع آن حضرت علیه السلام در اندیشه اسلامی است. در باره راز تعدد آن‌ها نیز می‌توان به این مطلب اشاره کرد که مجد و عظمت حضرت به اندازه‌ای است که بیان ویژگی‌های شخصی آن حضرت ا به استفاده از کنیه‌های متعددی نیاز دارد تا امکان ترسیم ویژگی‌های شخصی امام عصر علیه السلام در سایه آن‌ها پدید آید. به همین لحاظ در این قسمت از پژوهش به ویژگی‌های شخصی حضرت در آن‌ها به ترتیب ذیل به صورت کلی اشاره می‌شود.

الف. نسب امام زمان علیه السلام: به منظور اشاره به آن در ادعیه آمده است:

ابن ابن النبی المصطفی و ابن علی المرتضی و ابن خدیجة الغراء و ابن فاطمة الكبرى (ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۵۸۰)

حضرت مهدی (عج) از خاندان پیامبری است که برگزیده خداوند متعال و ذریه علی مرتضی است. او فرزند خدیجه کبرا و فاطمه زهرا است. او فرزند بهترین بندگان مقرب خدا و نیکان روزگار است.

ب) تبارشناسی امام زمان (عج): حضرت مهدی (عج) فرزند افرادی بخشنده و فداکار و کریم و وفادار است. اجداد طاهری آن حضرت همگی پاک و مطهر و بخ بقی بگ بنابر این هرگز شخصی قادر نخواهد بود با تظاهر به تشریفات بیت امامت جایگزین آن امام همام شود. برای بیان این منظور در ادعیه آمده است:

بابی أنت و أمی و نفسی لك الوقاء و الحمی یابن السادة المقربین یا بن النجباء الأکرمین یابن الهداة المهديين یا بن الخيرة المهديين یا بن الغطارفة الأنجسين یابن الأطايب المطهرين یابن الخضارمة المنتجبين یابن القماقمة الأکرمين» (ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۵۸۰)

ج. سیمای پدیدارشناسی مهدی (عج): رسالت کنیه ترسیم تصویری شفاف و گویا از صاحب خود است. کنیه‌های امام زمان در مقام بیان ویژگی‌های شخصی حضرت وارد شده اند و در آن ک ل حقایقی پرداخته می‌شود که ماهیت و شخصیت آن امام را می‌فک آلفبگ به همین روی طبق محتوای آن امام عصر (عج) چون ماه تابان و چراغ فروزان و ستاره‌ای درخشان راه مستقیم را به جویندگان حقیقت نشان می‌دهد و همانند نشانه‌ای گویا راهنمای جامعه به شمار می‌آید. ل ویژه که حضرت مهدی (عج) از تبار صاحبان دانش و سنت‌های پسندیده است. ل منظور اشاره به این مطلب در ادعیه مهدوی آمده است:

یابن البدور المنيرة، یابن السرج المضيئة، یابن الشهب الثاقبة، یابن الانجم الزاهرة، یابن السبل الواضحة، یابن الاعلام اللائحة، یابن العلوم الكاملة، یابن السنن المشهورة، یابن المعالم الماثورة، یابن المعجزات الموجودة، یابن الدلائل المشهورة،

يابن الصراط المستقيم، يابن النبأ العظيم، يابن من هو في أم الكتاب لدى الله على حكيم، يابن الآيات البيّنات، يابن الدلائل الظاهرات، يابن البراهين الباهرات، يابن الحجج البالغات؛ (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۵۸۰)

د. انسان کامل: مهدویت استمرار نبوت و ختم ولایت است. او دارای تمام فضائل اخلاقی و کمالات انسانی است. او عصاره نبوت و ثمره ولایت و مستجمع همه کمالات است؛ به گونه‌ای که حضور او در نظام آفرینش تداعی بخش حضور دوباره پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله اخلی مرتضیٰ فاطمه زهرا وائمه هدی علیهم السلام و همه خوبان است؛ او انسان کامل است و می تواند الگوی مجسم کمالات آرمانی جامعه قرار گیرد.

### ۳. لقب‌های امام دوازدهم علیه السلام

حج. 'های گوناگونی برای امام عصر علیه السلام در ادعیه و زیارات وارد شده است. علاوه "یه تکریم و تمجید از امام دوازدهم علیه السلام با زبان کنایه‌ای القاب نیز بیانگر شخصیت جهانی و ابعاد فراگیر حضرت مهدی علیه السلام بوده‌اند به معرفی آن حضرت می‌پردازند (ابو هلال ۱۴۱۲: ص ۵۲ و ۳۴۵ و ۴۵۸). در این بخش به القاب حضرت اشاره خواهد شد.

#### ۳-۱. حجت

این لقب را می‌توان در دعایی که در دوران غیبت توصیه شده است یافت که غن آن چنین است:

اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی (کلینی) ۱۳۶۳: ج ۱۱ ص ۳۳۷

امام زمان علیه السلام چه بت خداوند متعال در سرتاسر مجموعه هستی است.

#### ۳-۲. ولی

این لقب به ضمیمه القاب دیگر نیز در دعایی که به مناسبت غیبت توصیه

شده آمده است. در ادعیه آمده است: و امرک ينتظر و انت العالم غير معلم "تحقق"<sup>۵</sup>  
 الذى فيه صلاح امر وليک؛  
 در ادامه نیز آمده است:  
 فانه الهادى و المهتدى و القائم المهدي الطاهر التقى النقى الزكى و الرضى  
 المرضى الصابر المجتهد الشکور (صدوق ۱۳۶۳: ص ۵۱۲)

### ۳-۳. خلف صالح

لقب خلف صالح به جهت اصلاح جائز لجهانی در عصر ظهور نوید می‌دهد. در ادعیه چنین آمده است:

و صل على الخلف الصالح الهادى المهدي (طوسی ۱۴۱۱: ص ۲۷۹)

### ۳-۴. موعود

لقب موعودا تحقق وعده آمدن او را بشارت می‌دهد. در دعای شب نیمه شعبان وارد شده است:

اللهم بحق ليلتنا و مولودها و حجتک و موعودها (همان: ص ۸۴۲)

### ۳-۵. غایب مستور

این لقب در ادامه فرازهای دعای قبلی موجود است و به غیبت حضرت از همه مردم چنین اشاره می‌کند:

... نورک المتألق و ضیاؤک المشرق و العلم النور فى طخياء الديجور، الغائب

المستور، جل مولده و کرم محتده (همان)

البته در بعضی ادعیه آمده "لعمد" غایب» اشاره شده است (مجلسی ۱۴۰۳:

ج ۱۹۹ ص ۱۰۲).

### ۳-۶. قائم

درباره این لقب که از القاب مشهور امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه است ادعیه و زیارات

زیادی وجود دارند که نهضت فراگیر مهدوی را یاد آوری می‌کنند. برای اشاره به این لقب در ادعیه مهدوی آمده است:

اللهم و صلّ علی ولی امرک القائم المومل و العدل المنتظر؛ (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۵۸۰)

اللهم بلغ مولانا الامام الهادی المهدی القائم بامر الله (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۶۶۴).

### ۳-۷. منتظر

انتظار حضرت مهدی ا پیشینه‌ای طولانی دارد و از دیر زمان انبیا و اولیا علیهم‌السلام امید آمدنش روزگار سپری کرده‌اند. ادعیه و زیارات در بیان این حقیقت <sup>۲</sup> منتظر چنین اشاره می‌کنند:

اللهم و صلّ علی ولی امرک القائم المومل و العدل المنتظرب (طوسی ۱۴۱۱: ص ۵۸۰)

... و اتقرب الیک بالامام المنتظر المهدی (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۱۹۲ ص ۳۳۸)

### ۳-۸. مهدی

این لقب مشهور در ادعیه و زیارات بسیاری وارد شده است و هدایت گسترده جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام را خاطر نشان می‌سازد. این لقب در ضمن ادعیه‌ای که به مناسبت القاب دیگر به آن‌ها اشاره شدا مورد توجه قرار گرفت ا به همین جهت فقط به ذکر نشانی آن‌ها اکتفا می‌شود (صدوق ۱۳۶۳: ص ۵۱۲).

مرور مسأله مهدویت نشان می‌دهد کارکرد گرایبی این آموزه‌ها به جامعه اسلامی اختصاص ندارد و رسالت امام دوازدهم امری فراملیتی است. به منظور اشاره به این مطلب در زیارت امام دوازدهم علیه‌السلام آمده است:

السلام علی مهدی الامم و جامع الکلم؛ (شهید اول، ۱۴۱۰: ص ۲۰۸)

تحلیل و بررسی القاب امام دوازدهم حکایت از جهانی بودن این آموزه دارد<sup>۳</sup>

همین روی ادعیه و زیارات در مقام تبیین چهره‌ای کارکردگرا در عرصه جهانی از موعود بر آمده بر وابستگی نجات و رهایش جامعه از مشکلات به حرکت در سایه موعود تأکید می‌کنند و عامل اصلی نجات بخشی موعودباوران را شخص حقیقی موعود بر می‌شمارند بنا بر این رسالت القاب تأکید بر کارکردگرایی فرا گیر موعود در اندیشه اسلامی است. به نظر می‌آید این اندیشه در مقابل اندیشه منجی گرایان و مدعیان دروغین مقاومت کرده و بیانگر سیر تحول جوامع در آینده جهان به سوی موعودباوری می‌باشد.

#### ۴. شمایل حضرت مهدی عجل الله فرجه

شمایل حضرت مهدی در ادعیه و زیارات نمود چندانی ندارد چرا که در ادعیه و زیارات چهره آرای از امام دوازدهم عجل الله فرجه صورت نمی‌گیرد؛ ولی با نگاهی گذرا می‌توان شمایل حضرتش را در ادعیه و زیارات در فراز زیر ارزیابی کرد و به دور نمایی از آن دست یافت. در دعای خم‌گ آمده است:

اللهم أرني الطلعة الرشيدة و الغرة الحميدة (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۱۸۳ ص ۲۸۵)

امام دوازدهم عجل الله فرجه چهره‌ای زیبا و درخشان دارد. نگاه به آن حضرت چشم را می‌نوازد و موجب ازدیاد شور و نشاط در بینندگان آن سیمای نورانی خواهد شد. این فراز می‌تواند اشاره به عصر طلایی ظهور با حضور نگین آفرینش در تخت ل باشد که بر زیبایی جهان با رونمایی از چهره آفتاب می‌افزاید؛ هر چند قبول غق آی اول نیز دور از واقعیت نیست.

#### ۵. صفات امام مهدی عجل الله فرجه

حضور انسان کامل در هر عصر و برای هر نسل سنتی الهی و قانونی حاکم بر نظام آفرینش به شمار می‌آید؛ چراکه لو بقیت الأرض بغير امام لساخت (کلینی ۱۳۶۳: ج ۱۱ ص ۱۷۹)

حضور انبیای الهی در طول تاریخ به لحاظ این سنت الهی استب به همین روی

پس از ختم نبوت و پایان رسالت امامت استمرار رسالت شناخته شده است. مرور صفات امام در ادعیه و زیارات نشان می‌دهد تفاوت صفت با کنیه در نگرش جزئی آن به موصوف با رویکرد تمجید و ستایش استب<sup>۱</sup> لطف لای که برای نگاشته<sup>۲</sup> امکان ترسیم بقیری مناسب از موصوف فراهم می‌شود. صفات امام دوازدهم<sup>۳</sup> در ادعیه و زیارات مهدوی در مقام توضیح و تبیین انسان کامل بیانگر نکاتی چون شباهت‌های آن حضرت به انبیای گذشته است. این‌ها در حالی است که کنیه به ترسیم تصویری برابر مسمی با رویکرد تعظیم به صورت کلی می‌پردازد و به بیان ابعاد شخصیت مسمی نمی‌پردازد.

تفاوت صفت با لقب در این است که صفت دامنه مشخص و محدودی را برای موصوف تعیین می‌کند؛ برای نمونه وقتی در دعا امام عصر<sup>۴</sup> کشتی نجات توصیف می‌شود نجات برای افرادی اتفاق خواهد افتاد که به امام زمان<sup>۵</sup> گرایش یابند؛ ولی لقب به بیان ابعاد فراگیر همانند قیام می‌پردازد. بررسی ساختار صفت نشان می‌دهد توسعه بیان آن خصوصیت و شأن را نیز در برمی‌گیرد تا بهیچ‌گونگی می‌توان از تحلیل آن نتیجه گرفت که تفاوت صفت با شأن در این است که صفت به بیان ابعاد مشترک موصوف با همتای مشترک آن می‌پردازد و موضوع آن را بررسی وجوه مشترک بین امام<sup>۶</sup> و شخصیتی برابر او نظیر پیامبر<sup>۷</sup> است. در برابر شأن به جایگاه اختصاصی امام<sup>۸</sup> و علو مرتبه او می‌پردازد؛ لطف لای که هیچ‌گزینه دیگری غیر از امام را<sup>۹</sup> نمی‌گذرد تفاوت صفت با خصوصیت نیز می‌توان گفت خصائص به بیان وصف اختصاصی و ویژه به موصوف می‌پردازند و در صورت عدم لحاظ این مطلب خود وصفی از موصوف به شمار می‌آیند (ابو هلال ۱۴۱۲: ص ۵۲ و ۳۴۵ و ۴۵۸). از این رو در این قسمت از نوشتار به صورت مستقل به صفات اشاره می‌شود.

## ۵-۱. مؤید و منصور

نصرت و یاری امام دوازدهم علیه السلام وعده خداوند متعال است. از منظر ادعیه و زیارات حضرت مهدی علیه السلام امامی مؤید و منصور از جانب خداوند متعال شناخته شده است. در زیارت عاشورا آمده است:

فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ  
منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله (طوسی ۱۴۱۱: ص ۷۷۴)

طبق آنچه در ادعیه و زیارات آمده است و اهل بیت علیهم السلام تعلیم مهدی باوران فرموده‌اند! نصرت و پیروزی خداوند متعال از آن مهدی آل محمد علیهم السلام است و اهل ایمان با توجه به تحقق این وعده الهی برای امام دوازدهم علیه السلام آن را از خداوند متعال طلب می‌کنند. در فرازهای بسیاری از ادعیه و زیارات به این صفت اشاره شده است؛ از جمله در دعا برای سلامتی حضرت مهدی علیه السلام آمده است: فاحفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینہ و عن شمالہ و من فوقہ و من تحتہ (کلینی ۱۳۶۳: ج ۱۲ ص ۵۴۸)

در زیارت حضرت نیز آمده است:

السلام عليك يا محفوظا بالله». (ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۵۶۹)

در فرازی دیگر آمده است:

اللهم انى انشدك بايوائك على نفسك لا وليائك لتظفرنهم بعدوك وعدوهم أن  
تصلى على محمب (کلینی ۱۳۶۳: ج ۱۳ ص ۳۲۵)

همچنین در عا برای حضرت در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان چنین وارد شده است:

اللهم كن لوليک [محمد بن الحسن] فى هذه الساعة و فى كل ساعة ولياً و  
حافظاً و ناصرأ و دليلاً و قائداً و عوناً (کلینی ۱۳۶۳: ج ۱۴ ص ۱۶۲). در دعا برای  
تعجيل فرج نیز آمده است:



اللهم عجل فرجه و أیده بالنصر و انصر ناصریه و اخذل خاذلیب (صدوقا  
۱۳۶۳: ص ۵۱۳)

“رابر ادعیه و زیارات واردها حضرت مهدی عجل الله فرجه از جانب خداوند متعال در  
سطحی گسترده و فراگیر یاری می‌شود و بر همه مشکلات فائق می‌آید و بر  
دشمنان پیروز می‌شود و حکومت یکپارچه الهی در زمان حضرتش به سیاست و  
مدیریت می‌پردازد و تحقق وعده‌های الهی را پرورش می‌دهد .

## ۵-۲. سفینه النجاة

تبیین شخصیت امام دوازدهم عجل الله فرجه در آن فضای سیاسی غم‌گسستیزا امری  
بس سخت و دشوار بود و پیامدهای ناگواری به دنبال داشت؛ اما امام دوازدهم عجل الله فرجه  
زمانی متولد شد که باورهای مذهبی به سبب حضور انبیا و اولیاء علیهم السلام در طول  
تاریخ بر اساس زندگی ایشان شکل گرفته و استحکام یافته بود و مردم از  
شخصیت آن‌ها شناخت اجمالی داشتند؛ بنابراین با توجه به استمرار آموزه  
مهدویت در ادامه حرکت انبیا و اولیا زمینه توصیف موعود فراهم آمد و تشبیه  
حرکات و سکنات و ابعاد و شئون حضرتش به انبیا علیهم السلام میسر شد. اهل بیت علیهم السلام از  
این بستر برای گسترش معرفت درباره مهدویت بهره گرفتند و به نجات بخشی  
جامعه در سایه این مسأله پرداختند. برای انجام این منظورا در ادعیه مهدوی  
آمده است:

اللهم صل علی حجتک فی ارضک... المرتقب الخائف و الولی الناصح، سفینه  
النجاة و علم الهدی و نور الأبصار و خیر من تقمص و ارتدی و مجلی العمی الذی  
یملاً الأرض قسطاً و عدلاً؛ (طبرسی ۱۳۸۶: ج ۱۲ ص ۳۱۸)

حضرت مهدی عجل الله فرجه همانند حضرت موسی علیه السلام که منجی قوم بنی اسرائیل شدا  
موجب نجات جامعه از تفرعن و ظلم و جور خواهد بود و همان گونه که نوح  
پیامبر علیه السلام کشتی نجات ساخت و هر کس به او گرایش پیدا کرد از هلاکت نجات

یافتا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه کشتی نجات امت پیامبر و حتی پیروان ادیان است و لم یطقوا استیاز با آن موجب هلاکت خواهد بود. در زیارت حضرت آمده است:

السلام عليك يا سفينة النجاة (ابن طاوس ۱۳۷۱: ص ۴۲)

آینده روشن و روزگار رهایی از آن مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه است و آن حضرت بهترین گزینه‌ای است که جامعه می‌تواند "آهمانگی با او از بحران گذر کند و از همه مشکلات رهایی یابد.

### ۳-۵. وارث انبیا

غاً له مهدویت در ادامه نبوت و امامت است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در ولایت بر جامعه و هدایت مردم و وارث انبیا و اوصیا گذشته است و راه ایشان را ادامه خواهند داد. در ادعیه و زیارات مهدوی آمده است:

و أنت يا حجة الله و بقیته کمال نعمته و وارث انبیاءه و خلفائه ما بلغنا من دهرنا (ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۵۶۸)

در فرازی دیگر آمده است:

السلام علی مفرج الكربات... و المنتهی الیه مواریث الانبیاء و لدیه موجود آثار الاوصیاء (ابن طاوس ۱۴۱۶: ص ۴۱۹)

طبق آنچه در ادعیه و زیارات آمده است علاوه بر میراث معنوی پیغمبران طیّی " لا میراث علمی ایشان نیز در اختیار مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه قرار می‌گیرد. در این خصوص در ادعیه و زیارات مهدوی آمده است: "السلام عليك يا وارث علوم النبیین" (کفعمی ۱۴۰۳: ص ۴۹۵) امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه همراه ذخائر همه انبیای الهی به خصوص گنجینه علوم ایشان ظاهر می‌شوند و تمام ویژگی‌های انبیا و اوصیا و ابزار و ادوات رسالت و امامت به ایشان به ارث می‌رسد.

### ۴-۵. علیم و حکیم

عقل و خرد در عصر ظهور به اوج رشد و کمال می‌رسد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه آگاه

ترین مردم است و دارای شخصیتی علیم و حکیم است. در ادعیه و زیارات مهدوی آمده است:

انت الحکیم الذی لا تجهله الحمیه، مجاهدتک فی الله ذات مشیة الله و مقارعتک فی الله ذات انتقام الله و صبرک فی الله ذو اناة الله و شکرک ذو مزید الله و رحمته؛ (ابن مشهدی | ۱۴۱۹: ص ۵۶۹)

سیاست شوم بنی عباس مبنی بر قطع رابطه امام با مردم موجب توقف عده‌ای در امامت و مهدویت شد؛ لطف لای که به بازگشت ایشان به دوران جاهلیت انجامید و ممکن است مخالفت آن‌ها با امامت و مهدویت تا عصر ظهور نیز ادامه یابد؛ اما حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نه تنها اجازه بازسازی و بازیابی دوران جاهلیت و تعصب و عصبیت نمی‌دهند و در عمل انجام شده قرار نمی‌گیرد؛ بلکه در اقدامی حکیمانه به مبارزه با ایشان بر می‌خیزد و همه تلاش خود را به کار می‌گیرد تا خواست خداوند متعال مورد پذیرش واقع شود. امام دوازدهم علیه السلام با صبر و استقامت به تلاش برای بازگشت ایشان به سوی خدا اقدام می‌کند و "ل‌سپاس از خداوند متعال برای ترویج خداپاوری و بهره‌مندی از رحمت گسترده الهی می‌پردازد و هرگز اقدامی دور از شأن امامت نخواهد داشت چرا که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه خزانه دار همه علوم است؛ همان گونه که در ادعیه و زیارات آمده است:

وانک خازن کل علم و فاتق کل رتق (همان: ۵۸۷)

امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه موضوعات پیچیده علمی را بررسی و رموز آن‌ها را بازگشایی می‌کند تمام علوم اولین و آخرین در اختیار آن حضرت است. با ظهور آن حضرت ابواب تمام علوم هستی‌آگشایش می‌یابد همان گونه که در زیارات آمده است:

سلام الله و برکاته و تحياته و صلواته علی مولای صاحب الزمان... و عیبة

علمی (ابن طاوس | ۱۴۱۶: ص ۴۱۹)

در فرازی دیگر از ادعیه وارد شده است:

السلام عليك يا معدن العلوم النبويق (ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۵۸۶)  
بنابراین گنجینه تمام علوم و معارف نظام آفرینش در اختیار امام دوازدهم عجل الله فرجه استب از این رو در عصر ظهورا تکامل عقول و پرورش و گسترش علوم رخ خواهد داد و انقلاب علمی امام عصر عجل الله فرجه باعث رشد و تکامل جامعه می‌شود. امام عجل الله فرجه راهنما و الگو قرار می‌گیرد همان گونه که خداوند متعال او را راهنما قرار داده استب به همین روی مهدویتا کانون توجه به خدای یکتا قرار خواهد گرفت. در زیارات آن حضرت آمده است:

السلام عليك أيها العلم المنصوب و العلم المصوب؛ (همان: ۵۶۸)  
دقت در این فراز نشان می‌دهد در عصر ظهورا مهدویتا تنها گزینه انتخاب خواهد بود و گزینه دیگری جز مهدویت پاسخ‌گوی نیاز جامعه نخواهد بود چرا که در فلسفه تاریخ و آینده جهان این آموزه نصب العین قیام خواهد گرفت و لنخف ل برای تحقق آرمان‌ها ناگزیر به عبور از گذرگاه علم و معرفت است و این گنجینه بی‌کران در سایه گرایش به علم و حکمت امام دوازدهم عجل الله فرجه میسر خواهد بود.

#### ۵-۵. مؤتمن

حضرت مهدی عجل الله فرجه ساحل امنی است که کشتی ایمان و ساکنان آن می‌توانند در آن پهلوی گرفته و برای برپایی قسط و عدالت و رسیدن به سعادت و نیل به قلّه عبودیت و رشد و کمال و معنویت به او اعتماد کنند. در زیارت سرداب مطهر آمده است:  
سلام الله و برکاته و تحياته و صلواته علی مولای صاحب الزمان... الامام  
الموتمن و القائم المعتمب (ابن طاوس ۱۴۱۶: ص ۴۱۹)  
امامت و مهدویت تنها راه سعادت است که می‌شود از گذر آن به حق و حقیقت کامل دست یافت.

#### ۵-۶. پناه و یاور مهدی باوران

حضرت مهدی عجل الله فرجه پناه و یاور مهدی باوران است. در ادعیه و زیارات آمده

است:

و الكهف والعصا و عماد الاسلام و ركن الانام (همان).  
در دوران غیبت که از هر طرف و در هر لحظه امواج خروشان فتنه و شبهات از راه می‌رسد و بر حیرت ناشی از غیبت می‌افزاید ا عنایت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به عنوان یاور و پناه مهدی یاوران جامعه مهدوی را از انحراف مصون می‌دارد؛ چرا که حصن حصین ولایت دژی مستحکم و پناهگاهی امن برابر آفات و آسیب‌های فرهنگی و اعتقادی است و شاخصی برای سنجش اعمال و رفتار مهدی باوران خواهد بود.

۵-۷. وحید فرید

توجه و تمسک به امامت و مهدویت تنها راه سعادت بشریت و نجات از مشکلات جامعه بشری است. رشد و تکامل و هدایت و تحقق همه آرمان‌ها و نکوداشت همه ارزش‌ها "احم قر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه غفقا خواهد یافت. در ادعیه و زیارات آمده است:

السلام عليك ايها الامام الفريد (همان: ۴۲۱).

"ا حضور امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه بهترین دوران زندگی بشر شکل می‌گیرد؛ چرا که امامت و مهدویت درخشش خورشید ولایت است و عصر ظهور مهدی آل غرغره عجل الله تعالی فرجه تجلی عبادت و اطاعت است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تنها کسی است که تلاش انبیای گذشته از آدم تا خاتم صلوات الله وسلامه را به ثمر می‌رساند. در ادعیه و زیارات آمده است:

السلام عليك أيها الامام الوحيد و القائم الرشيد السلام عليك أيها الإمام الفريد

(همان)

امام دوازدهم دردانه خداوند متعال و یگانه عصر و فرزانه روزگار است بنابراین در توصیف شخصیت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه از منظر ادعیه و زیاراتا درمی‌یابیم که او

بی‌نظیر است. کاوش در صفات امام دوازدهم علیه السلام در سایه دعا و زیارت نشان می‌دهد هویت موعود و ماهیت قیام او ف لقم ا " حرکت انبیا و اولیاء الهی علیهم السلام تناقضی ندارد بلکه مطابق با رسالت ایشان است و به صورت نهضتی تکامل یافته و پرورش یافته نمایان می‌شود. امام عصر علیه السلام دارای همه صفات پسندیده انبیا و اولیا الهی علیهم السلام است و قیام او استمرار نهضت آن م ا و تکمیل راه ایشان است. عصر ظهور او زمان تجدید عهد و پیمان الهی و تکمیل آموزه‌های دینی و تحقق آرمان‌های " نعه خواهد بود. هر چه در زمان انبیای الهی علیهم السلام از اهداف خداوند متعال و آرزوهای جامعه آرمان‌گرا محقق نشده است در عصر ظهور امام دوازدهم علیه السلام روی خواهد داد. برای اشاره به این مطلب از امام رضا علیه السلام آمده است:

ان الامامة هی منزلة الأنبياء و ارث الأوصیاء (کلینی ۱۳۶۳: ج ۱۱ ص ۲۰۰)

حرکت موعودا در مسیری خواهد بود که " ا ی و زمینه آن را انبیا و اولیای الهی فراهم آورده‌اند. می‌توان از تحلیل صفات حضرت مهدی علیه السلام در ادعیه و زیارات چنین نتیجه گرفت که تمجید و نکوداشت مهدویت به مثابه پرورش خاتمیت استب چرا که برابر معارف نهفته در دعا و زیارت میراث پیامبران نزد امام عصر علیه السلام خواهد بود. در زیارت حضرت آمده است:

و أنت یا حجة الله و بقیته کمال نعمته و وارث انبیائه و خلفائه ما بلغنا من دهرنا؛ (ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۵۶۸) امام عصر علیه السلام در مقام ارج گذاری به رسالت پیامبران است و این امر حکایت از دغدغه حضرت مهدی علیه السلام در عظمت ل تلق ° سفیران هدایت دارد؛ از این رو با رویکرد دوباره به ادیان ابراهیمی به ویژه دین مبین اسلام آرمان‌های انبیا حیاتی دوباره می‌گیرد و در نهضتی تکمیلی سنت‌های آغازین ادیان ابراهیمی رخ می‌نمایند. به همین لحاظ خاتم الاوصیاء بودن از خصایص امام دوازدهم علیه السلام ل شمار می‌آید و مورد توجه این نوشتار قرار می‌گیرد.

## ۶. ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام

ویژگی‌های امام زمان علیه السلام ماهیتی متفاوت از صفات امام دوازدهم علیه السلام ندارند. تنها تفاوت آن‌ها "آبش" در پرداختن به وصف اختصاصی به امام زمان علیه السلام می‌باشد. ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام در ادعیه و زیارات آن حضرت را در دو مورد از دیگران ممتاز می‌کند:

۱. به لحاظ خاتم الاوصیاء بودن حضرت مهدی علیه السلام؛ در ادعیه آمده است:

اللهم فصل علی خاتمهم و قائمهم المستور عن عوالمهم (طوسی) ۱۴۱۱: ص ۸۴۳

در فراز دیگری آمده است: السلام علیک یا خاتم الاوصیاء (ابن طوس) ۱۴۱۶: ص ۴۲۱.

بر اساس ادعیه امام دوازدهم علیه السلام تنها شخصی است که مقام خاتمیت اوصیاء را دارد و بعد از او کس دیگری به مقام امامت نمی‌رسد.

۲. به لحاظ حکومت جهانی؛ حضرت مهدی مردم را به خداوند متعال دعوت می‌کند و در حرکتی نهادینه حکومتی الهی تشکیل می‌دهد. امتیاز این حکومت فرمانطقه‌ای بودن آن است. در ادعیه مهدوی آمده است:

... وانه الهادی المهدی... و تجمع له ملک المملکات کلها قریبها و بعیدها و عزیزها و ذلیلها حتی یجری حکمه علی کل حکم و تغلب بحقه کل باطل؛ (طوسی) ۱۴۱۱: ص ۴۱۰

طبق این فراز و آنچه در فصل بعد می‌آید تشکیل حکومت یکپارچه جهانی با آن گستردگی و وسعت دامنه از امتیازات ویژه امام عصر علیه السلام است که اهداف نظام آفرینش در آن به صورت کامل تحقق خواهد یافت. تحلیل و بررسی خصائص امام دوازدهم علیه السلام در ادعیه و زیارات نشان می‌دهد خاتمیت امام عصر علیه السلام امتیازی ویژه و فضیلتی قابل توجه برای آن حضرت "لشمار می‌آید و از برقراری حکومت واحد جهانی اسلامی به دست آن حضرت کس نمی‌دهد چرا که آخرین حجت الهی است"





برپایی عدالت و... می تواند پاسخ آن باشد. واکاوی ادعیه و زیارات نشان می دهد رخداد مهم عصر ظهورا دعوت به خداوند متعال است؛ دعوتی که فراخواندن به همه خوبی است و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در عصر ظهورا تربیت الهی را بر اساس آن در جامعه نهادینه می کند. در زیارت آل یس آمده است: «السلام عليك يا داعي الله و رباني آياتها» (طبرسی ۱۳۸۶: ج ۱۲ ص ۳۱۶)

آنچه در ادامه می توان به آن اشاره کرد اجابت دعوت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه است. در ادعیه و زیارات در اشاره به این مطلب آمده است: «السلام عليك أيها المنتظر المجاب» (ابن طاوس ۱۴۱۶: ص ۴۲۲)

مرور ادعیه و زیارات نشان می دهد مهدویت مورد توجه جهانی قرار گرفته و جامعه جهانی موعودباوری را نشانه رفته است و مهدویت را مصداق صحیح این آموزه خواهد یافت؛ به همین دلیل به آن گرایش می یابد.

## ۷-۲. باب الله

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نفیگر راههای ارتباطی با خداوند متعال است و مهدویت دروازه همه معارف الهی است. کسب معرفت الهی و درجات روحانی فقط از باب مهدویت امکان دارد. امام عصر عجل الله تعالی فرجه باب الله است همان گونه که در ادعیه و زیارات آمده است:

السلام عليك يا باب الله و ديان دينه» (طبرسی ۱۳۸۶: ج ۱۲ ص ۳۱۶)  
در دعای ندبه نیز آمده است: «أين باب الله الذي منه يوتى» (ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۵۷۸)

توجه به مهدویت درمان بحران هویت و معنویت به خصوص در زمان کنونی است و تاسی به آموزه مهدویت و الگوگیری از امام عصر عجل الله تعالی فرجه راه مناسبی برای مبارزه با مدعیان دروغین است. توجه به آن موجب آشنایی با عرفان ناب اسلامی و رهایی از عرفانهای کاذب و انحرافی نوظهور است. حرکت در مسیر امامت و

مهدویت به منزله حرکت در بزرگراه عبادت و رسیدن به سعادت و بلکه تنها راه استب همان گونه که در زیارت حضرت آمده است:  
السلام عليك يا باب الله الذي لا يوتى الامنه (همان: ۵۸۶)

### ۷-۳. سبیل الله

توجه به مهدویت توجه به حقیقت است و هرگونه انحراف و انحطاط از آن موجب هلاکت خواهد شد. در زیارات مهدوی آمده است:  
السلام عليك ياسبيل الله الذي من سلک غيره هلكب (همان)  
مهدویت به عرفان و معرفت غفقا می‌بخشد و هرگونه جدایی از آن شکست محسوب می‌گردد و همان گونه که تاریخ شهادت می‌دهد افتیجه‌ای جز نابودی و هلاکت نخواهد داشت؛ چرا که گریز از مهدویت درنگ در دنیا و غفلت از آخرت است.

عنایت به آموزه امامت و مهدویت در پیچه‌ای از حیات ابدی به روی انسان می‌گشاید. در زیارات مهدوی آمده است: السلام عليك يا ناظر شجرة طوبى و سدرة المنتهى (همان: ۵۸۷)

امام دوازدهم عجله الله فرجه با تأمل و تعمق در این دو مقام بهشتی بصیرت را پیش روی مهدی باوران قرار می‌دهد؛ از این رو آخرت طلبی و کسب مقام بهشتی در این آموزه معنا می‌یابد.

### ۷-۴. خلیفة الله

حضرت مهدی عجله الله فرجه جانشین خدای متعال استب همان گونه که در ادعیه و زیارات مهدوی آمده است:  
السلام عليك يا خلیفة الله و ناصر حقه؛ (همان: ۵۶۹)

تمام اولیا و انبیا خلیفه خداوند متعال هستند؛ ولی اتصاف امام عصر عجله الله فرجه به این مقام به دلیل به ثمر نشستن تلاش و کوشش جانشینان خداوند متعال استب پترا

که در عصر ظهور امامتِ جانشین بر حق خداوند متعال در تمام دنیا به ظهور می‌رسد و هدف نهایی خداوند متعال از قرار دادن خلیفه در زمین به صورت کامل تحقق می‌یابد.

#### ۷-۵. حجة الله

زمین هرگز بدون حجت باقی نمی‌غفگد در روایات متعددی آمده است اگر زمین ع رثت لای از حجت خالی باشد اهلش را در کام خود فرو می‌برد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه حجت خداوند متعال است. در ادعیه و زیارات به منظور اشاره به این مطلب آمده است:

السلام عليك يا حجة الله و دليل إرادتہ (طبرسی ۱۳۸۶: ج ۱۲ ص ۳۱۶)  
امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه راهنمای مردم است و ایشان را به سوی خدا دعوت می‌کند و در مسیر عبودیت قرار می‌دهد؛ چرا که سخنان خداوند بر زبان او جاری می‌شود. در ادعیه آمده است:  
و حجتک و لسانک المعبر عنک الناطق بحمکتک (ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۵۸۷)

مردم در پرتو نور امام عجل الله تعالی فرجه که هرگز به خاموشی نمی‌گراید هدایت می‌بخشد همان گونه که در ادعیه وارد شده است:  
السلام عليك يا نور الله الذي لا يطفى و يا حجة الله التي لا تخفى؛ (ابن طاوس ۱۳۷۱: ص ۳۰۷)

#### ۷-۶. تالی کتاب الله

مقام و جایگاه امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه از منظر ادعیه و زیارات هماهنگ و برابر با صرآن کریم است. در زیارات مهدوی آمده است:

السلام عليك يا تالی کتاب الله و ترجمانہ (طبرسی ۱۳۸۶: ج ۱۲ ص ۳۱۶)  
قرآن بیانگر همه امور است. امام عجل الله تعالی فرجه نیز مانند قرآن همه حقایق و معارف را بیان

می‌کند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ترجمان وحی است و کلام الهی را به بهترین وجه ممکن تبیین و تفسیر می‌کند و با هدایت مردم حاجت را بر ایشان تمام می‌نماید

#### ۷-۷. بقية الله

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه برای تحقق هدف الهی خداوند از آفرینش غایب از نظر باقی مانده است. مهدی ستیزی گروه‌های مختلفا باعث شد خداوند متعال پدیده غیبت را پیش روی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه قرار دهد تا برای احیای کتاب و سنت الهی باقی بماند؛ در نتیجه از تمام ستیزها و چالش‌ها مصون خواهد ماند و تلاش بی‌وقفه انبیا و اولیا برای ظهورا نتیجه خواهد داد. در ادعیه و زیارات آمده است: السلام عليك يا بقية الله في أرضه (همان).

تحقیقات نشان می‌دهد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در کنار کعبه با قرائت آیه شریفه: **بقية الله خير لكم** (هود: ۸۶)

«و حضور خویش را به جهانیان اعلام می‌کند. او در ادامه نبوت انبیا و امامت اولیا باقی مانده است تا پرچم عزت و اقتدار مسلمین را به اهتزاز در آورد. در زیارت آن حضرت آمده است:

ذخرک الله لنصرة الدين و اعزاز المسلمين و الانتقام من الجاحدين و المارقين؛  
(ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۵۸۷)

امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه برای انجام این منظورا ستم پیشگان را از بین خواهد برید همان گونه که در ادعیه و زیارات مهدوی آمده است:

السلام عليك يا بقية الخلائف البر التقي الباقي لإزالة الجور و العدوان (ابن طاوس ۱۴۱۶: ص ۴۲۲)

#### ۸-۷. صاحب الزمان

امام در نظام آفرینش واسطه فیض و حلقه ارتباط مردم با خدا است. وجود امام در هر عصری و برای هر نسلی ضرورت دارد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه خلیفه

خداوند متعال پس از انبیا و اولیا است. او امیر هستی است و زمان به دست او است و گذر زمان مشکلی در امامتش ایجاد نمی‌کند. در ادعیه و زیارات مهدوی آمده است:

سلام الله و برکاته و تحياته و صلواته علی مولای صاحب الزمان (ابن طاوس) ۱۴۱۶: ص ۴۱۹

خداوند متعال به امام دوازدهم علیه السلام عمری طولانی عنایت نموده است و تا هر زمان اراده کند طول عمر حضرت مهدی علیه السلام ادامه خواهد داشت و خلافت الهی را در زمین عهده دار خواهد بود. در فرازی از ادعیه و زیارات آمده است: «صاحب الدهور و العصور» (همان)

در حقیقت دوران امامت و خلافت حضرت مهدی علیه السلام مدتی طولانی خواهد داشت و حضرت در عصر غیبت نیز به عنوان جانشین خداوند هدف از نظام آفرینش را تحقق می‌گنجاند چرا که ایام متعلق به امامت او است و زمام امور هستی در دست با کفایت او است.

#### ۷-۹. میثاق الله

طرح مسأله امامت و مهدویت به آغاز نظام آفرینش باز می‌گردد. پیامبران علیهم السلام باتوجه به آن در طول تاریخ مردم را هدایت کردند و برای رویارویی با آن آماده آنگاه که در ادعیه و زیارات با اشاره به عهد و پیمان انبیای الهی برای ایجاد بستری مناسب برای مهدویت آمده است:

السلام علیک یا میثاق الله الذی اخذه و وکلب (طبرسی ۱۳۸۶: ج ۱۲ ص ۳۱۶)  
گویی سیر نظام مند قانون هستی در سایه هدایت انبیا و اولیا امامت و مهدویت را هدف خویش قرار داده است و از همان آغاز راه پیمانی ناگسستنی بین حق و حقیقت و امامت و مهدویت بسته شده است. انبیا «آوفاداری به این پیمان نبوت و رسالت را به اتمام رساندند همه آنها زمینه را برای حضور و ظهور

آن امام همام آماده نموده‌اند و تمام رنج‌ها و مشکلات را به امید رسیدن به حضور سبز او در نظام آفرینش به جان خریده‌اند.

این‌ا بیانگر عظمت شأن و مقام عالی حضرت مهدی عجل الله فرجه است که افرادی چون انبیای اولوالعزم نیز به خدمت او قامت افراشته و همت بلند داشته‌اند تا بشریت لیاقت بهره‌مندی از وجود نازنین و مبارک او را داشته باشند. این مقام نزد خداوند متعال بسیار ستوده و ارزشمند است؛ چرا که از همه مقربان درگاه در خصوص آن عهد و پیمان گرفته شده است؛ تا با حرکتی هماهنگ و شایسته آن به روزگار رهایی و محتوای وعده الهی بشارت دهند.

#### ۷-۱۰. وعده الله

خداوند متعال به آمدن حضرت مهدی عجل الله فرجه بشارت داده است. در ادعیه و زیارات آمده است:

السلام عليك يا وعد الله الذي ضمنه، السلام عليك أيها العلم المنسوب، و العلم المصوب و الغوث و الرحمة الواسعة وعداً غير مكذوب؛ (همان)

ظهور امام دوازدهم عجل الله فرجه توسط خداوند تضمین شده است. به یقین روزی فرا خواهد رسید که بشریت‌ای بآید تحقق این وعده الهی باشد و به رغم طولانی شدن غیبت و حیرت و فزونی شبهات ظهور امام دوازدهم عجل الله فرجه را درک کند. ممکن است غیبت حضرتش همچنان به طول انجامد و سال‌ها ادامه داشته باشد و یأس و ناامیدی عده زیادی را گرفتار کند و ارزش‌ها تغییر یافته‌ا ظلم و جور بیش از پیش گسترش یابد؛ ولی خروش این امواج مرده‌ا دیری نمی‌پاید؛ چرا که خداوند متعال ا مسیر تاریخ را به سوی ظهور قائم آل محمد عجل الله فرجه قرار داده است و فرجام تاریخ هماهنگ با قالب مهدویت ریخته است؛ “لطقه لای که هرگز نمی‌ماند مسیر تاریخ را تغییر داد و مسأله امامت و مهدویت را تکذیب کرب همان گونه که در برخی از زیارات آمده است:

وَأنت الشافع الذی لاتنازع والولی الذی لاتدافع (ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۵۸۷)

تحلیل و بررسی ویژگی‌های شخصی حضرت مهدی علیه السلام در سایه ادعیه و زیارات نشان می‌دهد ماهیت موعودا فراتر از نام و شمایل او در اندیشه اسلامی تعریف شده است و قامت رعناى این آموزه در جامه مندرس مدعیان نمی‌طی تَبَّ چراکه باطن آموزه مهدویت و حقیقت ماهیت امام دوازدهم علیه السلام خلیفه خداوند متعال حقی باخته شده استب “ لطفه لای که رابطه انسان با خدا در سایه امام معنا می‌یابد و ضمانت اجرای احکام الهی “ امام شناخته می‌شود. به این لحاظ در روایتی از امام علیه السلام آمده است:

بالامام تمام الصلاة و الزکاة و الصیام و الحج و الجهاد و توفیر الفی و الصدقات و امضاء الحدود و منع الثغور و الأطراف (کلینی ۱۳۶۳: ج ۱۱ ص ۲۰۰)

بنابراین کارکردگرایی امام در قرائت صحیح از دین و معنا بخشی به فروع دین و مرزبندی توحید و شرک است. نمود این جایگاه درباره امام دوازدهم علیه السلام ذیل شئون امام در این نوشتار مورد توجه قرار خواهد گرفت.

#### ۸. شئون امام مهدی علیه السلام در ادعیه و زیارات

بررسی ساختار شئون نشان می‌دهد شأن نیز در زمره صفات قرار می‌گیرد؛ ولی به منظور اهتمام به شأن امام در اندیشه اسلامی و تحلیل بهتر آنک آدر این نوشتار تحت عنوان فوق مورد پژوهش قرار گرفته انب از این رو می‌توان گفت: اماما جایگاه ویژه‌ای در نظام آفرینش دارد “ لطفه لای که هیچ کس نمی‌تواند در این مرتبه و مقام جایز ین امام شود و چنانچه شخصی حتی به صفات انبیا گعش داشته باشدا مستلزم امامت او نخواهد شب از این رو وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام از رسیدن به مقام امامت مسرور شد و امامت ذریه خویش را از خداوند متعال می‌یآگا به او خطاب می‌شود: لاینال عهدی الظالمین

خداوند متعال چهره‌های خاصی را برای این مس‌ولیت مهم برگزیده است. در نتیجه امامت‌اش آن ویژه‌ای دارد و شئون‌ها بیانگر عظمت و ابهت و شکوه هر چه بیشتر امامت استب " لطفه لای که حتی بیشتر پیامبران نمی‌توانند به مرتبه امامت نائل آیند و چهره‌های غیر از امام معصوم در این جایگاه کارآمد نیست. اکنون به بررسی شئون آن حضرت می‌پردازیم:

### ۸-۱. معصوم (عصمت امام دوازدهم)

امام دوازدهم علیه السلام شأن و جایگاه ویژه‌ای نزد خداوند متعال دارد. نفس او پاک و مطهر از هر گونه رذیله اخلاقی و بدور از هر گونه پلیدی است. در ادعیه و زیارات آمده است:

و عصمته من الذنوب و برأته من العیوب و أطلعته علی الغیوب و أنعمت علیه و طهرته من الرجس و نقیته من الدنس (صدوق ۱۳۶۳: ص ۵۱۴)

حضرت مهدی علیه السلام معصوم است و هرگز گناهی درباره او تصور نمی‌شود. آن حضرت از هر گونه عیب و ایرادی مبرا است.

اخلاق آن حضرت پاکیزه از هر گونه آلودگی و لغزش است. امام خ علیه السلام برگزیده خداوند متعال و همه مقربان درگاه الهی استب به همین روی ماهیت موعودا معصوم و مصون از خطا بوده رفتار او تظاهر به معنویت نیست و نیازی به تشریفات و حرکت نمادین زاهدانه و عارف پیشه ندارد؛ چراکه او شأن خاصی دارد که برای دیگران با اکتساب و تمرین قابل دست یابی نیست و امامت موهبتی الهی است که خداوند متعال به لایق آن اعنایت می‌کند.

### ۸-۲. ولی الله

ولایت هسته مرکزی بینش و بصیرت در اندیشه اسلامی شناخته شده است. باورداشت " لمهدویت بدون ولایت مداری امام دوازدهم علیه السلام اساس و بنیانی نخواهد داشت چرا که وجود امام برای جامعه آثار و برکات فراوانی دارد و به برکت ولایت



تکوینی او آرامش و امنیت بر نظام آفرینش حکمسیغاً می‌شوب به همین روی امام از ناحیه خداوند متعال بر جامعه ولایت دارد.

امام دوازدهم علیه السلام با ولایت خویش به جریان حق و حقیقت در شریان‌های جامعه جهانی معنا می‌بخشد و حکومت عدل الهی را برپا می‌کند. ولایت و سرپرستی امام دوازدهم علیه السلام تجلی حاکمیت الهی است و اطاعت از او اطاعت از خداوند متعال است. در ادعیه و زیارات آمده است: «السلام علیک یا ولی الله». (ابن مشهدی ۱۴۱۹: ص ۵۸۹)

قائم‌الاین تصور مدیریت کلان جامعه تحت آموزه‌ای غیر از مهدویت یا خاستگاه معقولی نمی‌نماید و نتیجه‌ای جز انحراف و دوری از واقعیت نخواهد داشت در نتیجه باورمندی به ولایت امام عصر بر واقعیت این اندیشه راهبردی و کاربردی تأکید می‌کند.

### ۸-۳. ولی الاحکام

مدیریت و ولایت حضرت مهدی علیه السلام همه امور را در بر می‌گیرد. علاوه بر ولایت مطلقه امام دوازدهم علیه السلام به ولایت ایشان بر احکام نیز به صورت خاص اشاره شده است. در ادعیه و زیارات آمده است:

سلام الله... علی مولای صاحب الزمان... و ولی الاحکام، (ابن طاوس ۱۴۱۶: ص ۴۱۹)

امام عصر علیه السلام با توجه به جایگاه امام معصوم در نظام آفرینش و بهره‌مندی از معارف الهی قانون الهی و جهانی را تهیه و تدوین می‌کند و بر اساس آن احکام اسلامی جاری می‌شود. این احکام از ناحیه خداوند متعال است و از زبان حضرت مهدی صادر می‌شوب همان گونه که در زیارات و ادعیه آمده است:

و حجتک علی خلقک و لسانک المعبر عنک باذنک الناطق بحکمک (ابن طاوس ۱۳۷۱: ص ۳۰۷)

## ۸-۴. شاهد و ناظر بر اعمال

امام دوازدهم علیه السلام شاهد و ناظر بر اعمال است. در زیارت حضرت مهدی علیه السلام در روز جمعه آمده است: «السلام عليك يا عين الله في خلقه» در فرازی دیگر آمده است: «وعينك الناظرة على بریتک و شاهدک علی خلقک» (طوسی | ۱۴۱۱: ص ۴۰۸).

حفظ نظام آفرینش را وابسته به حجت الهی است و حتی اگر برای لحظه‌ای زمین از حجت خالی باشد اهلش را فرو خواهد برد. آرامش و امنیت و قابلیت حیات در این مجموعه عظیم خلقت با همه گستره وجود و امکاناتش مرهون وجود نازنین امام علیه السلام است.

بنابراین حضور او در هر عصری و برای هر نسلی گزینه‌ای اجتناب ناپذیر و امری ضروری و مسلم به شمار می‌آید. بی آنچه در ادعیه و زیارات آمده است شاهد بودن آن حضرت به معنای حضور نقش آفرین امام در راستای حفظ و بقای نظم هستی نیز از شئون حضرت مهدی علیه السلام است. در ادعیه با اشاره به این مطلب آمده است:

أشهد الله وأشهدک یا مولای بهذا ظاهره کباطنه و سره کعلانیته و أنت الشاهد علی ذلکب (ابن مشهدی | ۱۴۱۹: ص ۵۸۸)

در نتیجه هیچ کس جز امام علیه السلام یارای تامین هدف آفرینش و مقام خلیفه الهی را ندارد.

## ۸-۵. میزان الاعمال

حضرت صاحب الامر علیه السلام در جایگاه انسان کامل الگو و راهنمای بشریت است. مهدویت نیز به عنوان یک دکترین به معنای اندیشه راهبردی و کاربردی بسیار در خور توجه است. احساس حضور حضرت مهدی علیه السلام می‌تواند حضرتش را به عنوان میزان الاعمال قرار دهد. ی‌المگ بودن حضرت صاحب الامر علیه السلام آن قدر غیبتغ

است که به تصریح ادعیه و زیاراتا عملی بدون عنایت او و هماهنگی حضرتش پذیرفته نمی‌شود همان گونه که در ادعیه و زیارات آمده است:

اشهد أن بولایتک تقبل الاعمال و تزکی الافعال و تضاعف الحسنات. فمن جاء بولایتک و اعترف بامامتک قبلت اعماله و صدقت اقواله و تضاعفت حسناته و محبت سیئاته و من عدل عن ولایتک و جهل معرفتک و استبدل بک غیرک اکبّه الله علی منخره فی النار و لم یقبل الله له عملاً (همان: ۵۸۷) بنابر این از دیگر شئون حضرت صاحب الامر علیه السلام میزان الاعمال بودن ایشان است. منش و روش آن حضرت معیار مناسبی برای پرهیز از افراط و تفریط است. ادعیه و زیارات مهدوی نیز بر هماهنگی ماهیت موعود و ویژگی‌های شخصی او با انبیا و اولیای الهی دلالت می‌کند.

واکاوی شئون و مقامات معنوی امام عصر علیه السلام چنین می‌نماید که بهترین رتبه و جایگاه حقوقی در اندیشه اسلامی برای امام به عنوان کامل ترین و برترین شخصیت الهی شناخته شده است چرا که آموزه امامت در اندیشه اسلامی در غیبه "لای" الأثر از نبوت قرار دارد و امام در غیبه لای است که هیچ فردی را توان رسیدن به مرتبه او نیست و رتبه او گزینه دیگری غیر از امام معصوم را برنمی‌آورد "گ" یای اشاره به این مطلب در روایتی از امام هشتم علیه السلام آمده است:

الامام واحد دهره ولایدانیه احد و لایعادلّه عالم ولا یوجد منه بدل ولا له مثل و لا نظیر؛ اماما یگانه دوران خویش است و هیچ شخصی با او برابری نمی‌کند. دانشمندی مانند او نیست و جایگزینی برای او و شخصیتی مثل او و شبیه او یافت نمی‌شود.

### نتیجه گیری

مرور منابع مهدویت نشان می‌دهد قریب به صد دعا و زیارت به مسأله مهدویت می‌پردازد. بخشی از آن لائت ل منظور تعجیل ظهور وارد شده اند و استمرار و

مداومت بر آنها موجب تسریع در امر ظهور شناخته شده است؛ ولی بیشتر آنک  
برای گسترش معرفت و افزایش بینش و بصیرت جامعه درباره مهدویت وارد شده  
اند. بررسی آنها نشان می‌دهد معارف مهدویت دو حوزه عمده ویژگی‌های  
شخصی و نوعی امام دوازدهم علیه السلام را نشانه رفته اند.

آنچه در این مقاله تحلیل شد چنین می‌نماید که ماهیت موعود در اندیشه  
اسلامی به ویژه از دیدگاه شیعیان معین و غننگ است و هویت شخصی و  
ویژگی‌های شخصی او اعم از نام‌اف‌ا<sup>۱</sup> کنیه در چهار محورا قریب به ه<sup>۲</sup> ه<sup>۳</sup>  
و بیست و پنج صفت مورد تأکید قرار گرفته است.

## منابع

١. قرآن كريم
٢. ابن طاوس، سيدعلى بن موسى، اقبال الاعمال، قم، مكتبة الاعلام الاسلامي، ١٤١٤ق.
٣. \_\_\_\_\_، جمال الاسبوع، تهران، مؤسسة الآفاق، ١٣٧١ش.
٤. \_\_\_\_\_، فلاح السائل، قم، مكتبة الاعلام الاسلامي، ١٣٧٠ش.
٥. \_\_\_\_\_، كشف المحجة، نجف، منشورات المطبعة الحيدريه، ١٣٧٠ق.
٦. \_\_\_\_\_، مهج الدعوات، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٧٥ش.
٧. \_\_\_\_\_، مصباح الزائر، قم، مؤسسة آل البيت، ١٤١٦ق.
٨. ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، تهران، مؤسسة نشر الفقاهه، ١٤٢٧ق.
٩. ابن هبة الله، سعيد، دعوات، قم، مدرسة الامام المهدي، ١٤٠٧ق.
١٠. امام سجاد عليه السلام، صحيفه سجاديه، قم، خادم الرضا، ١٣٨١ش.
١١. بهاء الدين، محمد بن حسين بن عبدالصمد، مفتاح الفلاح، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ١٣٢٤ق.
١٢. حر عاملي، محمد بن حسن، امل الآمل، بغداد، مكتبة الاندلس، بي تا.
١٣. حلي، احمد بن فهد، عدة الداعي، قم، وجداني، بي تا.
١٤. صدوق، محمد بن علي بن الحسين، ثواب الاعمال، قم، منشورات رضی، ج ٢، ١٣٦٨ش.
١٥. \_\_\_\_\_، كمال الدين، قم، مؤسسة نشر اسلامي، ١٣٦٣ش.
١٦. \_\_\_\_\_، من لا يحضره الفقيه، قم، مؤسسة نشر اسلامي، ج ٢، بي تا.
١٧. طبرسي، احمد بن علي، احتجاج، نجف اشرف، ١٣٨٦ش.
١٨. طبري، محمد بن جرير، دلائل الامامة، قم، مؤسسة البعثة، ١٤١٣ق.
١٩. طوسي، محمد بن حسن، الغيبة، قم، مؤسسة المعارف الاسلاميه، ١٤١١ق.
٢٠. \_\_\_\_\_، الفهرست، قم، مؤسسة نشر اسلامي، ١٤١٧ق.
٢١. \_\_\_\_\_، مصباح المتجهد، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة، ١٤١١ق.
٢٢. عاملی جزيني، محمد بن مكی، المزار، قم، مؤسسة امام مهدي، ١٤١٠ق.
٢٣. عسكري، ابو هلال، فروق اللغة، قم، مؤسسه نشر اسلامي، ١٤١٢ق.
٢٤. قيومي، شيخ جواد، صحيفه المهدي، قم، مؤسسة نشر اسلامي، ج ٢، ١٣٥٧ش.
٢٥. كفعمي، ابراهيم بن علي، مصباح كفعمي، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ج ٢، ١٤٠٣ق.
٢٦. كليني، محمد بن يعقوب، كافي، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ج ٥، ١٣٦٣ش.

۲۷. مجتهدی، سید مرتضی، صحیفه مهدیه، قم، دارالتقلین، ۱۳۷۹ش.
۲۸. مجلسی، علامه محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة اللواء، چ ۲، ۱۴۰۳ق.
۲۹. مشهدی، محمد بن جعفر، المزار، قم، نشر قیوم، ۱۴۱۹ق.
۳۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المزار، بیروت، چ ۲، ۱۴۱۴ق.
۳۱. موسوی اصفهانی، میرزا محمد تقی، مکیال المکارم، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۲۱ق.
۳۲. نجاشی، احمد بن علی بن احمد، رجال، قم، مؤسسة نشر اسلامی، چ ۵، ۱۴۱۶ق.
۳۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة نعمانی، قم، انوار المهدی، بی تا.
۳۴. واسطی زبیدی، سید محمد مرتضی الحسینی، تاج العروس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.





## کاوشی در دعای فرج (الهی عظم البلاء)

زهرا بنویدی \*

### چکیده

روشن است که یکی از وظایف منتظر، دعا برای ظهور مولایمان است. یکی از دعاهایی که برای ظهور حضرتش وارد شده، دعای فرج (الهی عظم البلاء) است. این دعا را که طبق نقل‌ها خود حضرت به محمد بن احمد بن ابی‌اللیث تعلیم فرمود دارای مضامین ارزشمند دینی است. حضرت به ما آموخته است که در گفت و گو با پروردگار، به تشریح حال خود بپردازیم؛ اما با تکیه بر مستعان بودن او در سختی و آسانی. حضرت با استفاده از بستری که صلوات و کلمه «اولی الامر» ایجاد کرده است، مطلب بسیار مهمی را به شیعیان خود انتقال می‌دهد که همانا با اطاعت از امام زمان علیه السلام و معرفت او رابطه مستقیم دارد و تنها راه حصول معرفت حضرت، اطاعت از آن عزیز است و اهمیت معرفت امام زمان نیز بر کسی پوشیده نیست. ثمره این معرفت در فراز پایانی به شکل عملی و به صورت توسل رخ می‌نماید، چراکه توسل، تمسک جستن به اولیای الهی است و این معنابدون معرفت عمیق امام زمان علیه السلام امکان پذیر نیست. کلیدواژه‌ها: بلا، صلوات، اولی الامر، توسل، دعای فرج، امام زمان علیه السلام.

### مقدمه

این دعای شریفاً در منابع به دو نقل آمده است:

نقل اول

\*. دانش آموخته سطح ۲ حوزه علمیه خواهران.



این حدیث را اولین بار شیخ جلیل مرحوم فضل بن حسن طبرسی صاحب کتاب تفسیر شریف مجمع‌البیان در کتاب کنوز النجاح نقل کرده است و در باره شأن صدور آن به طور مختصر می‌نویسد: «این دعا را حضرت صاحب‌الزمان (عج) ل‌ ابوالحسن محمد بن احمد بن ابی‌اللیث در شهر بغداد در مقابر قریش تعلیم کرده اند. ابو الحسن مذکوراً از ترس کشته شدن به مقابر قریش گریخته و پناه برده بود؛ سپس به برکت این دعا از کشته شدن نجات یافت. ابو الحسن گفته است که آن حضرت به من تعلیم فرمود که بگو:

اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَ بَرِحَ الْخَفَاءِ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءِ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضَاقتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَوْلِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ. فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عَاجِلاً قَرِيباً كَلِمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هَوَا أَقْرَبُ. يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ يَا عَلِيَّ يَا مُحَمَّدَ إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ وَأَنْصِرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي.

راوی می‌گوید: «امام در هنگام گفتن یا نب لچ الزمان» به سینه خود اشاره کرد».

به نظر می‌رسد اشاره حضرت به این معنا است که در وقت گفتن یا نب لچ الزمان» باید آن حضرت را قصد کنیم.

این دعا در الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب (یزدی حائری ۱۴۲۲: ج ۱۲ ص ۴۳) و در بحار (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۱۹۹ ص ۱۱۹) و در المزار (شهید اول ۱۴۱۹: ص ۲۱۰) و در الجنة المأوی تألیف میرزا حسین نوری طبرسی چاپ شده در ضمن بحار الانوار جلد پنجاه و سه ص ۲۷۵ و در صحیفة المهدي (اهری ۱۳۸۵: ص ۶) و نیز (قیومی ۱۳۸۳: ص ۱۵) و در العبقری الحسان (نهاوندی ۱۳۸۶: ج ۱۶ ص ۶۹۷) نقل شده است.

## شرح دعا

اکنون پس از بررسی مختصر مصادر دعا مناسب است به شرح فراز فراز آن بپردازیم:

### ۱. ندبه

إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ  
مُنِعَتِ السَّمَاءُ

«اله» مصدر است و گفته شده اصل «الله» اله است که همزه بر اثر کثرت استعمال حذف شده و «ال» بر آن داخل شده است که به ذات مقدس باری تعالی اختصاص دارد و از چند ریشه است:

الف. سَخَطُ «أَلِهٍ يَأَلُهُ» به معنای «تَجْ» یعنی «پرستید» لله «اله» به معنای معبود است؛ چرا که او معبود و مورد پرستش همه مخلوقات است.

ب. «أَلِهٍ يَأَلُهُ» به معنای «تَحْيِر» یعنی «تسکین زده شد»؛ چرا که او ذاتی است که عقول مردم در فهم کنه ذات او حیرانند.

ج. گفته شده از «ولاه» گرفته شده که به جای واوا همزه آورده شده است؛ به معنای واله و شوریده حال است؛ چرا که او ذاتی است که تمام مخلوقات واله و مجذوب او هستند.

د. نیز گفته شده از «لاه یلوه» به معنای پوشیده و مخفی از دیده‌ها است. (اصفهانی ۱۳۵۷: ج ۱۱ ماده «اله»)

اصل «اله» (ا-ل-ه) است و یک ریشه تک معنایی دارد که بر پرستش دلالت می‌کند. (احمد ففارس ۱۴۲۰: ماده «اله»); بنابراین «اله» همان «الله» است و چون خدا مورد پرستش است به این نام خوانده شده است؛ ولی چرا در اینجا از الله استفاده نشده و مصدر آن به کار رفته است؟

نکته قابل توجه این که «الهی» منادا است که «یا»ی منادی حذف شده است. اگر «الله» منادا قرار می‌طیید «ا» گفته می‌گردد «یا الله» یا «اللهم» که در سایر

ادعیه معصومان علیهم السلام «لکار رفته است و همان طور که گذشت در برخی نسخه لاء همین دعا با «اللهم» روایت شده است؛ ولی شنیده نشده است «یا»ی متکلم به الله» اضافه شود و گفته شود: «اللهی»؛ این ترکیب صحیح نیست.

«یا»ی متکلم در «الهی» برای ایجاد نزدیکی و صمیمیت به کار رفته است؛ زیرا کسی را که از خودمان می‌دانیم یا به خودمان نسبت می‌دهیم که با او نزدیک باشیم؛ برای مثال اگر کسی به کسی بگوید: «فرزدم» با این که فرزندش نیست! مقصودش ایجاد صمیمیت و نزدیکی است که او را به خود منسوب کرده است. غا در این مقام قصد ندبه کردن داریم و مشکلاتمان را برای خدا بازگو می‌کنیم. ث بیان دیگر می‌خواهیم با او درد دل کنیم؛ پس لازم است قدری به او احساس نزدیکی کنیم.

«عظم» به معنای «بزرگ شد» می‌آید. گاه خلاف «کوچک شد»؛ اما زمانی که «عظمی» لغی شود «عظم الأمر» معنای «بزرگ» و «دشوار شد» می‌دهد؛ یعنی «عظمی» و «عظمی» (معلوف ۱۳۸۲: ماده «خجغ») این معنا مناسب‌تر است و دلیلش جملات بعدی است.

«بلاء» از ریشه (ب-ل-و) یا (ب-ل-ی) می‌باشد و به معنای نوعی اختبار است (ابن فارس ا بی؛ ماده «عق») زمانی که گفته می‌شود «بلی الإنسان و ابتلی» این امتحان همان اختبار است. پس موضوع بلاء یکی سختی و گرفتاری و غم و اندوه است که از صبر خبر بدهد و یکی نعمت است که شکر می‌طلبد؛ اما این جا معنای اول مناسب‌تر است؛ پس معنای جمله چنین می‌شود:

«معبود من! لاء بگ».

«دشوار شدن» خود فرض اینکه بلاء به معنای سختی و غم و اندوه باشد را تقویت می‌کند؛ زیرا کسی که به واسطه نعمت آزمایش می‌شود نمی‌گوید: «خدایا! نعمت من دشوار شد.»؛ زیرا نعمت با دشواری سازگاری ندارد. نعمت رفاه می‌آورد نه دشواری.

نکته قابل توجه این که بلاء این جا به صورت مطلق و بدون هر قیدی آمده است تا کلیه مصادیق آن را در بر بگیرد؛ پس برای بررسی بهتر مناسب است آن را به عام و خاص تقسیم کنیم. توضیح این که زندگی دنیا یک کلاس واقعی و جدی امتحان است و همه افراد در طول زندگی خویش به شیوه‌های مختلف و در سطوح گوناگون در حال آزمون و امتحانند. آزمون‌های الهی نه برای پی بردن خداوند به احوال روحی انسان‌ها بلکه برای به فعلیت رساندن استعدادها و توانایی‌های آن‌ها و در واقع یک شیوه تربیتی و تکامل هویت و شخصیت افراد است. (یزدی ۱۳۷۷: ج ۱۲ ص ۳۹۶)؛ زیرا آن‌ها با نوع انتخاب و نحوه واکنش که در رویارویی با پیشامدها و حوادث و مصائب روزگار برمی‌گزینند و از خود بروز می‌دهند استعدادهای عظیم و فطرت پاک الهی خود را نمایان می‌کنند. دسته‌ای هم که در این آزمون‌ها شکست خورده و سستی و تباهی نشان می‌دهند دورنمای واقعی شخصیت خویش را از ورای دورنگی‌ها و ظاهرسازی‌ها آشکار می‌کنند.

آزمایش و امتحان یک برنامه و سنت حتمی الهی است (قرائتی ۱۳۸۶: ج ۱۱ ص ۲۳۹؛ مکارم شیرازی ۱۳۸۱: ج ۱۱ ص ۵۲۴) و هیچ کس بدون امتحان نخواهد بود.

بلای عام مصادیق فراوانی دارد؛ چنان که پروردگار در قرآن می‌فرماید:  
 <وَلْتَبْلُوْنَكُمْ بَشِيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجَوْعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ>  
 (بقره: ۱۵۵)؛

به تحقیق شما را به چیزی از ترس یا گرسنگی یا کم شدن اموال و جان‌ها و ثمرات می‌آزماییم.

مقصود از ابتلا به خوف و جوع در این آیه شریفه مبتلا شدن به ناامنی و فقر اقتصادی است؛ به بیان دیگر مراد از جوع تنها گرسنگی برابر تشنگی نیست؛ بلکه مقصود از آن اعم از گرسنگی و تشنگی و خستگی و سایر آسیب‌ها و مصائب

بدنی و مالی است (جوادی آملی ۱۳۶۴: ج ۱۷ ص ۶۳۴) و گاه به کمبود آن هاستا نه نداشتن آن لما «نقص من الأموال» و نقصا غیر از زوال است. انسان مبتلا به نقص مال اگرسنه یا برهنه یا بی مسکن نیست؛ بلکه باید ساده زندگی کند؛ بنابراین انسان مورد آزمون در این حال یا چیزی نمی یابد یا اگر به دست می آورد از او گرفته می شود و همه این امور امتحان است. امیرالمؤمنین نیز از فقر و کمبود مالی به تلخی یاد می کند و می فرماید: «المقلُّ غریبٌ فی بلدته»؛ انسان تهی دست در شهر خویشا بیگانه است». (سید رضی ۱۳۸۴: خ ۳)

مقصود از نقص نفس که یکی از آزمون های الهی به شمار می رود کشته شدن در راه خدا یا اعم از آن مرگ های عادی است؛ زیرا همه آنها از مصادیق نقص نفس است. لبع پنین در نقص ثمرات منظور از ثمرات یا ثمره های اقتصادی به ویژه محصولات کشاورزی و میوه درختی است یا فرزندان است؛ بدین لحاظ که گفته می شود فرزندان میوه قلوبند. البته می تواند جامع باشد. (جوادی آملی همان) بلای خاصی که مناسب است این جا بررسی شود پدیده غیبت استهتوم بنی اسرائیل روزگاری را در غیبت پیامبر و تحت سلطه حاکمان جائر و ظالم بودند. امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی عذاب و سختی بر بنی اسرائیل طولانی شد اچهل روز به درگاه خدا گریه و انابه کردند. خداوند متعالا به هارون و موسی فرمود که آنها را از دست فرعونیان نجات دهند و این در حالی بود که از چهارصد سال عذابا صدوهفتاد سال باقی مانده بود و خداوند متعال به واسطه دعای بنی اسرائیل از آن صدوهفتاد سال صرف نظر کرد. (موسوی اصفهانی ۱۳۸۰: ج ۱۱ ص ۳۴۷)

ما هم صدها سال است که برای ظهور مولایمان دعا می کنیم؛ اما تاکنون ظهورا واقع نشده؛ زیرا دعای ما با دعای بنی اسرائیل یک تفاوت اساسی دارد. و آن این که بنی اسرائیل باور کرده بودند که نیازمند منجی هستند و تا منجی فئی گاه همچنان فراغنه به آنها ظلم می کنند و آنها نمی توانند برابرشان مقاومت

کنند. بنی اسرائیل مضطر شده بود و با حال اضطرار دعا می‌کرد؛ ولی ما هنوز مضطر نشده‌ایم و هنوز باور نکرده‌ایم که تا وقتی که منجی نیاید دشمنان بر ما تسلط خواهند داشت. اگر مضطر بودیم دعا می‌کردیم ما به گونه دیگری بود. چرا مولایمان باید گلایه کند که شیعیان ما را به اندازه آب خوردنی نمی‌خواهند؛ اگر می‌خواستند دعا می‌کردند و خدا ظهور را نزدیک می‌کرد. (هراتیان ۱۳۸۴: ص ۲۹) این‌ها یک واقعیت است؛ یک واقعیت تلخ. شیعیان را غفلتی کشنده فرا گرفته است. عمق مصیبت غیبت را درک نکرده‌ایم و به حداقل‌ها راضی شده‌ایم. اما باز هم مهدی علیه السلام مهربانانه به یاری ما می‌آید<sup>۱</sup> گندبه کردن را تعلیم می‌دهد که به خدا بگویید اندوه بر ما غالب شده است. با حال اضطرار بگویید و استغاثه کنید تا همان طوری که خداوند صد و هفتاد سال غیبت را بر بنی اسرائیل بخشید باقی مانده غیبت را بر شما نیز ببخشد و شما را از این همه بلا و گرفتاری و مصیبت نجات دهد.

تبریح» از ماده (ب-ر-ح) یعنی نَحْ الْمَبِیْغِ و «خفاء» به معنای پنهانی است (معلوف ۱۳۸۲: ماده برح) در مجموع معنای «تبریح الخفاء» می‌شود: امر پنهانی آشکارگشت؛ بنابراین عبارت «تبریح الخفاء» کنایه<sup>۲</sup> است به معنای «وضوح الامر» (معلوف همان)

«انکشف» از ماده ک-ش-ف؛ به معنای آن را ظاهر کرد و چیزی که آن را پوشانده بودا برداشت» می‌آید (ابن منظور ۱۱۱۹: غ-ط-ی)

«غطاء» از ماده غ-ط-ی) به معنای آنچه با آن پوشانده می‌شود. (همان) ماده «غطی»

«رجاء» از ماده (ر-ج-و) ضد یأس است به معنای امیدواری (حسینی ۱۴۱۴:

۱ . کنایه، یک صنعت ادبی است که عبارت است از آوردن لفظ و اراده معنای غیر حقیقی از آن؛ به گونه ای که بتوان معنای حقیقی آن را نیز اراده کرد (محمدی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۷).

ماده زجو» را رغب می‌طقید: زجا یعنی گمان و پنداری که اقتضای رسیدن شادی در آن است و امیدواری. (راغباً ماده زجو»)

ضاق» از ماده (ض-ی-ق) ضد وسعت است؛ یعنی به‌تنگ آمدن و منع» به معنای بازداشتن و حرام کردن است. (حسینی ۱۴۱۴: ماده ضیق» و تفتیح») بنابراین معنای عبارت چنین می‌شود:  
پنهانی آشکار شدا و پرده فرو افتادا و امید قطع شدا و زمین به تنگ آمدا و آسمان باز داشته شد».

روشن است که این جملات کنایه است از عمق بلا و گرفتاری. در حقیقت می‌خواهیم با این جملات بگوئیم که مصیبت‌ها ما را از هر سو احاطه کرده اند و بر ما فشار می‌آورند.

پرده فرو افتاد» کنایه از آشکار شدن حقیقتی است. در فارسی نیز چنین است؛ وقتی می‌گویند: اگر این کار را بکنید فلانی از کارت‌ان پرده بر می‌دارد» یعنی حقایق را آشکار می‌کند و به مردم می‌گوید. این حقیقتی که در روزگار غیبت با این مصیبت بزرگ آشکار می‌شود بی‌لیاقتی ما است. پیدایش غیبت‌ها همین را اعلام می‌کند که شما لیاقت حضور امام معصوم را بین خود ندارید. امامان معصوم بین شما بودند و شما با تنها گذاشتن آنان و معطل کردن دستوراتشان زمینه شهادت آن‌ها را فراهم کردید.

زمین به تنگ آمد» کنایه از قرار گرفتن در فشار است. در قرآن کریم این جمله برای احاطه و چیرگی دشمن به کار رفته است. *«و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت»* (م: ۲۵) چنان که زمین با همه فراخی اش تنگ آمد که راه فرار و مأمنی نداشته باشیم. اگر بخواهیم این جمله را با توجه به قرآن معنا کنیم باید بگوئیم که مصیبت‌هایمان بسیار زیاد شد و ما ضعیف شدیم دشمنان بر ما مسلط شدند و راه ظلم در پیش گرفتند.

آسمان باز داشته شد» ممکن است معنای کنایی داشته باشد اما معنای

واقعی هم دارد. معنای واقعی نیز پاسخ به این دو پرسش است که چه کسی برکات آسمان را حرام کرد؟ و دوم این که برکات آسمانی چه بود که بر ما حرام شد؟ در پاسخ به سؤال اول باید گفت ظلمت گناهان و همان چیزی که باعث شده است بر ما بلا و مصیبت نازل شود. برکات آسمانی هم شامل برکات مادی است؛ مثل باران چنان که در روزگار قحطی می‌گویند نماز استسقا بخوانید و قبل از نماز به درگاه خدا از گناهان توبه کنید؛ زیرا گناهان درهای آسمان را می‌بندد. و هم برکات معنوی است که معصوم در بین ما نیست و ارتباط ما با عالم بالا قطع شده است. اینها از جمله نکاتی است که از تدبر در عبارات حاصل می‌شود.

«وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَالْيَكَّ الْمُشْتَكِيُّ وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ»

«المستعان» از ریشه (ع-و-ن) به معنای مساعده و کمک است. (معلوفا ۱۳۸۲: ماده «عون»). مستعان اسم مفعول است و «ال» که بر سر آن آمده موصول است؛ در نتیجه معنایش چنین می‌شود: «تو کسی هستی که از او کمک گرفته می‌شود» که این جمله بر توکل دلالت دارد؛ زیرا توکل عبارت است از تکیه و اعتماد بر خدا به طوری که قلب انسان با یاد او آرام گیرد و بر اسباب و علل طبیعی تکیه نکند. کسی که می‌داند خدای متعال قادر است بدون اسباب و وسائط عادی مطلوب انسان را عطا فرماید و هم می‌تواند همه اسباب و وسایل را بی‌اثر کندا به این باور قوی دل است. (جباران ۱۳۸۴: ج ۱۲ ص ۲۷۱) «أَقْتَلْتُ لَكَ» این معنا مفهوم جمله چنین می‌شود:

«خدایا بلاها بر ما غالب گشته؛ آن قدر که امیدمان قطع شده و زمین بر ما تنگ آمده است؛ ولی هنوز یک امید دیگر باقی است و آن امید به تو و کمک تو است.»

«المشتکی» شکایت زمانی صورت می‌گیرد که ظالمی به مظلومی ظلم کند و مظلوم دیگری را از سوء فعل ظالم خبر دهد (معلوفا همان: ماده «شکی»). راغب می‌گوید: «شکایت بردن یعنی اظهار اندوه و در میان نهادن آن با دیگری.»



وقتی ماده «شکی» به باب برودا همان معنای ثلاثی مجرد را افاده می‌کند. نکته‌ای که این جا قابل توجه است این که «مشتکی» به واسطه «ال» غنیت ل شده و اسم معرفه باید مبتدا قرار گیرد و اگر نکره محض باشد واجب است مؤخر شود. در نتیجه تأخر «مشتکی» جوازی بوده و این تقدیم و تأخیرا افاده حصر می‌کند. علاوه بر آن این که «مشتکی» به صورت مصدری میمی آمده - با این که می‌توانسته به صورت فعل و جمله فعلیه بیاید - حصر را تقویت می‌کند؛ پس معنای جمله چنین می‌شود:

فقط به سوی تو است شکایت»

این شکایتا نتیجه جمله قبل است؛ زیرا در جمله قبل توحید در فعل را «لکار بردیم و قائل به این شدیم که فقط خدا می‌تواند کمک کند پس به او شکایت کردیم؛ زیرا عقلاً جایز نیست به کسی شکایت کنیم که توانایی ندارد گره از کارمان بگشاید. این شکایتا نه تنها نتیجه توحید در فعل است بلکه تأکیدی بر آن نیز هست. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

فَاللَّهِ اللَّهُ أَنْ تَشْكُوا إِلَيَّ مِنْ لَا يَشْكِي شَجْوَكُمْ وَ لَا يَنْقُضُ بَرَأْيَهُ مَا قَدْ أُبْرِمَ لَكُمْ  
(سید رضی ا خ ۱۰۵) یعنی مبدا شکایت نزد کسی برید که نمی‌تواند آن را برطرف سازد و توان گره‌گشایی از کارتان را ندارد.

«مَعُول» از ریشه «عَوَّل» یعنی مستغاث و معتمد (معلوف) ماده «عول»

«شدة» و «رخاء» ضد یکدیگرند «رخاء» به معنای وسعت و گوارا بودن (همان ماده «رخو») و «شدة» یعنی بسته شدن بوسیله حیل‌های روزگار (همان ماده «شدد») مفهوم روان «شدة» و «رخا» سختی و آسانی است پس معنای جمله چنین می‌شود: «برتوست تکیه و اعتماد در سختی و آسانی»

این جمله صریح در اعلی درجه توکل است زیرا همان‌طور که گذشت توکل یعنی واگذار نمودن تمام امور به صاحب آن و اعتماد بر وکالت او (خمینی ا ۱۳۸۰: ص ۲۱۴) و ما تمام امور را در سختی و آسانی به او سپرده‌ایم.

اللهم صل على محمد و آل محمد

آنچه مناسب است که بررسی شودا معنای «آل» در صلوات است. هُجْلٌ لاند کلمه «آل» در لغت به معنای اهل است. برخی گفته‌اند خود اهل است که هاء آن برای تخفیفاً به همزه تبدیل شده و همزه را نیز به دلیل فتحه پیش از آن اُتْ ل الف تبدیل کرده‌اند. دلیل این قول این است که «آل» هنگام تصغیراً به أهیل تبدیل می‌شود و کسانی نیز می‌گویند اصل «آل» «اول» بوده که واو به الف تبدیل شده که تصغیر آن اُویل می‌شود. (العاملی ا بی تا: ص ۴۱۲)

حال باید ببینیم «آل» در صلوات شامل چه کسانی می‌شود. برخی گفته‌اند شیخ ج «آل» شامل تمام نسل و فرزندان پیامبر ﷺ تا روز قیامت می‌شود؛ ولی کلام در این است که مقصود از «آل» که جزء صلوات واجب تشهد در نماز و غیر آن شده است چه کسانیند؟ آیا به همان معنای اصلی و شامل تمام ذریه است یا این که ویژه معصومان و پاکان ایشان می‌باشد که خداوند دوستی آنان را واجب کرده و اطاعتشان را فرض شمرده است.

آنچه از آیات قرآن فهمیده می‌شود این است که «آل» «لغصومان اختصاص دارد؛ زیرا در آیه مباهله (ال عمران: ۶۱) که خداوند پیامبر را امر کرد که «ابناء» و «انفس» را بیاورد و با مدعیان مسیحی به مباهله بپردازد پیامبر در مقام امتثال برای «ابناء» حسن و حسین علیهما السلام و برای «انفس» امیرالمؤمنین علیه السلام را به صحنه آورد. (جوادی آملی ۱۳۸۴: ج ۱۱۴ ص ۴۴۷)

همچنین در آیه ۱۳۲ سوره طه که می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» با وجود آن که ظاهراً این است که فرزندان پیامبر به طور کلی مراد باشد (مکارم شیرازی ج ۱۱۳ ص ۳۴۲) اما آنچه از آیه شریف بر می‌آید آن است که خداوند به پیامبر اکرم فرمان داد که تنها خاندانش را این گونه به نماز و نیایش با خدا فرمان دهد تا همگان بدانند که خاندانش نزد خدا مقامی والا و ویژه دارند که دیگر مردمان

چنین مقامی ندارند؛ زیرا نخست آنان را با همه مردم به برپا داشتن نماز فرمان داد و آن گاه خود و خاندانش را به تنهایی. (طبرسی ۱: ۱۳۸۰: ج ۱۸ ص ۸۷۱) لذا طبق روایتی پیامبر ﷺ چهل صبح بر در خانه حضرت علی و حضرت فاطمه (علیهما السلام) می آمد و چارچوبه در را می گرفت و می فرمود: سلام بر شما اهل بیت و رحمة الله و برکاته! نماز (آماده شوید برای نماز) خدا رحمتتان کند». (طباطبایی ۱: ۱۳۷۰: ج ۱۱۴ ص ۳۶۵)

### اولی الامر

در این فراز از دعا حضرت با استفاده از بستری که صلوات ایجاد کرده است در عبارت های مختصری مسأله امامت و شأن سیاسی امام را مطرح کرده اند.

### اولی الامر در لغت

اولی الامرا واژه ای است که از دو کلمه «اولی» (صاحبان) و «امر» (فرمان یا شؤن کشور) تشکیل شده و به فرمانروایان و صاحبان امور اجتماع اطلاق می شود. بررسی آیات بیانگر آن است که حاکمیت اولی الامرا از حاکمیت خداوند و پیامبر ﷺ نشأت گرفته و تداوم ولایت الهی آنان است. (نصرتی ۱: ۱۳۸۵: ص ۲۳۶)

### مراد قرآن از اولی الامر

واژه «اولی الامر» در قرآن مجموعاً دو بار در آیات ۵۹ و ۸۳ سوره مبارکه نساء به کار رفته است. با دقت در آیه ۵۹ به روشنی مشخص می شود که مراد از اولی الامر امامان معصوم علیهم السلام هستند؛ زیرا اولی الامر افرادی هستند که به طور مطلق و بدون قید و شرط باید از آنان اطاعت کرد و اطاعت آنان در ردیف اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. امر و نهی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خلاف امر و نهی خدا نیست؛ و گرنه موجب تناقض بین امر و نهی خدا و امر و نهی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می شد و این معنا تمام نمی شود! مگر با التزام به عصمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به همین گونه اولی الامر

نیز امر و نهیشان خلاف امر و نهی خدا و رسول خدا ﷺ نیستا و گرنه موجب تناقض می‌شد و این معنا نیز تمام نمی‌شودا مگر با التزام به عصمت اولی الامر؛ زیرا لازمه اطاعت مطلقه بدون قید و شرطاً عصمت آنهاست. از طرفی چون می‌دانیم به جز شیعه هیچ یک از مذاهب مسلمین عصمت را درباره پیشوایان و رهبران خود ادعا نکرده‌اند؛ مفهوم آیه دقیقاً بر امامان معصوم علیهم‌السلام تطبیق می‌کند. (تهرانی ۱۴۲۷: ج ۱۲ ص ۱۶)

### رابطه اطاعت و معرفت

«الذین فرضت علینا طاعتهم و عرفتنا بذلک منزلتهم»

فرض در لغت به معنای تعیین کردن است. «فرض الأمر، یعنی عینّه و فرض لفلان جعل له فریضه»

س فرض بر کسی به معنای این است که برای او فریضه قرار گیرد و به بیان واضح‌یا یعنی واجب شود. (معلوفاً همان: ماده فرض) «  
راغب اصفهانی ذیل ماده فرض» می‌گوید:

فرض مثل ایجاب و واجب کردن و ملزم گرداندن است؛ ولی ایجاب به اعتبار وقوع یافتن و ثابت بودن چیزی است؛ اما فرض به قاطع بودن حکم در آن چیز است. «(راغب ۱۳۷۵: ماده فرض)»

نورالدین بن نعمت الله حسینی جزائری در کتاب *فروق اللغات* به شکل واضح‌تری تفاوت میان فرض و وجوب را تشریح می‌کند. وی می‌گوید:

فرض، اقتضا می‌کند فرضی را که فرض کرده آن چیز را؛ ولی واجب، چنین نیست؛ زیرا گاهی چیزی فی نفسه بدون ایجاب و واجب کردن واجب کننده‌ای، واجب می‌شود و به همین دلیل، وجوب ثواب و عرضه کردن آن به خدا صحیح است و جایز نیست گفته شود ثواب، فرض و مفروض است؛ ولی وجوب ثواب، صحیح است.

و بعضی می‌گویند: فرق بین فریضه و واجب، این است که فریضه، اخص از واجب است؛ زیرا فریضه، واجب شرعی است و واجب، زمانی که مطلوب

باشد حملش به عقلی و شرعی؛ جایز است یعنی گفته شود واجب عقلی و واجب شرعی و گفته می‌شود فرض، چیزی است که خداوند بندگانش را امر کرده به این که آن را انجام دهند؛ مانند نماز، زکات، روزه و حج؛ پس فرض، اخص از واجب است. (جزایری، بی تا: ص ۱۸۷).

پس معلوم شد چرا امام علیه السلام به جای اوجبت از «سبی تخ» استفاده کرده است! چون ممکن بود عبارت این گونه آورده شود «الذین اوجبت علینا طاعتهم...» ولی می‌فرماید: «الذین فرضت علینا طاعتهم...»؛ زیرا از کلام راغب این گونه استفاده می‌شود که فرض از خداوند تعالی نیست؛ ولی ایجاب و وجوب هم از خداوند است و هم از غیر او و ثانیاً فرض در دستورات عقلی به کار نمی‌رود؛ ولی وجوب «لکار می‌رود».

بنابراین لفظ فرض به دو علت این جا آمده است؛ اول آن که خدا اطاعت اولی الامر را واجب کرده است و دوم آن که آنچه واجب شده امور عقلی نیست؛ بلکه شرعی است.

ثُمَّ «از ماده طوع» به معنای فرمانبرداری است و گفته می‌شود «أَمَرَ فَأَطَاعَ»؛ یعنی او را امر کرد پس او فرمانبرداری کرد. (معلوف همان: ماده طوع) ماده طوع درباره موجوداتی است که با اراده و اختیاراً حق را بر می‌گزینند و «گُره» در مورد موجوداتی است که ناچار هستند؛ پس طاعت اگر چه از ریشه طوع اما اندک تفاوتی با طوع دارد. طاعت بیشتر در فرمانبرداری با رأی و اختیار است. (راغب همان: ماده طوع) پس معنای جمله چنین است:

اولی الامر که فرمانبرداری شان را فرض کردی.

عَرَفَ به معنای شناخت است (معلوف همان: ماده عرف)؛ پس عرفان یعنی درک کردن و دریافتن چیزی از روی اثر آن با اندیشه و تدبیر که اخص از علم است و واژه انکارا مقابل و ضد آن است. می‌گویند: «فلانٌ یعرف الله» و نمی‌گویند: «فلانٌ یعلم الله» که متعدی به یک مفعول باشد؛ زیرا معرفت بشر از خدای تعالی تدبیر در آثار او بدون ادراک ذات او است. می‌گویند: «الله یعلم کذا» و نمی‌گویند:

الله یعرف کذا»؛ زیرا معرفت از علم قاصری است که با تفکر به دست می‌آید و اصل آن از عرف است؛ یعنی به بوی آن رسیدیم نه به خود آن (راغباً ماده «عرف») اگر به باب تفعیل برود [عرف یعرف تعریف] آن گاه یک مفعول دیگر نیز می‌گیرد و دو مفعولی می‌شود «الله یخبر لک کذا یعنی آن را شناساند و اظهار کرد. منزله نیز به معنای جایگاه است پس معنای عبارت چنین می‌شود: «اولی الامری که اطاعتشان را فرض کردی و جایگاهشان را به وسیله آن به ما شناساندی.»

امام علیه السلام این جا معرفت را مطرح می‌کند؛ زیرا معرفت اهل بیت علیهم السلام یک معیار حقیقی است و با سعادت و شقاوت ما عجین شده است؛ بنابراین سؤالی که به طور جدی مطرح است این است که آیا می‌شود به معرفت امام معصوم علیه السلام رسید؟ امام علیه السلام می‌فرماید: «اولی الامری که اطاعتشان را بر ما فرض کردی و جایگاهشان را به وسیله آن به ما شناساندی.»

امام علیه السلام فرمود: «به وسیله آن»؛ یعنی مشاراً الیه «ذلک» این جا محذوف است و کلید حل این پرسش مهم. اکنون برای یافتن پاسخ باید مشاراً الیه «ذلک» را بیابیم. برای تعیین مشاراً الیه «ذلک» سه احتمال وجود دارد:

۱. احتمال اول این که مشاراً الیه «ذلک» «لأ» باشد که در اولین جمله دعا آمده بود؛ پس معنای عبارت چنین می‌شود:

«اولی الامری که اطاعتشان را بر ما فرض کردی و جایگاهشان را به وسیله «لأ» به ما شناساندی»؛ یعنی بلا که در این جا غیبت است - همان طور که شرح آن گذشت - باعث معرفت ما به معصوم علیه السلام می‌شود.

این احتمال بسیار بعید است؛ زیرا صحیح است این بلا که بر ما عارض شده معلول واقعی و غیر قابل انکار بی‌معرفتی ما به امام معصوم علیه السلام و مشخصاً امام زمان علیه السلام است؛ اما بلا هیچ‌گاه باعث معرفت نمی‌شود.

خداوندا در قرآن کریم می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرَحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَنْعَمُونَ فِي الْأَرْضِ بغيرِ الْحَقِّ بِك (يونس: ۲۲-۲۳) او است آن که شما را در خشکی و دریا سیر می‌دهد تا آن گاه که در کشتی نشینید و باد ملایمی کشتی را به حرکت درآورد و شما شادمان و خوشوقت باشید ناگاه باد تندی بوزد و کشتی از هر جانب به امواج خطر درافتد و خود را در ورطه هلاکت ببینید آن زمان خدا را به اخلاص و دین فطرت بخوانید که: بارالها! اگر ما را از این خطر نجات بخشی همیشه شکر و سپاس تو را خواهیم کرد». پس از آن که از غرق شدن نجاتشان دادیم باز در زمین به ناحق ظلم و ستمگری آغاز کنند.

در جایی دیگر می‌فرماید:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام: ۴۲-۴۳)

همانا پیامبرانی به سوی امت‌های پیش از تو فرستادیم و آنان را به بلا و مصیبت گرفتار ساختیم؛ شاید به درگاه خدا گریه و زاری کنند. چرا وقتی بلای ما به آن‌ها رسیدا تضرع و زاری نکردند؛ بدین سبب بود که دل هایشان را قساوت گرفت و شیطانا کردار زشت آن‌ها را در نظرشان زیبا جلوه داد.

پس معلوم است که نتیجه مبتلا شدن معرفت نیست؛ اگر معرفت بودا چرا وقتی از طوفان و موج لای بلا که دریا را احاطه کرده بود نجات یابندا باز مشرک می‌شوند و راه ستمکاری در پیش می‌گیرند؟! چرا گرفتار شدن به سختی لای سخت تضرع اقوام گذشته نشد؟ چرا وقتی از بلا و سختی آزاد می‌تقتگا حالشان چنان می‌شود که انگار هرگز دچار ضرری نشده‌اند؟ آیاتی از این دست در قرآن بسیار است.

نهایت چیزی که از بلا حاصل می‌شود توجه است آن‌هم به صورت کاملاً موقتی؛ زیرا وقتی غم و اندوه و گرفتاری تمام شد انسان فراموش می‌کند که خدایی هست. اشکال دیگر در این احتمال این که فاصله این عبارت و جمله اول بسیار زیاد است و این ضعف این احتمال را به لحاظ ادبیات عرب تشدید می‌کند.<sup>۱</sup>

۲. احتمال دوم این است که به اعتبار این که عرف فعل دو مفعولی است مفعول دومش را با «ا» جارّه بگیرید؛ پس «ذلک» از لحاظ اعرابی محلاً مجرور است و چون مفعول دوم نخسید<sup>۲</sup> است محلاً منصوب نیز هست؛ پس محل قریبش مجرور است و محل بعیدش منصوب و «منزلة» مشاراً الیه «ذلک» و تابع محل بعید «ذلک» است؛ در حالی که «ذلک» اسم اشاره مذکر و «منزلة» غُفّ مجازی است. این ترکیب صحیح است و محذور ادبیاتی ندارد؛ چرا که «ذلک» مؤنث حقیقی هم وارد می‌شود: ذلک الرجل / امرءة (شرتونی ۱۴۲۶: ج ۱۴ باب اسم اشاره) چه رسد به مؤنث مجازی. در این صورت «ذلک» برای تعظیم و بزرگداشت آمده و معنای عبارت چنین است:

اولی الامری که اطاعتش را فرض کردی و آن منزلتت را به ما شناساندی» این احتمال صحیح است و دلیل نحوی بر رد آن نداریم<sup>۳</sup> اما نکته‌ای که خوب است به آن توجه شود این است که این احتمال با فصاحت و بلاغت امام معصوم منافات دارد. اگر امام علیه السلام در این عبارت از «تلك» به جای «ذلک» استفاده می‌کردا احتمالات متعددا منتفی می‌شد و یک احتمال بیشتر مطرح نبود که همان «منزلة» مشار الیه باشد. از طرفی همواره چنین بوده است که کلام معصوم علیه السلام مورد بحث علمی قرار می‌گیرد تا مقصود ایشان روشن شده و بتوانیم

۱. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۲۶۰ و ج ۵، ص ۲۳۸.

۲. «ذلک» اگر به معنای «هذا» باشد، از آن، تعظیم و بزرگداشت استفاده می‌شود (مجمع البیان، ج ۱، ص ۹۴)؛ ولی این معنا این جا به لحاظ لفظی ثابت نمی‌شود.



راه هدایت را از کلام نورانی آن‌ها بیابیم؛ پس ایشان با فصاحت و بلاغت خود واژه‌هایی را استفاده می‌کند که مقصود خود را بهتر و آسان‌تر به مخاطب خود انتقال دهد.

۳. احتمال سوم این است که مشارالیه «ذلک» مضمون جمله قبل باشد؛ پس معنای عبارت چنین می‌شود:

«اولی الامری که اطاعتشان را فرض کردی و به وسیله فرض طاعتا جایگاهشان را به ما شناساندی.»

این احتمال معقول است زیرا اطاعت امام -چه در زمان حضور و چه غیر آن- میسر است و مقصود پروردگارا این است که ما را هدایت کند و هدایت ما را در فرمانبرداری از آن‌ها قرار داده است؛ پس با اطاعت از امر مولا در همه عرصه ما هم به صراط مستقیم و سعادت رهنمون می‌شویم و هم شأن و منزلت آن‌ها شناخته می‌شود؛ در نتیجه احتمال سوم از دو احتمال قبل بهتر و قابل قبول‌تر است.

به این احتمال هم اشکالی وارد است و آن این که طاعتا یک امر عملی است که با اعضا و جوارح انجام می‌گیرد و معرفتاً یک امر قلبی. چگونه این جا امر عملی بر قلبی مقدم شده است؟ حال آن که در واقع مؤخر است؟ یا به عبارت واضح‌تر آیا می‌شود قبل از آن که کسی را شناختا از او اطاعت کرد؟  
آآ کا این است که معرفتی که به دنبال طاعت می‌آید معرفت ثانویه یا تعمیق معرفت است.

### توسل

یا محمد یا علی یا علی یا محمد اکفیانى فانکما کافیان وانصرانى فانکما ناصران، یا مولانا یا صاحب الزمان، الغوث الغوث الغوث، أدرکنى أدرکنى، الساعة الساعة العجل العجل العجل العجل برحمتک یا أرحم الراحمین بحق محمد و آله الطاهرين

در فراز پایانی دعای فرج ا توسل به شکل عملی مطرح است؛ زیرا واقعیت چنین است که ما علاوه بر این که در پیشگاه پروردگارا فقیر مطلق هستیم؛ ل واسطه گناهداری و اعمال ناشایست اسلبه ل میان خود و خدا را زیاد کرده ایم؛ بنابراین چاره ای نیست جز این که شخص آبرومندی را واسطه کنیم؛ پس این جا با توسل به پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام از پروردگار می خواهیم در کارمان گشایش حاصل شود.

سؤالی که در این فراز از دعا ایجاد می شود این است که خداوندا خود را برای فربت مردم کافی می داند. در آیه صریح قرآن آمده است: <وَكَفَىٰ بَرِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا> (فرقان: ۳۱) <أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ> (زمر: ۳۶) حال آن که در دعای فرج می خوانیم: «کفیانى فانکما کافیان و انصرانى فانکما ناصران» یعنی از رسول خدا و حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام نصرت و کفایت می خواهیم. آیا این دوات اذیع منافات ندارد؟

آآ کا این است که خداوندا بشر را دو گونه یاری می کند؛ یکی یاری بدون واسطه و بدون وسیله و دیگری نصرت به وساطت موجوداتی که خود آن ها را خلق کرده و به آن ها قدرت عطا فرموده است.

یاری خداوندا بالذات و بالاستقلال است و هر قدرت و نیرویی از اوست و به او بر می گردد و یاری دیگران به اذن و قدرت بخشی او انجام می شود. یاری با واسطه مانند این است که خداوندا خورشید را سبب حیات موجودات و باران را سبب رویش نباتات قرار داده و به وسیله حیوانات انسان را در رفت و آمد یاری می رساند. تمام این ها را خداوند یاری می دهد اما به واسطه در آیات قرآن نیز آمده است: <غَا بُدست خودا برای آنان چارپایانی آفریدیم و آنان را مالک آنان کردیم که از منافع آنان بهره گیرند. (یس: ۱۷)>

این موجودات هم یاری کننده اند؛ اما کسی نمی گوید: یاری این ها با یاری خدا منافات دارد؛ بلکه یاری این ها عین یاری خدا و به اذن او است و آن ها قدرت یاری

را از خدا می‌گیرند؛ لذا می‌بینیم در آیات قرآن در حالی که یاری را منحصر به خدا می‌داند و می‌فرماید: «ایاک نستعین» جای دیگر می‌فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره: ۴۵) و «وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُم فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ» (انفال: ۷۲)؛ یعنی اگر مردم از شما در دین یاری طلب کردند یاری شان کنید.

بنابراین هیچ تناقضی میان انحصار یاری خدا و اعطای قدرت به یاری کنندگان دیگر از سوی او وجود ندارد. (حسینی ۱۳۸۱: ص ۱۵)

ظرافت خاصی که در این بخش از دعا به کار رفته این است که ابتدا عرض می‌کنیم «یا محمد یا علی» و پس از آن نام مبارک امام زمان علیه السلام را بر زبان جاری می‌کنیم و به ولایت و امامتش اقرار می‌کنیم و با این روال تلویحاً به امامت و ولایت سایر امامان معصوم علیهم السلام هم اشاره و اعتراف کرده‌ایم؛ زیرا نمی‌شود امام اول و دوازدهم را به امامت و ولایت پذیرفت و امام دوم تا یازدهم را قبول نداشت. آری؛ امام حی و حاضر در زمان ما وجود مقدس حضرت صاحب الزمان علیه السلام است. به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام توسل کردیم و از آنان خواستیم کفایتمان کنند؛ ولی کسی که امام معصوم در زمان ما و واسطه فیض الهی است حضرت مهدی صاحب الزمان است و برآورده شدن حاجات ما به دست مبارک آن حضرت صورت می‌پذیرد. آن حضرت در تشریفی به ملاقاسم رشتی فرمودند:

ناظم کلا حضرت صاحب الامر است و غیرا در ملک او تصرفی ندارد. غرغره صلی الله علیه و آله علی علیه السلام اشغ علیه السلام را به شفاعت نزد آن بزرگوار می‌خوانیم و به تنهایی از او استمداد می‌کنیم. (نهایندی ۱۳۸۴: ج ۱۵ ص ۳۶۹)

آنچه از فراز پایانی «استغاثه» به محضر صاحب الزمان علیه السلام «بی می‌آید این است که همان تأکید جملات ابتدایی دعا است؛ زیرا در فراز اول افگه لکنان به بلاها و گرفتاری‌هایی اشاره کردیم که ما را از هر سو احاطه کرده و از پروردگار کمک خواستیم. این جا با الفاظ «به فریادم برس» و «مرا دریاب» از مولا و ولی خود کمک می‌خواهیم. «لنظر می‌رسد» به فریادم برس» و «مرا دریاب» جملات

کنایی باشد؛ کنایه از این که کارم به بن بست رسیده و در مقام چاره جویی ا کاری از دستم ساخته نیست؛ شما برایم کاری کنید.

از آن جا که این جملات را با تأکید و تکرار بیان می‌کنیم یقیناً قصد داریم نهایت اضطرارمان را برسانیم و با جمله: «یا ارحم الراحمین بحق محمد و آله الطاهرين» بار دیگر تأکید می‌کنیم که کار و گشایش ا به دست خدا است؛ او که مهربان‌ترین مهربانان است.

#### حاصل کلام

این دعای شریفا به ما می‌آموزد که در عین دعا و تضرع به درگاه احدیت ا همواره به توحید و استقلال تأثیر خداوند در عالم هستی اعتقاد کامل داشته باشیم و با صلوات بر محمد و آل محمد کسب معرفت امام زمان عجل الله فرجه در سایه اطاعت او و توسل به اولیای الهی ا به درگاه پروردگارمان تقرب بجوییم.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام پور، قم: انتشارات دارالقرآن الکریم.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغة، ج ۱ و ۲، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۳. ابن مکی، محمد (شهید اول)، المزار، بیروت، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
۴. ابن منظور، لسان العرب، قاهره، دارالمعارف، ۱۴۱۹ق.
۵. ابن موسی بن طاووس، علی (حلی)، جمال الاسبوع، قم: دار الذخایر، ۱۴۱۱ق.
۶. اسلامی یزدی، مهدی، تفسیر ادبی قرآن مجید، ج ۲، قم: رواق اندیشه، ۱۳۷۷ش.
۷. اهری، عیسی، صحیفه المهدی، تهران: رسالت، ۱۳۸۵ش.
۸. جباران، محمد رضا، درس نامه علم اخلاق، ج ۲، قم: ابتکار دانش، ۱۳۸۶ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۴ش.
۱۰. حائری یزدی، علی بن زین الدین، الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، بیروت، موسسه اعلمی، ۱۴۲۲ق.
۱۱. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، امام شناسی، مشهد: علامه طباطبایی، ۱۴۲۷ق.
۱۲. حسینی عاملی، سید محمد، المواعظ العدویه، قم: مصطفوی، بی تا.
۱۳. حسینی موسوی جزایری، نور الدین نعمه الله، فروق اللغات، قم: الثقافة الاسلامیه، بی تا.
۱۴. حسینی، سید محمد حسین، یاد محبوب، تهران: نشر آفاق، ۱۳۸۱ش.
۱۵. حسینی، سید محمد مرتضی، تاج العروس، قم: دار الذکر، ۱۴۱۴ق.
۱۶. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، تهران: نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵ش.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین، مفردات، ترجمه غلام رضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۱۸. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
۱۹. شرتونی، رشید، مبادی العربیه، قم: دار الذکر، ۱۴۲۶ق.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، بنیاد فکری و علمی علامه طباطبایی، ۱۳۷۰ش.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۲۲. عاملی کفعمی، تقی الدین، المصباح، بی جا، رضی، ۱۴۰۵ق.
۲۳. عبد الباقی، محمد فواد، المعجم المفهرس، قم: اسلامی، ۱۳۸۵ش.
۲۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: درسهای از قرآن، ۱۳۸۶ش.
۲۵. قیومی اصفهانی، جواد، صحیفه المهدی، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار الوفاء، ۱۴۰۴ق.

۲۷. محمدی، حمید، *آشنایی با علوم بلاغی*، قم: دارالذکر، ۱۳۸۶ش.
۲۸. معلوف، لوئیس، *المنجد*، تهران: دارالعلم، ۱۳۸۲ش.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ش.
۳۰. موسوی اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم*، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران: عروج، ۱۳۸۴ش.
۳۱. نصرتی، علی اصغر، *نظام سیاسی اسلام*، قم: هاجر، ۱۳۸۵ش.
۳۲. نهاوندی، علی اکبر، *العقیری الحسان*، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴ش.
۳۳. هراتیان، علی، *دعا کلید ظهور*، قم: وثوق، ۱۳۸۴ش.



## مقایسه گونه‌شناسی موعود مسیحیت با موعود شیعه

موسی جوانشیر \*

### چکیده

در این مقاله، سعی بر این بوده است که مقایسه‌ای بین گونه‌شناسی منجی موعود مسیحی، حضرت عیسی علیه السلام و منجی موعود شیعه، حضرت مهدی علیه السلام انجام دهد. در این نوشتار، هر یک از دو منجی، از نظر تبارشناسی، خصوصیات فردی و نقش و جایگاه، ارزیابی و وجوه تفاوت و تشابه این دو، بررسی شده است. در انتها تأکید دارد که مصداق واقعی منجی، یک شخص است و آن هم بر منجی موعود اسلامی تطبیق دارد؛ هر چند بازگشت عیسی علیه السلام در آخرالزمان قابل انکار نیست؛ ولی نه به عنوان منجی، بلکه به عنوان مددکار حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان می‌آید و او را یاری می‌دهد.

کلید واژه‌ها: منجی شیعه، منجی مسیحی، بازگشت مسیح، گونه‌شناسی منجی.

### مقدمه

موعود باوری و منجی گرایی به معنای اعتقاد به رهاننده‌ای که با آمدنش رنج‌ها و سختی‌ها ناکامی‌ها و بی‌عدالتی‌ها به خوشبختی‌ها و آرامش‌ها بدل می‌شود مورد اتفاق همه ادیان الهی است. اندیشه نجات از مهم‌ترین دغدغه‌های عمومی "نیا به ویژه بشر امروزی است که از رنج و سختی‌های زندگی و بی‌عدالتی‌های روزافزون به ستوه آمده و راه‌هایی و نجاتی را جست‌وجو می‌کند. در میان ادیان ابراهیمی دو دین اسلام (شیعه امامیه یا همان شیعه دوازده



امامی) و مسیحیت (که رابطه تنگاتنگی با دین یهود دارد و بسیاری از آموزه هایش را از آن دین اخذ کرده است) یعنی بستر ظهور مسیحیت کاملاً یهودی بوده و لی کم کم مسیر خود را مشخص کرده و عنوان یک دین مستقل از یهود را یافته است) و پیروان آن دو دین با هم بی توجه نبوده و اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل شده اند و صریحاً در این باب اظهار نظر کرده اند.

در این نوشتار به مقایسه گونه شناسی منجی موعود دو دین ابراهیمی اسلام (شیعه) و مسیحیت می‌پردازیم یعنی «آبیان ماهیت و نوع منجی می‌توانیم به تبیین مواردی همچون ماهیت موعودا ماهیت وعده رسالت معنوی یا اجتماعی نقش کیهان شناختی موعود و... دست یازیم تا در سایه این واکاوی و بررسی این نقش کیهان شناسی موعود دهیم که آیا منجی موعود مسیحیت قابل انطباق با منجی موعود شیعه می‌باشد یا نه و در هر صورت منجی واقعی کیست؟ آیا یک منجی می‌آید یا دو منجی یا احتمال دیگری در میان است؟ این امر می‌تواند فضایی مناسب را برای گفت‌وگو میان اسلام و مسیحیت فراهم آورده و در نزدیک‌تر شدن دیدگاه پیروان این دو دین به یکدیگر به شایستگی کمک کند.

### یک. گونه شناسی موعود مسیحیت

#### الف. تولد معجزه‌آسا

مادر حضرت عیسی علیه السلام منجی موعود مسیحیان بدون واسطه پدر و از روح القدس باردار شد. شوهرش یوسف اراده کرد او را به پنهانی رها کند اما فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده اهلته : ای یوسف! پسر داوود! از گرفتن زن خویش مریم مترس؛ زیرا آنچه در وی قرار گرفته است از روح القدس است و او پسری خواهد زایید و نام او را عیسی خواهی نهاد؛ زیرا او امت خویش را از گناهانشان خواهد رها کند.» چون یوسف از خواب بیدار شد اقیهت لسیت \* خداوند بدو امر کرده بودا به عمل آورد و زن خویش را گرفت و تا پسر نخستین

خود را نزیبیدا او را نشناخت و او را عیسی نام نهاد.» (متی ۱: ۲۵-۱۸)  
از نگاه منابع اسلامی یهودیان در هنگام تولد حضرت مسیح ص فها و  
فأ» های ناروایی درباره مریم رواج دادند که گویی او زنی آلوده دامن است. در  
ص بیان کریم این اتهام زشت یهودیان به حضرت مریم ص بهتانی عظیم ص قلمداد  
شده است و سخت به نکوهش یهودیان می پردازد و می فرماید:  
به سبب کفر ایشان و آن تهمت بزرگ که به مریم زدند، آنان را به عقوبت  
گرفتار می کنیم. (نساء: (۴)، (۱۵۶)).

#### ب. مصلوب شدن و عروج آسمانی

ماجرای مصلوب شدن حضرت عیسی ص از دیدگاه مسیحیان با اسلام متفاوت  
است. اناجیل چهارگانه به طور مشروح به بیان ماجرای دست‌گیری و مصلوب  
شدن حضرت عیسی پرداخته‌اند.

بنابر آنچه مسیحیان اولیه گفته‌اند حضرت عیسی نه تنها قتل خود را به دست  
مخالفان پیش‌بینی می فرمود بلکه می دانست چه کسی به او خیانت خواهد کرد و  
او را خواهد فروختب از این رو یک مجلس ساده آراست و غذایی با یاران خود  
برای آخرین بار صرف کرد تا آنکه دوازده تن حواریان خود را آماده مفارقت  
خویش کند.

اندکی بعد از آن در باغی که جثسیمانی نام داشت یکی از شاگردان موسوم  
« ل یهودای اسخریوطی او را به جمعی که با چوب و شمشیر به سراغ او آمده  
بودندا تسلیم کرد. آن‌ها را رئیس کاهنان در پی او فرستاده بوب پس آن‌ها عیسی  
را نزد مجمع کاهنان و اصل شورا برده همه او را به جرم گفتن کفرا ص ظ  
محکوم ساختند. آن‌گاه او را نزد پیلطس رومی بردند و از او خواستگ که حکم را  
اجرا کند.

سه ساعت از نیمه روز گذشته بود که او را به پای چوبه دار آوردند... ص ص  
در اطراف او فریاد بر می آوردند و او برایشان دعا می کرد و می ص ص ای پدر!

این‌ها را بیمارز زیرا که نمی‌دانند چه می‌کنند» (لوقا ۳۴: ۲۳). پس مسیح‌ا به آواز  
«قی‌گهل : الهی! الهی! چرا مرا ترک کردی؟» و جان‌ا تسلیم حق کرد.

به عقیده مسیحیان‌ا عیسی تحمل رنج کردا تا آن‌ که ابنای نوع خود را کفاره  
داده‌ا آمرزیده سازد. برای آن‌ که در روز سبت‌ا جسد او بر فراز صلابه باقی نماندا  
شخص دولتمندی‌ا «لنام یوسف آریماتیا که از اعضای شورای کاهنان بودا کالبد او  
را در قبری نو که از سنگ برای خود تراشیده بود گذاشت.

صبح روز سوم بعضی از زنان اقارب عیسی علیها السلام پیش از این‌ که راه مراجعت به  
جلیل را پیش گیرند به طلب قبر او رفتند ولی آن‌ را تهی یافتند. هنگامی که  
سرگردان‌ا عازم بازگشت شدندا ناگهان فرشتگانی ظاهر شده‌ا به آن‌ ک لهل قُت گ:  
عیسی از مردگان برخاسته است». (جان‌ بایر ناس‌ا ۱۳۸۳: ص ۶۰-۶۴)

بر خلاف کتاب مقدس‌ا قی‌ا مخ‌ا اسلامی‌ا مصلوب شدن حضرت عیسی علیها السلام را  
تأیید نکرده‌ا به صراحت‌ا مصلوب و کشته شدن حضرت عیسی علیها السلام را رد می‌نمایند:  
او را نکشتند و به صلیب نکشیدند و امر بر آنان مشتبه شد. ل یقین‌ا او را  
نکشتند بلکه خداوند‌ا او را به سوی خود بالا برد (نساء (۴): ۱۵۷ و ۱۵۸).

### ج. القاب و اسما

القاب و اسمای بیان شده برای حضرت مسیح علیها السلام در اناجیل و قرآن کریم‌ا لم‌ی یک  
قُی‌ا لای از رسالت او را بیان می‌کند غمخ‌ترین این اسما و القاب‌ا بدین قرارند:

۱. عیسی: منجی موعود مسیحیان را ابتدا یشوع (یهوشاعا‌ا یسوع) می‌نامیدند  
که واژه‌ای عبری و به معنای نجات خدا‌ا آ . این کلمه در میان رومیان و یونانیان  
«ل: یسوس» تبدیل گردید و همین واژه در زبان عربی «عیسی» علیها السلام (توفیقی‌ا  
۱۳۸۴: ص ۱۳۰). انجیل‌ا این واژه را «خداوند نجات دهنده» معنا کرده است که  
امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید (متی ۲۱: ۱).

۲. پسر انسان: این عنوان بیش از هشتاد بار در عهد جدید بر آن حضرت  
اطلاق شده است. کتاب دانیال از پسر انسان نام می‌برد و او رای‌گ‌صیتی مطرح

می‌کند که پیش از تنگی واپسین روز خواهد آمد و خدا داوری و پادشاهی را به او خواهد سپرد. مسیحیان ایمان دارند که عیسی آن روزها را تحقق می‌بخشد (میشل، ۱۳۷۷: ص ۶۹).

۳. پسر خدا: این لقب در عرف مسیحیان به معنای تولد جسمانی عیسی از خدا نیست بلکه منظور از این لقب آن است که ایمان خود را به ارتباط بغمیانه و استوار عیسی با خدا بیان کنیم (میشل ۱۳۷۷: ص ۶۸).

۴. مسیح: مسیح را می‌توان نام دوم عیسی دانست (میشل ۱۳۷۷: ص ۷۰). انجیل چهارم پر از لفظ مسیح از کلمه عبری ماشیاح (مسیح) «لغناى تدهین شده» است. در دین یهودا افراد را با منظور مأموریت‌های مهم مذهبی با روغن مخصوص مسح می‌کردند به همین آ<sup>۲</sup> چنین افرادی از ویژگی‌های خاصی برخوردار بودند و میان مردم افرادی مقدس و محترم شناخته می‌شدند (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲: ص ۱۸).

در قرآن کریم از عیسی علیه السلام با نام‌های «مسیح»<sup>۱</sup> «روح‌الله»<sup>۱</sup> «عبدالله»<sup>۱</sup> «مبارک» و «کلمة الله» نام برده شده است. در منابع روایی نیز «روح‌الله»<sup>۲</sup> عیسی بن مریم است. از دیگر القاب وی می‌توان به «خلم الخیر (استاد نیکی)» و «روح‌الأمین» اشاره کرد (حیدری کاشانی ۱۳۸۸: ص ۴۷۶).

#### د. ویژگی‌های ظاهری

در منابع مسیحیت حضرت عیسی علیه السلام حضوری کم رنگ دارد و چندان از ویژگی‌ها و خصوصیات إلهی و وگو نمی‌شود. از لابلای کتاب مقدس به برخی صفات رفتاری آن حضرت دست می‌یابیم که به آن می‌پردازیم:

جیمز هاکس در قاموس کتاب مقدس عیسی را شخصی معتدل القامه با موهای می‌گون و طلایی رنگ و صاف که در مقابل گوشه‌ها مجعد و درخشان بود توصیف می‌کند. موهایش را به دو نیم تقسیم می‌کرد. پیشانی‌ش مستوی و نرم بودا رویش بی عیب و مایل به قرمزی بود و ریش کامل و تمام به رنگ موی

سرش داشت. دارای چشمانی کبودرنگ و درخشنده و دستانی خوش ترکیب بود (هاکس ۱۳۷۷: ص ۸۰۷).

در مقابل منابع اسلامی ما خصوصاً روایات اهل بیت علیهم السلام دربارهٔ یگ بتبیت عیسی بن مریم علیها السلام اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد که به آن اشاره می‌شود. از نظر ظاهری دارای قامتی میانه سیمایی سفید مایل به سرخی و موهای مجعد بود. همچون برخی پیامبران مختون متولد می‌گردد سه سالگی ا حجت خدا بر بندگان خدا و حتی “ی یحیی علیه السلام بوده و در هفت سالگی به رسالت رسید اما در سی سالگی بود که موریت یافت رسالت خود را بر بنی اسرائیل آشکار کند. در کوه ساعیر بود که از سوی خداوند به وی وحی رسید و در زمان عروج سی و سه آلع ل بود. (زیبایی نژادا ۱۳۸۲: ص ۶۶-۶۸-۶۹)

#### ه ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری

بسیار کم حرف بود. هیچ گناه صغیره و کبیره و ترک اولایی را مرتکب نشد (زیبایی نژادا ۱۳۸۲: ص ۶۶-۶۹). بر خلاف شریعت موسی علیه السلام که هم سیاسی و هم روحانی بود اصول و تعالیم عیسی مسیح علیه السلام فقط روحانی است. آن حضرت از اقدام سیاسی “ی تگ حکومت ممانعت می‌کرد - او به شدت از جنگ و خون ریزی و خشونت متنفر بود و برای ایجاد آشتی و صلح و اصلاح از حق خود می‌طیوٹ ° (متی ۳۸: ۵) و به دیگران نیز توصیه می‌کرد که چنین نکنند. مطیع مقررات حکومتی و مخالف با کارگیری شمشیر بود. در عین حال او شخصی شجاع بود (متی ۱۲: ۲۱) که در مقابل روحانیت فاسدا آشکارا قیام کرد (متی ۱۲: ۲۱). او یگ بی بسیار فروتن و متواضع بود (یوحنا ۴: ۱۳). و در شام آخرا پای شاگردان را به دست خویش شست و شو داد. حضرت عیسی علیه السلام بسیار غیورا مظلوم صبور (متی ۲۹: ۱۱) و حلیم “اغژ” ° (متی ۹: ۱۵) و مطیع خداوند بود (متی ۱۰: ۱۵). او خود را عبد (سوره مریم: ۱۹، آیه ۳۰) و بنده خدا می‌دانس °. علاوه بر اینا حضرت عیسی شخصی سخندان و منطقی زیرکا هوشیار و حاضر جواب بوده

است که مضامین اناجیل را گویای این حقیقت است (انجیل لوقا ۲۰: ۲۰، انجیل متی ۱۵: ۲۲).

از نظر اخلاقی و زهد و ورع و کثرت عبادت ا مثال زدنی بود. بسیار روزه می-طیسه<sup>۱۰</sup> لباس خشن می پوشید و نان جو می خورد. آن گاه که آفتاب غروب می کردا هر جا بودا به نماز می ایستاد و در حال عبادت بودا تا خورشید طلوع می کرد. ت<sup>۱۱</sup> محتاجان رسیدگی می کرد. برای خود غذایی ذخیره نمی کرد و می فرمود: «همان خدایی که غذای صبح مرا داده است شامگاهان نیز مرا طعام خواهد داد».

او از نگاه شهوت آلود به زنان و معاشرت با آنان شدیداً گریزان بود. عیسی<sup>علیه السلام</sup> گریه را با خنده می آمیخت. گاهی لبخند بر لب داشت و گاه می گریست. در ماه ذی حجه حج به جا می آورد (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲: ص ۶۸).

#### و. نقش و جایگاه

در مسیحیت دو گونه نجاتا و به تبع آن دو گونه منجی تصور می شود (صادق نیا محراب ۱۳۸۹: ص ۲۳۲-۲۳۹).

الف. نجات سیال شخصی و میانجی گرایانه: این درک از نجاتا به رستاخیز حضرت عیسی<sup>علیه السلام</sup> ارتباط چندانی ندارد و کاملاً با همان زندگی اولیه او سازگار است. این نجاتا ثمره میانجی گری عیسی<sup>علیه السلام</sup> استا نه منجی گری اش. در این معنا از نجات است که عیسی با فدیة کردن خودا رابطه میان انسان و خدا را اصلاح می کند؛ «مسیح بره خدا بود که گناهان جهان را بر می دارد» (یوحنا ۲۹: ۱). بنابراین این طقنه نجات به معنای رهایی از تقصیر یا گناه یا رهایی از پیمدهای آن در این جهان و حیات آخرتی است. بر این اساس نجات بخشی عیسی<sup>علیه السلام</sup> سیال و غیر زمان مند (هر زمان به عیسی ایمان آورده شودا نجات می یابد)ا فردی و غیر آخرت شناختی (بی ارتباط با پایان تاریخ) است. این گونه نجات بخشی را بهتر است از مقوله<sup>۱۲</sup> مباحث موعودباوری بیرون دانست.

ب. نجات جمعی، زمان مند و منجی گرایانه: در این نگاه عیسی<sup>علیه السلام</sup> در بازگشت

مجدد خودا کار شاهانه‌ای انجام خواهد داد که همان تشکیل حکومتی است فراگیر که پیام انجیلی را به همه مردم می‌رساند. (تیلیخ پل ۱۳۸۱: ص ۲۳۲). در این درک از نجات با یک منجی روبرو هستیم نه یک میانجی. این‌گونه نجات به اجماع تمام مسیحیان رهایی بخشی عیسی به معنای نجات بخشیدن از پراکندگی اظلم و نابسامانی است؛ امری که در سایهٔ ئکیل یک حکومت مرکزی عملی می‌شد. نجات بدین معنا نجاتی زمان مند (در زمان مشخصی طبق پیش‌گویی‌ها تحقق می‌پذیرد) اجتماعی و معنوی (هم به نجات معنوی می‌اندیشد) هم به رفاه دنیوی) فرا ملی (دارای رسالت جهانی) و روبه آینده است. در این‌گونه نجات با منجی‌ای روبرو هستیم که علاوه بر توجه به رستگاری معنوی اهدافی چون برپایی عدل امن و رفاه اجتماعی را هم در نظر دارد.

اکنون با عنایت به این دو دیدگاه درباره منجی مسیحیت و با عنایت به نخت اُخ شیعی نقش و جایگاه عیسی علیه السلام را بررسی می‌کنیم.

۱. نبی: عیسی نبی خوانده شده؛ یعنی کسی که پیام خدا را برای انسان آورد و انحرافات رهبران دینی و ستمکاری به بینوایان را محکوم کرد (میشل ۱۳۷۷: ص ۷۱). او از پیامبران اولوالعزم است و دارای مقام عصمت. دو اسم اعظم از اسمای الهی را می‌دانست. او به منظور تبلیغ رسالت خودا بسیار مسافرت می‌کرد و در قالب مثال موعظه می‌فرمود (زیبایی نژادا ۱۳۸۲: ص ۶۶-۶۹).

۲. منجی: وی منجی نامیده شده؛ یعنی کسی که خدا نجات بشر را به دست او تحقق می‌گند (همان).

۳. صاحب معجزه: کتاب مقدس گزارشاتی از کرامات و معجزات حضرت عیسی علیه السلام نقل می‌کند همچون شفای دیوانگان (لوقا ۳۵: ۴) شفای از پیسی (لوقا، ۱۱: ۵-۱۲) شفای مفلوج (مرقس ۵: ۱۱-۱۲) شفای کور (یوحنا ۹: ۶-۷) و شفای کر و لال (مرقس ۷: ۳۲-۳۵) راه رفتن بر روی آب (متی ۲۵: ۱۴) زنده کردن مردگان (لوقا ۷: ۱۲-۱۶) و غیره. اما در میان روایات و آیات قرآن کریم

معجزاتی از حضرت عیسی علیه السلام ذکر می‌شود که بسیار بی‌نظیر و آفر و برای  
ثیرگذاری بسیار مهم‌تر از معجزات منابع مسیحی است؛ همچون سخن گفتن  
عیسی علیه السلام در گهواره آن هم با محتوایی بسیار عمیق همراه با پیش‌گویی از آینده  
که خود سندی بر حقانیت او می‌باشد (مریم (۱۹): ۳۰-۳۳) یا طلب مائده  
آسمانی و اجابت از طرف خداوند متعال (غث‌گه (۵): ۱۱۴-۱۱۵) و نیز کھت  
پرنده از گل (آل عمران (۳): ۴۹).

۴. عیسی در جایگاه خدا: اناجیل هم نوا به عیسای بشری اعتقاد دارند اما در  
انجیل یوحنا عیسی حکمت خدا خوانده می‌شود که جسمانی شده است. او  
الوهیت یافته و ازلی است لذا مانند خدا عمل می‌کند و سخن می‌گوید. معرفی  
عیسی بدین گونه در نوشته‌های پولس ابداع شده است.

توماس میشل در کتاب کلام مسیحی این لقب را عنوانی برای کارکرد عیسی  
می‌داند و چنین می‌گوید:

این لقب به کسی داده می‌شود که قدرت و سلطه دارد. به عقیده مسیحیان،  
هنگامی که خدا عیسی را از مردگان برخیزاند، این لقب را به وی عطا کرد. این  
لقب همچنین اشاره دارد به این که عیسی تنها میانجی بین خدا و بشر است.  
علاوه بر این، لقب «خداوند» بر اعتقاد مسیحیان مبنی بر آوردن عیسی در  
واپسین روز و نشستن وی بر طرف راست خدا برای داوری انسان‌ها، دلالت  
دارد (میشل، ۱۳۷۷: ص ۶۹).

اما آیات و روایات شیعه خدا بودن عیسی علیه السلام را رد می‌کند و او را همچون سایر  
مخلوقات خداوند بشر و بنده‌ای از بندگان خدا معرفی می‌نماید (مریم (۱۹): ۳۰).  
۵. برقرار کننده ملکوت خدا: ملکوت خدا در حقیقتاً تحقق وعده‌هایی است که  
خدا به داوود داده که سلطنت او را تا ابد پایدار خواهد ساخت و این وعده با آمدن  
و بازگشت عیسی علیه السلام محقق خواهد شد. مراد از ملکوت خدا در این وعده  
مجموعه آرمان‌های معنوی و اجتماعی‌ای است که عیسی علیه السلام در یک فعالیت  
ئ‌الائه و با تشکیل حکومتی الهی (ملکوت خدا) آن‌ها را عملی خواهد ساخت



(صادق‌نیا، محراب‌ا ۱۳۸۹: ص ۲۳۸) ولی خود عیسی علیه السلام چنین ادعایی نکرده است.

۶. نجات دهنده جمعی و فرامنطقه‌ای: عیسی علیه السلام دیدگاه تنگ نظرانه یهود درباره انحصار نجات در قوم بنی‌اسرائیل را رد می‌کند و نجات‌گری منجی را جمعی و شامل حال همگان اعلام می‌کند چنانکه در کتاب تاریخ جامع ادیان می‌گوید:  
در انجیل متی آمده است:

به شما می‌گویم که بسا از مشرق و مغرب آمده، در ملکوت آسمان با ابراهیم و اسحاق و یعقوب خواهند نشست؛ اما پسران ملکوت بیرون افکنده خواهند شد و در ظلمت خارجی که گریه و فشار دندان باشد. از این قرار، ملکوت الهی محدود به حد و محصور به حصر برای چند تن از صالحان یهود نخواهد بود؛ بلکه دایره اخوتی است که محیط آن، شامل تمام اقوام عالم می‌شود (جان بایر ناس، ۱۳۸۳: ص ۵۹۵).

#### نتیجه

بر اساس مطالب بیان شده می‌توان گفت که موعود منجی مسیحی از موعودهای شخصی و معین استب یعنی هر کسی نمی‌تواند موعود مسیحی باشد! هرچند شرایط برایش فراهم باشد. آن موعودا یک فرد مشخص با ویژگی‌های بشری استب هر چند یک جنبه الوهی نیز پیدا کرده است. <sup>۱۱</sup> ابر گزارش انجیل ا موعود مسیحی رجعت کننده خواهد بود و آن‌گاه کارکردش را به منصفه ظهور خواهد گذاشت. ماهیت نجات بخشی او ا هم فردی است که با صرف ایمان آوردن به شخص او اتفاق می‌افتد (بیان شد که این نوع از نجات بخشی ا آخرت شناسانه نیست و در این جا عیسی بیشتر میانجی است تا منجی) و هم جمعی و جهان شمول؛ نه اینکه دامنه و گستره نجات او قومی خاص یا منطقه‌ای خاص باشد. نجات فرجامین عیسی ا هم جنبه معنوی دارد ا هم اجتماعی. با این توضیح که برای محقق کردن فرامین الهی و اشاعه پیام انجیل ا تلاش می‌کنند ولی به هیچ روی در همین مورد ا منحصر نمی‌شوند بلکه در زمینه زندگی دنیایی بشر هم

اقداماتی انجام می دهد و به رفاه و آسایش عمومی و دنیایی نیز توجه خواهد داشت. اگر رو به آینده بودن را به اعتبار تحقق یا عدم تحقق بازگشت منجی لحاظ کنیم می توان گفت عیسی از موعودهای رو به آینده است و از آن روی که هنگام بازگشت او تغییراتی در اوضاع عالم نمایان شده اخلاص طبیعی بروز پیدا می کندا کارکردش کیهانی خواهد بود.

## دوم. موعود شیعه

### الف. تولد معجزه آسا

ولادت حضرت مهدی علیه السلام در شب جمعه نیمه شعبان (شیخ صدوق ۱۳۸۰: ج ۱۲ ص ۱۵۵) در شهر سامراء پایتخت عباسیان در سال ۲۵۵ ق بوده است. بین حاکمان و زمامداران غاصب خلافت و دستگاه حکومت طاغوت اضطراب و نگرانی - هایی وجود داشت. اخبار و احادیثی به خصوص از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده بود که از تولد فرزندی برای امام حسن عسکری علیه السلام که "یه می داب فرزندی که تاج و تخت ستمگران را واژگون و عدل و داد را در سرتاسر گیتی برقرار خواهد کرد" و این غیبه "لطوش زمامداران رسیده بود. در این اوضاع و شرایط ثا معتصم عباسی هشتمین خلیفه عباسی که حکومتش از سال ۲۱۸ ق آغاز شده بود دستور داد از تولد نوزادان جلوگیری کنند. این دستورا به کشته شدن شماری از مادران بی گناه یی پی گ او قابله هایی را پنهانی به خانه ها فرستاد تا از زنان باردار خبر دهند.

با نزدیک شدن تولد حضرت مهدی علیه السلام و احساس خطر زمامداران جبار عباسی ا معتصم در صدد برآمد تا از تولد این نوزاد جلوگیری کند و اگر پدید آمد و بدین جهان پای نهاد او را از میان بردارد اما مشیت الهی بر این قرار گرفت که آثار حمل در نرجس خاتون ا فادر آن حضرت پوشیده مانگ چتت حق از گزند آسیبها نجات یافت و برخلاف همه تلاش ها پا به عرصه وجود گذاشت.

### ب. آبا و نسب

پدر حضرت مهدی علیه السلام حضرت امام عسکری علیه السلام (گروه نویسندگان ۱۴۲۸: ج ۱۵ ص ۳۸) و نرجس مادر آن چتیت است که ملیکه دختر یشوعا فرزند قیصر پادشاه روم است. آن بانوا از اولاد حواریین و به شمعون اوصی حضرت مسیح علیه السلام فی ثقب بود که هنگام اسارت نام خود را نرجس نهاد تا شناخته نشود (شیخ صدوق ۱۳۸۰: ج ۱۲ ص ۱۳۲). هنگامی که به حضرت حجت علیه السلام حامله شد و نور وجود مقدس آن حضرت او را فرا گرفت اسیقل نام نهاده شد. وقتی که حضرت مهدی علیه السلام غمگینی گها بر مادر خود سلام کرد و هنگامی که امام حسن عسکری علیه السلام لقیه لله خاتون از آنچه بعد از وفاتش بر آنان وارد خواهد شد خبر دادا از حضرت خواست تا از خدا بخواهد که وفاتش را پیش از وفات امام علیه السلام قرار دهد لذا نرجس علیه السلام در زمان حیات امام از دنیا رفت و بر قبر او لوحی است که بر آن نوشته شده است: این است قبر مادر م ح م د» (شیخ صدوق ۱۳۸۰: ج ۱۲ ص ۱۵۷-۱۵۹).

### ج. اسما و القاب

در روایات و احادیث رسیده لخصه های متعددی برای امام زمان علیه السلام ذکر شده اند. لمی یک از این القابا به بخشی از صفات و ویژگیها و آثار وجودی آن امام همام اشاره دارند که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

نام آن حضرت ا م ح م د» است که در برخی روایات از بردن نام ایشان نهی شده است (شیخ صدوق ۱۳۸۰ ج ۱۱ ص ۲۸۴ و ج ۱۲ ص ۳۸۱) و مشهورترین لقب آن حضرت مهدی علیه السلام است. (شیخ صدوق ۱۳۸۰: ج ۱۱ ص ۱۰۳). از القاب دیگر آن حضرت می توان بهصن اغ» به معنای قیام کننده به حق (شیخ صدوق ۱۳۸۰: ج ۱۲ ص ۴۹۵) «بقیه الله» (کلینی ۱۳۷۹ ج ۱۱ ص ۴۱۱) چچ» (کلینی ۱۳۷۹ ج ۱۱ ص ۳۲۸) صاحب الزمان» (شیخ صدوق ۱۳۸۰ ج ۱۲ ص ۲۷۱) فی حی» (شیخ صدوق ۱۳۸۰ ج ۱۲ ص ۳۴۲) منصور» (شیخ صدوق ۱۳۸۰ ج ۱۱ ص ۳۳۰) غریم» (مفیدا ۱۴۱۳ ص ۳۵۴) و... اشاره کرد.

#### د. ویژگی های ظاهری

با عنایت به روایات و برخی ملاقات‌های معتبر می‌توان در این باره گفت: حضرت مهدی علیه السلام شبیه ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله است و هنگام ظهورا بین سی تا چهل ساله به نظر می‌رسد. او جوانی است زیباروی که چهره اش همانند ماه یا ستاره تابان است. رنگ چهره و پوست آن حضرت ا رنگ عربی استب یعنی رنگش سفید غایل به سرخی (گندم گون) است که کمی به زردی میل دارد. طقه لهای حضرت ا کم گوشت است. بر گونه راست او خال سیاهی وجود دارد و بر پیشانی وی اثر سجده نمایان است. دارای پیشانی بلند و درخشان و بینی کشیده و باریک است. ابروهایش بلند و کشیده رخ او درخشان و چشمانش درشتا براق و به رنگ سیاه است؛ دندان‌های پیشین او از هم فاصله دارد و هیکلش همانند مردان بنی اسرائیل استب ولی قامتی متوسط دارد. دارای شانیهایی قوی و بزرگا سینه‌ای فراخ ا ساق‌هایی باریک و دستانی ستبر که بر کف دست راست خالی وجود دارد (جعفری ا ۱۳۸۱: غصه جمال یار).

#### ه. ویژگی های اخلاقی و رفتاری

حضرت مهدی علیه السلام مانند پیشوایان معصوم دیگر دارای کمالات اخلاقی ویژه‌ای است. از آنجا که معصومان علیهم السلام انسان‌های کاملی هستند و از هر جهت اسوه و الگوی بشریت هستندا در بالاترین حد دارای اخلاق نیکو ل لئقی گ و تمام صفات امامان شیعه را نیز دارا می‌ل لقی گ ترس از خدا و زندگی زاهدانه (نعمانی ا ۱۳۷۶: ص ۲۳۳) دانایی ا بردباری ا پرهیزگاری ا بخشندگی ا شجاعت و عبادت (قندوزی ا ۱۴۱۶: ص ۴۰۱) از صفات او است که در روایات بیان شده.

امام زمان علیه السلام ل لقی گ "ل لقی گ های فراوانی به پیامبران گذشته و امامان علیهم السلام دارد. شباهت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در نام و کنیه (گروهی از نویسندگان ا ۱۴۲۸: ج ۱۱ ص ۱۹۴) به حضرت یوسف علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام در غیبتا با بسیاری از انبیای الهی در ارائه معجزه و کرامت ا همچنین شباهت به حضرت ابراهیم علیه السلام در پنهان

ماندن ولادت و... از این موارد است.

و. نقش و جایگاه (مقام، منزلت، عصمت، امامت و...)

در این بخش با توجه به آنچه گفته شد و نیز موضوع تحقیق<sup>۱</sup> به بررسی ویژگی<sup>۱</sup> و نقش و جایگاه منجی در شیعه می‌پردازیم.

امام زمان علیه السلام محور و مدار هستی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

الأئمة بعدی اثناعشر أولهم أنت یا علی و آخرهم القائم الذی یفتح الله علی یدیه  
مشارك الارض و مغاربهها؛ (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۳۱۳)

بر پایه این حدیث و امثال آن شیعه معتقد است که حضرت مهدی علیه السلام دارای مقام امامت بوده فردی است ممتاز که قابل مقایسه با سایر افراد جامعه نمی‌گردد خداوند اجازه تصرف در عالم هستی را به او داده است و نقش هدایت‌گری برای او مقرر کرده است. عالم هستی بدون او لحظه‌ای دوام نخواهد آورد. او واسطه فیض حق است (لطیفی، ۱۳۸۷: ص ۱۱۱). او است که باعث انسجام اجزای عالم است. نمی‌شود تصور کرد که اگر امام نباشد عالم چگونه خواهد بود. شاید این روایت امام صادق علیه السلام گویای این مطلب غیر قابل تصور باشد. آن حضرت سیغقد: لو بقیت الأرض بغير امام لساخت» (کلینی، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۵۲) یعنی اگر زمین بدون امام بماند فرو می‌رود.

از نظر شیعه امام مهدی علیه السلام دارای ملکه عصمت است که به واسطه آن از ارتکاب هر گناه و خطایی بدور است. او از اهل بیت و عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

(جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۸۱ و ۱۱۰)

حضرت مهدی علیه السلام در پیشگاه خداوند و امامان معصوم علیهم السلام از جایگاهی بس عظیم برخوردار است (شیخ صدوق ۱۳۸۰: ج ۱۲ ص ۴۷۳؛ نعمانی ۱۳۷۶: ص ۳۴۶).

غج<sup>۲</sup> ش<sup>۳</sup> منابع معتبر شیعی در می‌یابیم که حضرت مهدی علیه السلام از آنجا که وارث همه<sup>۴</sup> پیامبران است مانند آنان وارث سنت‌های آنان نیز هست. در امام قائم علیه السلام از

موسی و یوسف و عیسی علیهم السلام و محمد صلی الله علیه و آله تلقی‌هایی وجود دارد. سنت او از موسی علیه السلام آن است که خائف و منتظر است. سنت او از یوسف علیه السلام آن است که برادرانش او را فروختند و با او سخن می‌شفتند و او را نمی‌تقتن آنگوگ سنت او از عیسی علیه السلام سیاحت است و سنت او از محمد صلی الله علیه و آله شمشیر است. (شیخ صدوق ۱۳۸۰: ج ۱۱ ص ۵۶ و ۳۰۳).

او است که برقرارکننده عدالت در همه کره زمین خواهد بود (شیخ صدوق، ۱۳۸۰: ج ۱۱ ص ۵۳۵).

#### نتیجه

از لحاظ ماهیتا منجی موعود شیعه موعودی است شخصی و متعین‌الغلا آرمانی تحقق نیافته که در آینده محقق می‌شود بلکه فردی است که از پیش تعیین شدب چنانکه لای روایات به مشخصات فردی آن موعود به صراحت اشاره شده است؛ از قبیل اسم و اسم پدرآبا و اجدادا ویژگی‌های شخصی و... بنابراین چنین نیست که هر کسی که این شرایط برایش فراهم شودا به اصلاحات اقدام کردها نجات بخش بشریت باشد.

نجات بخشی منجی موعود شیعه جمعی بودها همه بشریت و کل زمین را در بر می‌گیرد. عبارت «یملأ الارض» در روایاتا گویای این ادعا اس (جمعی از نویسندگان ۱۱۴۲۸ ج ۱).

«یفئة لهای راهبردی اوام سعادت دنیایی را تأمین می‌کند و هم سعادت آخرتی را در نظر دارب لذا نجات بخشی او اجتماعی و معنوی خواهد بود که در سایه اقدامات آن حضرت علاوه بر فراگیری دین توحیدی و فرامین اسلامی در سرتاسر هستی رفاه عمومی و امنیت همگانی و در پی آن خوشبختی دنیایی مردم نیز فراهم می‌شود.

در روایات آمده است که منجی شیعه مردم را به کتاب و سنت نبوی دعوت می‌کند. اگر رو به گذشته بودن را دائر مدار محتوای دعوت بدانیم باید بگوییم که





و نهالی از تنه یسی [پدر داوود] بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت؛ یعنی روح حکمت و فهم، و روح مشورت و قوت، و روح معرفت و ترس خداوند... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده و شریران را به نفعه لب‌های خود خواهد کشت. و کمربند کمرش عدالت خواهد بود و کمربند میانش امانت (اشعیا ۱۱: ۵-۱).

۳. سنتی از عیسی علیه السلام در امام مهدی علیه السلام وجود دارد. حضرت صادق علیه السلام در این -

باره فرمود:

در قائم، شباهتی است به عیسی؛ همچنان که یهود و نصارا درباره او عقیده‌های خلاف پیدا کردند، درباره قائم نیز عقیده‌های خلاف پیدا خواهند کرد. پس بعضی منکر او شوند و بعضی گویند [امام] متولد نشده و بعضی گویند [امام] یازدهم عقیم بوده و بعضی گویند امامت منحصر به دوازده نیست؛ بلکه به سیزده و بیشتر نیز تجاوز کند و بعضی گویند روح قائم در هیکل غیر او نطق کند. (شیخ صدوق ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۷۲)

۴. خغی حضرت عیسی علیه السلام طولانی بوده و از این رهگذرا عمر طولانی حضرت

مهدی علیه السلام نیز توجیه می‌شود.

۵. القاب هر دو به رسالت آن‌ها در بحث نجات جهانی اشاره دارد و هر دو

دارای غیبت می‌باشند هدف آن‌ها اجرای اوامر الهی است.

۶. خداوند به هر دوی ایشان اذن تصرف در نشئه طبیعت را عطا کرد؛ لذا

صاحب معجزه و کرامت بودند.

۷. هر دو منجی موعودا شخصی و متعین هستند و نوع نجات‌گری آن‌ها فردی ا

جمعی معنوی و اجتماعی بوده و جهانی است افلاک و ارض لای و قومی و با کارکردی

کیهانی.

ب. تفاوت‌ها

جایگاه امام بسی والاطر و برتر از پیامبر است بنابرین مقام و جایگاه امام



مهدی علیه السلام بالاتر از حضرت عیسی علیه السلام می "آئی بگ چنان که روایات به این مطلب تصریح دارند. در تریب این برتری امامت حضرت مهدی علیه السلام بر عیسی علیه السلام در نماز می "آئی بگ امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

... حتی ينزل عيسى بن مريم من السماء و يقتل الله الدجال على يديه و يصلى بهم رجل منا أهل البيت. ألا ترى أن عيسى يصلى خلفنا و هو نبى الا و نحن أفضل منه (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۴، ص ۳۴۸ و ۳۴۹).

منجی موعود مسیحیت رجعت کننده است. این مسیح لا سبب تداوم ایمان مسیحی شده و به بسیاری از آداب مسیحیان و همچنین فرازهای کتاب مقدس معنا بخشیده است؛ اما وی از میان امت خود به آسمان رفته و کارکرد او را در آنجا کمتر می بینیم و مردم هم چندان با شخص او در ارتباط نیستند ولی منجی شیعه در میان مردم است و با آنها در ارتباط است و هم اکنون هم در حال انجام وظایف خطیر امامت می "آئی بگ

کارکرد اجتماعی حضرت مهدی علیه السلام بسیار گسترده تر و فراگیرتر از کارکردهای حضرت عیسی علیه السلام است. همین طور از نظر کارکرد معنوی موعود شیعه اقدامات مهم تر و با غنای بیشتری را انجام می دهد به حدی که می توان گفت کارکردهای منجی شیعه با طرح یک حکومت جهانی سازگارتر است.

در باب رو به آینده یا رو به گذشته بودن اگر عدم تحقق نجات بخشی را ملاک بدانیم باید قائل شویم که هر دو منجی از موعودهای رو به آینده هستند ولی اگر محتوای دعوت را ملاک بدانیم باید منجی شیعه را رو به گذشته و به اعتبار برخی اقدامات بی سابقه ای که انجام می دهد از موعودهای رو به آینده بدانیم و موعود مسیحی را از این باب رو به آینده قلمداد کنیم.

### ج. منجی موعود کیست؟

تا اینجا هر یک از دو منجی را معرفی کرده و ویژگی لما خصوصیات فردی آنها را و جایگاه آنها را مورد دقت نظر و ارزیابی قرار دادیم و به این نتیجه رسیدیم که

منجی موعود مسیحیان فردی است به نام عیسی علیه السلام که فرزند مریم است و از این طریق نسل او به داوود علیه السلام متصل می‌شود. خداوند عیسی علیه السلام را به آسمان عروج داده و ذخیره کرده است و در آخرالزمان با جلال و شکوه بازمی‌گردد و با کاری شاهانه ملکوت خدا را برقرار می‌کند.

اما منجی موعود شیعه حضرت مهدی علیه السلام است که هم‌نام و هم‌کنیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بوده پدرش امام حسن عسکری علیه السلام و مادرش نرجس خاتون از نسل داوود علیه السلام است. آن حضرت در پنج سالگی از دیده عموم مردم غایب شد و در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و با امدادهای الهی یاری خواهد شد. زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و دامنه ظلم و ستم و ستمکاران را برخواهد چید.

بنابراین با نگرشی سطحی و ابتدایی‌ا چنین به نظر می‌رسد که هریک از دو آیین مسیحیت و اسلام (شیعه) منجی جداگانه‌ای را معرفی می‌کنند؛ برای این اساس آیا باید قائل شویم که در آخرالزمان دو منجی می‌آیند که یکی منجی شیعه و دیگری منجی مسیحیت است؟ در این صورت شیوه همکاری یا تعامل آن‌ها با هم چگونه خواهد بود؟ بر فرض صحت چنین فرضی آیا جهان با دو حاکم‌ا توان بقا و استمرار همراه با گسترش و برقراری عدل و داد را خواهد داشت؟ یا باید ویژگی‌های بیان شده درباره منجی را بر یک منجی تطبیق دهیم و بگوییم مصداق هر دو منجی‌ا یکی است؛ یعنی هر دو دین‌ا از یک نفر و یک منجی سخن می‌گویند ولی هر یک به شکلی خاص از ویژگی‌های منجی خود یاد کرده‌اند؟ یا شق سومی در کار است؟

برای یافتن جوابی قانع‌کننده و پاسخی صحیح به این سؤالات تذکر نکاتی چند ضروری است:

مسیحیان معتقدند که موعود وعده داده شده آنان‌ا هنوز نیامده و زمان آمدن و نجات‌گری او مشخص و معین نیست ولی در آینده خواهد آمد چنانکه در

کتاب مقدس «عبارت عیسی دوباره باز می گردد» بیش از ۳۰۰ بار (شاکری ۱۳۸۸: ص ۸۱) آمده است.

محققان اثبات کرده اند که عیسی علیه السلام خود ادعای «مسیحا» نداشته است (مری جو ویور، ۱۳۸۱: ص ۷۷) یعنی خود را منجی موعود معرفی نکرده و ادعای مسیحا بودن او از سوی پیروان و مریدان او پس از رستاخیزش از میان مردگان طرحی نگه است.

گزارش اناجیل از عیسی علیه السلام هرگز یادآور فرمانروای پر قدرتی نیست که یهودیان از دیرباز منتظرش بودند. عیسی علیه السلام بر آن نبوده است که حکومتی بر پا کند. در همه سخنان او از هیچ نظریه سیاسی اثری نمی توان دید یا حتی به یک ایده اجتماعی شاخص دست یافت. عیسی علیه السلام مدعی است که آمده است تا شریعت موسی علیه السلام را کامل کند. «ی اساس روایت اناجیل عیسی علیه السلام هرگز فرضیه نجات بخشی خود را بر تشکیل یک نهاد حکومتی یا نظریه ای اجتماعی بنا نکرده است. به همین دلیل نمی توان کارکرد اجتماعی هویدایی برای او در نظر گرفت (محراب صادق نیا ۱۳۸۹: ص ۲۳۰).

آیات اناجیل مرتبط با موضوع منجی و پایان دنیا از وارد شدن به حکومت خدا یا قلمرو دولت خداوند سخن می گویند. در بسیاری از فرازهای اناجیل عیسی علیه السلام به جای حکومت خدا از عنوان «دولت» یا «ملکوت پدرم» نام می برد. انجیل متی گفتار عیسی علیه السلام به شاگردانش در شام آخر را چنین نقل قول می کند:

اما به شما می گویم بعد از این، از میوه مو دیگر نخواهم نوشید، تا روزی که آن را با شما در ملکوت پدر خود، تازه آشامم. (متی ۲۹: ۲۶).

نکته قابل توجه اینکه در برخی فرازهای اناجیل حضرت عیسی علیه السلام از شخصی بنام «پسر انسان» یاد می کند که قابل تطبیق با خود او نیست و مشخص است که وی چون دارای صفات ممتاز و ویژگی های برجسته ای است از موقعیتی بالاتر از عیسی علیه السلام قرار دارد. بنابراین مقصود از «پسر انسان» حضرت عیسی علیه السلام نیست.

چنانکه مطابق نوشتهٔ لمستر هاکس آمریکایی در قاموس کتاب مقدس این عبارت هشتاد بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) آمده است که فقط سی مورد آن با حضرت عیسی مسیح علیه السلام قابل تطبیق است (هاکس ۱۳۷۷: ص ۲۱۹). اما پنجاه مورد دیگر از نجات‌دهنده‌ای سخن می‌گویند که در آخرالزمان و پایان روزگارا جهور خواهد کرد و حضرت عیسی علیه السلام نیز با او خواهد آمد و او را جلال و عظمت خواهد داد و از ساعت و روز ظهور او جز خداوند تبارک و تعالی کسی اطلاع ندارد. عیسی علیه السلام هیچ‌گاه خود را بر پاکننده سلطنت پسرانسان یا پادشاه مسیح نمی‌داند چرا که تصریح می‌کند: پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان می‌بودا خدام من جنگ می‌کردندا تا به یهود تسلیم نشوم» (یوحنا ۳۶: ۱۸) بلکه خود را رسولی معرفی می‌کند که آمده است تا حکومت خداوند را مزده دهب حکومتی که متعلق به کسی دیگر است افلا عیسی علیه السلام. «رای نمونه در انجیل مرقس <sup>۱۱</sup> لاه از «یان حوادث آخرالزمان و بلاها و مصیبت‌های پایانی از زبان عیسی علیه السلام می‌گوید: ... آن‌گاه پسرانسان را ببینید که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می‌آید (مرقس ۲۶: ۱۳)»

در انجیل لوقا نیز آمده است:

کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را فروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی‌درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار باید... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسرانسان می‌آید. (لوقا ۱۲: ۳۵-۴۰)

در جای دیگر عیسی علیه السلام می‌گوید:

زیرا هر که از من و کلام من عار دارد، پسرانسان نیز وقتی که در جلال خود و جلال پدر و ملائکه مقدسه آید، از او عار خواهد داشت. (لوقا ۲۷: ۹)

همچنان که ملاحظه می‌شود عیسی علیه السلام از آمدن شخص دیگری به نام <sup>۱۲</sup> تک پی

انسان «کبر می‌دهد.

طبق گزارش اناجیل اعیسی علیه السلام رسالت خود را مژده دادن به «ملکوت خدا» می‌دانست. [عیسی علیه السلام] به ایشان گفت: مرا لازم است که به شهرهای دیگر نیز به ملکوت خدا بشارت دهم، زیرا که برای همین کار فرستاده شده ام (لوقا؛ ۴: ۴۳).

در منابع مکتوب اسلامی و روایات معصومان علیهم السلام از بازگشت عیسی مسیح علیه السلام ک"ی می‌دهد که روشن کننده ابهامات موجود در این سؤالات است. در زیر به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

#### عیسی بن مریم علیه السلام نابود کننده بدعت‌ها: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

میان من و او پیامبری نیست. هنگامی که فرود آمد، ... صلیب را می‌کوبد و نابود می‌سازد و خوک را می‌کشد و جزیه را برمی‌دارد و خدا در زمان او تمام آیین‌ها را جز اسلام، نابود می‌کند. مسیح دروغین را می‌کشد و چهل سال در زمین زندگی می‌کند؛ سپس وفات می‌یابد و مسلمانان بر [جنازه] وی نماز می‌گزارند (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۴۵۸).

این روایت از منسوخ شدن مسیحیت کنونی و آداب و رسوم غلط آن ک"ی داده فراگیری دین اسلام را نوید می‌دهد. چون حکم جزیه برای غیر مسلمان است! برداشته شدن آن بیان‌طی مسلمان شدن همه ساکنان زمین است؛ یعنی حضرت عیسی علیه السلام در راستای اهداف حضرت مهدی علیه السلام گام برمی‌دارد و در راستای برپایی حکومت اسلامی معین و مددکار حضرت مهدی علیه السلام است.

#### حضرت مسیح علیه السلام وزیری امین: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

عیسی بن مریم علیه السلام هبوط می‌کند، نزدیک پل سفید کنار باب دمشق ... مهدی علیه السلام به او می‌گوید: «جلو بایست و برایمان نماز بخوان». مسیح علیه السلام می‌گوید: «شما برای یاران نماز بخوانید. همانا من وزیر بر انگیزته شده‌ام، نه امیر. پس مهدی علیه السلام برای یاران، نماز می‌خواند... (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۴۲۳).

همچنین در فرازی دیگر درباره صفات حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید:

و هو [عیسی] الوزير الأيمن للقائم و حاجبه و نائبه (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۴۲۸).

عیسی علیه السلام قاضی عادل: مسیحیان معتقدند که عیسی علیه السلام در بازگشت مجدد خویشا بین نیکان و شریران دآوری خواهد کرد. منابع اسلامی این مطلب را **بید می‌گفت** در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است:

قسم به کسی که جانم در قبضه قدرت او است! به زودی، پسر مریم در میان شما فرود خواهد آمد و او دآوری عادل خواهد بود؛ سپس صلیب را خواهد شکست و خوک را خواهد کشت و جزیه را پایان خواهد داد. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۴۰۸).

عیسی علیه السلام قاتل دجال: کتاب مقدس از واقعه‌ای بزرگ یعنی آمدن فرزند هلاکت **ک** می‌دهد که تا آن واقعه رخ ندهد بازگشت مسیح علیه السلام اتفاق نمی‌افتد (دوم تسالونیکیان ۲: ۳). احادیث اسلامی مؤید این مطلب است که در آخرالزمان شروری به نام **دجال** می‌آید که یک چشم دارد و در پیشانی او نوشته شده است: **کافر**. وی ادعای خدایی می‌کند و بسیاری را گمراه می‌نماید (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۴۶۸). **ث** ش احادیثا دجال خروج کرده اسق لگری می‌کند و در نهایت به دست عیسی مسیح علیه السلام به قتل می‌رسد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: **یقتل ابن مریم الدجال بباب لد (مدینه بفسطین)** (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۴۶۹).

۷. منجی موعود مسیحیان یعنی **چ** تیت مسیح علیه السلام خود مدعی مسیحایی و نجات بخشی نبوده و حتی در بین سخنانش یا گزارش‌های اناجیل مطلبی دال بر تشکیل حکومت توسط حضرت عیسی علیه السلام به چشم نمی‌خورد. در این درباره از شخص والاتری به نام **پسر انسان** یاد شده است که در همه موارد استعمال قابل تطبیق با خود عیسی علیه السلام نیست. غمخ‌تر اینکه منابع مکتوب اسلامی و شیعی به صراحت از کارکردها و رسالت‌های حضرت عیسی مسیح علیه السلام در دولت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام **لگ فهل** لاند؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که منجی موعود در هر دو دین مسیح و اسلام (شیعه) یکی می‌**لیتگ** که همان حضرت **چ** **والثأ فالعسکری** علیه السلام است.

۸. اما حضرت عیسیٰ مسیح علیه السلام نیز قطعاً در پایان دنیا باز می‌گردد و در کنار حضرت مهدی علیه السلام به عنوان وزیر لایق و البته همراهی صادق و امین انجام وظیفه کرده حضرت مهدی علیه السلام را در پیشبرد اهداف مقدس و الهی‌اش یاری خواهد نمود. نقش حضرت عیسیٰ علیه السلام در فراگیری دین اسلام بسیار کلیدی اغتغ و تثیرگذار خواهد بود چرا که اولاً حضرت عیسیٰ علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام دارای یک هدف مشترک می‌باشند و آن حاکمیت دین الهی و برقراری عدل و داد و اجرای دستورهای الهی است و همین امر وحدت رویه آن دو را در پی خواهد داشت.

ثانیاً اقتدای حضرت عیسیٰ علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام در نماز نشانه پذیرش دین اسلام و پیروی او از آیین اسلام است. در نتیجه گویی به آن دسته از مسیحیانی که ادعای پیروی از او را دارند اعلام می‌کند که اگر در گفتار خود صادقند باید به اسلام گرویده مسلمان شوند. این عمل عیسی می‌تواند در تسریع ایمان مسیحیان به حضرت مهدی علیه السلام کمک کند و وعده الهی را زودتر محقق آازد.

علاً عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام سبب می‌شود که عده‌ای دچار شک و شبهه شده در پیروی از حق سستی و کاهلی کنند. عده‌ای نیز که به دنبال راهی هستند تا از زیر بار مسؤولیت‌اشانه خالی کنند و از گردن نهادن به دستورهای الهی طفره روند این بهانه را دستاویز خود قرار می‌دهند تا از پذیرش حق سرباز زرق بازگشت حضرت عیسیٰ علیه السلام می‌تواند اتمام حجتی برای اینان باشد چرا که وقتی حضرت عیسیٰ علیه السلام را با عمری بیشتر از عمر حضرت مهدی علیه السلام می‌بینند عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام را بهتر می‌پذیرند و به گونه‌ای تسلیم دستورات اسلام و حکومت عدل مهدوی می‌تقد

## نتیجه

این مقاله به ما نشان می‌دهد که ما یک منجی موعود بیشتر نداریم و آن هم حضرت مهدی علیه السلام منجی شیعه می‌باشد که از نظر گونه شناسی متعین و شخصی است و سنخ نجات بخشی اوا جمعی اجتماعی و معنوی است با کارکرد کیهانی. او در آخرالزمان می‌آید و با تشکیل حکومتی فراگیرا فرامین الهی را اجرا می‌کند و در این راستا حضرت عیسی علیه السلام پس از بازگشتا در رکاب آن حضرت به عنوان وزیرا انجام وظیفه می‌کند.





## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی، الملاحم و الفتن، بی جا، مؤسسه اعلمی، بی تا.
۳. امامی کاشانی، محمد، خط امان در ولایت صاحب الزمان (پژوهشی در موعود ادیان)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۴. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۵. تیلخ، پل، الهیات سیستماتیک، ترجمه حسین نوروزی، تهران، حکمت، ۱۳۸۱ش.
۶. جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه اصغر حکمت، تهران، علمی و فرهنگی، چ چهاردهم، ۱۳۸۳ش.
۷. جعفری، جواد، مجله تخصصی انتظار، مقاله «جمال یار»، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، شماره ۵، پائیز ۱۳۸۱ش.
۸. جمعی از نویسندگان، معجم احادیث الامام المهدی، قم، مسجد جمکران، چ دوم، ۱۴۲۸ق.
۹. جو ویور، مری، درآمدی به مسیحیت، مترجم حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ش.
۱۰. حسینی گرگانی، میر تقی، نزول عیسی و ظهور موعود، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۸۷ش.
۱۱. حیدری کاشانی، محمدباقر، مقتدای مسیح، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۸ش.
۱۲. زیبایی نژاد، محمدرضا، مسیحیت شناسی مقایسه‌ای، تهران، سروش، ۱۳۸۲ش.
۱۳. شاکری، روح الله، منجی در ادیان، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۸ش.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۰ش.
۱۵. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، قم، اسوه، ۱۴۱۶ق.
۱۶. کتاب مقدس، انتشارات ایلام، بی تا.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، قم، انتشارات اسلامیه، چ نهم، قم، ۱۳۷۹ش.
۱۸. لطیفی، رحیم، دلائل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، قم، بنیاد حضرت مهدی موعود، چ دوم، ۱۳۸۷ش.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۲۰. موحیدیان عطار، علی، گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹ش.
۲۱. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز ادیان، چ دوم، بی تا.
۲۲. نظری منفرد، علی، تاریخ اسلام از تولد تا رجعت، بی جا، جلوه کمال، ۱۳۸۸ش.
۲۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ترجمه محمد جواد هاشمی، تهران، صدوق، ۱۳۷۶ش.
۲۴. هاکس، مستر جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ش.

## بررسی تشابهات کارویژه‌های حکومت موعود در اندیشه شیعه و یهود

سعیده معین نجف‌آبادی\*

### چکیده

جامعه آرمانی یا حکومت موعود در آخرالزمان، از مفاهیم مشترکی است که مورد توجه ادیان مختلف قرار گرفته است. درباره چگونگی ظهور موعود، حکومت داری و ویژگی‌های آن زمان، مطالب زیادی در متون این مکاتب می‌توان یافت. در این میان، مکتب شیعه و یهود در این زمینه صاحب نظر بوده، از جهات مختلف، حکومت منجی موعود را مورد توجه قرار داده‌اند. در این پژوهش، سعی شده است فرایند کارویژه‌های حکومت موعود در آینده به صورت ملموس تر و مطابق با ساختارهای امروزی بررسی شود و در ضمن، به مقایسه و تطبیق دو مکتب در این زمینه بپردازیم، تا بدین وسیله تشابهات این دو نگرش به عنوان دو مکتب الهی به شکل روشن تری بیان شود.

کلید واژه‌ها: حکومت موعود، شیعه، ماشیح، کارویژه، یهود.

### مقدمه

انتظار برای ظهور منجی عقیده‌ای عمومی و مشترک است. ادیان و مذاهب گوناگون اخفقاً ظهور او را خبر داده‌اند و هر مکتب و اندی دّ لای با الهام گرفتن از سخنان انبیا و کتب آسمانی خود از حکومت واحد جهانی سخن می‌گویند و معتقد است فردی مصلح خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد می‌کند مصلحی که تّ ل جنایت لّ او خیانت‌های ضد انسانی خاتمه داده و شالوده حکومت واحد جهانی را

\*. کارشناس ارشد علوم سیاسی.

بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد. در این میان می‌توان از دو نگرش بلند شیعی و یهودی نام برد که هر یک با بررسی ساختارهای درونی و شیوه‌های اداره چنین حکومتی در صدد ترسیم حکومت موعود برای پیروان خود

لا ائیگ  
در این پژوهش به دنبال پاسخ این سوال هستیم که: «وجه تشابه کارویژه‌های حکومت موعود در اندیشه سیاسی شیعی و یهودی چیست؟» ما آلی که در پاسخ به آن سعی می‌شود ساختار سیاسی و کارکردهای چنین حکومتی را بیان کرده با الهام از روش تحلیل مقایسه‌ای و نظریه نظام سیاسی آن را بررسی نماییم. البته باید گفت که تفاوت‌هایی در نگاه این دو مکتب به غ اعی حکومت منجی وجود دارد؛ اما در این پژوهش «لا قی» تشابهات پرداخته می‌شود.

### کارویژه‌های حکومت

برای فهم بهتر این پژوهش ابتدا لازم است با بعضی از واژه‌ها آشنایی بیشتری جلب‌ظئی‌قد. چنانکه روش تحلیل مقایسه‌ای روشی است که سبب می‌شود به اطلاعات ارزشمندی درباره ویژگی‌ها شکل‌ها دامنه و عملکرد یک نظریه یا نهاد در درون همان نظریه و در مقایسه با نظریه‌ها و نهادهای مشابه دست یافت اینجا نیز الگویی است که با بهره‌گیری از آن می‌توان نظام مهدوی شیعه را با آنچه که به عنوان ساختار و نهاد در حکومت موعود یهود ارائه می‌شودا به مقایسه در آورد.

برای کارایی بهتر رهیافت تحلیل مقایسه‌ای از مدل‌هایی برای تنظیم مطالعات استفاده می‌شود. مدل تحلیل سیستمی نظام سیاسی یکی از مهم‌ترین آن‌هاست که به وسیله آن «می‌توان ساختار و کارکرد نظریه‌های دولت را تشریح کرد. در این رویکرد محوراً نظام سیاسی است و هر نظام سیاسی ا غ غغغ لای از کنش‌های متقابل است که از طریق آن ارزش‌ها خدمات و کالاها برای همه گ اهای جامعه سهم بندی می‌شود. نظام سیاسی برای انجام

سخن‌آیت‌های خود دارای ساختارهایی است که هر یک از این ساختارها کارکرد خاص خود را انجام می‌دهد (آلموندا ۱۳۸۱: ص ز).

علاوه بر این نظام سیاسی اغنغخ لای به هم پیوسته از فعالیت‌های سیاسی است که شمار بزرگی از کارگزاران با هدف خاصی آن را تعهد کرده و انجام داده‌اند. البته همان سیستم سیاسی است که از عناصری همبسته تشکیل شده است و نهادها و گروه‌های معینی را شامل می‌شود که این ویژگی را عناصر ساختاری یا در کل ساختار نظام سیاسی می‌فلقنک در مقابل نوع روابط تعریف شده بین ساختارهای موجود در درون نظام سیاسی را کارکردهای همان ساختار یا به طور خلاصه کارویژه نظام سیاسی گویند. به عبارتی دیگر هر ساختار کارکردها یا کارویژه‌هایی را به اجرا می‌گذارد که سازمان سیاسی را قادر به تدوین و اجرای خط مشی‌هایش می‌سازد. (فیرحی ۱۳۸۲: ص ۱۵).

در این پژوهش ضمن بررسی کارویژه‌های فرایندی سیستمی و ساختاری که از کارویژه‌های اصلی یک حکومت است کارویژه‌های حکومت موعود را بررسی می‌کنیم.

#### الف. کارویژه‌های فرایندی

کارویژه فرایندی دارای فعالیت مشخصی است که برای تدوین و اجرای خط مشی‌ها در هر نوع نظام سیاسی ضرورت دارد و در فرایند تدوین روند حکومت‌ها دارای نقشی مستقیم و ضروری است. فرایند سیاسی هنگامی آغاز می‌گردد که سخن‌آیت‌ها یا تصریح شوند و سپس به صورت درونداد وارد نظام گردند. در این غیچیه‌ها خط مشی‌های بدیل مد نظر قرار می‌گیرند و این یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که حکومت‌ها برای شهروندان خود انجام می‌دهند. در غیچیه‌ها اقدامات وضع قوانین یا سیاست‌گذاری آمرانه قرار می‌گیرد که مرحله‌ی مؤتقری فرایند سیاسی است.

اما هر سیاستی باید تنفیذ گردد به اجرا گذارده شود و در صورت بروز

مخالفت در برابر آن یا نقض آن باید نوعی فرآیند قضاوت صورت گیرد. در این مرحله اهداف سیاسی عملی پیوندها پیامدهای آن بررسی می‌گردند. (آلموندا ۱۳۸۱: ص ۱۸۹)

در جامعه موعود نیز این کارویژه لا وجود دارد اما به صورتی متفاوت با جوامع امروزی. در چنین <sup>ت</sup> لای مطمئناً فرایند تصمیم‌گیری حکومت و خواسته‌های مردم به دشواری امروز نیستب زیرا یکرنگی و یگانگی میان مردمان جاری می‌شودا رحمت و غث<sup>ط</sup> لآرا پر می‌سازدا مساوات و مواسات اجتماعی جلوه می‌کندا کسی به دیگری ستم نمی‌نماید و یاری و دستگیری از یکدیگرا واجبى همگانی می‌شود. در ک<sup>ک</sup> پی از امام صادق <sup>ع</sup> آمده است:

به هنگام ظهور قائم ما اینکه به یکدیگر وسایل زندگانی برسانند و نیرو بخشند، واجب همگانی می‌شود (حرعاملی، ۱۱۰۴ق: ج ۸، ص ۴۱۵).

در آن دوران حرصا بخل و طمع ورزی در زندگی و روابط اجتماعی جایی نخواهد داشت و صداقت بر رفتار اجتماعی چنان حاکم می‌شود که همگان برادروار زندگی کنندب به طوری که هر کس هر چه نیاز داشته باشد از جیب برادر ایمانیش بردارد نه این شرمنده باشد و نه آن ناراحت. چنین رابطه و پیمانی میان برادران ایمانی از ویژگی‌های سیرت اجتماعی آن دوران است (مصطفی دلشاد تهرانی ۱۳۸۲: ص ۵۳).

#### تصریح و تألیف منافع

در چنین جامعه‌ای خواسته لا و بیان مردم برای نیازها و منافعشان به صورتی متفاوت است و شاید کمتر کسی نیازمند طی مراحل برای بیان خواسته لا و نفعش باشد و امور افراد لا راحتی و بدون نیاز به اعتراض و اموری از این قبیل ا حل می‌ی‌قد.

در این میان تمامی نیازهای انسان محقق می‌شوب زیرا ابتدایی ترین نیازهای انسان نیازهای مادی و معیشتی اوست و در آن دورها نیازهای دیگری که تـمین

آن‌ها در حرکت کمالی انسان نقش اساسی دارند! محوریت می‌یابد. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

سه چیز است که همه مردمان بدان محتاجند: امنیت، عدالت و فراوانی. (ابن شعبه الحرائی، ۱۳۹۴ق: ص ۲۳۶).

و این سه معنای دولت حضرت مهدی علیه السلام در حد آرمانی خود تحقق می‌یابد. علاوه بر تمام آنچه گفته شد! در دولت چتیت مهدی علیه السلام تسلط حضرت بر امور چنان است که اگر خواسته و نیازی باشد! خود متوجه می‌شود.

“این اساس ارتباط امام و مردم بلطفه لای است که به طور مستقیم از خواسته و سخن یکدیگر آگاه می‌شوند و در نتیجه ارتباط مستقیم بوده‌اند! واسطه‌هایی چون احزاب و واسطه‌ها نیازی نیست و تألیف و تصریح منافع بدون مشکل صورت می‌گیرد.

وضع قوانین و تصمیم‌گیری‌ها نیز در این حکومت قاطع و عظیم است و در این میان اصلاحات! “یک‌آآ”! از رسالت عظیم و جهانی اسلام است و برنامه ریزی‌های عمده‌ای برای مبارزه با ظلم و ستم وجود دارد. در این زمان از آن جهت که امکانات فراوان و گستردگی حکومت افزون است! حکومت مهدوی! برنامه ریزی جامع و جهاد و مبارزه خستگی ناپذیر نیاز دارد. در آن دوران سیاستگذاری! “لطفه لای دقیق صورت می‌گیرد که در مدت کمی امنیت به جامعه بازگردانده می‌شود و همه جا را فرا می‌گیرد.

“ق” کتب یهود نیز در آن زمان ابع و صفا و صمیمیت بر زمین حاکم شده! تمام انسان‌ها نام خدا را می‌خوانند و او را عبادت می‌کنند. صلح و صفا هم برای گسترش رفاه مردمان آن روزگار برقرار می‌شود! “لطفه لای که صلح سراسر جهان را فرا گرفته و فقرا برچیده می‌شود. غه!ها ابزار ویران‌گر خود را به ابزار سازنده مبدل خواهند ساخت و تمام مردم! دوستدار یکدیگر و فضیلت طلب خواهند شد! “لطفه لای که در کتاب یهود آمده است:

او صلح را برای قوم به ارمغان می‌آورد، تمام ابزارهای جنگی، لباس‌ها و چکمه‌های سربازان از بین می‌رود. (اشعیا: ۴: ۹).

یا در جایی دیگر از اشعیا آمده است:

آن‌ها شمشیرهای خود را شکسته و به گاوآهن و نیزه‌های خود را به قیچی‌های شاخه زنی مبدل می‌کنند ملت‌ها بر ملت دیگر شمشیر نخواهد کشید و دیگر جنگ نخواهند آموخت.

از مجموع مطالب عهد عتیق در این زمینه می‌توان فهمید که از آنجا که این حکومت یک حکومت آرمانی است دیگر به استفاده از وسایل ارتباط جمعی و احزاب برای دادن اطلاع به حکومت از نیازهای مردم نیازی نیست بلکه ترمین خواسته‌های مادی از نخستین مسائلی است که با ورود به آن دوره اولویت به مسائل معنوی داده می‌شود چرا که نیازهای اساسی مردم در آن دوره و منافع آن‌ها به بهترین نحو تامین می‌گردد و از آنجا که به دنبال فضیلت هستند از بعضی **فخخ** های مادی چشم پوشی می‌کنند و به قدر نیاز بهره مند می‌شوند.

وضع قوانین

در این حکومت محور و رکن تمام قانون‌گذاری‌ها و وضع مقررات احکام الهی و قرآن است. البته غیر از قوانین و دستورات خود امام یکسری قوانین می‌آورد که احکام ثانوی است و خود او آن‌ها را وضع و به کارگزاران و مردم ابلاغ می‌کند. امیرالمؤمنین **علیه السلام** درباره اینکه امام مهدی **علیه السلام** فحرات قوانین و خواسته‌ها را قرآن **فخخ** می‌کند می‌فرماید:

او خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند. و در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد. (سیدرضی، خطبه ۱۳۸، ص ۱۸۳).

در واقع غم‌خیزترین اقدام حضرت در بعد سیاست‌گذاری و احیای قوانین اسلام ارائه برداشت صحیح و درست از آن‌ها و اجرای کامل این قوانین است. بر اساس

این اعتقاد آموزه‌های حیات بخش اسلام همیشه و در هر مکانی توانایی پاسخ گویی به نیازهای مختلف جوامع را دارد و در صورت ضرورت می‌توان با محور قرار دادن قرآن مقررات و قوانین جدیدی وضع کرد.

در مکتب یهود هم اشعیای نبی به خوبی به بیان سیاست‌گذاری ماشیح در آن دوران می‌پردازد و بیان می‌کند که در آن زمان افساط ظلم و آغ برچیده خواهد شد و عدالت گسترش خواهد یافت. سه‌تیه اقتصادی از میان خواهد رفت و نیازمندی‌های مادی و معنوی مردم تامین خواهد شد. همگان به اخلاق حمیده آراسته خواهند شد و پرده‌های ظلمت و تاریکی کنار خواهد رفت و مردمان در ناز و نعمت زندگی خواهند کرد:

برگزیدگان من از عمل دست‌های خود تمتع خواهند برد، زحمت بیجا نخواهند کشید، اولاد به جهت اضطرار نخواهند زایید؛ زیرا که اولاد، برکت یافتگان خداوند هستند و ذریت ایشان با ایشانند و قبل از آنکه بخوانند، من جواب خواهم داد. (اشعیاء، ۲۵، ۲۳: ۶۵).

پس با وجود تکامل در این حکومت دیگر در زمینه وضع قوانین مشکلی وجود ندارد و ماشیح خود فرامین الهی را وضع و سپس اجرا می‌کند.

### قضاوت

از طرفی موعودا حکم خدا را در زمین اجرا می‌کند و حق مظلوم را از ظالم می‌آهنگ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

در هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، به حکم و قضاوت داوود پیامبر، قضاوت می‌کند و به شاهد و برهان نیازی ندارد. خداوند، احکام الهی را به او الهام می‌کند و او نیز بر طبق دانش خود رفتار می‌نماید و طبق آن، قضاوت می‌کند (طبسی، ۱۳۸۰: ص ۱۹۵).

در واقع او در بحث اجرا و قضاوت به بهترین نحو عمل می‌کند و البته در این امر یاران و کارگزاران حضرت او را همراهی و احکام الهی را اجرا می‌کنند. حضرت مهدی علیه السلام بر اساس کتاب خدا به عدالت مدیریت می‌کند و هواپرستی



را به خداپرستی سوق داده و همه افکار و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد. آن حضرت برای حفظ این اساس اغ‌أؤولان و کارگزاران ستم‌گر را با دقت م‌أخذه می‌کند و هر ک‌الله را پا از سیرت عدالت بیرون نهاده است ائ ل لتختی مجازات می‌کند. وی در اداره امور برای حفظ عدالت و حقوق مردمان و حیثیت دین به روشی نو و مناسب با عصر خود و تحولاتی که در طول تاریخ رخ داده است °خفظ می‌کند. در دوره حکومت حضرت مهدی ؑ هر کسی به حق خود می‌رسد. ت پی اساس روایتی از امام باقر ؑ:

پس از ظهور مهدی ؑ هیچ حقی از کسی بر عهده دیگری نمی‌ماند، مگر آنکه او آن را بازمی‌ستاند و به صاحب حق می‌دهد.

در این میان ا قضاوت آن حضرت نیز بی نظیر است. ° لطفه لای عادلانه حکم می‌شود که سرسوزنی ظلم و بیداد به کسی نشده و هیچ رنج و محنتی بر دلی نمی‌نشیند. حضرت مهدی ؑ بر طبق احکام خالص دینی حکم و حکومت می‌کند ا میزان عدل را در میان مردم می‌نهد و بدین گونه هیچ کس نمی‌تواند به دیگری ستم کند (عسکری ۱۳۶۰: ج ۱۱ ص ۸۲).

امام عصر با پی‌گیری خط مشی پیامبر اکرم ؑ از طریق نسخ و برانداختن لغا ل °گخ ه‌ای برآمده از فضای جاهلیت ا اسلام را به صورتی حقیقی °تشت می‌بخشد و اجرای احکام اسلام را همان طقت ل جاری می‌کند که بر پیامبر اکرم ؑ نازل شده در این میان ا کارگزاران حکومتی در ولایات و شهرهای گوناگون ا حضرت را یاری می‌رسانند و زیر نظر اماما کار اجرای احکام و قضاوت را °ی عهده دارند و مسؤولیت هایی را به دست خواهی گطیس °.

در این زمان ا استیفای حقوق به طور قطعی صورت گرفته ا در قضاوت ا ا و محاکم ا دیگر امکان هیچ خطا و اشتباهی پیش نخواهد آمد زیرا امام خود در میان مردم زندگی کرده و بین آن‌ها قضاوت و داوری خواهد کرد و در این امرا متکی بر الهام و علم الهی استب پس همانند داوود و سلیمان حکم کرده ا ل

درخواست بینه وئ المگ نیاز ندارد.

از نظر یهود نیز اشعیا در کتاب خود مسله قضاوت و اجرای سیاست را این طقه مطرح می کند:

بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود (اشعیا، ۹، ۱: ۱۱).

لله غلی یح با عدالت خود به خوبی به اداره امور پرداخته و جلوی هرگونه کم و کاستی گرفته می شوب زیرا او رهبری آرمانی است که از همه امور به لطف الهی آگاه گشته و جلوی زیان را می گیرد.

در باب عدالت عالم گیر او نیز سخنان بسیاری به چشم می خورد. در مزمورا این گونه آمده است:

زیرا به قوم خود و مقدسان خویش به سلامتی خواهد گفت، تا به سوی جهالت بر نگردید. راستی، از زمین و از آسمان به عدالت خواهد نگرست، خداوند چهره های نیکو خواهد بخشید و زمین، محصول خود را خواهد داد و عدالت، پیش روی او خواهد خرامید (مزمور ۸، ۱۲: ۸۵).

پس با این حساب او علاوه بر اینکه به خوبی امور حکومت جامعه را کنترل می کند با توجه به خواسته لآ و نیازهای مردم برنامه ریزی کرده و عدالت را سرلوحه خود قرار می دهد. لطقه لای که از جمله خصائل پسر انسان یا مسیحا را ه ا او در داوری جهانی نام برده اند که گاه منزلتی شبیه منزلت خدا به او می دهد.

نهایتاً در مزمورا قضاوت شایسته او را به خوبی بیان می کند که:

قوم لآ را به انصاف داوری خواهد نمود، آسمان شاد و زمین مسرور می گردد، دریا و پری آن غرش نمایند، صحرا و هر چه در آن است به وجد آید، آن گاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند؛ زیرا که می آید؛ زیرا که برای داوری جهان می آید، آسمان لآ عدالت او را اعلام می کنند و جمیع قوم لآ جلال او را می بینند (مزمور ۹۶، ۹۷).

و بدین گونه او به قضاوت در جهان می پردازد. در هر حال زمانی که از

تخلای آرمانی سخن به میان آید این نکته در نظر مردم جلوه می‌کند که خواسته‌ها و نیازها چگونه مرتفع می‌شود باید گفت این سوال در نظر مردمی که از دور به این جامعه می‌نگرند مطرح می‌شود و گر نه با آنچه که از درجات معنوی و کمال برای مردم آن زمان گفته شد اغماض این مسئله بدین شکل مهم جلوه نمی‌کند.

“این حال از آنجا که رفع نیازهای مادی لازمه زندگی بشری است در حکومت آرمانی که چه در دین یهود و چه در شیعه مطرح می‌گردد لغت‌ها و نیازها و خواسته‌های مردم هم پرداخته شده و روایات زیادی در چگونگی ادامه جریان زندگی در آن دوران بیان گردیده است.

شواهدی که در این کتاب آمده در آن زمان هیچ امری بر صاحب الامر پوشیده و مخفی نیست با تسلط کامل آن حضرت بر اوضاع نیازها به راحتی رفع می‌شود؛ چون آگاهی از نیازها به راحتی و به صورت مستقیم صورت می‌گیرد. بنابر متون کتب مقدس یهود هم موعود بر جهان حکومت رانده امنیت و صلح و پیش آرا که لازمه زندگی بشری است به ارمغان می‌آورد. در سخن اشعیا آمده که قبل از آنکه بخوانند من جواب خواهم داد» که این مطلب را می‌توان بر آگاهی از نیاز مردم بدون بیان خواسته منطبق کرده و در حقیقت همان مفهومی را که در شیعه مطرح می‌شود در اینجا هم بیان شده است.

در زمینه سیاست‌گذاری نیز موعود شیعه نیازها و خواسته‌های مردم را مطابق “قرآن و شرع اجرا می‌کند. در دین یهود هم این تصمیم‌گیری که اَقْتُلْ لَكَ لِقَاعِدِ الْهَيْ فِي رَأْسِ حُكُومَتِ اتَّخَذَ مِنْ شُورَى الْمَسْلُومِ رَهْبِرَ چنين تخلای از خواسته‌های مردم آگاهی دارد تصمیمات مستقیماً توسط رهبر الهی و با عنایت خداوند اتخاذ شده است “ لا اجرا در می‌آید.

یکی دیگر از غم‌خیزترین ویژگی‌هایی که برای هر جامعه آرمانی ذکر می‌شود چگونگی قضاوت و اجرای احکام است در آیین تشیع آنچنان از چگونگی قضاوت

و اجرای عدالت مهدی موعود سخن گفته می‌شود که بی نظیر و بی همتا خوانده شده و شیعیان معتقدند در هیچ دوره‌ای مشاهده نشده است. در منصب قضا و داوری حتی اعتقاد بر وجود عنایات و امدادهای غیبی استب " لطف لای که هیچ خطا و اشتباهی صورت نگرفته حتی مردگان نیز آرزوی بهره مندی از این عدالت و رعایت حقوق را دارند.

در دین یهود نیز این مسـله بسیار مورد تـکید قرار گرفته است و در پیش‌گویی‌های انبیاپی چون دانیال و اشعیا این موعود با صفاتی چون عدالت و انصاف شناخته شده قضاوت و عدالت از شاخصه‌های آن دوران محسوب می‌گردد. در هر حال باید گفت از جمله مسائل محوری که مورد اشتراک هر دو دین است پیرامون کارویژه فرآیندی و با خصوص نحوه قضاوت و اجرای عدالت در درون آرمان‌شهر موعود است که به نظر در هر دو مکتب بسیار مورد تـکید قرار گرفته و آن را از مهم‌ترین اقدامات موعود در جامعه آرمانی می‌دانند.

#### ب. کارویژه‌های سیستمی

یکی دیگر از کارویژه‌های اساسی در جامعه کارویژه‌های سیستمی است که تعیین‌کننده تغییر یا حفظ نظام هستند. سه کارویژه جامعه پذیرای گزینش کارگزاران و ارتباط‌گیری را کارویژه‌های سیستمی می‌خوانیم که در تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی دخالت مستقیم ندارند ولی برای نظام سیاسی دارای اهمیتی بنیادین بوده در تقویت فرایند سیاسی و نفوذ یافتن در ارکان آن است. تعیین‌کننده دارند. جامعه پذیرای راهی است برای انتقال اندیشه باورهای یک فـأظ " لفـأظ "حجـب همان فرایندی که انتقال فرهنگ خوانده می‌شود. گزینش کارگزاران سیاسی به انتخاب افراد برای فعالیت‌های سیاسی و مناصب حکومتی اشاره دارد و نهایتاً ارتباط‌گیری که ناظر بر جریان یافتن اطلاعات در دل جامعه و ساختارهای مختلف تشکیل دهنده نظام سیاسی است.

در این باره می‌توان گفت در آن دوران اساساً ساختارهای اجتماعی دگرگون

می‌شود؛ زیرا در آن زمان به حکم و سنت جدید قیام خواهد یافت. نگاه بیشتر احکام جاهلی و قوانین باطل فاسد خواهد گردید و فرمان و روشی نوین جایگزین آن‌ها خواهد شد. خرده‌های مردمان به کمال می‌رسد و در نتیجه آرمان‌های اصلاحی در جبهه سیاسی اجتماعی و اقتصادی تحقق یافته‌ا. پادشاهان می‌غشاید و انقلاب فرهنگی آنان عمیق و فراگیر است که همه مردم را علم و حکمت را می‌آموزند.

#### جامعه پذیری

“به اساس روایات آن حضرت همه اجتماع بشری را اصلاح می‌کند و <sup>۱</sup> لطف لای اسلامی به غنق لای واقعی ایجاد می‌نماید. از وسایل تربیتی به طور کامل بهره می‌گیرد و از این طریق تعلیمات مربوط به تربیت درست و الهی گونه را صادر می‌کند از آنجا که مردم به کمال می‌رسند در جامعه پذیری نیز همان‌گونه که راهگشای افراد است. البته این امر به <sup>۲</sup> ”گسترش علم و فرهنگ است چنانکه از امام باقر <sup>علیه السلام</sup> روایت شده است:

هرگاه قائم ما خروج کند، دست خود را بر سر بندگان می‌گذارد؛ پس به سبب آن عقلهای ایشان را جمع می‌کند و خرده‌هایشان کامل می‌شود.

پس عقول مردم کامل می‌گردد و فرهنگ متعالی در جامعه رواج می‌یابد چرا که لمیسید در درون خودش به کمالات رسیده از صفات رذیله پاک می‌شود و کسی هم محتاج دیگری نیست. با این حساب <sup>۳</sup> لطفه پذیری مردم و ارتقای فرهنگ و علم آن‌ها در جامعه آخرالزمان از درون هر انسان آغاز می‌شود و با عنایت‌های امام زمان <sup>علیه السلام</sup> تکمیل می‌گردد.

در حکومت آرمانی یهود هم رشد و تعالی مردم مورد توجه قرار می‌گیرد. در آن زمان از زمینه مطلوب برای کسب کمال اخلاقی و عقلانی فراهم می‌شود که این امر لازمه تشکیل حکومت آرمانی از نظر یهود است. ابن میمون فیلسوف و دانشمند یهودی معتقد است آنچه که عصر مسیحا را ممتاز می‌کند دانش الهی و دین است نه مواهب و معجزات طبیعی <sup>۴</sup> ”لطف لای که بزرگ‌ترین نعمت آن

روزگار در نظر او این است که انسان خواهد توانست فارغ از موانع جنگ و ستیزا تمام وقت خود را وقف مطالعه حکمت و عمل به شریعت الهی کند. او علم، حکمت و حقیقت را از ویژگی‌های آن دوران شکوهمند دانسته و معتقد است که خود مسیحا از سلیمان حکیم تر و تقریباً به عظمت موسی خواهد بود. او کلمه خدا را به همه خواهد آموخت و تمام امت‌ها به او گوش فرا خواهند داد. در اشعیا آمده است:

جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد؛ مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند (اشعیا ۹: ۱۱).

با این اوصاف می‌توان گفت در آن زمان اچنان تحول عظیم علمی و فرهنگی‌ای به وجود می‌آید که همه مردمان به خدای یگانه ایمان خواهند آورد. درهای رشته‌های گوناگون علم و دانش به روی انسان‌ها گشوده خواهد شد و سطح معلومات بشری بالا خواهد رفت.

در برگ‌های گوناگون از کتاب مقدس نیز "پاتحاد و یکی شدن قوم‌ها و مردم همه جهان تاکید شده است؛ اما در بعضی روایات کتب مقدس نیز صهیون یا اورشلیم اقامت‌ها منبع الهام دینی معرفی شده است. در جایی آمده است:

بیاید تا به کوه خداوند و خانه خدای یعقوب برآئیم، تا طریقت‌های خویش را به ما تعلیم دهد و به راه‌های وی سلوک نماییم؛ زیرا که شریعت از صهیون، و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد (کریستون، ۱۳۷۷: ص ۲۶).

بنابراین باید گفت تمام علوم و دانش‌های الهی در آن زمان مورد توجه قرار گیرد. لا مردم به دنبال کمال هستند. در چنین شرایطی مردم به یکرنگی رسیده‌اند و آرمانی شکل می‌گیرد.

### گزینش کارگزاران

کارگزاران برای هدایت جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند و در این میان افرادی که در آرمان‌ها با این نقش را به عهده می‌گیرند باید از شرایط ویژه‌ای برخوردار

«لَقَدْ يَارَانِ حَضْرَتِ مَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بزرگوارانی هستند که بسان آنان در تاریخ بشر کم پیدا شده است. در عین حال این نیروها از ملیت‌های گوناگون تشکیل شده‌اند و به هنگام قیام با شیوه خاصی فراخوانی می‌تفکد این افراد که از پیش برای فرماندهی تعیین شده اندا هدایت لشکریان و عملیات جنگی را به عهده می‌گیرند. در روایات نیز ترکیب دولت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ از پیامبران ا جانشینان آنان ا تقوایبشگان ا صالحان روزگارا امت‌های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبران معرفی شده است که می‌توان در این میان نام بعضی از آنان و غ اؤهیتشان را به نقل از روایات فهمیب همچون حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ که در روایات از ایشان با واژه‌های گوناگون مانند وزیرا جانشینا فرمانده و مسؤل در حکومت یاد شده است. در روایتی نقل شده است که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ ل حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید:

همانا من به عنوان وزیر فرستاده شده ام، نه امیر و فرمانروا (مجلسی، ۱۳۸۰ق: ج ۱۳، ص ۱۱۲۲).

در این میان از افراد دیگری نیز یاد می‌شودا قی فککه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: هنگامی که قائم قیام می‌کند، ۲۵ تن از قوم موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ آنان که به حق قضاوت کرده و با عدالت رفتار می‌کنند، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری و مالک اشتر را از پشت کعبه بیرون می‌آورد (رجالی تهرانی، ۱۳۷۹: ص ۲۱۷).

علاوه بر این امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ یاورانی دارد که او را در جهاد و جنگت یی نتگ دشمنان یاری می‌کنند. در کتاب کمال الدین به نقل از امام ششم عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است: در همین مسجد شما یعنی در مکه به زودی ۳۱۳ مرد می‌آیند که اهل مکه به خوبی می‌دانند آن‌ها را پدران و نیاکان آنان نزاییده‌اند. بر دست آنان شمشیرهایی باشد و بر هر شمشیری کلمه‌ای نوشته باشد که از آن، هزار کلمه گشوده گردد. پس خدای تبارک و تعالی بادی فرستد تا در هر وادی جار کشد که: «این است مهدی به روش داوود و سلیمان قضاوت کند و گواه بر حکم خود نطلبد» (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۳۸۷).

در میان احادیث از این ۳۱۳ نفر به تکرار یاد می‌شود که همراه و یاور امام خدیجه بی‌لایق امیرالمومنین علیه السلام در وصف آنان فرموده است:

خداوند، دل‌های آن‌ها را انس و الفت بخشید. آن‌ها از رفتن کسی وحشت نکرده، از آمدن کسی ابراز مسرت نمی‌نمایند. تعداد آن‌ها به شماره‌ی اصحاب بدر ۳۱۳ نفر است که در میان گذشتگان آن‌ها نظیر نداشته، در آینده نیز نظیر نخواهند داشت. شماره آن‌ها به تعداد اصحاب طالوت ۳۱۳ است که از آب رودخانه گذشتند (سلیمان، ۱۳۷۶: ص ۴۱۰)

کارگزاران حکومت را جزء این ۳۱۳ نفر می‌دانند که از این گروه‌ها با نام‌های ف... "أرفقاؤه" اخذ با اوتادا رجال الهی اعوان و قوادلصم اهل قضاوت و... یاد شده است. البته باید توجه داشت که در آغاز ظهور یاران امام زمان علیه السلام ۳۱۳ نفرند و بعد از آن به طور سریع بر یاران آن حضرت افزوده خواهد شد به طوری که در همان آغاز به ده هزار نفر می‌رسد. "این اساس یاران خاص آن حضرت ۳۱۳ تن بیش نیستند که در واقع فرماندهان لشکری و کشوری دولت کریمه مهدی موعود علیه السلام می‌باشند و آن حضرت حرکت اصلاح‌گرانه خویش را با لشکر ده هزار نفری آغاز می‌کند"

این کارگزاران دارای ویژگی‌های خاص خود هستند. امام خمینی رحمه الله فرموده است:

از کارگزاران امام زمان ظلمی صادر نمی‌شود؛ چون افراد صالحی هستند. در صورت ظلم، ظالم تحت پیگرد قرار می‌گیرد و مجازات می‌شود. جرم و گناه در حکومت ایشان به حداقل می‌رسد (خمینی، ۱۳۸۱: ص ۱۸)

پس در واقع اِغْاِله ناشایستگی و بی‌عدالتی در مورد کارگزاران حکومت مهدوی ناممکن می‌شود زیرا در گام نخست کارگزاران این آرمانی‌میان انسان‌های پاک‌لیده و تربیت یافته‌ای هستند که ترس خدا و پایبندی به تعهد و تکلیف است. خون آنان عجین شده و ایمان به خدا روحشان را در خود گذاشته و از نو ساخته است. آنان در سیر باطنی و روحی که خود را از قید امیال شهوات و گرایش‌ها



نفسانی آزاد شده و به ملکه عدالت راستین دست یافته‌اند.

کسانی که قرار است جامعه آرمانی یهود را به رهبری ماشیح اداره کنند نیز برگزیدگان خدا هستند. در اشعیا آمده است:

و قوم تو همگی عادل و نیکوکار خواهند بود و برای همیشه زمین را به میراث خواهند برد (اشعیا ۲۱: ۶۰).

در مزموور هم این‌گونه آمده است:

اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند بود؛ اما حلیمان، وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند شد (مزموور ۲۹: ۳۷).

بنابراین می‌توان فهمید کسانی که در حکومت ماشیح خدمت می‌کنند افرادی هستند که خدا آن‌ها را برای این مقام برگزیده است. آنان از زشتی و دورویی “رکنار بوده‌ا به دنبال خدمت به ماشیح و جامعه آرمانی هستند در مکاشفه عزرا آمده است:

عبد من مسیحا ظاهر خواهد شد، همراه با آنانی که در ایشان، نفس انسانی است (دوم عزرا ۷: ۲۸).

با این توضیح او همراهانی دارد که لزوماً معادل جامعه آسمانی نیست و ممکن است برخی افراد سعادت‌مند زمینی او را همراهی کنند افرادی که “لحق” تقدسشان و اعمالشان در دنیا برگزیده‌ی گه افتخار همراهی با منجی یهود را برای کمک به او در هدایت جامعه دارند. البته بسیاری از آنچه که خدا برای جامعه آرمانی انجام می‌دهد “ل دلیل وجود همین کارگزاران و برگزیدگان است و خود این افراد زمینه ساز ظهور هستند:

«و من آسمان را دگرگون می‌سازم و آن را برکت و نور خواهم داد، و من زمین را دگرگون خواهم ساخت و آن را برکت خواهم داد، و من برگزیدگانم را بر روی آن سکنا خواهم داد؛ اما گناهکاران و شروران، بر روی آن قدم نخواهند گذاشت» (دوم بارک ۱: ۳۰)

با این حساب کارگزاران در حکومت ماشیح کسانی هستند که از طرف خدا

برگزیده شده‌اند و مسلماً چنین افرادی جز تلاش برای سعادت جامعه آرمانی‌ا هدف دیگری را دنبال نخواهند کرد.

### ارتباطات

ارتباطات نیز در آن دوران به اوج خود می‌رسد. غُلْمَلَى طَوْلَانِي در مدت اندکی طی می‌شود و دریا زیر پای مردمان درنوردیده می‌شود. برخی روایات نیز "ل سوار شدن بر ابرها اشاره دارد. حتی گاهی سخن از مسافرت بدون وسیله‌های ظاهری چون سفرهای سلیمان است.

از نظر ارتباطات صوتی و تصویری جهانی نیز آن دوران ویژگی‌های خاصی دارد. در روایتی به برقراری ارتباطات بدون نیاز به وسایل خارجی اشاره دارد:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند به گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما نیرویی عطا می‌کند که میان آنان و قائم پیک نخواهد بود که ارتباط برقرار کند. پس آن حضرت هر جا باشد با ایشان سخن می‌گوید و آنان سخن حضرتش را می‌شنوند و او را می‌بینند؛ در حالی که حضرتش در مکان خود می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۳۶)

و بدین لحاظ در آن دوره‌ها یک آمانهٔ نیرومند و مجهز برای انتقال تصویرها با وجود می‌آییب چنانکه نه موانع مرتفع و نه گودی‌های زمین مانع از رؤیت موجودات نخواهد بود.

سهولت رفت و آمد و جابه‌جایی از دیگر مواردی است که در احادیث به آن اشاره شده است. رسول خدا ﷺ درباره چگونگی حمل و نقل در آن زمان غی فرمایند:

پس از شما قومی خواهد آمد که زمین زیر پایشان طی و پیموده می‌شود و درهای جهان به رویشان باز می‌گردد... زمین در کمتر از یک چشم به هم زدن پیموده می‌شود، به گونه‌ای که اگر کسی از آنان بخواهد، شرق و غرب را در ساعتی بپیماید، این کار را انجام می‌دهد (طبری، ۱۳۸۰: ص ۱۸۵).

این روایات با همگی بیان‌گر ارتباطات سهل و آسان در جامعه مهدوی و در

آاختارهای نظام است و در پی آن مردم بدون مشکل<sup>۳</sup> کارگزاران و حاکم<sup>۴</sup> نخواهند سخن می گویند.

در جامعه آرمانی یهود نیز ارتباطات به بهترین وجه تحقق می یابد. این امر در مکاشفه عزرا این گونه توصیف شده است:

آن روز، نه خورشید خواهد بود و نه ماه و نه ستارگان، نه ابر و نه رعد و نه برق، نه باد و نه هوا، نه تاریکی و نه شامگاهان و نه بامدادان، نه تابستان و نه بهار، نه پاییز و نه زمستان، نه یخبندان و نه سرما، نه تگرگ و نه باران و شب‌بنم، نه ماه و نه شب و نه سپیده دم، نه تابش و نه درخشش و نه روشنایی، مگر تنها جلال و شکوه خدای بلند مرتبه که به وسیله آن، همگان هر آنچه را در پیش رویشان نهاده شود، مشاهده خواهند کرد؛ زیرا آن روز مانند هفته، سال‌ها<sup>۱</sup> خواهد بود (کریستون، ۱۳۷۷: ص ۵۷).

بنابراین در آن زمان مردم به راحتی می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در آن زمان چشمان بینندگان تاری نخواهد شد و گوش‌های شنوندگان شنوا است و دل شنوندگان معرفت را خواهد فهمید. طبق آنچه در اشعیا آمده است حتی کسانی که نمی‌بینند و نمی‌شنوند در آن زمان بینا و شنوا خواهند شد.<sup>۲</sup> این حساب دیگر برای ارتباط بین حکومت و مردم مشکلی وجود ندارد. علاوه بر افزایش بینایی و شنوایی تمام افراد رفت و آمد نیز به راحتی صورت می‌گیرد: اما آنانی که منتظر خداوند می‌باشند، قوت تازه خواهند یافت و مثل عقاب پرواز خواهند کرد، خواهند دوید و خسته نخواهند شد (اشعیا ۳۱: ۴).

با وجود این قدرت‌ها دیگر مشکلی در روابط اجتماعی و مسائل ناشی از آن وجود نخواهد داشت و روابط میان افراد گروه‌ها<sup>۱</sup> حکومت کنندگان و عموم مردم به راحتی صورت می‌گیرد. مسلماً در این شرایط به کسی ظلم نمی‌تواند و در حق کسی اشتباه صورت نمی‌گیرد؛ زیرا رهبر جامعه علاوه بر اینکه از مشکلات جامعه آگاه است جلوی رواج ظلم و ستم را هم می‌گیرد.

۱ منظور، هفت روز آفرینش جهان است.

در نهایت باید گفت که در آرمان شهر یهود و شیعه اصلاح و تربیت مردم از جمله اصول اساسی در برنامه ریزی این حکومت آرمانی استب چرا که بنا بر آنچه که گفته شده است مردم در آن دوره به سطحی از عقل و آگاهی می‌رسند که باعث افزایش میزان درک آن‌ها می‌شود و عقول آن‌ها به کمال می‌رسد " لطفه لای که مغلوبه پرستش خدای یگانه روی آورده‌اند. ثاو را می‌خوانند. دربارهٔ دیگر مسائل هم به "آ" تربیت الهی‌ای که بر جامعه حاکم می‌شود مردم از کژی‌ها و نادرستی‌ها حفظ گردیده‌اند ضمن گسترش علم و حقیقت و فهم عمیقاً به کمال اخلاقی و عقلانی دست می‌یابند.

البته تفاوتی که در این قسمت به نظر می‌رسد این است که در مذهب تشیع این نوع کمال و تعالیم اخلاقی اب‌پیشا به فرد یا مردم یک منطقه اختصاص ندارد و امری فراگیر استب در حالی که در بعضی سخنان نقل شده در کتب یهودا مکان این تعلیم و تربیت بشری و تنها منبع الهی اورشلیم معرفی شده است و هرچند برای تمام مردم جهان نیز این تعلیم صادر می‌شود مکان اصلی این علوم و احکام از میان یهودیان و توسط آن‌هاست و از اورشلیم به عنوان محل صدور قوانین الهی یاد شده است.

از سوی دیگر یکی از بدیهیاتی که در هر دو مکتب بر آن تأکید شده وجود افرادی از پاکان و برگزیدگان برای اداره حکومت است. کسانی که قابل اعتماد بوده‌اند " لطف و عنایت الهی لیاقت خدمت در کنار موعود برگزیده را داشته‌اند و بدین وسیله او را در امر بزرگ نجات جهان از ظلم و فساد و هدایت آن به سعادت همراهی می‌کنند چرا که آن‌ها برگزیدگانی هستند که تا پیش از ایجاد حکومت آرمانی این شایستگی را از خود نشان داده‌اند و مورد لطف و عنایت الهی قرار طیب<sup>۱</sup> لاند. آن‌ها کسانی هستند که مورد تأیید خدا قرار گرفته‌اند و این از هر نوع تأییدی برتر است.

دربارهٔ ارتباطات نیز باید گفت: در این آرمان شهرها سخن از وسایل ارتباط

جمعی پیشرفته است که باعث سهولت رفت و آمد و ارتباط می‌تقتب چنانکه در روایات شیعه از بهره گیری از ابزاری همچون ابر و در کتب یهود هم از پرواز لمچون عقاب سخن گفته شده که ظاهراً لمغلا اینها مثال‌هایی برای فهم بهتر پیشرفت ارتباطات در آن زمان است. علاوه بر این به تکرار سخن از نوعی ارتباط دیداری و شنیداری بین امام یا موعود با مردم یا بین مردم با یکدیگر است که به فحیا نوعی معرفت و بصیرت است که بـ لـ تـکـ " دستیابی به کمالات روحی و معنوی برای آن لمأچاصل می‌تقتد. در واقع سخن از نوعی بصیرت و شهود در دل مردم آن زمان است که علاوه بر اینکه همراهی و همدلی مردم را بیشتر می‌کند ارتباط آن‌ها با رهبر و موعود خود را به بهترین طریق صورت می‌دهد.

### ج. کارویژه‌های سیاست‌گذاری

سومین دسته از کارویژه‌های نظام سیاسی مربوط به بروندادها یعنی نمودهای اجرایی فرایند سیاسی است که همان اثرات اساسی واردتیه تـتخت لا اقتصاد و سیطی ط لا ائگ این بروندادها در واقع انواع سیاست‌های عمومی است که دولت برای دستیابی به اهدافش اتخاذ می‌کند. این کارویژه‌ها شامل اشکال مختلف عملکرد تنظیم به معنای تنظیم رفتار و اعمال کنترل بر رفتار افراد و گروه‌های موجود در جامعه استخراچ ق ائخ یا به دست آوردن منابع در قالب مالیات و نظایر آن و عملکرد توزیع یا تقسیم مزایا و خدمات میان گروه‌های مختلف مردم و در واقع استخراچ تنظیم و توزیع است.

### استخراچ منابع

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها در حکومت موعودا وفور نعمت است؛ زیرا از آنجا که مردم به اطاعت خدا روی می‌آورند و بر فرمان حجت او گردن می‌تقتگا دیگر دلیلی ندارد که زمین و آسمان از برکات خود بر بندگان خدا مضایقه کتق بگ از این رو باران‌های موسمی شروع به باریدن می‌کند رودخانه لماتتیه از آب می‌شودا

زمین را آنچه با ظخیز می گرفتگا کشاورزی شکوفا می شود و وضعیت عمومی جامعه به بهبودی اوضاع اقتصادی می انجامد.

یکی از مشکلاتی که باعث ناکامی دولت‌ها می شود عدم تامین منابع مورد نیاز مردم است. اما خدای متعال گنجینه‌های پنهانی خویش را در اختیار حجت خود قرار می دهد و در دوران آن حکومتا مشکلی مطرح نمی شود. خدا تمام توانایی‌های پیامبران پیشین و قدرت‌های پیامبر اسلام و امامان علیهم‌السلام را به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه ارزانی داشته است تا بدین وسیله حکومت خود را در سراسر جهان مستحکم سازد.

در زمینه انبوهی نعمت و منابع و اموال روایات بسیاری ذکر شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌تعالیه‌وآله‌وسلم در حدیثی می فرماید:

زمین، بار محصول خویش را می دهد و در دل خود، چیزی بر جای نمی گذارد. در آن روزگار، مال و ثروت، خرمن می شود. هر کسی در برابر مهدی بایستد و بگوید: «ای مهدی به من مالی بده» مهدی بی درنگ گوید بگیر» (مجلسی، همان: ج ۵۱، ص ۸۸).

این‌ها نیستند عظیمی " لا " نیکی و پارسایی مردم و عدل و انصافی که در جامعه برقرار می شود. خدا در قرآن کریم به این امر در جامعه تقوا پیشه گان اعتراف کرده است؛ آنجا که می فرماید:

پس گفتم: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا از آسمان برایتان پی در پی باران فرستد و شما را به اموال و فرزندان مدد کند و برایتان بستان‌ها و نهرها بیافریند (نوح: ۱۲).

این آیه حکایت از فراوانی نعمت دارد. در حدیث دیگری در بحار الانوار نیز آمده است:

زمین، گنجینه هایش را برای او [= حضرت مهدی علیه‌السلام] خارج می کند و وی مال و سرمایه بی شمار بین مردم پخش می نماید.

همه این روایات از اید ف حکایت دارد که در دوره حکومت مهدوی زمینه برای

مردم فراهم است تا از زمین و آنچه که از معادن و مزارع در آن است بهره مند می‌توانند. نتیجه ثروت‌های مردم و برکات افزون خواهد گردید و از آن پس محرومیت و گرسنگی از میان مردم رخت برخواهد بست. از طرف دیگر علاوه بر سرمایه و ثروت امکانات رفاهی و امور دیگر سامان می‌یابد.

در احادیث به آبادانی راه‌ها نیز اشاره شده و این‌گونه آمده است که احداث آبراه  $لَا أَلْكَ فِ ظَهَا$  و بستن سدها بر روی رودخانه‌ها به ویژه بین کربلا و نجف صورت می‌گیرد و در مسیر آن آب  $لَا أَسِيَابَ لَأَلْكَ$  لغی شود که در آن دانه  $لَا$  آرد می‌شوند و برای هرکس این امکان وجود خواهد داشت که از آن آسیاب  $لَا$  ل طور رایگان استفاده نماید.

این دوره‌ای است که در آن همه نیازها و خواسته‌ها برآورده شده است و موجود در محیط استخراج می‌گردد. در حدیثی امام باقر  $ع$  فرمود:

هرگاه قائم ما ظهور کند، جارچی از مکه جار کشد: «هلا کسی خوردنی و نوشیدنی با خود بر ندارد». آن حضرت حجر موسی بن عمران  $ع$  را که یک بار شتری است با خود بردارد و به منزلی بار نیندازد، مگر آنکه از آن، چشمه روان شود و هرکس گرسنه باشد و از آن نوشد، سیر شود و هرکس تشنه باشد، سیراب گردد و مرکب‌های ایشان هم سیراب شوند تا وارد نجف بشوند که در وادی کوفه است. (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۳۸۷).

در حکومت آرمانی یهود نیز برای برآورده شدن نیازهای مردم در آن دوران کمبودی احساس نمی‌شود به طوری که برقراری صلح و امنیت که از نیازهای عمده‌ی مردم است  $لَم$  ترین وجه در آن زمان تامین می‌شود. در روایت است: در آن روز به ایشان با حیوانات صحرا و مرغان هوا و حشرات زمین عهد خواهیم بست و کمان و شمشیر و جنگ را از زمین خواهیم شکست و ایشان را به امنیت خواهیم خوابانید (هوشع ۱۸: ۲).

نیز در حزقیل آمده است:

شما را از تمام ناپاکی‌ها و پلیدی‌هایتان نجات می‌دهم، غله را بارور نموده و آن را زیاد خواهم کرد و دیگر برای شما قحطی قرار نخواهم داد.

در سخنان دیگر بعضی از نعمت‌آرا بر شمرده و بدین وسیله وفور نعمت آن دوران را گوشزد می‌کنند زیرا از وعده‌هایی که به بنی اسرائیل داده شده وجود آبادانی و فراوانی استب چنان که آمده است:

خرمن شما به قدری زیاد خواهد بود که کوبیدن آن تا هنگام چیدن انگور، ادامه خواهد داشت و انگور شما به قدری فراوان خواهد بود که چیدن آن تا کاشتن بذر، طول خواهد کشید. خوراک کافی خواهید داشت و در سرزمین شما صلح و آرامش خواهم بخشید و شما با خاطری آسوده به خواب خواهید رفت (لاویان ۷، ۵: ۲۶).

بر این اساس وضعی که جهان تحت نظر ماشیح خواهد داشت به بهترین وجه توصیف شده است. نیروی باروری طبیعت تا میزانی شگفت‌انگیز و معجزه‌آسا فزونی خواهد یافت. در این میان پیرامون چگونگی بعضی محصولات نیز توصیفات در کتب یهود یافت می‌شود؛ از جمله:

در دوران ماشیح، انسان یک حبه انگور را با گاری یا فایق می‌آورد و آن را گوشه خانه خود می‌گذارد و از آن به قدر یک خم بزرگ آب انگور می‌گیرد و بقایای آن را در آشپزخانه می‌سوزاند و یک حبه انگور که سی پیمانۀ شراب ندهد یافت نخواهد شد (کتوبوت، ۱۱ب).

در حزقیال نیز مواردی ذکر شده است؛ از جمله:

درختان را وادار می‌کند تا هر ماه میوه آورند و انسان از آن میوه‌آمی‌خورد و شفا می‌یابد و بر لب آن نهر (نهری که اورشلیم جاری است و هر کس به واسطه آن، شفا خواهد یافت) در این طرف و آن طرف هر نوع درخت خوراکی خواهد روید که برگ آن پژمرده نخواهد شد و میوه اش تمام نخواهد گشت و هر ماه میوه‌ای تازه خواهد آورد، زیرا که آبش از مقدس جاری می‌شود و میوه آن برای خوراک و برگ آن به جهت علاج و شفا خواهد بود (حزقیال، ۴۷: ۱۲).

“ی این اساس منابع در حد فراوان استخراج می‌گردد مورد استفاده قرار می‌گیرند. در دین یهود علاوه بر این موارد نکاتی دیگر نیز درباره گسترش منابع و وفور



آن‌ها ذکر شده است که همگی بر گسترش رفاه و آسایش تکیه دارند. البته باید گفت که وعده‌های بعضی از ربانیون درباره بعضی از موارد همچون لباس‌های دوخته و نان‌های پخته که زمین تولید خواهد کرد یا مواردی شبیه این‌ها تعبیرهایی کاملاً مجازی هستند که بر آسان شدن تحصیل معاش در آن دوره دلالت دارند و همگی نشان‌طی و فور نعمت و گسترش رفاه در آن زمان است.

### عملکرد تنظیم و توزیع

برنامه ریزی‌های دقیقاً کنترل امور و به کارگیری آن‌ها در حکومت مهدوی همراه با استفاده از دانش بی کران الهی توسط امام است که می‌تواند همه شی‌اش را آباد کرده برای تَمین زندگی و رفاه مردم راه و روش‌هایی عرضه نماید. همین طرح‌ها و برنامه‌ها از عوامل پیشرفت جامعه است و تنظیم دقیقاً عاملی می‌شود در جهت بهره‌وری و استفاده بهتر از مزارع و منابع قابل برداشت. تا زمانی که کنترل اوضاع به دست رهبری حکیم باشد از فحیه جلوگیری در هدر رفتن اموال مشکلی وجود ندارد.

همچنین از آنجا که کنترل جامعه در دست مستمندان است و آنان در این امر نقش اساسی دارند اذقت لازم را برای کنترل اوضاع و جلوگیری از سوء استفاده انجام می‌دهند. در عین حال آن حضرت در اداره امور از نظر اقتصادی گشاده دست بوده اموال را برای آسایش و رفاه مردم به کار می‌طیرد. پس از آن‌ها و دیگر کسی دچار فقر نمی‌نماید و سراسر گیتی در کنترل او و یاورانش خواهد بود. در حکومت موعود شیعه‌ها توزیع منابع موجود بین افراد نیز به شکلی عادلانه صورت می‌گیرد و همه از حقوق خود برخوردار می‌شوند بنابراین رعایت قاطع اصل مساوات و عدالت غغجب تعدیل ثروت‌ها و برابری در توزیع کالاها و مواد مورد نیاز همه مردم است که از تراکم و ذخیره سازی جلوگیری می‌کند و زمینه بی‌نیازی را فراهم می‌نماید.

رسول خدا ﷺ می فرماید:

در آخر الزمان، خلیفه‌ای ظهور می کند که مال را بدون شمارش می بخشد  
(طبسی، ۱۳۸۰: ص ۱۹۷).

آن حضرت همچنین می فرماید:

در آخرین دوران امت من، خلیفه‌ای خواهد بود که اموال را مشت مشت به  
مردم می دهد و آن را نمی شمارد (طبسی، همان: ص ۱۹۷).

آن دوران علاوه بر اینکه دوره وفور و فراوانی است توزیع اموال نیز به گونه‌ای  
صورت می گیرد که حتی مردم برای دادن صدقه و زکات کسی را پیدا نمی کنند و  
لمعلا در بی نیازی با سر می یفتنگ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

مهدی علیه السلام اموال را میان مردم چنان به مساوات تقسیم می کند که دیگر  
محتاجی دیده نمی شود تا به او زکات دهند (مجلسی، ۱۳۸۰: ج ۱۳، ص ۸۴).

همچنین درباره چگونگی توزیع و پرداخت اموال فرمود:

گویی دین شما را همچون پرنده‌ای مشاهده می کنم که می گریزد و در خون  
خود می تپد و کسی آن را به شما باز نمی گرداند، مگر مردی از خاندان ما اهل  
بیت. در آن هنگام، وی در سال دو پاداش و در ماه دو روزی به شما می دهد و  
در زمان او به حکمت دست می یابید (مجلسی، همان: ۱۱۲۳).

بر اساس این روایت هر شش ماه یک پاداش و بخشش مالی از بیت المال و  
توزیع مواد غذایی و خواروبار هر دو هفته یکبار صورت می گیرد و با لطف لای  
تنظیم شده است که از زیاده روی و کوتاهی در توزیع اموال جلوگیری گردد.  
این مطلب خود به خوبی گواه است که بخشندگی امام در توزیع اموال لطف لای  
است که به هر کس که بخواهد می بخشد و البته نیازمندی نیست.

بر اساس آنچه که از عدالت و مساوات مایشیح یهود نیز ذکر شده است با بعید به  
نظر می رسد که منابع به خوبی کنترل نشود بلکه با وجود چنین حکومتی اموال  
اعتقاد یهود دیگر نه تنها بی عدالتی درباره مردم وجود ندارد بلکه منابع نیز با  
کنترل حکومت تنظیم می شهگا خود مایشیح و یاران او در نقاط مختلف جهان با

عدالت و درستکاری در جهت سعادت و رفاه مردم تلاش می‌کنند و به خوبی بر رفتار افراد و گروه‌ها و به خصوص کارگزاران حکومت در جهت اوضاع رفاهی مردم نظارت دارند:

بلکه بر اساس عدالت حکم می‌کند و داد ضعیفان را می‌ستاند (اشعیا، ۵: ۱۱).

“لذلیل برنامه ریزی مایشیح امور به خوبی و از جهات مختلف تنظیم و کنترل می‌گردد و منابع کسب شده و برنامه ریزی شده هم به خوبی توزیع می‌گردد. لکنی چند در کتب عهد عتیق دربارهٔ وفور نعمت و گسترش رفاه در بین قوم بنی اسرائیل تاکید می‌گردد در عین حال به گسترش در بین اقوام و ملل دیگر نیز اشاره گردیده است” لطف‌لای که تمام شهرهای ویران شده را از نو آباد کرده و در آن‌ها ویرانه‌ای یافت نخواهد شد. در حزقیال آمده است:

و خواهرانت شهر سدوم و دخترانش (دهات اطراف) به حالت نخستین باز خواهند گشت (حزقیال، ۵۵: ۱۶).

همچنین منابع بین جمیع امت‌ها تقسیم می‌شود تا هیچ‌کس گله و شکایتی صورت نگیرد و همه از نعمات الهی بهره‌مند گردند:

تو را حفظ نموده، عهد قوم خواهم ساخت تا زمین را مأمور سازی و نصیب‌های خراب شده را تقسیم نمایی

بنابراین علاوه بر گسترش و وفور منابع زمینی این منابع به خوبی بین همه مردم جهان توزیع و کنترل می‌گردد و همه از این الطاف الهی بهره‌مند می‌شوند

“یا اساس آنچه گفتیم یکی از مهم‌ترین عواملی که سبب ایجاد آسایش و رفاه در آرمان‌شهر یهود و شیعه می‌شود وجود نعمت فراوان و آبادانی است. البته همان‌طور که در دو مکتب گفته شد روح متعالی و کمال طلب مردم آن دوران در سایه حکومت رهبری خردمند باعث می‌شود تا مردم از بسیاری نیازها و خواسته‌های امروزی چشم‌پوشند و از حرص و طمع دوری جویند. در عین حال آن دوران دورانی است که گفته می‌شود وفور نعمت و سرسبزی و آبادانی به

آخرین حد خود می‌رسد” لطف لای که زمین امانت منابع و گنج‌های خود را آشکار کرده و دیگر فرد محتاج و نیازمندی پیدا نمی‌شود. البته در این زمان برکت نعمت‌ها نیز افزون می‌آید.

لله آبادانی و زیادی نعمت و روزی از ویژگی‌های دوران حکومت موعود در لای دو مکتب است که خودا عاملی در جهت افزایش میل و اشتیاق مردم دوران‌های مگ لای دیدن آن دوران است.

تنظیم و کنترل امور نیز با وجود بصیرت و آگاهی منجی موعود و عدالت و انصافی که او از خود بروز می‌دهد اغما به بهترین نحو صورت می‌گیرد. آن حضرت علاوه بر اینکه با عدالت به امور رسیدگی می‌کند برای مردم در شهرهای مختلف حکم کرده و به بهبود امر آنها می‌پردازد. در نهایت باید گفت حکومت موعود مطرح شده در این دو مکتب دارای لای های زیادی در این زمینه‌اند که شاید بتوان آن را ناشی از الهی بودن آنها دانست. در این مقاله سعی شد تا حد امکان به بررسی این ویژگی لای پردازیم و گوشه‌ای از این حکومت موعود را به تصویر کشیم.

### نتیجه

حکومت موعود و ظهور منجی از مهم‌ترین مسائلی است که ادیان الهی درباره آن بسیار مگ فضل لاند. در این پژوهش سعی شد آنچه که در دو مکتب شیعه و یهود درباره کارویژه‌های حکومت موعود مطرح است مقایسه می‌آید.

همان‌گونه که دیدیم کارویژه لای همان روابط بین ساختاری حکومت موعود در این دو مکتب از شباهت‌های زیادی برخوردار مگ و شاید این به دلیل الهی بودن آن لای؛ برای مثال عدالت و انصاف در قضاوت بین مردم وجود یاوران و کارگزاران صدیق که در کنار منجی به اصلاح و اداره جامعه می‌پردازند و فور نعمت و آبادانی زمین و تحول علمی و فرهنگی جامعه از موارد مشابهی است که

هر دو مکتب در متون خود به آن اشاره کرده‌اند. در مقابل مواردی چون تعداد یاوران و معرفی آن لما در مکتب یهودا کمتر مورد توجه بوده است. در آخر این نکته قابل ذکر است که این تشابهات امتیازاً درباره کارویژه‌های حکومت موعود است و گرنه یهود به مسائلی چون مساوات و برابری که مد نظر شیعه است اهمیت ندادند و قائل به برتری نژاد یهود حتی در آخرالزمان است.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال السدین و تمام النعمه، منصور پهلوان، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰ش.
۴. ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن، تحف العقول، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۳۹۴ ق.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۸، ۱۱۰۴ ق.
۶. خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱ش.
۷. دلشاد تهرانی، مصطفی، دولت مهدی، سیرت مهدی، چ ۵، تهران، دریا، ۱۳۸۲ش.
۸. رجالی تهرانی، علیرضا، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام، چ ۵، قم، نبوغ، ۱۳۷۹ش.
۹. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، چ ۳، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.
۱۰. عسکری، نجم الدین جعفرین محمد، المهدی الموعود المنتظر عند علماء اهل السنة و الامامیه، تهران، موسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۳۶۰ش.
۱۱. عهد عتیق.
۱۲. فیرحی، داوود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۸۲ش.
۱۳. کامل سلیمان، روزگار رهایی، علی اکبر مهدی پور، تهران، آفاق، ۱۳۷۶ش.
۱۴. کرینستون، جولوس، انتظار مسیحا در آیین یهود، حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷ش.
۱۵. گابریل آلموند، جی بینگهام جونور، رابرت جی مونت، سیاست تطبیقی، علیرضا طیب، چ ۳، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۱ش.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۷. دوانی، علی، مهدی موعود، چ ۱۵، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۰ ق



## بررسی جریان جدید مدّعی یمانی (احمدالحسن)

محسن حیدری آل کثیری\*، حجت حیدری چراتی\*\*

### چکیده

استعمار برای سلطه بر کشورهای اسلامی از روش‌های متعدد بهره می‌جوید؛ گاهی با حضور فیزیکی و گاهی از طریق سوء استفاده از باورهای اعتقادی مردم همان کشور؛ همانند اینکه در عراق از اعتقاد مردم به مهدویت استفاده کرد و فردی به نام احمد الحسن را به میدان فرستاد تا ادعا کند یمانی است. در این مقاله، پس از بررسی روایاتی که درباره یمانی وارد شده، و نیز مرور ادعاها و اعتقادات احمد الحسن، تناقضات ادعاها و اعتقادات او با روایات بیان شده و ایرادات اساسی این حرکت، تبیین شده است. در پایان، بر اساس روایات، بهترین راه سعادت در زمان غیبت، مراجعه به علمای ربّانی معرفی شده است.

کلید واژه‌ها: یمانی، احمد الحسن، استعمار، بعثی، علانم.

### مقدمه

استعمارگران برای گسترش دامنه و حوزه قدرت خویش در سرزمین‌های اسلامی همیشه اسلامت به ویژه شیعت را مانع مهم دستیابی به اهداف خود یافته‌اند؛ از همین رو با "گنذاری و بنیان نهادن فرقه‌های ضاله و مذاهب آختگی در برابر فرهنگ اصیل شیعی" زمینه سازی رشد و ترویج آن‌ها را در رأس "یفئه‌های شیطانی خود قرار دادند." تأسیس مذهب قادیانی در پاکستان

\*. استاد حوزه.

\*\* دانش‌آموخته سطح ۳ مهدویت حوزه علمیه قم.



بابیت و بهائیت در ایران و وهابیت در عربستان نمونه‌هایی از آن فرقه‌ها و جریانات دینی است. همراهی بلکه سرسپردگی این فرقه‌ها به آمریکا انگلیس و صهیونیست‌ها در این زمان بر همگان آفتابی شده است.

بر این اساس اخیراً دولت‌های استعماری که به بهانه مبارزه با تروریسم کشورهای مسلمان افغانستان و عراق را اشغال کرده‌اند پروژه تأسیس آن گونه صهیونیستی از آن‌ها به ویژه در عراق در رأس برنامه‌های خود قرار داده‌اند. در این کشورها به دنبال اشغال عراق ده‌ها صهیونیست بروز و ظهور نموده‌اند و لقب از قبیل:

- جند السماء به رهبری ضیاء عبدالزهراء کاظم الکرعاوی

- جریان یمانپ

- جریان سید محمود حسنی سرخپ

ت فرقة الامام الربانی به رهبری سید فاضل عبدالحسین الحسینی الهاشمی

- فرقه فرقد القزوینی

- جریان سلوکی؛

اغلب جریانات فوق‌الذکر مدعی مهدویت یا ارتباط با امام زمان (عجل الله فرجه) شده‌اند و ارتباط بیشتر آن‌ها با جریانات بعثی و دستگاه‌های جاسوسی استعماری کشف و احراز گردیده است. هدف اصلی این فرقه‌ها مبارزه با حوزه مرجعیت و روحانیت شیعه قرار گرفته است؛ زیرا در تاریخ نهضت‌های اسلامی معاصر ضد استعماری این واقعیت بارها به اثبات رسیده است که تنها سنگری که در مقابل استعمار ایستاده و مانع پیروزی آن‌ها شده سنگ روحانیت مرجعیت و حوزه‌های علمیه شیعه است.<sup>۱</sup> جالب این جاست که فرقه‌های مذکور فقط بر تکیه روحانیت سخن

۱. فتوای جهاد بر علیه استعمار در تاریخ معاصر (جهادیه میرزا بزرگ فراهانی، محمد علی آشتیانی) رساله فوق‌نخست در سال ۱۳۳۳ق و بار دوم در سال ۱۳۳۴ق در تبریز چاپ شد.

می‌گویند و اقدامات عملی انجام می‌دهند اما هیچ‌گونه اقدامی بر تگ‌اشغالگران انجام نداده‌اند.

یکی از مسائل مطرح در باب مهدویت بررسی علائم و فواید لاهای ظهور است. بررسی و شناخت این علائم و نشانه‌ها از این رو اهمیت و ضرورت دارد که درمتون روایی شیعی شناخت نمادهای آخرالزمان مورد تأکید قرار گرفته و حجم وسیعی از روایات مربوط به مباحث مهدویت را بحث علائم ظهور و شناخت طلایه‌داران ظهور دولت کریمه مهدوی به خود اختصاص داده است.

یکی از این نشانه‌ها و خلایغ قیام شخصی موسوم «ل‌یمانی» در آستانه ظهور است که در منابع روایی شیعی بارها از او یاد شده. این موضوع از جهات مختلفی نظیر زمان قیام یمانی خصوصیات شخصی ملیت اهداف و ویژگی‌های قیام یمانی قابل بررسی است.

اخیراً اشخاصی به تبلیغ یکی از جریان‌های مدعی مهدویت به نام احمد الحسن یمانی در برخی مناطق مشغول شده‌اند؛ لذا این سوال‌ها برای برخی از مؤمنان ایجاد شده که این جریان چیست؟ احمد الحسن کیست؟ چه سابقه‌ای دارد؟ ادعاهای او چیست؟ برای اثبات مدعای خود به چه دلایلی استناد می‌کند؟ ادله مورد ادعای او به چه میزان اعتبار شرعی دارد؟ این جریان وابسته به کجا است؟ عملکرد این جریان تاکنون چه بوده است؟ بالأخره تکلیف مؤمنان در برابر این گونه جریان‌ها چیست؟

برای شناخت این جریان لازم است نخست ادعاهای احمدالحسن یمانی مطرح گردد و در مرحله دوم وضعیت یمانی با روایات سنجدیده شود و در مرحله آقام تناقضات مدعی مورد بررسی قرار گیرد.

### مرحله نخست (ادعاهای احمد الحسن یمانی)

باتوجه به پیدایش نحله‌های دروغین در جوامع اسلامی و خصوصاً در عراق و

دست داشتن حزب بعث در پیدایش آن‌ها توجه به ریشهٔ بعثی احمدالحسن یمانی و نیز شناخت حزب بعثا درخور توجه است.

### شناخت حزب بعث

حزب بعث عراق توسط یک مسیحی صهیونیست به نام میشل عفلق تأسیس شده است. حزب مذکور از یک سو به جریان استعماری انگلیسی وابسته بود و از سوی دیگر دشمنی ذاتی با اسلام و تشیع داشت.

شعار معروف آن‌ها هنگام به دست گرفتن قدرت این بود:

«أمنت بالبعث رباً لاشريك له وبميشل نبياً ماله ثاني»<sup>۱</sup> «ثرت لعنوان پروردگار بی‌شریک و به میشل به عنوان پیامبری که هم‌تا ندارد ایمان آورده‌ام»<sup>۱</sup>. کارنامه حزب بعث در ویژه در طول حاکمیت سی ساله صدام مملو از مبارزه با اسلام هوس‌ها صدها هزار انسان بی‌گناه نابودی اقتصادی عراق و به تعطیلی کشیدن شعائر مذهبی و شهید کردن صدها آغ‌تهدگ و فاضل و تک‌زاران طلبه از حوزه های علمیه بود.

این حزب به تحریک آمریکا پس از پایان جنگ تحمیلی با ایران به منظور «آبیسازی حضور آمریکا و متحدانش در خلیج فارس» در سال ۱۹۹۰ م (۱۳۶۹ ش) کویت را اشغال کرد. پس از حضور آمریکا و متحدان غربی اش در منطقه که به بهانه اخراج صدام از کویت انجام گرفته بود مردم مسلمان عراق در زمان مرجعیت مرحوم آیت الله خوئی بر تگ حزب بعث در انتفاضه معروف به شعبانیه<sup>۲</sup>

۱. این شعار بارها در اوایل تأسیس حزب بعث عراق از گوینده رادیوی آن رژیم شنیده شد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۸۱/۶/۳).

۲. انتفاضهٔ شعبانیه: (۱۵ شعبان ۱۴۱۲ق): این قیام، نتیجه ظلم و ستمی بود که بر ملت عراق روا شد. و با استفاده از فرصتی که در جنگ اول خلیج فارس پیش آمد، شکل گرفت؛ زیرا در ارکان نظام بعثی، تزلزلی واقع شده بود و مؤمنان این فرصت را غنیمت شمرده و به قیام برخاستند. در آن زمان که رژیم صدام، ساقط شده و حکومتش جز در شهر بغداد از بین رفته

قیام کردند و در آستانه پیروزی قرار گرفتند؛ اما آمریکا با کمک منافقان به سرکوب انتفاضه پرداخت و صدام را بار دیگر بر کرسی قدرت نشاند.

### تغییر مبارزه حزب بعث

حزب بعث عراق هنگامی که مشاهده کرد روح اسلامی در مردم مسلمان عراق نمرده و هنوز هم می‌تواند آن‌ها را به انقلاب وا دارد این بار تاکتیک خود را در مبارزه با اسلام عوض کرد و به جای نشان دادن چهره خشنا جنگ نرمی را<sup>۱</sup> پی تگ اسلام و حوزه و مردم مظلوم شیعه عراق تحت عنوان «الحمله الایمانیة» به راه انداخت. در واقع این کار همان استفاده ابزاری از مذهب<sup>۲</sup> پی تگ مذهب بود.

صدام علاوه بر تظاهر به نماز و رفتن به زیارتا در این حمله ایمانی چند کار خبیث و خطرناک انجام دادا از جمله:

۱. نفوذ دادن جوانان مستعد بعثی در حوزه های علمیه تا به عنوان طلبه علوم دینی به تحصیل بپردازند و از آن‌ها برای مأموریت های ضددینی بهره ببرد.
۲. دادن آزادی به برخی از علما برای فعالیت به عنوان مرجعیت و کوبیدن غراجع تقلید دیگر به منظور ایجاد تفرقه میان آنان به بهانه های قومی و صنفی.
۳. اجازه دادن به برخی از روحانیان برای اقامه نماز جمعه و برگزاری کنترل شده شعائر دینی.

....→

بود، می‌بایست مراجع، رهبری را به دست می‌گرفتند؛ ولی تنها آیت الله سبزواری و آیت الله سید محمد صدر رحمتهما برای رهبری انتفاضه پیش قدم شدند و فتوای جهاد دادند. آن دو، با تشکیل گروه هایی و برپایی جلساتی مردم را اداره می‌کردند، تا این که جریان‌ها و افرادی با ایجاد اختلاف در میان این تشکل و هسته های مردمی، سبب شدند تا بغداد کاملاً به دست رژیم افتاد و نهایتاً تمام عراق دوباره تحت سیطره صدام در آمد؛ خانه‌ها ویران شد، مردم قلع و قمع شدند و جنایات صدام که بر کسی - به ویژه ایرانیان - پوشیده نیست، فزونی یافت. پس از سرکوبی انتفاضه، آیت الله سبزواری چون کهن سال بود، کنار زده شد، و آیت الله سید محمد صدر به زندان افتاد.

البته صدام وقتی از فعالیت‌های غیبی شیخ شهیدا آیت الله سید محمد باقر صدر ضربه خورد و مشاهده کرد که به دست خود زمینه را برای حضور مردم متدین در صحنه فراهم کرده است آن مرجع بزرگ را به شهادت رساند و عملاً آن برنامه را به تعطیلی کشیده شد.

۴. نفوذ دادن برخی از جوانان بعثی که ظاهری متدین داشتند و در سحر و جادو و مرتاضی دست داشتند «درون زندان را این نفوذ به منظور فریب زندانیان سیاسی صورت گرفت و نمونه بارز آن مثل ضیاء عبدالزهراء الگرعاوی است که یک افسر بعثی بود.

ضیاء دوره آموزش مرتاضی را در هند دیده و به درون زندان عراق رفت. او با گرفتن اخبار سری از مأموران بعثی زندان را پیشاپیش از آزادی یا شهادت برخی از زندانیان خبر می‌داد. بسیاری از زندانیان هم فریب ادعاهای او را خورده‌ا و او را ولی الله و مرتبط با جهان غیب دانستند. همین شخص پس از آزادی از زندان و پس از سقوط صدام در سال ۱۳۸۲ ش گروهی را به نام «جند السماء» تشکیل داد و ادعا کرد که قائم آل محمد است و مأموریت دارد که روز عاشوراء ۱۲۰۰ نفر از روحانیان نجف را به قتل برساند.

اما پلیس عراق در تاسوعای سال ۱۳۸۵ ش نیروهای او را در پادگان الزرگه در حوالی نجف کشف کرد و آن‌ها را از بین برد. خود ضیاء گرعاوی به اتفاق صدها نفر از همراهانش از جمله ۲۰۰ نفر از نیروهای به اصطلاح یمانی<sup>۱</sup> به هلاکت رسیدند.

### مشخصات مدعی یمانی

این جریان ادعایی به وسیله احمد الحسن یمانی که خود را وصی و فرزند و فرستاده امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌دانست در سال‌های پایانی حاکمیت صدام بروز کرد. او

۱. www.rasanews.ir



## مراحل ادعا

او طی پیامی از طریق پایگاه اینترنتی خود خطاب به علما و مراکز دینی در مورخه ۲۷ شوال ۱۴۲۴ ق ادعاهایی مطرح کرد که محورهای آنها از این قرار است:

در مرحله اول: ادعا می‌کند که امام زمان علیه السلام را در عالم خواب به صورت مکرر در حرم سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام دیده که او را به زیارت عسکریین امر می‌کند. پس از آن به دیدار آن حضرت در بیداری غقتش شده حضرت او را از انحرافات عملی و مالی حوزه‌ها به خصوص حوزه نجف آگاه می‌کند و تحت تربیت ویژه قرار می‌دهد.

در مرحله دوم: وی مدعی است که حضرت مهدی علیه السلام او را امر به ورود به حوزه علمیه می‌کند و در آن جا به او مأموریت می‌دهد که انحرافات حوزه را مطرح کند. در مرحله سوم: ادعا می‌کند که در ماه شعبان سال ۱۴۲۰ ق (مصادف با ۱۳۷۸ ش) امام زمان را برای دومین بار در حالت بیداری در کنار حرم امام حسین علیه السلام ملاقات کرده و به دستور آن حضرت علیه السلام لغت سه می‌رود. او دعوت خود را علنی می‌سازد که در این مرحله علیه السلام معی او را تکذیب و علیه السلام لاسحر و جنون و تسخیر اجنه غمخ می‌کند در پی آن احمد به شهر خود بازگردانده می‌شود.<sup>۱</sup>

## دعوت علنی

پس از سقوط صدام در ماه جمادی الثانی ۱۴۲۴ ق احمد اسماعیل گاشخ دعوت خود را علناً تکرار می‌کند و تعدادی فریب حرف‌های او را می‌خورند. در ماه مبارک رمضان آن سال او ادعا می‌کند که از سوی امام زمان علیه السلام مأموریت یافته است که همه مردم زمین را خطاب قرار دهد و آن‌ها را به قیام در راه حق و علیه السلام تگ ظالمان دعوت کند.

۱. همان.

وی در آن پیام تصریح می‌کند که من انتظار یاری علمای دین را ندارم زیرا بسیاری از آنان با امام زمان علیه السلام با لسان و لقی آن خواهند جنگید؛ چون با ظهور امام زمان علیه السلام بساط مرجعیت آنان درهم پیچیده می‌شود. به گفته او مقصود از اوئان و اصنام (۱۱۰) همان علما هستند<sup>۱</sup>

### استدلال‌ها (مغالطات) احمدالحسن

وی برای اثبات مدعای خود به چند دلیل استناد می‌کند:  
دلیل اول. خواب‌هایی که اشخاصی درباره او دیده‌اند و این اختلاوه بر خواب‌هایی که خود دیده بود.

دلیل دوم. اخبار از حوادث آینده مثل سقوط صدام.

دلیل سوم. آمادگی برای مناظره با علمای اسلام یهود و مسیح<sup>۲</sup>.

دلیل چهارم. آمادگی برای مباحثه با علمای شیعه و سنی و یهودی و نصرانی. بدیهی است که دلایل سوق صرف ادعا است.

وی در پیامی خطاب به مردم عراق چنین می‌گوید:

پدرم امام زمان علیه السلام غ فر را برای اهل زمین فرستاد و غن دعوتم را در بین شما آغاز کردم. در حالی که جبرئیل و میکائیل مرا تأیید و نصرت می‌دهند من از شما طلب نصرت می‌کنم.

اگر نصرتم دادید فبها و آلا سابقه پدران شما روشن است. اگر مرا خذلان کنید صبر خواهم کرد همان گونه که مسلم بن عقیل صبر نمود. من بزودی از میان شما خواهم رفت ای باقیمانده های قاتلان حسین! اگر می‌خواستم شما شمر و ی<sup>۳</sup> این زمان را معرفی می‌کردم.

من اخبار شما را به پدرم محمد بن الحسن خواهم رساند؛ در آینده به همراه او که جز شمشیر چیزی را به شما ارائه نخواهد داد باز خواهم گشت.

۱. همان.



وی در پایگاه اینترنتی «انصار المهدی»<sup>۱</sup> با امضای سید احمد حسن اوصی و رسول امام مهدی علیه السلام در تاریخ ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۶ ق مصادف با ۹ / ۳ / ۱۳۸۴ به صورت سؤال و جواب پیامی را برای توجیه فرزند امام عصر علیه السلام و هاشمی بودن بیان می کند که چنین است:

«مکه از تهامه است و تهامه از یمن پس محمد و آل محمد علیهم السلام همگی یمنی هستند».

طبق یکی از احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده امام معصوم علیهم السلام را به شیعه معرفی می کند و «لله از ذکر نام امام زمان علیه السلام می فرماید:

ثم يكون من بعده اثنا عشر مهدياً، فاذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المهديين...؛ (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۳، ص ۱۴۸)<sup>۲</sup>

وی ادعا می کند که او مصداق همان «اول المهديين» و فرزند امام زمان علیه السلام استب در حالی که امام زمان هنوز ظهور نکرده و فوت ننموده اس<sup>۳</sup>.

در پیام دیگری که طرفداران وی با امضای «انصار المهدی» در مورخه ۱۱ ماه رمضان ۱۴۲۷ ق از نجف خطاب به مقام معظم رهبری فرستاده اند از مقام معظم رهبری تقاضای قرائت این پیام و دادن جواب به آن را کرده اند. آنان در این پیام ادله حجیت ادعایی احمد بن حسن را مطرح می سازند و از جمله همان حدیث وصیت و جریان خواب لاء و مناظره لاء و مباحله را مطرح می کنند.<sup>۴</sup>

### بررسی و نقد احادیث مورد استدلال

اینک لازم است تک تک احادیث مورد استدلال احمد را از نظر سند و دلالت

۱. [www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org) // [www.youtube.com](http://www.youtube.com)

۲. یعنی «بعد از او [امام زمان] علیه السلام دوازده نفر مهدی [هدایت یافته] خواهند آمد، پس وقتی وفات او [امام زمان علیه السلام] فرا می رسد، باید آن را به فرزندش که اولین نفر از مهدیین است، تحویل دهد».

۳. [www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)

بررسی نماییم و در نهایت ارتباط مدّعی جریان یمانی را با آن احادیثا کشف کنیم.

۱. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین می نویسد:

حدّثنا علیّ بن أحمد بن محمد بن عمران الدّقاق قال: حدّثنا محمد بن أبی عبدالله الكوفیّ قال: حدّثنا موسی بن عمران النّخعی، عن عمّه الحسین بن یزید النوفلیّ، عن علیّ بن أبی حمزة، عن أبی بصیر قال: قلت للصادق جعفر بن محمد: یا ابن رسول الله! إننی سمعت من ابیک علیه السلام أنّه قال:

«یکون بعد القائم اثنا عشر مهدياً فقال: أنّما قال: اثنا عشر مهدياً ولم يقل: اثنا عشر اماماً، ولكنهم قوم من شيعتنا يدعون الناس إلى موالاتنا ومعرفة حقنا»<sup>۱</sup>. (صدوق، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۳۵۸)

اولاً حدیث فوق از نظر سند ضعیف استب زیرا:

تت از علمای رجال توثیقی نسبت به علی بن احمد بن محمد بن عمران الدقاق صادر نشده است. (خوبی ۱۳۹۹: ج ۱۱۳ ص ۱۶۹).

تت علی ابن ابی حمزه نیز به عنوان کذاب و متّهم توصیف شده است. او کسی بود که پیرو مذهب انحرافی واقفیه بود و طمع به دنیا او را واداشت تا منکر امامت امام رضا علیه السلام شده و از دین دست بکشد و به سوی الحاد سوق یابد.<sup>۲</sup>

ثانیاً از نظر دلالت نیز این حدیث ارتباطی با این زمان ندارد که هنوز امام زمان علیه السلام ظهور نکرده است.

۱. ابی بصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا! من از پدرت شنیدم که فرمود: «بعد از قیام حضرت قائم علیه السلام دوازده نفر مهدی خواهند آمد» امام فرمود: «بله؛ امّا پدرم فرمود: دوازده نفر مهدی و نفرمود: دوازده امام. بلی؛ آن‌ها قومی از شیعیان ما هستند که مردم را به ولایت ما و معرفت حقیقت دعوت خواهند کرد.»

۲. فرقه ای از شیعه که امام موسی کاظم علیه السلام را آخرین امام می دانند و قائلند که آن حضرت زنده و مهدی منتظر می باشد. بنیان‌گذار آن، علی بن ابی حمزه بطائنی و زیاد بن مروان قندی و عثمان بن عیسی رواسی و احمد بن ابی بشرسراج بودند (قاموس الرجال، ج ۷، ص ۲۶۸-۲۶۹، شماره ۴۹۸۴).

۲. شیخ طوسی در کتاب الغیبة می نویسد:

أخبرنا جماعة عن أبي عبد الله الحسين بن عليّ بن سفيان البزوفريّ، عن عليّ بن سنان الموصليّ العدل، عن عليّ بن الحسين، عن احمد بن محمد بن خليل، عن جعفر بن احمد المصريّ، عن عمّه الحسن بن عليّ، عن ابيه، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد، عن أبيه الحسين الزكيّ الشهيد، عن ابيه اميرالمؤمنين عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ في الليلة التي كانت فيها وفاته لعليّ عليه السلام: «يا أبا الحسن أحضر صحيفةً و دواة» فأملا رسول الله ﷺ وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع، فقال: «يا عليّ! سيكون بعدى اثنا عشر اماماً و من بعدهم اثنا عشر مهدياً... له ثلاثة اسامي، اسم كاسمي، و اسم أبي هو عبدالله و احمد و الاسم الثالث المهدي هو أول المؤمنين». (طوسی، ۱۳۶۹: ص ۱۰۷؛ مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۳۶، ص ۲۶۱).

اولاً این حدیث نیز از نظر سند ضعیف استب زیرا علی بن سنان الموصلی العدل توثیق نشده و عامی مذهب است (خویی ۱۳۹۹: ج ۱۱۲ ص ۴۶ رقم ۸۱۸۰). علی بن الحسین هم شناخته شده نیست. همچنین مرحوم خویی درباره احمد بن محمد بن خلیل چنین می فرماید: «کذاب، وضاع للحديث، فاسد، ضعيف جداً، لا يلتفت اليه» (خویی ۱۳۹۹ ج ۱۲ ص ۲۲۴ رقم ۷۸۲).

دیگر راویان این حدیث هم در کتب رجالی شناخته شده نیستند.

ثانیاً از نظر دلالت این حدیث آشکارا دلالت می کند که بعد از پیامبر اکرم ﷺ دوازده امام معصوم می آیند که اولین آن ها امیرالمؤمنین عليه السلام و آخرین آن ها امام زمان ﷺ است. همچنین بنابراین روایت "بعد از وفات امام زمان ﷺ دوازده نفر آدم هدایت یافته (مهدی) می آیند که اولین آن ها (اول مقربین) فرزند امام زمان خواهد بود. وی دارای سه نام خواهد بود یکی احمد (همنام پیامبیه اکرم ﷺ) دیگری عبدالله (نام پدر پیامبر ﷺ) و سومی مهدی است.

این حدیث نیز مانند حدیث قبل درباره بعد از ظهور حضرت حجت ﷺ می "لی گآ پس ربطی به دوران غیبت ندارد. علاوه بر آن این حدیث با حدیث قبلی

از نظر انتساب مهدیین تعارض دارب زیرا حدیث شیخ صدوق بر این مسأله تأکید دارد که آن‌ها از شیعیانند که ظاهر آن این است که از خود اهل بیت و اولاد آن‌ها نیستند در حالی که حدیث کتاب الغیبه بر این معناً صراحت دارد که اولین آن‌ها فرزند امام زمان است.

در هر حال این دو حدیث به این معنا دلالت می‌کنند که این دوازده نفر پس از شهادت امام زمان علیه السلام خواهند آمد نه قبل از آن و این با مدعیان زمان ما هیچ ارتباطی ندارد.

۳. شیخ طوسی در جای دیگر کتاب الغیبه آورده است:

عُرِّغَكَ“ فذ”دالله بن جعفر الحمیری عن ابیه عن محمد بن عبدالحمید و غمّده بن عیسی عن محمد بن الفضیل عن ابی حمزة عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث طویل - أنه قال:

یا أبا حمزة إنَّ منَّا بعد القائم أحد عشر مهدياً من ولد الحسين» (طوسی ۱۳۶۹: ص ۷۸۴).

اولاً حدیث فوق از نظر سند ضعیف است؛ زیرا محمد بن عبدالحمید مجهول است. عُرِّغَكَ بن عیسی مشترک بین ثقه و مجهول است که تشخیص آن دو مشکل است. محمد بن فضیل هم مجهول است، ولی ابن حمزه ابقه حمزه ثمالی است که ثقه است. (شوشتری بی ج ۱۷ ص ۲۶۸-۲۶۹ شماره ۴۹۸۴)

ثانیاً این حدیث دلالت دارد که بعد از امام زمان علیه السلام یازده انسان هدایت یافته (مهدی) می‌آیند که همگی از فرزندان امام حسین علیه السلام می‌باشند. این حدیث با دو حدیث قبلی از نظر تعداد آن‌ها تعارض دارب زیرا آن دو حدیث بر دوازده نفر و این یکی بر یازده نفر تأکید دارد و در هر صورت با زمان کنونی ارتباط ندارد؛ زیرا “ه دوران پس از ظهور امام زمان علیه السلام و وفات آن حضرت ناظر است.

۴. شیخ حسن بن سلیمان (متوفای ۸۰۲ ق) در کتاب مختصر بصائر الدرّجات

(سعد بن عبدالله اشعری) آورده است:

مما رواه السيد عليّ بن عبد الحميد باسناده عن الصادق عليه السلام: «أنّ منّا بعد القائم عليه السلام اثنا عشر مهديّاً من ولد الحسين عليه السلام».

اولاً سند این حدیث معلوم نیست زیرا مؤلف مختصر البصائر آن را از سید علی بن عبد الحمید (متوفای ۷۶۰ ق) به اسنادی که آن سید نقل کرده روایت نموده است. اسناد مذکور که در دسترس ما نیست تا بدانیم همه راویان ثقه هستند یا غیر ثقه بنابراین سخن قطعی درباره سند حدیث ممکن نیست. ثانیاً از نظر دلالت همانند حدیث قبلی است؛ این که این حدیث بر دوازده مهدی تأکید می‌کند در حالی که قبلی بر یازده مهدی.

### نقد کلی احادیث

صرف نظر از وضعیت سندی روایات که نوعاً ضعیف و غیر معتبر است. از فحش و دلالت نیز به عنوان احادیثی شاذ و غیر قابل قبول تلقی می‌شود؛ زیرا حدیث احادیث مسلم شیعه بعد از شهادت امام زمان عليه السلام آغاز دوره رجعت است. لذا برخی از علمای شیعه احادیث مزبور را بر فرض صحت بر دوران رجعتا چغظ کرده‌اند پس مقصود از دوازده یا یازده مهدی همان ائمه هدی عليه السلام می‌باشد که لله از ظهور امام زمان و شهادت آن حضرت برای انتقام گرفتن از قاتلان آن هم به مدت کوتاه (چهل روز) قیام می‌کنند.

شیخ مفید در آخر کتاب ارشادا درباره احادیث مذکور می‌فرماید:

ولیس بعد دولة القائم عليه السلام لأحد دولة إلّا ما جاءت به الروایة من قیام ولده إن شاء الله ذلك، ولم یرد به علی القطع والثبات، وأكثر الروایات أنه لن یمضی مهدی الأمة إلّا قبل القیامة بأربعین يوماً، یرکون فیها الفرج (الهرج) و علامات خروج الأموات و قیام الساعة للحساب والجزاء (مفید، ۱۴۱۲: ص ۳۳۶)؛

بعد از دولت حضرت قائم عليه السلام برای کسی دولتی تشکیل نمی‌شود مگر آنست که این روایت بر آن دلالت می‌کند که فرزند (فرزندانی) او اگر خدا بخواهد پیام

می‌کند. البته این روایت به صورت قطعی ثابت نیست .  
اکثر روایات بر این معنا دلالت می‌کند که حضرت مهدی علیه السلام نمی‌رودا هکت یی  
چهل روز قبل از قیام قیامت که در آن فرج (و بنا بر روایت بحار الانوار هرج و  
مرج) صورت می‌گیرد و علائم خروج اموات و قیام قیامت برای حساب و کتاب  
آشکار می‌شود .

علامه مجلسی پس از نقل اخبار مذکور در بحار الانوار<sup>۱</sup> باب خلفاء المهدی و  
اولاده<sup>۲</sup> درباره دلالت و تأویل آن احادیث می‌نویسد:

این اخبار مخالف مشهور است و راه تأویل آن دو صورت است؛

راه اول اینکه مراد از دوازده مهدی (هدایت شده) همان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و  
سایر امامان به استثنای امام زمان علیه السلام است<sup>۳</sup> به این معنا که ملک آن <sup>۱</sup> (در هنگام  
رجعت) بعد از امام زمان خواهد بود.

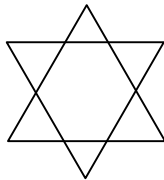
راه دوم این است که آن دوازده مهدی از اوصیای امام زمان علیه السلام هدایت گران  
خلق در زمان ائمه علیهم السلام در هنگام رجعت<sup>۴</sup> زیرا زمان نمی‌تواند خالی از حجت  
“لی‌کذا اگر چه اوصیای انبیاء علیهم السلام نیز حجج هستند والله اعلم / مجلسی ۱۳۸۴: ج ۱۵۳  
ص ۱۴۸).

### نتیجه

احادیث مذکور را با صحیح باشند و چه ضعیف و از نظر دلالت چه قابل قبول  
“لی‌کذا و چه غیر قابل قبول<sup>۱</sup> چه قابل تأویل به رجعت بانقذ و چه غیر قابل تأویل<sup>۲</sup>  
با مدعیان جریان یمانی هیچ ارتباطی ندارد<sup>۳</sup> زیرا همه آن احادیث بر این مطلب  
اجماع دارند که قیام مهدیین دوازده گانه یا یازده گانه بعد از ظهور و وفات امام  
زمان علیه السلام خواهد بود و هیچ یک از احادیث بر این معنا دلالت نمی‌کند که آن‌ها یا  
برخی از آن <sup>۱</sup> “ظ از ظهور امام زمان علیه السلام می‌آیند.

احمد اسماعیل گاطع الصیمری در حالی به دروغ مدعی فرزندگی و وصایت

امام زمان علیه السلام است که هنوز امام زمان ظهور نفرموده است؛ اما ادعای قیام کرده و خود را اولین نفر از مهدیین می‌فانگد  
 بنابراین مدعای نامبرده هیچ پایه و مستندی از فحیه احادیث ندارد. علاوه بر آن وی که خود را وصی می‌فانگد باید بداند که «وصی» بعد از مرگ موصی قیام به وظیفه می‌کند نه قبل از مرگ او.



### ستاره داود نشانه چیست ؟

نشان جریان الیمانی یک ستاره اسرائیلی به نام داود است.  
 این ستاره یی اِضلعی به عنوان آرم و کنار امضای احمد الحسن الیمانی قرار می‌گیرد. امضای او در برخی اعلامیه‌ها چنین است:  
 «بقیة آل محمد، الرکن الشدید، احمد الحسن وصی و رسول الامام المهدی الی الناس اجمعین، المؤید بجبرئیل، المسدّد بمیکائیل، المنصور باسرافیل، ذریة بعضها من بعض والله سمیع علیم.»  
 این ستاره شش ضلعی در زبان لاتین «پنتاگرام» نامیده می‌شود. صهیونیست‌ها از آن در پرچم خود به عنوان سمبل تسلط بر جهان استفاده می‌کنند. فرقه یمانی در ابتدای کار از این ستاره به عنوان آرم و نماد جریان خود استفاده می‌کرد ولی بعدها برای جلوگیری از آبروریزی و اثبات وابستگی آن‌ها ل صهیونیسم این نماد را از تبلیغات خود حذف نمود.

### فعالیت های جریان احمدالحسن

در کنار رهبری جریان الیمانی که بی‌عده احمد اسماعیل گاطع معروف به احمد الحسن الموعود می‌باشد رهبری معنوی نظامی و رهبری سازمانی هم وجود داشته است.

شیخ کاظم العقیلی مسؤول شاخه نظامی و استاد عبدالرحیم ابومعاذ غرشد و رهبری معنوی سازمان‌ها را با کمک معاون مؤسس این جریان شخصی به نام شیخ

حیدر المنشداوی (ابن ابو فعل) از شاگردان شهید سید محمد صدر بود. المنشداوی در زمان صدام به ایران آمد و به ترویج این فکر پرداخت. بعد از سقوط حکومت ایران دستگیری‌گذا و شش ماه در زندان به سر برد. وی پس از سقوط صدام به عراق بر گردانده شد. او ادعا نمود که وصی امام زمان (عبدالله بن الحسن القحطانی) می‌گردد و از همه اموری که مردم از آن‌ها اطلاعی ندارند مطلع است. حتی از محل قبر حضرت سید اشع<sup>ع</sup> علیه السلام غج عخ می‌گردد و دفتری را در منطقه قدیم نجف در شارع الرسول<sup>ص</sup> افتتاح کرد و به نشر افکار خود همت گماشت. بعد از این اتفاقات مؤسس جریان با صدور بیانیه‌ای المنشداوی را فردی فاسق معرفی کرد؛<sup>۱</sup> لذا قاسم عبد حسن از عناصر سابق حزب بعثا عباس خلف الچیناوی از عناصر سازمان بدرا عباس زوری عگله و هامل محیی حمود نیز همراه المنشداوی از این جریان خارج شدند. شیخ حیدر المنشداوی پس از آن‌ا در بغداد توسط یک گروه مسلح کشته شد.

از طرفداران یمانی شخصی از بیت حمایا به نام سید حسن الحمایا - فرزند مرحوم سید محمد علی حمایا متوفای ۱۹۹۸ م از علمای معروف نجفقت بود. این شخص که «آدستگاه بعثی غی»<sup>۲</sup> ثبودا به عنوان روحانی ارشد آن گروه فعالیت داشت.

### فعالیت تبلیغی

این جریان به فعالیت تبلیغی از جمله نشر کتاب - بهای زیادی می‌داد. احمد حسن با استفاده از این تبلیغات<sup>۳</sup> ل بعضی از افراد بی اطلاع از مبانی دینی تلقین کرد که وی یمانی نائبا امام زمان است.

وی کتاب هایی با نام های جذاب و فریبنده همچون «الجواب المنیر عبر الاثیر»<sup>۴</sup> تصیحت به طلاب حوزه علمیه<sup>۵</sup> «حاکمیت خداوند نه حاکمیت مردم»

۱. www.rasanews.ir



و کرامات و غیب گویی ها» نشریاتی با نام «روزنامه القائم علیه السلام» و نشریه قمر بنی هاشم» و منشوراتی با نام «انصار المهدی» غیثی کرده است. او در شماره ۳ نشریه هفتگی «قمر بنی هاشم» مورخه جمعه ۱۴ محرم ۱۴۲۵ اق آورده است:

معركة الامام المهدي تشتعل في مصر، حرب أمريكا على العراق، بداية الحرب ضد المهدي المنتظر عليه السلام، علماء السوء في روايات اهل البيت عليهم السلام العجل العلمي عند فقهاء الشيعة.

در ضمن مقاله اخیرا کاریکاتور یک گاو نر که بر شکم آن عبارت «علم اصول» نوشته شده است. در این مقاله علم اصول فقه «لگوساله سامری تشبیه گردیده است که تماماً «ثامان زمان علیه السلام» از بین خواهد رفت. در آن نشریه تحت عنوان «نبوءة» به معنای پیش گویی اخبار از خروج قریب الوقوع نفس زکیه در نجس داده است که تا به حال رخ نداده است.

طرفداران این جریان با توزیع اعلامیه‌ها و بروشورهایی همه علمای ایران و عراق را به مناظره دعوت کردند از جمله در سال ۱۳۸۲ش بعد از سقوط صدام لغزمانا گروه های معدودی از جوانان فریب خورده عراقی که به صورت غیر قانونی وارد ایران شده بودند در نماز جمعه شهرهای اهواز، تارخا کرجا غشمگا و جاهای دیگر بین صفوف نماز جمعه ایستاده و از ظهور یمانی کتبی دادند. در آن ایام یما آن افراد دستگیر و به کشورشان بازگردانده شدند. در برخی شهرها مثل قم و اهوازا مبلغین آنها به تبلیغ مرام خود پرداختند که در برخی موارد بازداشت و محکوم شدند.

### فعالیت نظامی

این جریان آموزش نظامی را برای اعضای خود لازم دانسته عناصر خود را در باغ های «العماره» و «فی اشد الفاس» و «التیره» انواع سلاح های اهدایی اربابانشان آشنا می کردند. یکی از آموزش های آنها آموزش سر بریدن افراد بوده است.

اولین اقدام نظامی آن‌ها بعد از ایزوله برخی از عناصر منشعب مثل حیدر المنشداوی هماهنگی با جماعت جند السماء به رهبری گراوی در تاسوعای سال ۱۴۲۸ ق در منطقه الزرگه کوفه بود. در آن عملیات حدود دویست نفر از جماعت یمنی کشته شدند. جالب این‌جا آنست که رهبر یکی از این دو جریان خود را قائم آل محمد می‌دانسته و دومی خود را فرزند و وصی امام زمان معرفی می‌کرده است.

آنان طی یک فعالیت نظامی بر تگ دولت شیعی عراق و حوزه های علمیه به صورت مشترک در یک عملیات وارد شدند و سرکوب گردیدند. این امر حاکی از این است که هر دو جریان از پشت پرده توسط رهبری واحدی اداره می‌شدند و ادعاهای عقیدتی آن‌ها غیر واقعی بوده است. بعد از حادثه فوق‌الذکر جریان یمنی به صورت سری فعالیتش را ادامه داد.

با سرکوب قیام گراوی در منطقه الزرگه نجفا یمنی تصمیم گرفت در عاشورای سال ۱۴۲۹ ق قیام کند اما یک ماه پیش از وقت مقرر با دستگیری پیمظ نفر از پیروانش در نجفا توانایی اش کاهش یافت و نتوانست در نجف و کربلا و طی مراسم عاشورا اقدامی انجام دهد. این گروه تصمیم داشت روز تاسوعا قیام کند و زایران حرم امام حسین علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام را قتل عام کرده دو حرم غقدس را به اشغال درآورد. سپس با رهبری شخصی دارای سابقه بعثی به نام 'سید حسن الحمامی' به سوی نجف حرکت کند و مراجع دینی را ترور نمایند. سپس با شخصی به نام 'ابن بشینه' به عنوان امام مهدی بیعت کنند و فعالیت آن‌ها به سوی بصره و ناصریه کشیده شود.

این گروه در صبح ۹/۳۰ صبح تاسوعا فعالیت خود را با حمله به هیأت های عزاداری در بصره آغاز کردند و توانستند وارد مقر شرکت نفت جنوب شوند.

لمغچنین در ناصریه فعالیت خود را با حمله به تیپ واکنش سریع آغاز کردند. در پی آن سرتیپ ابولقاء الجابری فرمانده این تیپ و سرهنگ ابومحمد الرمیض غأؤول اطلاعات تیپ کشته شدند. پلیس نجف اشرف ۴۵ نفر از عنلبتیه غأؤوچ گروه الیمانی تحت عنوان «انصار المهدی» از جمله ۱۵ نفر از رهبران و فرماندهان این گروه را دستگیر کرد که حسن الحمامی رهبر مذهبی این گروه در بین دستگیرشدگان بود.

حسن الحمامی بعد از دستگیری اعتراف کرد که اعضای گروهش قصد داشتند در روز عاشورا مراجع دینی و هیأت‌های حسینی را مورد هدف قرار دهند. وی در کنفرانس خبری در اعترافاتش گفت: «این گروه دارای طرفدارانی است و هدف آن «چغعل» لغراج و دیگر علمای دینی و از هم پاشیدن اوضاع امنیتی عراق است». الحمامی در ادامه اعترافاتش گفت: «تعدادی از عناصر این گروه غأؤولیت‌هایی همچون مسؤل امور مالی تبلیغاتی و نظامی را برعهده داشتند». وی افزود: «هزینه‌های ما از کشورهای خارجی بل ویژه امارات تأمین می‌شود و شعار ما ستاره داوود است».

چند روز بعد از حادثه یمانی پایگاه خبری «ملف پرس» از خبرگزاری‌های معتبر در عراق در خبری فاش کرد که احمد الحسن یمانی بعد از حادثه بصره و ناصریه «ل کشور امارات متحده عربی گریخته و در دبی اقامت گزیده است»<sup>۱</sup>.

### بررسی احادیث یمانی

۱. وجود ویژگی‌های مثبت در شخصیت یمانی و تکریم و تجلیلی که در کلمات پیشوایان دین از او شده می‌تواند انگیزه‌ای برای شیادان و فرصت طلبان «لئگءأ به منظور جلب عواطف و احساسات مذهبی مردم از آن استفاده کنند» لذا این احتمال همواره وجود داشته است که افرادی خود را یمانی معرفی کنند و از

۱. همان.

این رهگذرا عواطف و امکانات مردم را به سوی خود جلب کنند و چه بسا با این عنوان تا مرز تشکیل حکومت نیز پیش بروند. از این رو بجاست تا در حد ممکن جزئیات این حادثه بر اساس اصول علمی شناسایی شود تا بتوان در مقام تعیین مصداق ا مدعیان دروغین را شناسایی کرد.

۲. از دیگر ثمرات این بحث اثبات آن است که امامان معصوم علیهم السلام قیام‌های اصلاح طلبانه را در عصر غیبت تأیید کرده‌اند. چنان که خواهد آمد پیشوایان معصوم علیهم السلام از یمانی و جنبش او جانبداری کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که از نظر معصومان علیهم السلام در عصر غیبت ا ق " اهای نظامی تأیید شده نیز وجود دارند. بر این اساس دیدگاه معروفی که حرکت‌های اصلاحی را در عصر غیبت محکوم به شکست و بر خلاف میل و اراده پیشوایان دینی می‌داندا پذیرفتنی نیست و در صورت وجود روایاتی که این اندیشه را تأیید می‌کنندا باید آن‌ها را به صورتی تأویل کرد که با روایات یمانی جمع‌پذیر باشق.

۳. در میان مجموعه احادیث علائم ظهور فقط حدود پنج پدیده به شکل غ اَصْطَافِ ثَمَّ لَها ی ظهور شمرده شده‌اند. تأکید پیشوایان معصوم علیهم السلام بر این علائم که در برخی روایات از آن‌ها با عنوان علائم حتمی تعبیر شده و جداسازی آن‌ها از سایر نشانه‌های ظهور دلیل بر اهمیت این نشانه‌هاست که توجه ویژه‌ای را می‌ش "گ یمانی یکی از این نشانه ل ا آ ° و غَغَقْلًا در زمره پنج علامت یاد شده" ل شمار می‌رود.

### خروج یمانی از علائم ظهور

در این باره به ذکر دو حدیث بسنده می‌کنیم:

۱. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الْيَمَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ، وَالْمُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَخَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ (نعمانی، ۱۳۷۶: ص ۲۵۵؛ مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۲، ص ۲۲۳)؛

پیش از قیام قائم پنج نشانه رخ خواهد داد؛ یمانی، سفیانی، ندای آسمانی، فرو رفتن [سپاه سفیانی] در سرزمین بیداء و کشته شدن نفس زکیه.

۲. غیحوم کلینی با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عِلَامَاتٍ مَحْتُمَاتٍ الْيَمَانِيُّ وَالسَّفِيَانِيُّ وَالصَّيْحَةُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ (کلینی ۱: ۱۴۰۱؛ ج ۱۸ ص ۲۵۸؛ صدوق ۱: ۱۳۱۰؛ ج ۱۲ ص ۴۸) پیش از قیام قائم پنج نشانه حتمی است؛ یمانی، سفیانی، بانگ آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف بیداء.

مرحوم کلینی این حدیث را با پنج واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که همه آنها از نظر اهل رجال مورد وثوق می‌باشند.

### مشخصات (نسب، اسم، لقب، ملیت) یمانی

نسب یمانی: در ضمن یک حدیث طولانی امام صادق علیه السلام گفته شده که لهای ظهور را برشمرده در پایان می‌افزاید:

... وَخُرُوجِ رَجُلٍ مِنْ وَادِي عَمِّي زَيْدٍ بِالْيَمَنِ، وَانْتِهَابِ سِتَارَةِ الْبَيْتِ (ابن طاووس ۱: ۱۳۸۸؛ ج ۱ ص ۱۷۱؛ مجلسی ۱: ۱۳۸۴؛ ج ۱۸۶ ص ۶۲)

و خروج مردی از تبار عمویم زید در یمن و به یغما رفتن پرده کعبه (ابن طاووس ۱: ۱۳۸۸ ص ۷۱؛ ج ۱ ص ۱۳۸۴؛ ج ۱۸۶ ص ۶۲).

اگر منظور از این شخصی که از یمن خروج می‌کند یمانی موعود باشد حدیث تصریح می‌کند که نسب او به جناب زید بن علی بن الحسین علیه السلام غایب است.

۱. این پنج واسطه عبارتند از: محمد بن یحیی العطار، برای وثاقتش ر.ک: نجاشی، الرجال، ص ۳۵۳، رقم ۹۴۶؛ احمد بن محمد بن عیسی، برای وثاقتش ر.ک: شیخ طوسی، الرجال، ص ۳۶۶؛ علی بن الحکم، برای وثاقتش ر.ک: شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۵۱، رقم ۳۷۶؛ ابویوب خزاز - ابراهیم بن عیسی - برای وثاقتش ر.ک: نجاشی، الرجال، ص ۲۰، رقم ۲۵؛ عمر بن حنظله، برای وثاقتش ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۷۵.

ملیت یمانی: اما در مورد ملیت یمانی و اینکه یمانی اهل کجا است و از چه نژاد است لای قیام خواهد کرد! آنچه در روایات آمده این است که وی از منطقه یمین «خروج خواهد کرد اما آیا مراد از یمین کشور یمن فعلی است یا اینکه منطقه گسترده و وسیع تری را شامل می‌شود؟ با توجه به اینکه در روایات از اهل یمن به دلیل نقش با اهمیت آنان در زمینه سازی ظهور و یاری حضرت چ علیه السلام تجلیل و ستایش شده است این احتمال تقویت می‌شود که وی از اهل یمن فعلی «لایگ علاوه بر این هیچ قرین لای وجود ندارد که دلالت کند یمین» در گذشته دارای قلمرو بیشتر از یمن فعلی بوده باشد.

در کتاب بشارة الاسلام روایتی نقل شده که در آن از یمانی به عنوان حسین «یا نچا ف» نام برده شده است. در این روایت آمده است:  
... یخرج ملک فی صنعاء الیمن اسمہ حسین او حسن. (کاظمی بیگ) ص ۸۷

فرمانروایی از صنعای یمن به نام حسین یا حسن قیام خواهد کرد. در پرتو قیام او که خجسته و طاهر است اسق لئلا از میان می‌رود و حق پس از پنهان شدن آشکار می‌شود.

روایت دوم هم در کتاب بشارة الاسلام و هم در کتاب نور الابصار از امام صادق علیه السلام نقل شده است. در این روایت که به نسب یمانی اشاره دارد آمده است:  
... خروج رجل من ولد عمی زید بالیمن (لمغقا ص ۱۷۸)

آنچه که در کتاب‌های غ الکلیان درباره مشخصات اسمی یا نسبی یمانی ذکر شده بر همین دو روایت است.

نویسنده عصر ظهور با اشاره به روایت اول می‌فوید آنگ:

در قسمتی از روایات وارد شده است که او از یمن و از آبادی به نام کرعه «خروج می‌کند وی احتمال داده است که بعید نیست این شخص همان یمانی باشد که قبل از قیام حضرت خروج می‌نماید (کورانی ۱۳۷۸: ص ۱۵۹).

آیة الله صافی گلپایگانی نیز در منتخب الاثر بیان می‌کند که وی از یمن خروج می‌کند.  
(صافی گلپایگانی ۱۳۷۴: ص ۵۶۳)

### آیین یمانی

از احادیث یادشده به روشنی استفاده می‌شود که او تابع مذهب اهل بیت علیهم السلام غلامی گویا روایتی نیز آن را تأیید می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمود:

... لا، الیمانی یوالی علیاً و هذا ینبرأ منه (طوسی ۱۳۸۵: ص ۶۶۱؛ مجلسی ۱۳۸۴: ج ۱۴۷ ص ۲۹۷)

... ف لا این طور نیستا یمانی از علی علیه السلام پیروی می‌کند در حالیکه او از آن حضرت بیزاری می‌جوید.

### تقارن قیام خراسانی و یمانی و سفیانی

خروج یمانی از نشانه‌های حتمی و در آستانه ظهور می‌گردد همان‌گونه که کسی نمی‌تواند برای ظهورا وقت تعیین کندا برای خروج یمانی و سفیانی نیز هرگز کلاً فغلاً تواند وقت تعیین کند. مسلم است که خروج یمانی ا مقارن با خروج سفیانی است چنان‌که در احادیث فراوان به آن تصریح شده است.

س تظبن شاذان با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که ضمن یک حدیث طولانی فرمود:

قَد یكونُ خُرُوجُهُ وَ خُرُوجِ الیمانیِّ مِنَ الیمَنِ مَعَ الرَّأیَاتِ البیضِ فی یومٍ واحدٍ وَ شَهرٍ واحدٍ وَ سَنَةِ واحدَةٍ (میرلوحی ۱۳۸۴: ص ۲۶۲؛ خاتون آبادی بی ۱ ص ۶۹) خروج سفیانی با خروج یمانی از یمن با پرچمهای سفید در یک روزا در یک ماه و در یک سال رخ خواهد داد.

س تظبن شاذان این حدیث را با سه واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است

که هر سه در اوج وثاقت می‌تقی‌گدا در نتیجه از بالاترین سطح صحت برخوردار است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

یمانی و سفیانی همانند دو اسب مسابقه به دنبال یکدیگر فرا می‌رسند.

(نعمانی ۱۳۷۶: ص ۳۰۵؛ طوسی ۱۳۸۵: ص ۶۶۱)

غزغز بن مسلم گوید:

يَخْرُجُ قَبْلَ السُّفْيَانِيِّ مِصْرِيٌّ وَ يَمَانِيٌّ (طوسی ۱۳۶۹: ص ۱۴۴۷ عاملی ۱۳۷۹:

ج ۱۳ ص ۲۸)

پیش از سفیانی مصری و یمانی خروج می‌کنند.

در این حدیث به نام معصوم تصریح نشده است؛ ولی بی‌گمان محمد بن مسلم آن را از غیر معصوم نقل نمی‌کند. از این حدیث استفاده می‌شود که اگر چه سپاه سفیانی و سپاه یمانی همانند دو اسب مسابقه وارد کوفه می‌تقی‌گدا خروج یمانی پیش از خروج سفیانی خواهد بود.

### محل خروج

در احادیث فروانی تصریح شده است که یمانی از یمن خروج می‌کند. از تغ لسه بن شاذان با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که تغ ف یک حدیث بسیار طولانی فرمود:

وَ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ، وَ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ (میرلوحی ۱۳۸۴: ص ۸۰)

خاتون آبادی بی ب (ص ۱۸۲)؛ سفیانی از شام و یمانی از یمن خروج می‌کند.

سه تظبن شاذان این حدیث را فقط با دو واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده

۱. این سه واسطه عبارتند از: محمد بن ابی عمیر، برای وثاقتش ر.ک: شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۲۱۸، رقم ۶۱۷؛ جمیل بن دراج، برای وثاقتش ر.ک: نجاشی، *الرجال*، ص ۱۲۶؛ رقم ۶۱۷؛ زرار بن اعین، برای وثاقتش ر.ک: نجاشی، *الرجال*، ص ۱۷۵، رقم ۴۶۳.



که آن‌ها هر دو مورد وثوق هستند.<sup>۱</sup>  
روایات دیگری هم در این خصوص می‌باشد که به سبب رعایت اختصار از ذکر آنان خودداری می‌کنیم.<sup>۲</sup>

### ویژگی‌ها و اهداف قیام یمانی

در میان شخصیت‌های موثر در زمینه سازی و قیام برای دفاع و حمایت از حضرت حجت علیه السلام هیچ شخصیتی همانند یمانی و قیام او در روایات مورد تجلیل و عنایت قرار نگرفته است. قیام یمانی بیش از دیگران از جهت قداست هدف و خلوص انگیزه و دعوت به سوی حق از سوی ائمه علیهم السلام مورد تأیید و تکریم قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام در توصیف قیام یمانی می‌فرماید:

و لیس فیها رایة باهدی من رایة الیمانی یهدی إلی الحق؛ (طوسی ۱۳۶۹: ص ۴۴۶)

هیچ پرچمی و حرکتی در هنگامه ظهورا رشد یافته تر از حرکت یمانی نیست که "سوی حق هدایت و راهنمایی می‌کند.

در روایت ابق بصیر از امام صادق علیه السلام نیز آمده است:

و لیس فی الرایات رایة اهدی من رایة الیمانی هی رایة هدی لأنه یدعو إلی صاحبکم. فإذا خرج الیمانی حرم بیع السلاح علی الناس و کل مسلم و إذا خرج الیمانی فانهض إلیه فإن رایته رایة هدی و لایحل لمسلم أن یلتوی علیه. فمن فعل

۱. آن دو واسطه عبارتند از: صفوان بن یحیی، برای وثاقتش ر.ک: نجاشی، الرجال، ص ۱۹۷، رقم ۵۲۴؛ محمد بن حرمان، برای وثاقتش ر.ک: نجاشی، الرجال، ص ۳۵۹، رقم ۹۶۵.  
۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، ح ۱۶؛ نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۳۱، ح ۸۵۵؛ شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰؛ نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۵، ب ۱۴، ح ۱۳؛ فضل بن شاذان، اثبات‌الرجعة - مخطوطات تراثنا، ش ۱۵، ص ۲۱۵، ح ۱۶ و ص ۲۷۶، ح ۱۷؛ میر لوحی، کفایة المتهدی، ص ۲۶۲؛ خاتون‌آبادی، کشف‌الحق، ص ۱۶۹؛ خاتون‌آبادی، کشف‌الحق، ص ۱۷۳، ح ۲۹.

ذَٰلِكَ فَهوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لَآنَهُ يُدْعَوْنَ إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ؛ (نعمانی ۱۳۷۶: ص ۲۵۳)

تعابیر و فرازهای بلاکار رفته در این حدیث شریفاً گویای درخشش شخصیت ممتاز یمانی درهنگام ظهور و صحت قیام و انقلاب وی می‌باشد. جالب این است که این توصیفات درباره یمانی که وی را بلاعنوان شخص مورد تایید و لازم‌الاتباع معرفی کرده‌اند، بخگ از قراردادن آن در کنار سید خراسانی در صدر روایت استب یعنی قیام یمانی با قیام خراسانی همزمان ذکر شده است. فرازهای ذیل روایت در مقام تجلیل از شخصیت منحصر بلافرد وی و تأیید کامل قیام ایشان<sup>۱</sup> اکید مکرر بیان شده است که قیام یمانی را از نظر خلوص انگیزه و صداقت در اهداف از دیگران متمایز می‌کند.

### تناقضات جریان احمد الحسن

۱. بنا بر شهادت افراد مطلع و آگاه مدعی جریان یمانی شخصی به نام احمد اسماعیل گاطع صیمری از طایفه صیامر منطقه زبیر است که از بنی هاشم نیستند اما با این حال نامبرده با پوشیدن عمامه سیاه و یدک کشیدن عنوان 'سید احمد' خود را سید و از بنی هاشم معرفی کرده است. قطعاً این کار از باب دروغ‌گویی و فریب دیگران اییخاً حرام است

۲. در فیلمی که از او موجود است اغی گوید: 'من یک روستایی ساده هستم و هیچ گونه ادعایی ندارم' اما در عین حال می‌گوید: 'خدا مرا برگزیده و ائمه همراه من هستند. من صاحب نفس مطمئنه ام و نورا سراسر وجود مرا فرا گرفته است و...'.

قطعاً این ادعاهای بزرگ با بی ادعا بودنش در تناقض است.

۳. در همان فیلم وقتی به عربی فصیح تکلم می‌کند در لحن کلام او اشتباهات زیاد (نحوی و صرفی) وجود دارد که نشان می‌دهد سواد کافی ندارد.

این واقعیت با ادعاهای بزرگی که دارد سازگار نیست.

۴. احمد اسماعیل گاطع از یک سو ادعای فرزندی امام زمان علیه السلام می‌کند و از سوی دیگر ادعا می‌کند که برای اولین بار امام زمان علیه السلام را در عالم خواب و آلاء الله در ماه شعبان ۱۴۲۰ ق (۱۳۷۸ ش) امام زمان را برای دومین بار در بیداری دیده است! یعنی در آن زمان که بیش از ۲۵ سال از عمر او گذشته است. چطور امکان دارد فرزند امام زمان تا آن موقع پدر خود را ندیده باشد!

۵. وی با وجود ادعای فرزندی امام زمان علیه السلام خود را احمد بن الحسن می‌فانگد در حالی که می‌بایست خود را «احمد بن محمد» می‌نامید چون نام امام زمان حسن نیست بلکه حسن نام پدر امام زمان است. گویی «قاعده دروغ‌طوقه فراموشکار است» در این جا جریان دارد.

۶. وی خود را یمانی می‌داند و روایاتی را که درباره خروج یمانی صادر شده است بر خود منطبق می‌داند در حالی که در روایات آمده است:

یمانی خراسانی و سفیانی در یک سال و یک ماه و یک روز خروج می‌کنند و پس از چند ماه در همان سال امام زمان علیه السلام هم قیام می‌کند. مدعی یمانی بیش از ده سال است که خروج کرده در حالی که تاکنون نه خراسانی قیام کرده و نه سفیانی و هنوز هم امام زمان قیام نفرموده است.

۷. وی در عین این که خود را فرزند امام زمان و سید هاشمی می‌داند خود را یمانی نامیده است در حالی که دو عنوان «یمانی» و «هاشمی» آن هم برای کسی که اهل عراق است قابل جمع نیست. «یمانی» چه پهلوی در این دارد که اهل یمن است در حالی که وی به اعتبار محل تولد و نشو و نما عراقی است. البته گویی خود متوجه این تناقض شدب لذا با این مغالطه این لقب را توجیه نموده است که چون مگه از تهامه است و تهامه از یمن است پس محمد و آل غرغره علیهم السلام همگی یمانی هستند.

وجه مغالطه بودن توجیه فوق این است که تهامه یک منطقه جغرافیایی است

که از شمال جزیره العرب یعنی بالاتر از مکه و مدینه آغاز می شود و جنوب آن به یمن می رسد. بنابراین مکه و مدینه <sup>مکه</sup> لم ألقی ک و یمن هم از تهامه استنب ولی تهامه از یمن نیست بلکه یمن در جنوب جزیره العرب قرار دارد و یث لظ شمال و میانه جزیره العرب نیست. بنابراین محمد و آل محمد <sup>صلی الله علیه و آله</sup> حجازی و تهامی هستند اما یمانی نیستند.

اصولاً مردم عرب به دو دسته عدنانی و قحطانی تقسیم شده اند. مقصود از عرب عدنانی خصوص قریش و از جمله بنی هاشم استنب در حالی که عرب قحطانی فقط اعرابی را شامل می شود که ریشه آن ها از یمن است و به هیچ وجه به عرب عدنانی ایمانی گفته نمی شود .

۸. وی در پیامی که به مردم عراق فرستاده است از یک سو ادعا می کند که غ فاز طرف امام زمان <sup>علیه السلام</sup> و با تأیید جبرئیل و میکائیل آمده ام بنابراین پیروزی او «امدادهای غیبی باید حتمی باشد در حالی که از مردم عراق یاری می شت گ و می گوید: «اگر نصرتم ندهید ما شما سابقه بی وفایی به مسلم بن عقیل را داشتید» و بدین صورت خود را به مسلم بن عقیل تشبیه می کند.

۹. وی به خواب های خودش و خواب های دیگران استناد می کنب در حالی که خواب در مسائل شرعی و عقیدتی برای دیگران هیچ گونه حجیت و اعتباری ندارد. هیچ پیامبر و حجت خدایی ا حقانیت خود را با خواب اثبات نکرده است. مخصوصاً که خواب صرف ادعا است و امکان دارد آدم دروغ غطه لمغ آن را ادعا بکند.

۱۰. استناد دیگر او به وقوع حوادث آینده مثل سقوط صدام هم مضحک استب زیرا این پیش گویی توسط هر آدم آگاه به مسایل سیاسی امکان پذیر است و به نامبرده اختصاص نداردب مخصوصاً که پیش از همه امام خمینی <sup>علیه السلام</sup> فرموده بود: «صدام رفتنی است».

۱۱. آمادگی برای مناظره و مباحثه با علمای شیعه سنی ا یهودی و نصرانی هم صرف ادعا است و هیچ چیزی را ثابت نمی کند. «عبل اگر مناظره و مباحثه صورت

طیسه ° و طرف مقابل که دارای صلاحیت علمی باشد محکوم شد یا عذاب الهی بر او نازل گردید قابل استناد استب در حالی که این اتفاق برای مخالفان جریان یمانی پیش نیامده است.

۱۲. درباره استناد جریان یمانی به احادیث که قبل از این مفصلاً توضیح داده می‌گردد که احادیث مورد ادعا به مدعی او ربطی ندارد. چون احادیث می‌گوید: «مهدیین بعد از ظهور و وفات امام زمان عجل الله فرجه می‌آیند نه قبل از او» در حالی که مدعی جریان یمانی می‌گوید: «غذاً فالآن وصی امام زمان هستم». معلوم است که وصی باید بعد از مرگ موصی وارد عمل شود نه در حال حیات موصی و قبل از مرگ او.

۱۳. مدعی جریان یمانی در تبلیغات خود پیوسته بر ضد علمای دینا حوزه خنغیه و مراجع تقلید هتاک و جسارت می‌کند و صریحاً می‌گوید: «ما آمده ایم که وساطت علما بین مردم و دین و خدا را حذف کنیم» در حالی که این حرف بر ضد تعالیم اهل بیت علیهم السلام است. در تعالیم اهل بیت علیهم السلام خنغاً واسطه مردم و اهل بیت هستند و فقهای ربّانی مراجع دینی مردمند. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ مَحَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ (عاملی ۱۴۰۳: ج ۱۱۸ ص ۹۴)

در توقیع منسوب به امام زمان عجل الله فرجه آمده است:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَاتَّهَمُوا حِجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حِجَّةُ اللَّهِ (صدوق ۱۳۷۹: ج ۱۲ ص ۴۸۳؛ طوسی ۱۳۶۹: ص ۲۹۰ و ۲۹۳)

۱۴. جریان یمانی در امر ضدیت با علما از تبلیغات سوء گذشته‌ها وارد فاز عملی و نظامی شده استب لذا در جریان توطئه ترور علمای نجف که در عاشورای سال ۱۳۸۵ش توسط جریان «جند السماء» برنامه ریزی شده بود مشارکت داشت و دویست نفر از آن‌ها به هلاکت رسیدند.

از این واقعیت این نتیجه بدست می‌آید که آن‌ها پادوی استعمار در مبارزه با روحانیت هستند؛ روحانیتی که مهم‌ترین سنگر مقاومت اسلامی در مقابل استعمار است.

۱۵. استفاده از ستاره داوود که نشان مخصوص صهیونیست‌ها می‌باشد نشان دیگری از وابستگی این جریان به استعمار است.

۱۶. حضور افرادی با سابقه بعثی بودن در تشکیلات جریان یمانی از قبیل: *الغیخ* «دکچا فا وحسن الحمّامی (رهبر مذهبی گروه که دستگیر هم شده است)» و همین‌طور برادر احمد اسماعیل گاطع که از افسران حزب بعث بوده‌اند؛<sup>۱</sup> دیگری از وابستگی جریان به «*الحملة الایمانیّة*» صدّام حسین معدوم است.

۱۷. اخیراً در یکی از برنامه‌های ماهواره‌ای سلفی (بش‌ا) یک شخص مصری غیر معمم به نام عبدالعال سلیمه که به دروغ به عنوان عالم شیعی معرفی شده است از جریان یمانی و احمد الحسن با تجلیل و به عنوان مهدویت نام برده است. این پدیده نشان می‌دهد که جریان‌های سلفی و وهابی در پی تبلیغ جریان یمانی از ماهواره‌های خود می‌باشند. این هم‌قرینه دیگری از وابستگی جریان به استکبار جهانی است.<sup>۱</sup>

### وظیفه منتظران در برابر این گونه جریان‌ها

فتنه‌های رنگارنگ که از سوی شیاطین و یاران او برای فریب و انحراف مردم از صراط مستقیم تدارک دیده می‌شود همیشه بوده و *لما لبّ* مخصوصاً در آخر الزمان که بنا بر صریح احادیث *لما لافراوان* می‌باشد و *دجال*‌ها به صورت پیچیده‌تر ظهور می‌کنند.

در مقابل آن فتنه‌ها و *دجال*‌ها هیچ پناهگاه امن و تضمینی برای سلامتی<sup>۲</sup> *نُوسک* جستن به ثقلین (قرآن و عترت) وجود ندارد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

۱. [www.farsi.almahdyoon.org](http://www.farsi.almahdyoon.org)

أتى تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتى أهل بيتى ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا  
بعدى أبداً<sup>۱</sup>

اما استفاده صحیح از کتاب و عترت بدون مراجعه به کارشناسان و متخصصان  
این فنا یعنی علمای دین امکان پذیر نیست. این یک مطلب عقلایی و عرفی  
است که برای شناخت هر چیزی باید به متخصص آن رجوع کرد.  
اکنون توجه شما راگ لروایاتی جلب می‌کنیم که از ائمه علیهم‌السلام در مورد  
هدایت‌گری علما و پیروی امت اسلامی در عصر غیبت از ایشان آمده است:  
امام حسین علیه‌السلام فرمود:

ذلك بأن مجارى الأمور و الأحكام على أیدی العلماء بالله الأمانة على حلاله  
و حرامه (حرانی ۱۳۸۳)

چرا که مجاری امور و احکام به دست علمای الهی و امنای بر حلال و حرام خدا  
گذاشته شده است.

امام صادق علیه‌السلام نیز فرمود:

العلماء ورثة الانبياء (کلینی ۱۴۰۱: ج ۱۱ ص ۳۲) خدغاً وارثان انبیا هستند.  
از امام هادی علیه‌السلام نقل شده است:

لو لا من يبقى بعد غيبة قائمنا من العلماء الداعين اليه والدالين عليه... لما بقى  
أحد الا ارتدّ عن دين الله... اولئك هم الأفضلون عند الله عزّ وجلّ (مجلسی ۱۳۸۴:  
ج ۱۲ ص ۶)

لطیخهغایی نباشند که در زمان غیبت مردم را به سوی او راهنمایی می‌کنند  
هر آینه کسی نمی‌ماند مگر این که از دین مرتد شود... آن لما (خدغاً) نزد خدا  
“یئیه لما ائقگ.

تقت امام زمان علیه‌السلام فرمود:

۱. حدیث متواتر و متفق علیه بین کتب فریقین.

وأما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا، فانهم حجّتي عليكم وأنا حجّة الله (طوسی ۱۳۶۹: ص ۲۹۰)

در حوادث واقع ل باید به راویان حدیث ما (خضعاً) رجوع کنیب زیرا آن لما از طرف من حجّت هستند و من حجّت خدا هستم.

بنابراین مطمئن ترین و بهترین راه برای شناخت حقیقت مدعیان و تمیز دادن راست گویان از دروغ گویان و حلّ شبهه های دینی ا پناه بردن به علمای دین است. بر علمای دین هم واجب است حقایق را روشن کنند و در مقابل بدعت لما سکوت نمایند.<sup>۱</sup>

۲۰۷



۱. «إذا ظهرت البدع فعلى العالم ان يظهر علمه وإلا فعليه لعنة الله». (کافی، ج ۱، ص ۵۴، باب البدع و الرأى والمقاييس، علل الشرايع، باب العلة التى من اجلها قيل بالوقف على موسى بن جعفر، ص ۲۳۶؛ عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۱۱۳).



## کتابنامه

۱. آشتیانی، محمدعلی، *جهادیه میرزا بزرگ فراهانی*، تبریز، ۱۳۳۴ق.
۲. ابن حماد، نعیم، *الفتن والملاحم*، تحقیق محمد عرفه، قم، مکتبه الحیدریه ۱۴۲۴ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *معالم العلماء*، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳۸۸ش.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، *فلاح السائل*، ترجمه جباران، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۸ش.
۵. \_\_\_\_\_، *التشريف بالمنن*، قم، موسسه فرهنگی حضرت صاحب الامر (عج)، ۱۳۷۸ش.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *تهذيب التهذيب*، حیدرآباد دکن، دائرة المعارف النظامیه، ۱۳۲۷ق.
۷. ابن شاذان، فضل، *مختصر اثبات الرجعه*، بی جا، تراثنا، بی تا.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، ترجمه اتابکی، قم، دارالحديث، ۱۳۸۳.
۹. ابن هشام، عبدالملک، *السيرة النبوية*، بیروت، بی تا.
۱۰. ابونعیم، احمد بن عبدالله، *دلائل النبوة*، بیروت، دار النفاثس، ۱۳۷۰ش.
۱۱. حافظ برسی، رجب بن محمد، *مشارق انوار اليقين*، تحقیق اشرف المازرونی، قم، مکتبه الحیدریه، ۱۴۲۴ق.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشيعه*، تحقیق ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة*، قم، ۱۳۷۹ق.
۱۴. حسینی دشتی، سید مصطفی، *معارف و معاریف*؛ موسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۶۹ش.
۱۵. حلی، حسن بن سلیمان، *مختصر البصائر*، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۱ق.
۱۶. حلی، حسن بن یوسف، *الرجال*، بی جا، بی تا.
۱۷. خاتون آبادی، محمد صادق، *كشف الحق*، تصحیح میر صابری، تهران موسسه اهل البيت، بی تا.
۱۸. خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحديث*، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۳۹۹ق.
۱۹. سلیمان، کامل، *روزگار رهایی*، ترجمه مهدی پور، تهران، آفاق، ۱۳۸۱ش.
۲۰. شوشتری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت علیهم السلام، بی تا.

۲۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ج ۲، قم، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۴ ش.
۲۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین، تهران، ۱۳۱۰ ق.
۲۳. \_\_\_\_\_ الخصال، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، بی جا، ۱۳۷۰ ق.
۲۵. \_\_\_\_\_ مجمع البیان، ترجمه احمد بهشتی، تهران، فراهانی، بی تا.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، تحقیق حسن مصطفوی، مشهد، دانشکده الهیات، ۱۳۴۸ ش.
۲۷. \_\_\_\_\_ الامالی، تهران، بعثت، ۱۳۸۵ ش.
۲۸. \_\_\_\_\_ الرجال، بی جا، بی تا.
۲۹. \_\_\_\_\_ الغیبة، تهران، نینوا، ۱۳۶۹ ش.
۳۰. \_\_\_\_\_ الفهرست، نشر الفقاهه، ۱۳۷۵ ش.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی؛ بیروت، دار صعب، ۱۴۰۱ ق.
۳۲. کاظمی، سیدمصطفی، بشارة الاسلام، تهران، نینوا، بی تا.
۳۳. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه جلالی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۳۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ترجمه علی دوانی، تهران، دارالکتب، ۱۳۸۴ ش.
۳۵. \_\_\_\_\_ مرآة العقول، تهران، مشیر السلطنه، ۱۳۲۲ ق.
۳۶. محمدی ری شهری، محمد، موسوعة احادیث امیر المؤمنین، قم، موسسه دار الحدیث، ۱۳۸۸ ش.
۳۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، قم، بصیرتی، ۱۴۱۲ ق.
۳۸. میر لوحی سبزواری، محمد بن محمد، کفایه المهتدی فی معرفه المهتدی علیه السلام، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۴ ش.
۳۹. نجاشی، احمد بن علی، الرجال، تهران، بی تا.
۴۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر، الغیبة، ترجمه غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۷۶ ش.
۴۱. [www.farsi.almahdyoon.org](http://www.farsi.almahdyoon.org)
۴۲. [www.rasanews.ir](http://www.rasanews.ir)
۴۳. [www.youtube.com](http://www.youtube.com)

## دراسة و تحليل برهان المعجزة على إمامة ولي العصر عليه السلام

على ربانى الكلبايكانى

ان المعجزة كما تدل على صدق مدعى النبوة تثبت صدق مدعى الامامة فى لا تختص بالنبوة. ففى الكثير من تعريفات المتكلمين المسلمين جاءت كلمة «الدعوى» مطلقة غير مقيدة بدعوى النبوة و لعل بعض من قيدها بالنبوة اخذ الحالة الغالبة و المشهورة لها بنظر الاعتبار. إن متكلمى الامامية اعتبروا المعجزة احدى طرق معرفة الامام و ان القدرة على الاتيان بالمعجزة من صفات الامام اللازمة. فقد اعتمدوا برهان المعجزة لاثبات إمامة ائمة اهل البيت عموما و امام العصر خصوصا بالاضافة الى نصوص الامامة. إن معاجز ولي العصر كثيرة يعود بعضها لما قبل فترة امامته و بعضها فترة إمامته و ذلك فى الغيبة الصغرى و الكبرى. و لا شك فى التواتر المعنوى لهذه المعاجز. و على هذا الاساس فانها برهان قاطع على إمامته.

مفاتيح البحث:

امام العصر عليه السلام، الامامة، المعجزة، خارق العادة، المعجزة الارهاصية، المعجزة التصديقية، علم الغيب

## دراسة فى زيارة آل ياسين عليهم السلام

روح الله شاهدى، السيد اسحاق حسيني كوهسارى

زيارة آل ياسين من زيارات الامام المهدي عليه السلام التى رواها الطبرسى فى كتابه الاحتجاج نقلا عن توقيع الحميرى. و قد صدرت الزيارة نتيجة لطلب الشيعة من الناحية المقدسة و اهتم بها العلماء و الاعاظم.

يحاول هذا البحث التعرف على الزيارة بصورة اكثر و اثبات اعتبارها و أن آل ياسين إنما هم أهل البيت.

مفاتيح البحث:

آل ياسين، اهل البيت عليهم السلام، الطبرسى، الحميرى، كادح (قادح).

## الخصائص الفردية للامام المهدي في الادعية و الزيارات

سيد مجتبی معنوی

إن للموعود في الفكر الاسلامي - لاسيما في فكر الشيعة - ماهية محددة و مصداق معين. فقد ثبتت ولادته في المصادر المعتمدة و هو سمي رسول الله و له غيبة طويلة و ظهوره يتبع ارادة الله سبحانه و تحقق شروط الظهور.

يدرس المقال الخصائص الفردية للامام المهدي في الادعية و الزيارات و من هنا يتم تحليل الادعية و الزيارات لمعرفة تلك الخصائص بصورة جزئية و منسجمة مع التأريخ و مطابقة للكتاب و السنة. لتعرف حقيقة الامام الثاني عشر عليه السلام و ابعاده المختلفة و أموره في الادعية و الزيارات التي تعرضت للمهدوية.

مفاتيح البحث: الامامة، المهدوية، الدعاء، الزيارة، الخصائص الفردية، الامام المهدي عليه السلام.

## دراسة في دعاء الفرج (الهي عظم البلاء)

زهراء بنويدی

من الواضح أن إحدى وظائف المنتظر الدعاء لظهور المولى. و من ادعية الظهور دعاء الفرج (الهي عظم البلاء). إن هذا الدعاء وفقا للمنتقول من تعليم الامام لمحمد بن احمد بن ابي اليث و يتضمن مضامين دينية عظيمة. يعلمنا الامام عند ما تتكلم مع الخالق سبحانه أن نبين وضعنا و نشرح حالنا و لكن بالاتكال على أنه المستعان في السراء و الضراء.

إن الامام و من خلال ما وفرقه كلمة الصلوات و أولى الامر نقل الى شيعته قضية بالغة الاهمية لها صلة مباشرة بطاعة امام العصر و معرفته و ان حصول معرفته لا تتأتى الا من خلال اطاعة ذلك العزيز كما أن أهمية معرفة امام العصر لا تخفى على أحد.

إن ثمرة هذه المعرفة تظهر في المقطع الاخير بشكل عملي و بصورة توسل، ذلك لأن التوسل تمسك باولياء الله و هو الامر الذي لا يمكن من دون المعرفة العميقة بالامام.

مفاتيح البحث

البلاء - الصلوات - أولوا الامر - التوسل - دعاء الفرج - امام العصر عليه السلام.

## مقارنة معرفة نموذج موعود المسيحية و الموعود لدى الشيعة

موسى جواناتشير

تحاول هذه المقالة مقارنة معرفة نموذج الموعود المسيحي، النبي عيسى عليه السلام و المنجى الموعود لدى الشيعة، الامام المهدي عليه السلام.

و يتم التطرق الى كلا المنجيين من حيث الانتماء الاسرى و الخصائص الفردية و الدور و المكانة و تقويم وجه الاختلاف و التشابه بينهما.

و فى الختام يؤكد المقال أن المصداق الحقيقى للمنجى إنما هو شخص واحد و ينطبق على المنجى الموعود الاسلامى و حسب و إن كانت عودة عيسى المسيح عليه السلام فى آخر الزمان أمر لا ينكر و لكن ليس كمنجى و انما كعون للامام المهدي.

مفاتيح البحث

المنجى عند الشيعة، المنجى المسيحي، عودة المسيح، معرفة نموذج المنجى

## دراسة تشابهات الاعمال الخاصة للحكومة الموعودة

### فى الفكر الشيعى و اليهودى

سعيده معين نجف ابادى

ان المجتمع المثالى او الحكومة الموعودة فى اخر الزمان من المفاهيم المشتركة التى كانت موضع اهتمام الاديان المختلفة. و يمكن العثور على قضايا كثيرة عن كيفية ظهور الموعود و طريقة حكمه و خصائص ذلك الزمن فى تلك المدارس.

و فى هذا المجال فإن التشيع و اليهود لهما رؤى فيما يرتبط بهذا الموضوع و قد اهتمما من جهات متنوعة بحكومة المنجى الموعود.

يحاول هذا البحث دراسة مسار الاعمال الخاصة للحكومة الموعودة فى المستقبل و ذلك بصورة اكثر حسا و مطابقة للنظم المعاصرة و لمقارنة بين المدرستين ليتسنى بذلك بيان وجه الشبه بين هذين التصورين باعتبارهما مدرستين الهيئتين بشكل اوضح.

مفاتيح البحث:

الحكومة الموعودة، الشيعة، ماشيح، الأعمال الخاصة، اليهود.

## دراسة في اتجاه مدعى اليمانية الجديد (احمد بن الحسن)

محسن الحيدري آل كثيرى، حجت الحيدري

يعتمد الاستعمار للسيطرة على الدول الاسلامية اساليب مختلفة. فمرة التواجد المباشر و اخرى من خلال استغلال معتقدات اهل ذلك البلد و ذلك ما عمل عليه من تسخير فكرة المهودية فى العراق فقد ادخل الى الساحة شخصا باسم احمد بن الحسن ليذعى أنه اليمانى يدرس هذا المقال أولاً ما ورد من روايات حول اليمانى و يلقي نظرة على دعاوى و اعتقادات احمد بن الحسن ليوضح تناقضاتها و ما يرد على تلك الحركة من اشكالات اساسية ثانياً.

و فى الخاتمة يشير الى أن افضل طريق للسعادة زمن الغيبة إنما هو الرجوع الى العلماء

الربانيين كما ورد فى الروايات.

مفاتيح البحث

اليمانى، احمد بن الحسن، الاستعمار، البعثى، العلام.

٢١٣

انظر موعود

سال ياردهم / شماره ٣٤ / بهار ١٣٩٠

## An Investigation and Analyzing of Reasoning on Miracle on the Imam of the Saint of the Age

*Ali Rabbani Golpaygani*

The miracle, as it proves the truthfulness of the one who claims the Prophethood. The same way proves the truthfulness of the one who claims the Imam. And it is not particular to the Prophethood. In many definitions given by the Islamic theologians, the word 'claim' has been used in a general sense and is not used specifically for the claim of Propethood. And probably those who have used it in its particular sense, meant the famous and dominate case. The Imameyyeh theologians have recognized the miracle to be a way for knowing the Imam. And believed that having the ability to perform a miracle is one of the necessary attributes of an Imam. In proving the Imamat for the Imams of the Household P.B.U.t. in general, and for the Imam of the Age <sup>M.A.H.H.A.</sup> in particular, these theologians have taken benefits from reasoning on miracle in addition to the clear terms in Imamat. The miracles performed by the Imam of the Age <sup>M.A.H.H.A.</sup> are a lot. Some of them belong to the time before his Excellency's Imamat and some belong to after his Excellency's Imamat in both short and long Occultation. There is no doubt in the successive transmission of these miracles. Therefore, they would be the precise proof for his Excellency's Imamat.

**Keywords:** Imamat, Miracle, Extraordinary, Arhasi Miracle, Tasdighi Miracle, The Unseen Knowledge.



## The Knowledge-letter of the Ale-Yasin Series of Prayers

*Rohullah Shadedi, Dr. Seyyed Es-hagh Husseine Kohsari*

The Ale-Yasin series of prayers is one of the series of prayers for the Imam of the Age<sup>M.A.H.H.A.</sup>; that Tabarsi has quoted it from Humayri's Twoqi in his book Ehtejaj. This series of prayers, on the request of the Shii'ats, has been issued by his Excellency, and the scholars and masters have paid enough attention to it. In this work we are trying to know more about this series of prayers and prove the validity of this that the household<sup>P.B.U.T.</sup> are the Ale-Yasin.

**Keywords:** Ale-yasin, the Household<sup>P.B.U.T.</sup>, Tabarsi, Humayri, Kadeh (Ghadeh)





## The Personal Characteristics of Imam Mahdi <sup>M.A.H.H.A.</sup> in Series of Prayers

*Seyyed Mojtaba Ma'navi*

The Promised in Islamic thought-specially in Shii'at point of view-has clear identity; and has allocated a specific example to itself. His Excellency's birth has been approved in the authentic sources. His Excellency's name is the same as the Prophet's P.B.U.H. and has a long Occultation; and his Appearance is subject to the Will of the Almighty God and the fulfillment of the conditions for it. The subject of this article is to fine out about personal characteristics of his Excellency in the series of prayers.

In this article, these series of prayers show his Excellency's personal characteristics, in accordance with, the history, the Book and the tradition in detail. After this, we can understand that, how the reality of the Twelfth Imam <sup>M.A.H.H.A.</sup> his dimensions and position is pointed to in the narrations related to Mahdaviyyat.

**Keywords:** Imamat, Mahdaviyyat, Dua, Zeyarat, Personal Characteristics, His Excellency Mahdi <sup>M.A.H.H.A.</sup>



## A Research on the Faraj Prayer ( Elahi Azomal Bala )

*Zahra Banoyadi*

It is obvious that one of the duties of a person who is waiting for the Imam of the Age<sup>M.A.H.H.A.</sup>, is to pray for him. One of the prayers in this regard is the Faraj Prayer. This prayer that is based on the traditions has been taught by his Excellency to Muhammad Ibn Ahmad Ibn Abi al-leys, and includes high valuable of Islamic teachings. His Excellency, in this prayer, has taught us to describe our own state while speaking to God; but with relying on the One whose aid is to be implored in comfort and hardship. His Excellency, with the right usage from Salawat and the word (Ulel-Amr) transforms a very important subject to his Excellency's followers; that has an important direct relation with following the Imam of the Age<sup>M.A.H.H.A.</sup> and having knowledge to him. The only path to know his Excellency is to follow that dear. And the importance of knowing Imam is not hidden to anyone. The fruit of this knowledge appears in the last phrase in practice and in supplication. That is because, the supplication is to resort to the Saints of God; and this will not happen except through having a deep knowledge to Imam.

**Keywords:** Bala, Salawat, Ulel-Amr, Tavassul, Faraj Prayer, Imam of the Age<sup>M.A.H.H.A.</sup>

## A typology comparison on the Promised <sup>M.A.H.H.A</sup> in Christianity and Shii'a

*Musa JavanShir*

This article, has tried to show a typology comparison between the Christian Promised one-Jesus A.S., and the shii'a Promised one-Al-Mahdi <sup>M.A.H.H.A</sup>. In this paper, we have investigated on each one of the two from the genealogy aspects, personal Characteristics and position. The similarities and differences are also given. In the end , it is emphasized that the promised in reality is only one, and he is the one mentioned in Islam. Although, the return of Jesus A.S. is not deniable in last days but not as the Savior. He returns to help the Promised Al-Mahdi <sup>M.A.H.H.A</sup> in last days.

**Keywords:** The Shii'a Savior, The Christian Savior, The return of Jesus A.S., The Savior Typology.



## An Investigation on the Similarities of the Function of the Promised Government in Shii'a and Yahud

*Saiedeh Muein Najafabadi*

The ideal society or the Promised Government of the last days, is one of the common concepts that has been paid attention to by different religions. One can find a lot of subjects on the quality of the Appearance of the Promised Government, and the specialties of that time in the text of these religions and schools. In this subject, the two schools, namely, the shii'a and Yahud, have their stands; and have studied it from different aspects. In this investigation, has been tried to check the process of the future Promised Government in more realistic form and based on today's structures. And also we tried to compare the two schools in this regard; so that one can see the similarities between the two schools.

**Keywords:** The Promised Government, Shii'a. Mashih, The Function, Yahud

## An Investigation on the New Movement of the Pretender for Being Yamani (Ahmad al-Hasan)

*Heydari*

The colonialism takes benefits from different ways for its dominance over the Islamic countries. Sometimes with its physical presence and sometimes with misusing the beliefs of the people of the very country; for example, in Iraq, the colonialism, took benefits from the people's belief in Mahdaviyyat. And made false Yamani by bringing in a person called Ahmad al-Hasan. In this article, after having an investigation on traditions about Yamani and after reviewing the claims and the beliefs of Ahmad al-Hasan; we have shown the contradictions in his claims and beliefs with the traditions. And the basic faults in this movement are given. At the end, based on the traditions, the best way to the felicity is introduced by referring to the divine sage.

**Keywords:** Yamani, Ahmad al-Hasani, Colonialism, Ba'si, Signs



## Content

- **An Investigation and Analyzing of Reasoning on Miracle on the Imam of the Saint of the Age**  
Ali Rabbani Golpaygani
- **The Knowledge-letter of the Ale-Yasin Series of Prayers**  
Rohullah Shadedi, Dr. Seyyed Es-hagh Husseine Kohsari
- **The Personal Characteristics of Imam Mahdi <sup>M.A.H.H.A.</sup> in Series of Prayers**  
Seyyed Mojtaba Ma'navi
- **A Research on the Faraj Prayer ( Elahi Azomal Bala )**  
Zahra Banoyadi
- **A typology comparison on the Promised <sup>M.A.H.H.A.</sup> in Christianity and Shii'a**  
Musa JavanShir
- **An Investigation on the Similarities of the Function of the Promised Government in Shii'a and Yahud**  
Saiedeh Muein Najafabadi
- **An Investigation on the New Movement of the Pretender for Being Yamani( Ahmad al-Hasan)**  
Heydari



# ***Entizar-e-Moud (aj)*** **[Awaiting the Promised]**

**Scholarly – Specialized Quarterly**  
**Vol. ۱۱, No. ۳۴, Spring ۱۳۹۰**

***Specialized Center for Mahdaviat Studies***  
***Islamic Seminary of Qom***

**Managing Director: *Mohsen Gharaati***  
**Chief Editor: *Rohollah shakeri zavardehi***

***Entizar- Moud*** [Awaiting the Promised] **Quarterly**, issued by the Cultural Institute of the Promised Mahdy (may God hasten his reappearance), is the first academic journal in the field of the ***Mahdiism***, with the following aims:

- Dissemination of the culture of the Mahdiism
- Elucidation of the status of the Mahdiism in Islamic studies.
- Introducing the most important researches and researchers in the Mahdiism field.

Opinions expressed in this journal are those of the authors and do not necessarily reflect the views of the Institute.

A paper which is submitted for publication must be double spaced and on one side of the paper. Length should be ۱۵ to ۲۵ pages for articles.



سال یازدهم / شماره ۳۴ / بهار ۱۳۹۰

## هزینه اشتراک در سال ۱۳۹۰

پیشتاز (ریال)	سفارشی (ریال)	پست عادی (ریال)	نوع درخواستی
۲۰۰۰۰ + ۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰ + ۱۵۰۰۰	۲۰۰۰۰ + ۲۰۰۰	تک شماره
۸۰۰۰۰ + ۸۰۰۰۰	۸۰۰۰۰ + ۶۰۰۰۰	۸۰۰۰۰ + ۸۰۰۰	دوره یک ساله

### نحوه پرداخت:

وجه اشتراک را به حساب سیبا (۰۱۰۵۶۴۱۹۳۴۰۰۹) بانک ملی شعبه حجتیه قم کد ۲۷۱۱ به نام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با این فرم به نشانی ذیل ارسال یا فاکس نمایید.

قم / فیابان شهدا (صفائیه)، کوچه شما (۲۲ه) (آمار)، بن بست شهید علیان،

مرکز تفصی مهدویت (صندوق پستی ۱۱۹/۳۷۱۳۵) - فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰ - تلفن: ۷۸۳۳۷۷۰



### یادآوری:

از ارسال وجه نقد به نشانی مرکز خودداری فرمایید. در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را به این مرکز اطلاع دهید. تعداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص نمایید.



### فرم اشتراک فصلنامه علمی - تفصی انتظار موعود علیه السلام

نام خانوادگی ..... نام ..... میزان تحصیلات .....

شغل ..... نشانی .....

کد پستی ..... تلفن .....

تعداد درخواستی ..... شروع اشتراک از شماره .....

مبلغ پرداختی .....

تک شماره های .....

نوع درخواست حواله .....

کد اشتراک ..... نوع درخواست:  پست عادی  سفارشی  پیشتاز

محل امضاء